

در مورد الگوی MVVM پیشتر دو مطلب در این سایت منتشر شده‌اند: [+](#) و [+](#).
مشکل عمده‌ای هم که در مورد این الگو وجود دارد کمبود منابع آموزشی آن به زبان ساده است. هر چند این الگو از طرف خود
مایکروسافت ارائه شده اما همانند ASP.Net MVC به آن پر و بال ندادند و شاهد چند ده کتاب منتشر شده در مورد آن نیستیم.
به همین جهت خلاصه‌ای چند قسمتی را در این مورد تهیه کرده‌ام که در طی روزهای آتی ارائه خواهند شد.

فهرست قسمت اول:

M-V-VM چیست؟

آشنایی با اجزای مختلف الگوی M-V-VM

مزایای استفاده از الگوی M-V-VM

اصول کاری و باید‌ها و نبایدهای الگوی M-V-VM

باید‌ها و نبایدهای یک View

باید‌ها و نبایدهای ViewModel

باید‌ها و نبایدهای Model

مروری بر معایب الگوی M-V-VM

[دریافت قسمت اول](#)

[لینک کمکی دریافت این سری](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: reza khanmirzaee
تاریخ: ۱۳:۴۵:۲۴ ۱۳۸۹/۰۲/۰۱

این الگو فقط در wpf و silverlight استفاده می شود درسته؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۴:۱۰:۱۴ ۱۳۸۹/۰۲/۰۱

به دلیل قابلیت های binding پیشرفته ی WPF و Silverlight، الگوی MVVM بیشتر با این دو فناوری سازگار است؛ هر چند محدودیتی هم برای استفاده از آن در سایر حالات نیست.

نویسنده: hossein
تاریخ: ۱۲:۰۱:۴۰ ۱۳۸۹/۱۰/۲۴

نماد لینک هاتون رو فیلتر کردن

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۲:۰۴:۲۸ ۱۳۸۹/۱۰/۲۴

اخیرا کل دامین box.net رو فیلتر کردن (به همراه تمام زیر مجموعه ها). هر از چندگاهی این اتفاق میفته بعد از مدتی درست میشه!

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۴:۵۱:۲۶ ۱۳۸۹/۱۰/۲۴

آدرس دیگری برای دریافت تمام قسمت ها: [\(+\)](#)

عنوان: آشنایی با الگوی M-V-VM - قسمت دوم

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۳۸۹/۰۲/۰۲ ۰۰:۰۵:۰۰

آدرس: www.dotnettips.info

برچسب‌ها: MVVM

در این قسمت، یک مثال ساده، بدون استفاده از فریم ورک‌های متداول M-V-VM بررسی شده است. در قسمت‌های بعدی با یک سری از فریم ورک‌های موجود آشنا خواهیم شد.

فهرست مطالب:

فصل 2- معرفی مثالی مقدماتی از پیاده سازی الگوی M-V-VM در WPF

مقدمه

ساختار پوشه‌های یک برنامه‌ی MVVM

معرفی برنامه‌ی فصل

مدل برنامه

View برنامه

ViewModel برنامه

[دریافت قسمت دوم](#)

[دریافت مثال قسمت دوم](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: mohammad

تاریخ: ۱۶:۴۵:۳۶ ۱۳۸۹/۰۵/۰۶

اول اینکه واقعا دستتون درد نكنه ،وبلاگ بسيار خوبي دارين.
و اما در مثالی که آوردین اگر رکوردی select نشه برنامه error میده .پس باید متد canexecute در کلاس DoDecreaseCommand بار اول false برگردونه ولی canexecute فقط یکبار توسط دکمه مورد نظر فراخونی میشه.
این مشکل رو چطور باید رفع کرد که در ضمن موقعی که age>60 شد هم کلید غیر فعال شه

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۸:۵۵:۳۲ ۱۳۸۹/۰۵/۰۶

- بله. اینجا یک بررسی نال بودن آیتم انتخاب شده باید قبل از کم و زیاد کردن مقادیر اضافه شود.
- دو breakpoint داخل هر دو متد CanExecute موجود قرار دهید. خواهید دید که به ازای هر بار کلیک بر روی دکمه‌های متناظر (افزایش یا کاهش)، متد CanExecute مرتبط هم در ابتدا یکبار فراخوانی می‌شود.
- غیرفعال کردن خودکار دکمه را من در این مثال ابتدایی پیاده سازی نکردم و مرتبط است با EventHandler تعریف شده‌ای به نام CanExecuteChanged. اگر CanExecuteChanged در متدهای CanExecute صدا زده شود این غیر فعال سازی هم رخ خواهد داد.
این مثال رو بر اساس توضیحات ذکر شده به روز کردم و از اینجا قابل دریافت است:

<http://www.box.net/shared/zc271myvku>

+ کلا در مورد روش‌های بهتر Model Validation در قسمت پنجم بیشتر بحث شده است. همچنین در قسمت‌های بعد این کلاس‌های خام مشتق شده از ICommand با نمونه‌های بهتر جایگزین می‌شوند (DelegateCommand و یا RelayCommand).

عنوان:	آشنایی با الگوی M-V-VM - قسمت سوم
نویسنده:	وحید نصیری
تاریخ:	۱۳۸۹/۰۲/۰۳ ۰۰:۰۸:۰۰
آدرس:	www.dotnettips.info
گروه‌ها:	MVVM

در این قسمت، WPF MVVM Toolkit میکروسافت به صورت کامل بررسی شده است (دریافت، نصب، ارائه یک مثال به همراه توضیحات و ایجاد آزمون‌های واحد).

فهرست مطالب:

فصل 3- آشنایی با WPF MVVM Toolkit

مقدمه

نصب WPF Model-View-ViewModel Toolkit

معرفی برنامه‌ی فصل

داده‌های برنامه

مدل برنامه

ViewModel برنامه

View برنامه

افزودن Command به برنامه

ایجاد آزمون‌های واحد

[دریافت قسمت سوم](#)

[دریافت مثال قسمت سوم](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: غلامرضا ربال
تاریخ: ۱۹:۴۷ ۱۳۹۴/۰۲/۲۷

با سلام.

آیا میتوان از messenger موجود در MVVM Light Toolkit برای ارسال پیغام بین چند App در حال اجرا هم استفاده کرد؟ یا فقط هدف ارسال پیغام بین View و ViewModel میباشد؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۲۰:۴ ۱۳۹۴/۰۲/۲۷

- کار messenger صرفاً برقراری ارتباط بین دو یا چند ViewModel است؛ در یک AppDomain. از آن جهت ارسال پارامتر و اطلاعات، از یک ViewModel به ViewModel ایی دیگر استفاده می‌شود. مزیت آن عدم ارجاع مستقیم به یک ViewModel در ViewModel ایی دیگر است (مفهوم loose coupling).
- View اطلاعات خودش را به ViewModel از طریق Binding دو طرفه و همچنین Commands ارسال می‌کند.

عنوان: آشنایی با الگوی M-V-VM - قسمت چهارم
نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۲/۰۴ ۰۰:۰۴:۰۰
آدرس: www.dotnettips.info
برچسب‌ها: MVVM

در این قسمت، MVVM Light Toolkit مورد بررسی قرار گرفته است (دریافت، نصب، به همراه ارائه 4 مثال جهت معرفی توانمندی‌های آن)

فهرست مطالب:

فصل 4- آشنایی با MVVM Light Toolkit
سایر کتابخانه‌ها و Framework های موجود MVVM
نصب قالب‌های MVVM Light Toolkit مخصوص VS.Net 2008
نصب قالب‌های MVVM Light Toolkit مخصوص VS.Net 2010
نصب Code Snippets مجموعه MVVM Light Toolkit در VS.Net 2008/2010
نصب فایل‌های باینری کتابخانه‌ی MVVM Light Toolkit
نصب قالب‌های MVVM Light Toolkit مخصوص Expression Blend
بررسی صحت نصب کتابخانه‌ی MVVM Light Toolkit
استفاده از Code Snippets نصب شده
مثال اول - بررسی RelayCommand
مثال دوم - بررسی Messenger
مثال سوم - بررسی Blendability
مثال چهارم - بررسی EventToCommand

[دریافت قسمت چهارم](#)

[دریافت مثال‌های قسمت چهارم](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: رضا

تاریخ: ۱۷:۵۷ ۱۳۹۱/۰۷/۱۱

سلام. من توی پروژه WPF ام از MVVM Light استفاده کردم. سوالی که داشتم اینه که کی و کجا باید Messenger رو Unregister کرد (به دلیل اینکه باعث Memory Leak نشه و هم اینکه یک Action چندین بار صدا زده نشود)?

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۹:۱۲ ۱۳۹۱/۰۷/۱۱

هر زمان که به آن‌ها نیازی نداشتید (اتمام کار مورد نظر، بسته شدن یک پنجره و امثال آن)، حذفشان کنید تا ارجاع به متدهای ثبت شده توسط آن‌ها از بین برود و GC بتواند کارش را انجام دهد. برای مثال در زمان بسته شدن یک پنجره (این مورد تمام ارجاعات تعریف شده توسط پنجره جاری را یکجا حذف می‌کند):

```
Messenger.Default.Unregister(this);
```


در این قسمت قصد داریم از امکانات جدید اعتبار سنجی تعریف شده در فضای نام استاندارد System.ComponentModel.DataAnnotations استفاده نمائیم. از سیلورلایت سه به بعد امکان استفاده از این فضای نام به سادگی در برنامه‌های سیلورلایت میسر است (همچنین در برنامه‌های ASP.Net MVC)؛ اما برای کار با آن در WPF نیاز به تعدادی متد کمکی می‌باشد...

فهرست مطالب:

فصل 5- تعیین اعتبار ورودی کاربر و الگوی MVVM

مقدمه

معرفی برنامه فصل

مدل برنامه‌ی فصل

ViewModel برنامه فصل

View برنامه فصل

[دریافت قسمت پنجم](#)

[دریافت مثال قسمت پنجم](#)

تعدادی از منابع و مآخذ مورد استفاده در این سری:

1.

[Model-View-ViewModel \(MVVM\) Explained](#)

2.

[Model View ViewModel](#)

3.

[DataModel-View-ViewModel pattern](#)

4.

[Minute Overview of MVVM in Silverlight 5](#)

5.

[A Field Guide to WPF Presentation Patterns](#)

6.

[An attempt at simple MVVM with WPF](#)

7.

[WPF: If Heineken did MVVM Frameworks Part 1 of n](#)

8.

[Modal dialogs with MVVM and Silverlight 4](#)

9.

[How do I do... With the Model-View-ViewModel pattern](#)

10.

[Intro to WPF MVVM](#)

11.

[Introduction to MVVM pattern in WPF](#)

12.

[Learning WPF M-V-VM](#)

13.

[Binding Combo Boxes in WPF with MVVM](#)

14.

[Model-View-ViewModel Pattern](#)

15.

[Unit Testable WCF Web Services in MVVM and Silverlight 4](#)

16.

[MVVM Part 1: Overview](#)

17.

[?Which came first, the View or the Model](#)

18.

[Stackoverflow's questions tagged with MVVM](#)

19.

[WPF: MVVM \(Model View View-Model\) Simplified](#)

20.

[WPF and MVVM tutorial 01, Introduction](#)

21.

[?...WPF patterns : MVC, MVP or MVVM or](#)

22.

[Silverlight, MVVM and Validation Part III](#)

23.

['DotNetKicks.com - Stories recently tagged with 'MVVM](#)

24.

[DotNetShoutout - Stories tagged with MVVM](#)

25.

[MVVM Light Toolkit](#)

26.

[MVVM screen casts](#)

27.

[What's new in MVVM Light V3](#)

28.

[Using RelayCommand in Silverlight 3 and WPF](#)

29.

[WPF Apps With The Model-View-ViewModel Design Pattern](#)

30.

[WPF MVVM and Showing Dialogs](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: sAeid

تاریخ: ۱۴:۳۳:۴۳ ۱۳۸۹/۰۲/۰۴

با سلام

ممنون از مطالب جالب تون در این که بطور کلی در سایت هست و مخصوص در باره MVVM می خواستم تشکر کنم که فایل ها رو بصورت PDF قرار دادید و خواهش کنم اگر امکان دارد مطالب مربوط به NHibernate رو هم لطف کنید و بصورت PDF قرار بدهید چون من مشکل پرینت و مطالعه این مطالب رو داشتم می دونم کار وقت گیری هست اما زکات علم نشر آن است یک دنیا تشکر سعید محمدهاشم

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۴:۴۱:۲۷ ۱۳۸۹/۰۲/۰۴

سلام

ممنون. برای پرینت می‌تونید از فایل chm قرار داده شده (خلاصه وبلاگ، منوی سمت راست بالای سایت) هم استفاده کنید.

نویسنده: C# Builder

تاریخ: ۲۰:۱۱:۳۳ ۱۳۸۹/۰۴/۱۴

بسیار بسیار مفید بود با تشکر فراوان

نویسنده: داود رضانی

تاریخ: ۱۲:۰۳:۱۷ ۱۳۸۹/۰۹/۱۸

لطفا این آموزش رو ادامه بدید

نویسنده: رضا

تاریخ: ۱۱:۴۵ ۱۳۹۱/۰۷/۰۸

آقای نصیری من با توجه به مطالب این فصل یک سوال داشتم: وقتی ما از Entity Framework Code First استفاده میکنیم، و تمام کلاس‌های مربوطه را داخل یک پروژه دیگر به اسم DAL قرار میدهیم، روش درست این است که به ازای هر موجودیت یک کلاس دیگر ساخته و INotifyPropertyChanged و ... را در آن پیاده سازی کنیم؟ به عنوان مثال وقتی کلاس Code First ما Customer می‌باشد ما یک کلاس دیگر مثلاً به اسم CustomerModel بسازیم (برای پیاده سازی INotifyPropertyChanged و IDataErrorInfo و ...) و بعد هنگام انجام عملیات (ثبت و ویرایش و حذف) این دو کلاس رو به هم Map کنیم؟ ممنون.

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۱:۵۶ ۱۳۹۱/۰۷/۰۸

دو نوع کلاس اینجا وجود دارند:

domain models : کلاس‌های معادل جداول و موجودیت‌های بانک اطلاعاتی

viewmodels : مقصود از این viewmodel ها، کلاس مدل معادل عناصر بصری UI است و منظور viewmodel تعریف شده در MVVM نیست که دقیقاً معادل Controller در MVC است.

بنابراین اگر domain model شما با مدل معادل view یکی است، همه رو یکجا هم می‌تونید تعریف کنید ولی عموماً این‌ها یکی

نیستند. بنابراین نیاز است بین این دو فرق گذاشت و در صورت نیاز نگاشت لازم را انجام داد.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۲۰ ۹:۴۲

[لینک کمکی](#) دریافت این سری

مقدمات راهنمای (Navigation) در سیلورلایت را در اینجا می‌توانید مطالعه نمایند: [+](#)
مطلبی را که در فصل فوق نخواهید یافت در مورد نحوه‌ی بکارگیری الگوی MVVM جهت پیاده‌سازی Navigation در یک برنامه‌ی سیلورلایت است؛ علت آن هم به این بر می‌گردد که این فصل پیش از مباحث Binding مطرح شد.

صورت مساله:

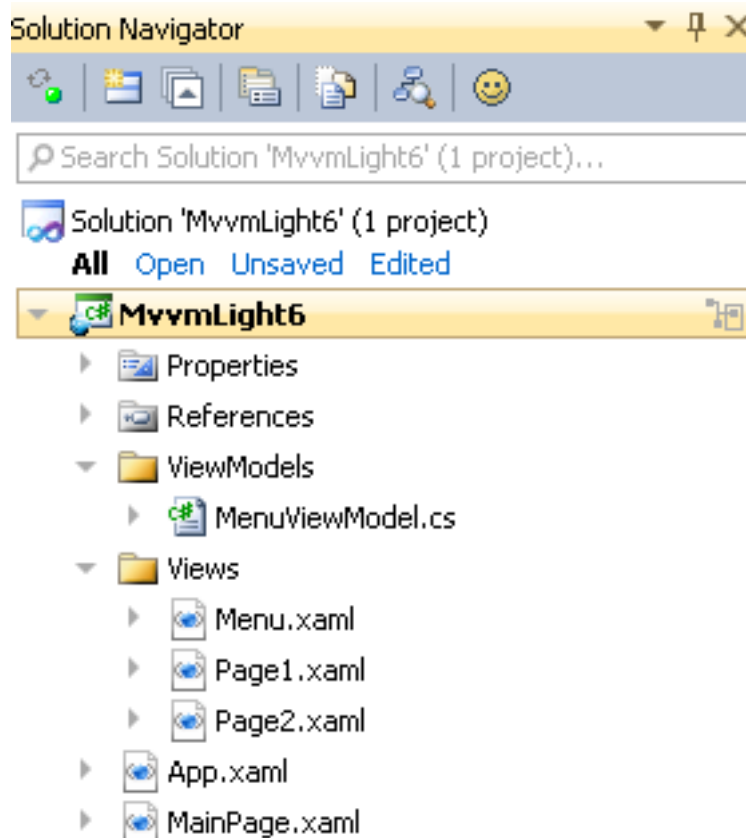
یکی از اصول MVVM این است که در ViewModel نباید ارجاعی از View وجود داشته باشد (ViewModel باید در بی‌خبری کامل از وجود اشیاء UI و ارجاع مستقیم به آن‌ها طراحی شود)، اما برای پیاده‌سازی مباحث Navigation نیاز است به نحوی به شیء Frame قرار داده شده در صفحه‌ی اصلی یا قالب اصلی برنامه دسترسی یافت تا بتوان درخواست رهنمون شدن به صفحات مختلف را صادر کرد. اکنون چکار باید کرد؟

راه حل:

یکی از راه‌های جالبی که برای این منظور وجود دارد استفاده از امکانات کلاس Messenger مجموعه‌ی MVVM Light toolkit است. از طریق ViewModel برنامه، آدرس صفحه‌ی مورد نظر را به صورت یک پیغام به View مورد نظر ارسال می‌کنیم و سپس View برنامه که به این پیغام‌ها گوش فرا می‌دهد، پس از دریافت آدرس مورد نظر، نسبت به فراخوانی تابع Navigate شیء Frame رابط کاربری برنامه اقدام خواهد کرد. به این صورت ViewModel برنامه به View خود جهت اعمال راهنمای برنامه، گره نخواهد خورد.

روش پیاده‌سازی:

ابتدا ساختار پروژه را در نظر بگیرید (این شکل دگرگون شده‌ی Solution explorer مرتبط است با [productivity tools](#) نصب شده):



در پوشه‌ی Views ، دو صفحه اضافه شده‌اند که توسط user control ایی به نام menu لیست شده و راهنمای خواهند شد. مونتاژ نهایی هم در MainPage.xaml صورت می‌گیرد.
کدهای XAML مرتبط با منوی ساده برنامه به شرح زیر هستند (Menu.xaml) :

```
<UserControl x:Class="MvvmLight6.Views.Menu"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
    xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
    xmlns:vm="clr-namespace:MvvmLight6.ViewModels" mc:Ignorable="d"
    FlowDirection="RightToLeft" d:DesignHeight="300" d:DesignWidth="400">
    <UserControl.Resources>
        <vm:MenuViewModel x:Key="vmMenuViewModel" />
    </UserControl.Resources>
    <StackPanel DataContext="{Binding Source={StaticResource vmMenuViewModel}}">
        <HyperlinkButton Content="صفحه یک" Margin="5"
            Command="{Binding DoNavigate}"
            CommandParameter="/Views/Page1.xaml"
            />
        <HyperlinkButton Content="صفحه دو" Margin="5"
            Command="{Binding DoNavigate}"
            CommandParameter="/Views/Page2.xaml"
            />
    </StackPanel>
</UserControl>
```

کدهای ViewModel مرتبط با این View که کار Command گردانی را انجام خواهد داد به شرح زیر است:

```
using GalaSoft.MvvmLight.Command;
using GalaSoft.MvvmLight.Messaging;

namespace MvvmLight6.ViewModels
```

```
{
public class MenuViewModel
{
    public RelayCommand<string> DoNavigate { set; get; }

    public MenuViewModel()
    {
        DoNavigate = new RelayCommand<string>(doNavigate);
    }

    private static void doNavigate(string url)
    {
        Messenger.Default.Send(url, "MyNavigationService");
    }
}
}
```

تمام آیتم‌های منوی فوق یک روال را صدا خواهند زد : DoNavigate . تنها تفاوت آن‌ها در CommandParameter ارسالی به RelayCommand ما است که حاوی آدرس قرارگیری فایل‌های صفحات تعریف شده است. این آدرس‌ها با کمک امکانات کلاس Messenger مجموعه‌ی MVVM light toolkit به View اصلی برنامه ارسال می‌گردند. کدهای XAML مرتبط با MainPage.xaml به شرح زیر هستند:

```
<UserControl x:Class="MvvmLight6.MainPage"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
    xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
    xmlns:sdk="clr-namespace:System.Windows.Controls;assembly=System.Windows.Controls.Navigation"
    xmlns:usr="clr-namespace:MvvmLight6.Views"
    mc:Ignorable="d" d:DesignHeight="300" d:DesignWidth="400">
    <Grid x:Name="LayoutRoot" Background="White">
        <Grid.ColumnDefinitions>
            <ColumnDefinition Width="*" />
            <ColumnDefinition Width="268" />
        </Grid.ColumnDefinitions>
        <usr:Menu Grid.Column="1" />
        <sdk:Frame Margin="5"
            Name="frame1"
            HorizontalContentAlignment="Stretch"
            VerticalContentAlignment="Stretch"
            Grid.Column="0" />
    </Grid>
</UserControl>
```

و کار دریافت پیغام‌ها (یا همان آدرس صفحات جهت انجام راهنبری) و عکس العمل نشان دادن به آن‌ها توسط کدهای ذیل صورت خواهد گرفت:

```
using System;
using GalaSoft.MvvmLight.Messaging;

namespace MvvmLight6
{
    public partial class MainPage
    {
        public MainPage()
        {
            registerMessenger();
            InitializeComponent();
        }

        private void registerMessenger()
        {
            Messenger.Default.Register<string>(this, "MyNavigationService", doNavigate);
        }

        private void doNavigate(string uri)
        {
            frame1.Navigate(new Uri(uri, UriKind.Relative));
        }
    }
}
```



```
}  
}
```

ابتدا یک Messenger در اینجا رجیستر می‌شود و سپس به ازای هر بار دریافت پیغامی با token مساوی MyNavigationService ،
متد doNavigate فراخوانی خواهد گردید.
کدهای این مثال را [از اینجا](#) می‌توانید دریافت کنید.

نظرات خوانندگان

نویسنده: iMAN
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۵/۰۸ ۲۳:۳۵:۳۰

سلام آقای نصیری
جا داره یک خسته نباشید بهتون بگم، من واقعاً از آموزش های MVVM شما استفاده کردم و از این بابت از شما ممنونم.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۵/۰۸ ۲۳:۴۵:۱۸

لطف دارید. سلامت باشید.

نویسنده: mohammad
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۶/۲۰ ۱۱:۱۲:۴۴

با سلام من یک سوالی در باره RelayCommand دارم من از وی استفاده می کنم و زمان استفاده از RelayCommand اون رو نمی شناسه میشه بگین تو چه namespace هست

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۶/۲۰ ۱۷:۴۰:۲۲

ارجاعی را به اسمبلی های MVVM Light toolkit اضافه کنید.

نویسنده: Meysam
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۶/۲۰ ۲۱:۰۹:۳۶

سلام
چطوری یک Concrete Class رو از یک صفحه به یک صفحه دیگه پاس بدم؟(با استفاده از این الگو یا هر روش دیگه)

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۶/۲۰ ۲۱:۴۰:۱۰

یک روش : برای پاس دادن یک وهله از یک کلاس به کلاسی دیگه در Silverlight یا WPF (مثلا در حین Navigation) می تونید از امکانات کلاس Messenger مجموعه ی MVVM Light toolkit استفاده کنید.
توضیحات مرتبط با هر کدام در جزوه MVVM (برای WPF) یا کتاب Silverlight منتشر شده موجود است.
مثال فوق هم به همین ترتیب یک رشته را از یک کلاس به کلاس دیگه پاس داده است.

نویسنده: Meysam
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۶/۲۰ ۲۲:۱۵:۵۷

صورت مسئله اینجور هستش که ، یک صفحه دارم که از Frame برای راهنبری استفاده میکنه(بدون هیچگونه کتابخونه ای و با استفاده از الگوی MVVM) ، به این صورت که متد Navigate فریم مربوطه به یک Func در یک VM وصل شده که در Command یک دکمه آنرا فراخوانی میکند. در واقع هیچ اختیاری بین اشیا VM ندارم!

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۶/۲۰ ۲۳:۰۸:۵۹

این هم خوبه؛ شبیه به ارسال اطلاعات به کمک یک delegate یا event . از سر ناچاری!

- ضمناً MVVM Light toolkit سورس باز است. کلاس Messenger آن را جدا کنید و استفاده کنید (اگر از کل آن نمی‌خواهید استفاده کنید).

یک روش هم اینجا دیدم که خیلی جالب است:

<http://forums.silverlight.net/forums/p/198684/463126.aspx>

از NavigateUri یک HyperlinkButton استفاده کرده. فقط UriMapper را هم تنظیم کرده برای زیبایی کار. (نیاز به هیچ کتابخانه جانبی هم ندارد. نیازی به دخالت MVVM هم ندارد. و مهم‌تر از همه، نیازی به کد نویسی هم اصلاً ندارد).

ولی برای پاس دادن یک وهله از صفحه جاری به صفحه بعد (مثل لینک داخل صفحات وب)، کلاس Messenger واقعا تر و تمیز و عالی است. (نیازی هم به استفاده از کوثری استرینگ یا هر روش دیگری نیست)

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۶/۲۰ ۲۳:۱۴:۳۶

علاوه بر این‌ها برای انتقال وهله از MEF هم می‌شود استفاده کرد (managed extensibility framework)، که می‌تواند singleton باشد یا به ازای هر بار استفاده وهله سازی شود. (در موردش قبلاً مطلب نوشتم در سایت)

نویسنده: farbod
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۸/۰۹ ۲۳:۲۱:۰۲

از زحمتی که برای مجموعه آموزشی سیلورلایت کشیدید واقعا متشکرم.

تا صحبت از گزارشگیری به میان بیاید احتمالا معرفی ابزارهای تجاری مانند Reporting services ، کریستال ریپورت ، fast-report.com ، stimulsoft.com و امثال آن در صدر لیست توصیه کنندگان و مشاوران قرار خواهند داشت. اما خوب برای ایجاد یک گزارشگیری ساده حتما نیازی نیست تا به این نوع ابزارهای تجاری مراجعه کرد. ابزار رایگان و سورس باز جالبی هم در این باره جهت پروژه‌های WPF در دسترس است:

[Open-Source .NET WPF Reporting Engine](#)

در ادامه در طی یک مثال قصد داریم از این کتابخانه استفاده کنیم:

1) تنظیم وابستگی‌ها

پس از دریافت کتابخانه فوق، ارجاعات زیر باید به پروژه شما اضافه شوند:
CodeReason.Reports.dll (از پروژه فوق) و ReachFramework.dll (جزو اسمبلی‌های استاندارد دات نت است)

2) تهیه منبع داده گزارش

کتابخانه‌ی فوق به صورت پیش فرض با DataTable کار می‌کند. بنابراین کوئری‌های شما یا باید خروجی DataTable داشته باشد یا باید از یک سری extension methods برای تبدیل IEnumerable به DataTable استفاده کرد (در پروژه پیوست شده در پایان مطلب، این موارد موجود است).
برای مثال فرض کنید می‌خواهیم رکوردهایی را از نوع کلاس Product زیر در گزارش نمایش دهیم:

```
namespace WpfRptTests.Model
{
    public class Product
    {
        public string Name { set; get; }
        public int Price { set; get; }
    }
}
```

3) تعریف گزارش

الف) اضافه کردن فایل تشکیل دهنده ساختار و ظاهر گزارش

گزارش‌های این کتابخانه مبتنی است بر اشیاء FlowDocument استاندارد WPF. بنابراین از منوی پروژه گزینه‌ی Add new item در قسمت WPF آن یک FlowDocument جدید را به پروژه اضافه کنید (باید دقت داشت که Build action این فایل باید به Content تنظیم گردد). ساختار ابتدایی این FlowDocument به صورت زیر خواهد بود که به آن FlowDirection و FontFamily مناسب جهت گزارشات فارسی اضافه شده است. همچنین فضای نام مربوط به کتابخانه‌ی گزارشگیری CodeReason.Reports نیز باید اضافه گردد.

```
<FlowDocument xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    FlowDirection="RightToLeft" FontFamily="Tahoma"
    xmlns:xrd="clr-namespace:CodeReason.Reports.Document;assembly=CodeReason.Reports"
    PageHeight="29.7cm" PageWidth="21cm" ColumnWidth="21cm">

</FlowDocument>
```

مواردی که در ادامه ذکر خواهند شد محتوای این گزارش را تشکیل می‌دهند:
(ب) مشخص سازی خواص گزارش

```
<xrd:ReportProperties>
  <xrd:ReportProperties.ReportName>SimpleReport</xrd:ReportProperties.ReportName>
  <xrd:ReportProperties.ReportTitle>گزارش از محصولات</xrd:ReportProperties.ReportTitle>
</xrd:ReportProperties>
```

در اینجا ReportName و ReportTitle باید مقدار دهی شوند (دو dependency property که در کتابخانه‌ی CodeReason.Reports تعریف شده‌اند)

(ج) مشخص سازی Page Header و Page Footer
اگر می‌خواهید عباراتی در بالا و پایین تمام صفحات گزارش تکرار شوند می‌توان از SectionReportHeader و SectionReportFooter این کتابخانه به صورت زیر استفاده کرد:

```
<xrd:SectionReportHeader PageHeaderHeight="2" Padding="10,10,10,0" FontSize="12">
  <Table CellSpacing="0">
    <Table.Columns>
      <TableColumn Width="*" />
      <TableColumn Width="*" />
    </Table.Columns>
    <TableRowGroup>
      <TableRow>
        <TableCell>
          <Paragraph>
            <xrd:InlineContextValue PropertyName="ReportTitle" />
          </Paragraph>
        </TableCell>
        <TableCell>
          <Paragraph TextAlignment="Right">
            <xrd:InlineDocumentValue PropertyName="PrintDate" Format="dd.MM.yyyy HH:mm:ss" />
          </Paragraph>
        </TableCell>
      </TableRow>
    </TableRowGroup>
  </Table>
</xrd:SectionReportHeader>

<xrd:SectionReportFooter PageFooterHeight="2" Padding="10,0,10,10" FontSize="12">
  <Table CellSpacing="0">
    <Table.Columns>
      <TableColumn Width="*" />
      <TableColumn Width="*" />
    </Table.Columns>
    <TableRowGroup>
      <TableRow>
        <TableCell>
          <Paragraph>
            نام کاربر:
            <xrd:InlineDocumentValue PropertyName="RptBy" Format="dd.MM.yyyy HH:mm:ss" />
          </Paragraph>
        </TableCell>
        <TableCell>
          <Paragraph TextAlignment="Right">
            صفحه
            <xrd:InlineContextValue PropertyName="PageNumber" FontWeight="Bold" /> از
            <xrd:InlineContextValue PropertyName="PageCount" FontWeight="Bold" />
          </Paragraph>
        </TableCell>
      </TableRow>
    </TableRowGroup>
  </Table>
</xrd:SectionReportFooter>
```

دو نکته در اینجا حائز اهمیت هستند: xrd:InlineContextValue و xrd:InlineDocumentValue
را می‌توان در کدهای برنامه به صورت سفارشی اضافه کرد. بنابراین هر جایی که نیاز بود مقدار ثابتی از

طریق کد نویسی به گزارش تزریق و اضافه شود می‌توان از `InlineDocumentValue` استفاده کرد. برای مثال در کدهای `ViewModel` برنامه که در ادامه ذکر خواهد شد دو مقدار `PrintDate` و `RptBy` به صورت زیر تعریف و مقدار دهی شده‌اند:

```
data.ReportDocumentValues.Add("PrintDate", DateTime.Now);
data.ReportDocumentValues.Add("RptBy", "وحید");
```

برای مشاهده مقادیر مجاز مربوط به `InlineContextValue` به فایل `ReportContextValueType.cs` سورس کتابخانه مراجعه کنید که شامل `PageNumber`, `PageCount`, `ReportName`, `ReportTitle` است و توسط `CodeReason.Reports` به صورت پویا تنظیم خواهد شد.

(د) مشخص سازی ساختار تولیدی گزارش

```
<Section Padding="80,10,40,10" FontSize="12">
  <Paragraph FontSize="24" TextAlignment="Center" FontWeight="Bold">
    <xrd:InlineContextValue PropertyName="ReportTitle" />
  </Paragraph>
  <Paragraph TextAlignment="Center">
    گزارش از لیست محصولات در تاریخ:
    <xrd:InlineDocumentValue PropertyName="PrintDate" Format="dd.MM.yyyy HH:mm:ss" />
    توسط:
    <xrd:InlineDocumentValue PropertyName="RptBy" Format="dd.MM.yyyy HH:mm:ss" />
  </Paragraph>
  <xrd:SectionDataGroup DataGroupName="ItemList">
    <Table CellSpacing="0" BorderBrush="Black" BorderThickness="0.02cm">
      <Table.Resources>
        <!-- Style for header/footer rows. -->
        <Style x:Key="headerFooterRowStyle" TargetType="{x:Type TableRowGroup}">
          <Setter Property="FontWeight" Value="DemiBold"/>
          <Setter Property="FontSize" Value="16"/>
          <Setter Property="Background" Value="LightGray"/>
        </Style>

        <!-- Style for data rows. -->
        <Style x:Key="dataRowStyle" TargetType="{x:Type TableRowGroup}">
          <Setter Property="FontSize" Value="12"/>
        </Style>

        <!-- Style for data cells. -->
        <Style TargetType="{x:Type TableCell}">
          <Setter Property="Padding" Value="0.1cm"/>
          <Setter Property="BorderBrush" Value="Black"/>
          <Setter Property="BorderThickness" Value="0.01cm"/>
        </Style>
      </Table.Resources>

      <Table.Columns>
        <TableColumn Width="0.8*" />
        <TableColumn Width="0.2*" />
      </Table.Columns>
      <TableRowGroup Style="{StaticResource headerFooterRowStyle}">
        <TableRow>
          <TableCell>
            <Paragraph TextAlignment="Center">
              <Bold>نام محصول</Bold>
            </Paragraph>
          </TableCell>
          <TableCell>
            <Paragraph TextAlignment="Center">
              <Bold>قیمت</Bold>
            </Paragraph>
          </TableCell>
        </TableRow>
      </TableRowGroup>

      <TableRowGroup Style="{StaticResource dataRowStyle}">
        <xrd:TableRowForDataTable TableName="Product">
          <TableCell>
            <Paragraph>
              <xrd:InlineTableCellValue PropertyName="Name" />
            </Paragraph>
          </TableCell>
          <TableCell>
            <Paragraph TextAlignment="Center">
              <xrd:InlineTableCellValue PropertyName="Price" AggregateGroup="Group1" />
            </Paragraph>
          </TableCell>
        </xrd:TableRowForDataTable>
      </TableRowGroup>
    </Table>
  </xrd:SectionDataGroup>
</Section>
```

```

        </Paragraph>
    </TableCell>
</xrd:TableRowForDataTable>
</TableRowGroup>

<TableRowGroup Style="{StaticResource headerFooterRowStyle}">
    <TableRow>
        <TableCell>
            <Paragraph TextAlignment="Right">
                <Bold>جمع کل</Bold>
            </Paragraph>
        </TableCell>
        <TableCell>
            <Paragraph TextAlignment="Center">
                <Bold>
                    <xrd:InlineAggregateValue AggregateGroup="Group1"
                        AggregateValueType="Sum"
                        EmptyValue="0"
                        FontWeight="Bold" />

                </Bold>
            </Paragraph>
        </TableCell>
    </TableRow>
</TableRowGroup>

</Table>

<Paragraph TextAlignment="Center" Margin="5">
    در این گزارش
    <xrd:InlineAggregateValue AggregateGroup="Group1"
        AggregateValueType="Count"
        EmptyValue="هیچ"
        FontWeight="Bold" />
    محصول با جمع کل قیمت
    <xrd:InlineAggregateValue AggregateGroup="Group1"
        AggregateValueType="Sum"
        EmptyValue="0"
        FontWeight="Bold" />
    وجود دارند.
</Paragraph>
</xrd:SectionDataGroup>
</Section>

```

برای اینکه بتوان این قسمت‌ها را بهتر توضیح داد، نیاز است تا تصاویر مربوط به خروجی این گزارش نیز ارائه شوند:

گزارش از محصولات

23.10.2010 14:15:00

گزارش از محصولات

گزارش از لیست محصولات در تاریخ: 23.10.2010 14:15:00 توسط: وحید

نام محصول	قیمت
Product0	0
Product1	1
Product2	2
Product3	3
Product4	4
Product5	5

Product38	38
Product39	39

نام کاربر: وحید

صفحه 1 از 3

98	Product98
99	Product99
4950	جمع کل

در این گزارش 100 محصول با جمع کل قیمت 4950 وجود دارند.

در ابتدا توسط دو پاراگراف، عنوان گزارش و یک سطر زیر آن نمایش داده شده‌اند. بدیهی است هر نوع شیء و فرمت مجاز در FlowDocument را می‌توان در این قسمت نیز قرار داد.

سپس یک SectionDataGroup جهت نمایش لیست آیتم‌ها اضافه شده و داخل آن یک جدول که بیانگر ساختار جدول نمایش رکوردهای گزارش می‌باشد، ایجاد گردیده است.

سه TableRowGroup در این جدول تعریف شده‌اند.

TableRowGroup های اولی و آخری دو سطر اول و آخر جدول گزارش را مشخص می‌کنند (سطر عناوین ستون‌ها در ابتدا و سطر جمع کل در پایان گزارش)

از TableRowGroup میانی برای نمایش رکوردهای مرتبط با نام جدول مورد گزارشگیری استفاده شده است. توسط TableRowForDataTable آن نام این جدول باید مشخص شود که در اینجا همان نام کلاس مدل برنامه است. به کمک InlineTableCellValue، خاصیت‌هایی از این کلاس را که نیاز است در گزارش حضور داشته باشند، ذکر خواهیم کرد. نکته‌ی مهم آن AggregateGroup ذکر شده است. توسط آن می‌توان اعمال جمع، محاسبه تعداد، حداقل و حداکثر و امثال آن‌را که در فایل InlineAggregateValue.cs سورس کتابخانه ذکر شده‌اند، به فیلدهای مورد نظر اعمال کرد. برای مثال می‌خواهیم جمع کل قیمت را در پایان گزارش نمایش دهیم به همین جهت نیاز بود تا یک AggregateGroup را برای این منظور تعریف کنیم.

از این AggregateGroup در سومین TableRowGroup تعریف شده به کمک xrd:InlineAggregateValue جهت نمایش جمع نهایی استفاده شده است.

همچنین اگر نیاز بود در پایان گزارش اطلاعات بیشتری نیز نمایش داده شود به سادگی می‌توان با تعریف یک پاراگراف جدید، اطلاعات مورد نظر را نمایش داد.

4) نمایش گزارش تهیه شده

نمایش این گزارش بسیار ساده است. View برنامه به صورت زیر خواهد بود:

```
<Window x:Class="WpfRptTests.MainWindow"
  xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
  xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
  xmlns:c="clr-namespace:CodeReason.Reports.Controls;assembly=CodeReason.Reports"
  xmlns:vm="clr-namespace:WpfRptTests.ViewModel"
  Title="MainWindow" WindowState="Maximized" Height="350" Width="525">
  <Window.Resources>
    <vm:ProductViewModel x:Key="vmProductViewModel" />
  </Window.Resources>
  <Grid DataContext="{Binding Source={StaticResource vmProductViewModel}}">
    <c:BusyDecorator IsBusyIndicatorHidden="{Binding RptGuiModel.IsBusyIndicatorHidden}">
      <DocumentViewer Document="{Binding RptGuiModel.Document}" />
    </c:BusyDecorator>
  </Grid>
</Window>
```

تعریف ابتدایی RptGuiModel به صورت زیر است (جهت مشخص سازی مقادیر IsBusyIndicatorHidden و Document در حین بایندینگ اطلاعات):

```
using System.ComponentModel;
using System.Windows.Documents;

namespace WpfRptTests.Model
```



```

{
    public class RptGuiModel
    {
        public IDocumentPaginatorSource Document { get; set; }
        public bool IsBusyIndicatorHidden { get; set; }
    }
}

```

و این View اطلاعات خود را از ViewModel زیر دریافت خواهد نمود:

```

using System;
using System.Collections.Generic;
using System.IO;
using System.Threading;
using CodeReason.Reports;
using WpfRptTests.Helper;
using WpfRptTests.Model;

namespace WpfRptTests.ViewModel
{
    public class ProductViewModel
    {
        #region Constructors (1)

        public ProductViewModel()
        {
            RptGuiModel = new RptGuiModel();
            if (Stat.IsInDesignMode) return;
            //انجام عملیات نمایش گزارش در یک ترد دیگر جهت قفل نشدن ترد اصلی برنامه/
            showReportAsync();
        }

        #endregion Constructors

        #region Properties (1)

        public RptGuiModel RptGuiModel { set; get; }

        #endregion Properties

        #region Methods (3)

        // Private Methods (3)

        private static List<Product> getProducts()
        {
            var products = new List<Product>();
            for (var i = 0; i < 100; i++)
                products.Add(new Product { Name = string.Format("Product{0}", i), Price = i });

            return products;
        }

        private void showReport()
        {
            try
            {
                //Show BusyIndicator
                RptGuiModel.IsBusyIndicatorHidden = false;

                var reportDocument =
                    new ReportDocument
                    {
                        XamlData = File.ReadAllText(@"Report\SimpleReport.xaml"),
                        XamlImagePath = Path.Combine(Environment.CurrentDirectory, @"Report\");
                    };

                var data = new ReportData();

                //تعریف متغیرهای دلخواه و مقدار دهی آنها
                data.ReportDocumentValues.Add("PrintDate", DateTime.Now);
                data.ReportDocumentValues.Add("RptBy", "وحید");

                // استفاده از یک سری اطلاعات آزمایشی به عنوان منبع داده
                data.DataTables.Add(getProducts().ToDataTable());

                var xps = reportDocument.CreateXpsDocument(data);
                //انقیاد آن به صورت غیر همزمان در ترد اصلی برنامه/
            }
            catch { }
        }
    }
}

```

```

        DispatcherHelper.DispatchAction(
            () => RptGuiModel.Document = xps.GetFixedDocumentSequence()
        );
    }
    catch (Exception ex)
    {
        //وجود این مورد ضروری است زیرا بروز استثناء در یک ترد به معنای خاتمه آنی برنامه است
        //todo: log errors
    }
    finally
    {
        //Hide BusyIndicator
        RptGuiModel.IsBusyIndicatorHidden = true;
    }
}

private void showReportAsync()
{
    var thread = new Thread(showReport);
    thread.SetApartmentState(ApartmentState.STA); //for DocumentViewer
    thread.Start();
}

#endregion Methods
}
}

```

توضیحات:

برای اینکه حین نمایش گزارش، ترد اصلی برنامه قفل نشود، از ترد استفاده شد و استفاده ترد به همراه DocumentViewer کمی نکته دار است:

- ترد تعریف شده باید از نوع STA باشد که در متد showReportAsync مشخص شده است.
- حین بایندینگ Document تولید شده توسط کتابخانه‌ی گزارشگیری به خاصیت Document کنترل، حتما باید کل عملیات در ترد اصلی برنامه صورت گیرد که سورس کلاس DispatcherHelper را در فایل پیوست خواهید یافت.

کل عملیات این ViewModel در متد showReport رخ می‌دهد، ابتدا فایل گزارش بارگذاری می‌شود، سپس متغیرهای سفارشی مورد نظر تعریف و مقدار دهی خواهند شد. در ادامه یک سری داده آزمایشی تولید و به DataTables گزارش ساز اضافه می‌شوند. در پایان XPS Document متناظر آن تولید شده و به کنترل نمایشی برنامه بایند خواهد شد.

[دریافت سورس این مثال](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: حسین مرادی نیا
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۸/۱۹ ۲۳:۰۸:۰۴

سلام

خسته نباشید

من احساس می کنم بهتر باشه از همان ابزارهای تجاری استفاده کرد. چون اگه در آینده نیاز باشه برنامه و گزارش مربوطه پیشرفته تر بشه و یا توسعه داده بشه بهتر میشه این کار رو انجام داد.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۸/۲۰ ۰۰:۱۵:۳۴

این پروژه در حال حاضر دو ایراد داره:

- سر ستونهای گزارشها در صفحات مختلف تکرار نمی شوند.
- امکان گروه بندی ندارد.

مشکل حاد دیگری من ندیدم.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۸/۲۴ ۱۳:۳۲:۰۲

اگر علاقمند به تهیه خروجی از این گزارشها باشید، کلاسهای تهیه خروجی PDF/PNG/XPS را اینجا آپلود کردم:

[\(+\)](#)

همچنین اگر مایل باشید که به کنترل DocumentViewer دکمههای دلخواه تهیه خروجی را اضافه کنید می توان از قالب زیر کمک گرفت:

[\(+\)](#)

عنوان: استفاده از کنترل‌های Active-X در WPF

نویسنده: وحید نصیری

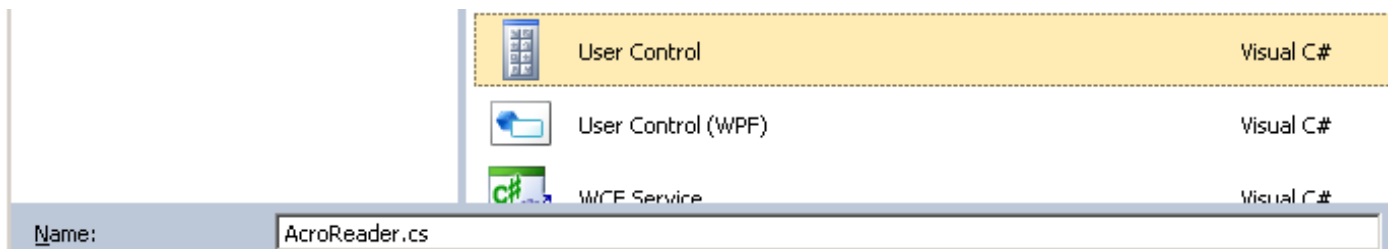
تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۰۸ ۰۰:۰۰:۰۰

آدرس: www.dotnettips.info

برچسب‌ها: MVVM

گاهی از اوقات شاید نیاز شود تا از یک کنترل Active-X در WPF استفاده شود؛ مثلاً هیچ نمایش دهنده‌ی PDF ایی را در ویندوز نمی‌توان یافت که امکانات و کیفیت آن در حد Acrobat reader و Active-X آن باشد. یک روش استفاده از آن‌را به کمک کنترل WebBrowser در WPF پیشتر در این سایت [مطالعه کرده‌اید](#). روش معرفی شده برای WinForm هم در WPF قابل استفاده است که در ادامه شرح آن خواهد آمد.

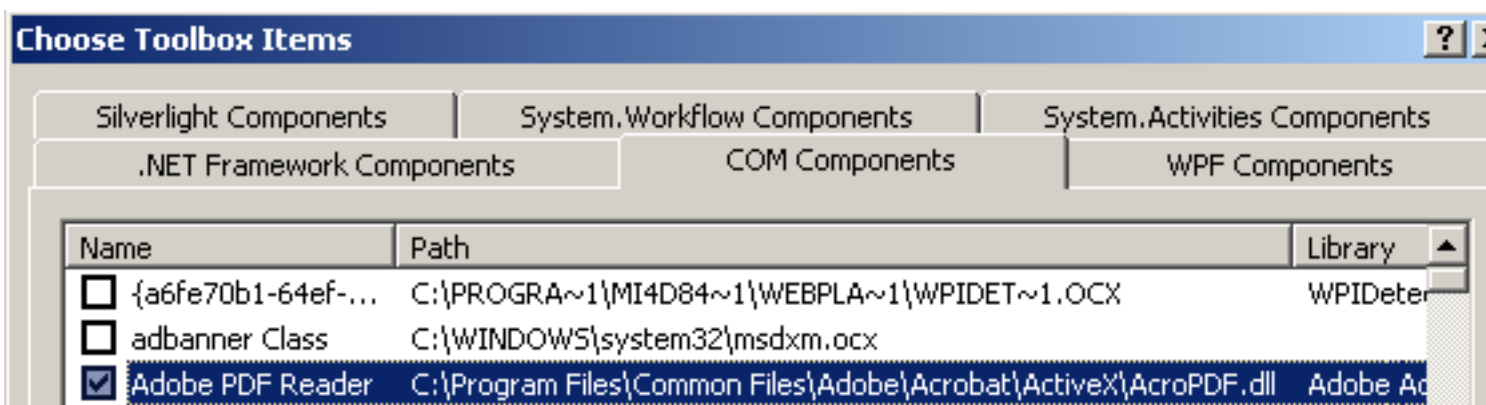
الف) بجای اضافه کردن یک User control مخصوص WPF یک user control از نوع WinForms را به یک پروژه WPF اضافه کنید.



سپس مراحل مشابهی را مانند حالت WinForms، باید طی کرد:

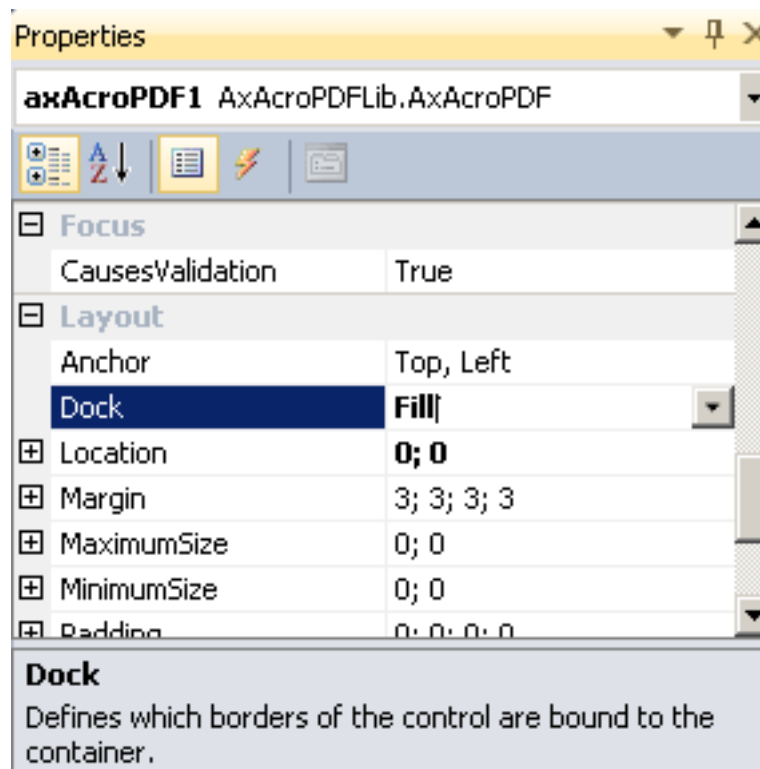
ب) در VS.NET از طریق منوی Tools گزینه‌ی Choose toolbox items، برگه‌ی Com components را انتخاب کنید.

ج) سپس گزینه‌ی Adobe PDF reader را انتخاب نمائید و بر روی دکمه‌ی OK کلیک کنید.



د) اکنون این کنترل جدید را بر روی فرم user control قسمت الف برنامه قرار دهید. به صورت خودکار COMReference های متناظر هم به پروژه اضافه می‌شوند.

پس از اینکه کنترل بر روی فرم قرار گرفت بهتر است به خواص آن مراجعه کرده و خاصیت Dock آن‌را با Fill مقدار دهی کرد تا کنترل به صورت خودکار در هر اندازه‌ای کل ناحیه‌ی متناظر را پوشش دهد.



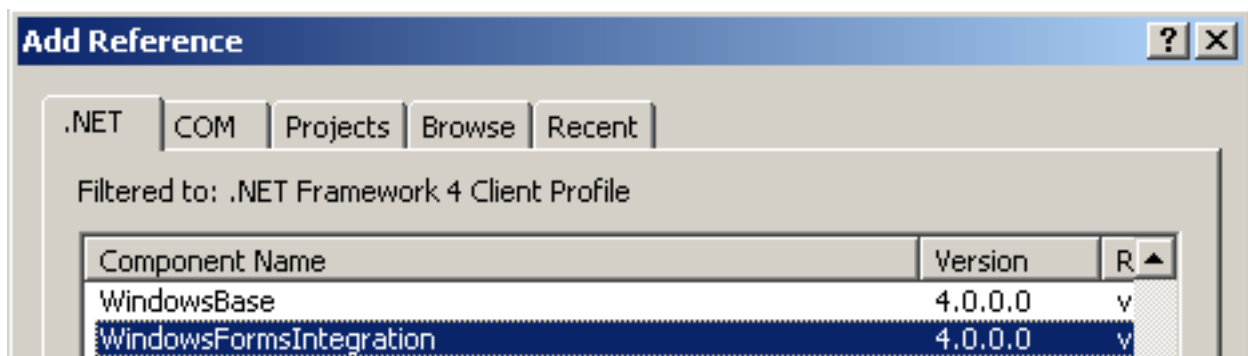
کدهای مرتبط با نمایش فایل PDF این کنترل هم به شرح زیر است:

```
using System.Windows.Forms;

namespace WpfPdfViewer.Controls
{
    public partial class AcroReader : UserControl
    {
        public AcroReader(string fileName)
        {
            InitializeComponent();
            ShowPdf(fileName);
        }

        public void ShowPdf(string fileName)
        {
            if (string.IsNullOrEmpty(fileName)) return;
            axAcroPDF1.LoadFile(fileName);
            axAcroPDF1.setShowToolbar(true);
            axAcroPDF1.Show();
        }
    }
}
```

خوب، ما تا اینجا یک کنترل Active-X را از طریق یک User controls مخصوص WinForms به پروژه‌ی WPF جاری اضافه کرده‌ایم. برای اینکه بتوانیم این کنترل را درون مثلاً یک User control از جنس WPF و XAML نمایش دهیم باید از کنترل WindowsFormsHost استفاده کرد. برای این منظور نیاز است تا ارجاعی را به اسمبلی WindowsFormsIntegration اضافه کنیم. پس از آن کنترل یاد شده قابل استفاده خواهد بود.



برای نمونه کدهای XAML پنجره اصلی برنامه می‌تواند به صورت زیر باشد:

```
<Window x:Class="WpfPdfViewer.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        Title="MainWindow" Height="350" Width="525">
    <Grid>
        <WindowsFormsHost x:Name="WindowsFormsHost1" />
    </Grid>
</Window>
```

سپس جهت استفاده از کنترل WindowsFormsHost خواهیم داشت:

```
using WpfPdfViewer.Controls;

namespace WpfPdfViewer
{
    public partial class MainWindow
    {
        public MainWindow()
        {
            InitializeComponent();
            WindowsFormsHost1.Child = new AcroReader(@"PageSummary.pdf");
        }
    }
}
```

فقط کافی است شیء Child این کنترل را با وهله‌ای از یوزرکنترل AcroReader اضافه شده به برنامه مقدار دهی کنیم.

سؤال: این روش زیاد MVVM friendly نیست. به عبارتی Child را نمی‌توان از طریق Binding مقدار دهی کرد. آیا راهی برای آن وجود دارد؟

پاسخ: بله. روش متداول برای حل این نوع مشکلات، نوشتن یک DependencyObject و Attached property مناسب می‌باشد که به آن‌ها Behaviors هم می‌گویند. برای مثال یک نمونه از این پیاده سازی را در ذیل مشاهده می‌کنید:

```
using System;
using System.Windows;
using System.Windows.Forms;
using System.Windows.Forms.Integration;

namespace WpfPdfViewer.Behaviors
{
    public class WindowsFormsHostBehavior : DependencyObject
```

```

{
    public static readonly DependencyProperty BindableChildProperty =
        DependencyProperty.RegisterAttached("BindableChild",
            typeof(Control),
            typeof(WindowsFormsHostBehavior),
            new UIPropertyMetadata(null, BindableChildPropertyChanged));

    public static Control GetBindableChild(DependencyObject obj)
    {
        return (Control)obj.GetValue(BindableChildProperty);
    }

    public static void SetBindableChild(DependencyObject obj, Control value)
    {
        obj.SetValue(BindableChildProperty, value);
    }

    public static void BindableChildPropertyChanged(DependencyObject o,
        DependencyPropertyChangedEventArgs e)
    {
        var windowsFormsHost = o as WindowsFormsHost;
        if (windowsFormsHost == null)
            throw new InvalidOperationException("This behavior can only be attached to a
WindowsFormsHost.");

        var control = (Control)e.NewValue;
        windowsFormsHost.Child = control;
    }
}

```

که نهایتاً برای استفاده از آن خواهیم داشت:

```

<WindowsFormsHost
    Behaviors:WindowsFormsHostBehavior.BindableChild="{Binding ...}" />

```

و در ViewModel برنامه هم مانند مثال فوق، فقط کافی است یک وهله از AcroReader new به این خاصیت قابل انقیاد از نوع Control، انتساب داده شود.

یا حتی می‌توان بجای نوشتن یک BindableChild، برای مثال مسیر فایل pdf را به DependencyObject تعریف شده ارسال کرد و سپس در همانجا این وهله سازی و انتسابات صورت گیرد (بجای ViewModel برنامه که اینبار فقط مسیر را تنظیم می‌کند).

مدتها از کلاس DelegateCommand معرفی شده [در این آدرس](#) استفاده می‌کردم. این کلاس یک مشکل جزئی دارد و آن هم عدم بررسی مجدد قسمت canExecute به صورت خودکار هست.

خلاصه‌ای برای کسانی که بار اول هست با این مباحث برخورد می‌کنند؛ یا MVVM به زبان بسیار ساده:

در برنامه نویسی متداول سیستم مایکروسافتی، در هر سیستمی که ایجاد کرده و در هر فناوری که ارائه داده از زمان VB6 تا امروز، شما روی یک دکمه مثلا دوبار کلیک می‌کنید و در فایل اصطلاحا code behind این فرم و در روال رخدادگردان آن شروع به کد نویسی خواهید کرد. این مورد تقریبا در همه جا صادق است؛ از WinForms تا WPF تا Silverlight تا حتی ASP.NET Webforms. به عمد هم این طراحی صورت گرفته تا برنامه نویسی‌ها در این محیط‌ها زیاد احساس غریبی نکنند. اما این روش یک مشکل مهم دارد و آن هم «توهم» جداسازی رابط کاربر از کدهای برنامه است. به ظاهر یک فایل فرم وجود دارد و یک فایل جدای code behind؛ اما در عمل هر دوی این‌ها یک partial class یا به عبارتی «یک کلاس» بیشتر نیستند. «فکر می‌کنیم» که از هم جدا شدند اما واقعا یکی هستند. شما در code behind صفحه به صورت مستقیم با عناصر رابط کاربری سروکار دارید و کدهای شما به این عناصر گره خورده‌اند.

شاید بپرسید که چه اهمیتی دارد؟

مشکل اول: امکان نوشتن آزمون‌ها واحد برای این متدها وجود ندارد یا بسیار سخت است. این متدها فقط با وجود فرم و رابط کاربری متناظر با آن‌ها هست که معنا پیدا می‌کنند و تک تک عناصر آن‌ها وهله سازی می‌شوند.

مشکل دوم: کد نوشته فقط برای همین فرم جاری آن قابل استفاده است؛ چون به صورت صریح به عناصر موجود در فرم اشاره می‌کند. نمی‌تونید این فایل code behind رو بردارید بدون هیچ تغییری برای فرم دیگری استفاده کنید.

مشکل سوم: نمی‌تونید طراحی فرم رو بدید به یک نفر، کد نویسی اون رو به شخصی دیگر. چون ایندو لازم و ملزوم یکدیگرند.

این سیستم کد نویسی دهه 90 است.

چند سالی است که طراحان سعی کرده‌اند این سیستم رو دور بزنند و روش‌هایی رو ارائه بدن که در آن‌ها فرم‌های برنامه و فایل‌های پیاده سازی کننده‌ی منطق آن هیچگونه ارتباط مستقیمی باهم نداشته باشند؛ به هم گره نخورده باشند؛ ارجاعی به هیچیک از عناصر بصری فرم را در خود نداشته باشند. به همین دلیل ASP.NET MVC به وجود آمده و در همان سال‌ها مثلا MVVM.

سؤال:

الان که رابط کاربری از فایل پیاده سازی کننده منطق آن جدا شده و دیگر Code behind هم نیست (همان partial class های متداول)، این فایل‌ها چطور متوجه می‌شوند که مثلا روی یک فرم، شی‌ای قرار گرفته؟ از کجا متوجه خواهند شد که روی دکمه‌ای کلیک شده؟ این‌ها که ارجاعی از فرم را در درون خود ندارند.

در الگوی MVVM این سیم کشی توسط امکانات قوی Binding موجود در WPF میسر می‌شود. در ASP.NET MVC چیزی شبیه به آن به نام Model binder و همان مکانیزم‌های استاندارد HTTP این کار رو می‌کنه. در MVVM شما بجای code behind خواهید داشت ViewModel (اسم جدید آن). در ASP.NET MVC این اسم شده Controller. بنابراین اگر این اسامی رو شنیدید زیاد تعجب نکنید. این‌ها همان Code behind قدیمی هستند اما ... بدون داشتن ارجاعی از رابط کاربری در خود که ... اطلاعات موجود در فرم به نحوی به آن‌ها Bind و ارسال می‌شوند.

این سیم کشی‌ها هم نامرئی هستند. یعنی فایل ViewModel یا فایل Controller نمی‌دونند که دقیقا از چه کنترلی در چه فرمی این اطلاعات دریافت شده.

این ایده هم جدید نیست. شاید بد نباشه به دوران طلایی Win32 برگردیم. همان توابع معروف [PostMessage](#) و [SendMessage](#) را به خاطر دارید؟ شما در یک ترد می‌تونید با مثلا PostMessage شی‌ای رو به یک فرم که در حال گوش فرا دادن به تغییرات است ارسال کنید (این سیم کشی هم نامرئی است). بنابراین پیاده سازی این الگوها حتی در Win32 و کلیه فریم ورک‌های ساخته شده بر

پایه آن‌ها مانند WinForms ، VB6 ، VCL و غیره ... «از روز اول» وجود داشته و می‌توانستند بعد از 10 سال نیا بگن که اون روش‌های RAD ایی رو که ما پیشنهاد دادیم، می‌شد خیلی بهتر از همان ابتدا، طور دیگری پیاده سازی بشه.

ادامه بحث!

این سیم کشی یا اصطلاحاً Binding ، در مورد رخدادها هم در WPF وجود داره و اینبار به نام Commands معرفی شده‌است. به این معنا که بجای اینکه بنویسید:

```
<Button Click="btnClick_Event">Last</Button>
```

بنویسید:

```
<Button Command="{Binding GoLast}">Last</Button>
```

حالا باید مکانیزمی وجود داشته باشه تا این پیغام رو به ViewModel برنامه برساند. اینکار با پیاده سازی اینترفیس ICommand قابل انجام است که معرفی یک کلاس عمومی از پیاده سازی آنرا در ابتدای بحث مشاهده نمودید. در یک DelegateCommand، توسط متد منتسب به executeAction، مشخص خواهیم کرد که اگر این سیم کشی برقرار شد (که ما دقیقاً نمی‌دانیم و نمی‌خواهیم که بدانیم از کجا و کدام فرم دقیقاً)، لطفاً این اعمال را انجام بده و توسط متد منتسب به canExecute به سیستم Binding خواهیم گفت که آیا مجاز هستی این اعمال را انجام دهی یا خیر. اگر این متد false برگرداند، مثلاً دکمه یاد شده به صورت خودکار غیرفعال می‌شود.

اما مشکل کلاس DelegateCommand ذکر شده هم دقیقاً همینجا است. این دکمه تا ابد غیرفعال خواهد ماند. در WPF کلاسی وجود دارد به نام CommandManager که حاوی متدی استاتیکی است به نام [InvalidateRequerySuggested](#). اگر این متد به صورت دستی فراخوانی شود، یکبار دیگر کلیه متدهای منتسب به تمام canExecute های تعریف شده، به صورت خودکار اجرا می‌شوند و اینجاست که می‌توان دکمه‌ای را که باید مجدداً بر اساس شرایط جاری تغییر وضعیت پیدا کند، فعال کرد. بنابراین فراخوانی متد InvalidateRequerySuggested یک راه حل کلی رفع نقیصه‌ی ذکر شده است. راه حل دومی هم برای حل این مشکل وجود دارد. می‌توان از رخدادگردان [RequerySuggested](#) CommandManager استفاده کرد. روال منتسب به این رخدادگردان هر زمانی که احساس کند تغییری در UI رخ داده، فراخوانی می‌شود. بنابراین پیاده سازی بهبود یافته کلاس DelegateCommand به صورت زیر خواهد بود:

```
using System;
using System.Windows.Input;

namespace MvvmHelpers
{
    // Ref.
    // - http://johnpapa.net/silverlight/5-simple-steps-to-commanding-in-silverlight/
    // - http://joshsmithonwpf.wordpress.com/2008/06/17/allowing-commandmanager-to-query-your-icommand-objects/
    public class DelegateCommand<T> : ICommand
    {
        readonly Func<T, bool> _canExecute;
        bool _canExecuteCache;
        readonly Action<T> _executeAction;

        public DelegateCommand(Action<T> executeAction, Func<T, bool> canExecute = null)
        {
            if (executeAction == null)
                throw new ArgumentNullException("executeAction");

            _executeAction = executeAction;
            _canExecute = canExecute;
        }

        public event EventHandler CanExecuteChanged

        {
            add { if (_canExecute != null) CommandManager.RequerySuggested += value; }
            remove { if (_canExecute != null) CommandManager.RequerySuggested -= value; }
        }
    }
}
```

```

    }
    public bool CanExecute(object parameter)
    {
        return _canExecute == null ? true : _canExecute((T)parameter);
    }
    public void Execute(object parameter)
    {
        _executeAction((T)parameter);
    }
}
}

```

استفاده از آن هم در ViewModel ساده است. یکبار خاصیتی به این نام تعریف می‌شود. سپس در سازنده کلاس مقدار دهی شده و متدهای متناظر آن تعریف خواهند شد:

```

public DelegateCommand<string> GoLast { set; get; }
//in ctor
GoLast = new DelegateCommand<string>(goLast, canGoLast);
private bool canGoLast(string data)
{
    //ex.
    return ListViewGuiData.CurrentPage != ListViewGuiData.TotalPage - 1;
}
private void goLast(string data)
{
    //do something
}

```

مزیت کلاس DelegateCommand جدید هم این است که مثلاً متد canGoLast فوق، به صورت خودکار با به روز رسانی UI، فراخوانی و تعیین اعتبار مجدد می‌شود.

نظرات خوانندگان

نویسنده: mohammad azad
تاریخ: ۱۷:۱۰:۴۷ ۱۳۹۰/۰۹/۱۹

سلام. این کلاس تفاوتی با کلاس RelayCommand داره؟ من از mvvmlight استفاده می کنم جالب اینجاست این بررسی خودکار canexecute رو در ورژن آخریش که البته بتا هست برداشته شایدم فراموش کرده!!!!

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۷:۲۱:۳۹ ۱۳۹۰/۰۹/۱۹

سلام؛ اگر از mvvm light استفاده می کنید نیازی به این نیست. البته به نظر من این فریم ورک های تهیه شده فقط یک جمع آوری مطلب از وب هستند. بنابراین بهتر است کمی هم با پشت صحنه این ها آشنا شد که چرا مثلا از CommandManager.RequerySuggested استفاده شده. چرا روش جان پاپا که ابتدای بحث مثال زدیم درست کار نمی کنه (حداقل برای WPF البته) یا مثلا متد CommandManager.InvalidateRequerySuggested چی هست و به چه علتی پیش بینی شده؟

نویسنده: mohammad azad
تاریخ: ۲۰:۱۴:۱۹ ۱۳۹۰/۰۹/۱۹

حق با شماست آقای نصیری. اما CommandManager.RequerySuggested تو آخریت نسخه mvvmlight استفاده نشده. البته نسخه 4.0 تا زمانی که من اطلاع داشتم نسخه بتا بود. برام جای سوال بود که تو ورژن های قبلی mvvmlight بود و بعد تو ورژن بالاتر حذف شد. البته شایدم فراموش شده یا هر چیز دیگه... سوالم هم این بود این کلاس با RelayCommand josh Smith چه فرقی داره؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۲۰:۵۵:۰۷ ۱۳۹۰/۰۹/۱۹

RelayCommand موجود در mvvm light دقیقا نسخه معادل mvvm foundation است (یا بود یک زمانی).

نویسنده: امیری
تاریخ: ۰۰:۰۷:۵۷ ۱۳۹۰/۰۹/۲۰

درود بر شما؛ در راستای فرمایشات شما، ویدیوهای زیر میتونه برای دوستان جالب باشه:

<http://channel9.msdn.com/posts/NYC-DevReady-MVVM-Session-2-of-5-Programming-with-MVVM-Part-1>

<http://channel9.msdn.com/posts/NYC-DevReady-MVVM-Session-3-of-5-Programming-with-MVVM-Part-2>

تو بخش اول مفصلا راجع به DelegateCommand بحث شده؛ پاینده باشید.

نویسنده: Arcabdelahi
تاریخ: ۱۳:۱۸:۴۴ ۱۳۹۰/۰۹/۲۰

بسیار عالی با تشکر از مطلب خوب شما که بسیار خوب توضیح داده اید.

نویسنده: mohsen bahrzadeh
تاریخ: ۰۰:۴۸:۰۱ ۱۳۹۰/۱۰/۰۵

راهی برای پیاده سازی این موضوع در سیلورلایت وجود دارد؟؟!!

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۰۱:۰۳:۳۹ ۱۳۹۰/۱۰/۰۵

در قسمت قبل

، فلسفه وجودی MVVM و MVC و امثال آن‌را به بیانی ساده مطالعه کردید. همچنین به اینجا رسیدیم که بجای نوشتن روال رخدادران، از Commands استفاده کنید. در این قسمت «تفکر MVVM ای» بررسی خواهد شد! بنابراین سطح این قسمت را هم مقدماتی در نظر بگیرید.

در سیستم متداول میکروسافتی ما همیشه یک فرم داریم به همراه یک سری کنترل. برای استفاده از این‌ها هم در فایل code behind فرم مرتبط، امکان دسترسی به این کنترل‌ها وجود دارد. مثلاً `textBox1.Text` یعنی ارجاعی مستقیم به شیء `textBox1` و سپس دسترسی به خاصیت متنی آن. «تفکر MVVM ای» می‌گه که: خیر! اینکار رو نکنید؛ ارجاع مستقیم به یک کنترل روش کار من نیست! فرم رو طراحی کنید؛ برای هیچکدام از کنترل‌ها هم نامی را مشخص نکنید (برخلاف رویه متداول). یک فایل درست کنید به نام `Model`، داخل آن معادل `textBox1.Text` را که می‌خواهید استفاده کنید، پیش بینی و تعریف کنید؛ مثلاً `Public string Name`. همین! ما نمی‌خواهیم بدانیم که اصلاً `textBox1` وجود خارجی دارد یا نه. ما فقط با خاصیت متنی آن که در ادامه نحوه‌ی سیم‌کشی آن‌را هم بررسی خواهیم کرد، کار داریم. بنابراین بجای اینکه بنویسید:

```
<TextBox Name="txtName" />
```

که ممکن است بعداً وسوسه شوید تا از `txtName.Text` آن استفاده کنید، بنویسید:

```
<TextBox Text="{Binding Name}" />
```

این مهم‌ترین قسمت «تفکر MVVM ای» به زبان ساده است. یعنی قرار است تا حد ممکن از Binding استفاده کنیم. مثلاً در قسمت قبل هم دیدید که بجای نوشتن روال رخدادران، فرمان مرتبط با آن‌را به جای دیگری Bind کردیم.

بنابراین تا اینجا `Model` ما به این شکل خواهد بود:

```
using System.ComponentModel;

namespace SL5Tests
{
    public class MainPageModel : INotifyPropertyChanged
    {
        string _name;
        public string Name
        {
            get { return _name; }
            set
            {
                if (_name == value) return;
                _name = value;
                raisePropertyChanged("Name");
            }
        }
    }
}
```

```
public event PropertyChangedEventHandler PropertyChanged;
void raisePropertyChanged(string propertyName)
{
    var handler = PropertyChanged;
    if (handler == null) return;
    handler(this, new PropertyChangedEventArgs(propertyName));
}
}
```

سؤال مهم:

تا اینجا یک فایل Model داریم که خاصیت Name در آن تعریف شده؛ یک فرم (View) هم داریم که فقط در آن نوشته شده Binding Name. الان این‌ها چطور به هم متصل خواهند شد؟

پاسخ: اینجا است که کلاس دیگری به نام ViewModel (همان فایل Code behind قدیمی است با این تفاوت که به هیچ فرم خاصی گره نخورده است و اصلاً نمی‌داند که در برنامه فرمی وجود دارد یا نه)، کار خودش را شروع خواهد کرد:

```
namespace SL5Tests
{
    public class MainPageViewModel
    {
        public MainPageModel MainPageModelData { set; get; }
        public MainPageViewModel()
        {
            MainPageModelData = new MainPageModel();
            MainPageModelData.Name = "Test1";
        }
    }
}
```

ما در این کلاس یک وهله از MainPageModel را ایجاد خواهیم کرد. اگر فرمی (که ما دقیقاً نمی‌دانیم کدام فرم) در برنامه نیاز به یک ViewModel بر اساس مدل یاد شده داشت، می‌تواند آن‌را مورد استفاده قرار دهد. مقدار دهی آن در ViewModel موجب مقدار دهی خاصیت Text در فرم مرتبط خواهد شد و برعکس (البته به شرطی که مدل ما INotifyPropertyChanged را پیاده سازی کرده باشد و در فرم برنامه Binding Mode دو طرفه تعریف شود).

در قسمت بعد هم کار اتصال نهایی صورت می‌گیرد:

ابتدا xmlns:VM تعریف می‌شود تا بتوان به ViewModel‌ها در طرف XAML دسترسی پیدا کرد. سپس در قسمت مثلاً UserControl.Resources، این ViewModel را تعریف کرده و به عنوان DataContext بالاترین شیء فرم مقدار دهی خواهیم کرد:

```
<UserControl x:Class="SL5Tests.MainPage"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
    xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
    xmlns:VM="clr-namespace:SL5Tests"
    mc:Ignorable="d" Language="fa"
    d:DesignHeight="300" d:DesignWidth="400">
    <UserControl.Resources>
        <VM:MainPageViewModel x:Name="vmMainPageViewModel" />
    </UserControl.Resources>
    <Grid DataContext="{Binding Source={StaticResource vmMainPageViewModel}}"
        x:Name="LayoutRoot"
        Background="White">
        <TextBox Text="{Binding
            MainPageModelData.Name,
            Mode=TwoWay,
            UpdateSourceTrigger=PropertyChanged}" />
    </Grid>
</UserControl>
```

اکنون اگر یک breakpoint روی این سطر Binding قرار دهیم و برنامه را اجرا کنیم، جزئیات این سیم کشی را در عمل بهتر می‌توان مشاهده کرد:

The screenshot shows the Visual Studio IDE with the XAML editor open. The XAML code is as follows:

```

12 <Grid DataContext="{Binding Source={StaticResource vmMainPageViewModel}}">
13     x:Name="LayoutRoot"
14     Background="White">
15     <TextBox Text="{Binding
16         MainPageModelData.Name,

```

The Locals window is open, showing the following variables and their values:

Name	Value
BindingState	{UpdatingTarget}
Action	UpdatingTarget
Binding	{System.Windows.Data.Binding}
BindingExpression	{System.Windows.Data.BindingExpression}
[System.Windows.Data.BindingExpression]	{System.Windows.Data.BindingExpression}
base	{System.Windows.Data.BindingExpression}
DataItem	{SL5Tests.MainPageViewModel}
MainPageModelData	{SL5Tests.MainPageModel}
_name	"Test1"
Name	"Test1"
PropertyChanged	{System.ComponentModel.PropertyChangedEventHandler}

البته این قابلیت قرار دادن breakpoint روی Binding‌های تعریف شده در View فعلاً به سیلورلایت 5 اضافه شده و هنوز در WPF موجود نیست.

حداقل مزیتی را که اینجا می‌توان مشاهده کرد این است که فایل MainPageViewModel چون نمی‌داند که قرار است در کدام View و هله سازی شود، به سادگی در View‌های دیگر نیز قابل استفاده خواهد بود یا تغییر و تعویض کلی View آن کار ساده‌ای است. Commanding قسمت قبل را هم اینجا می‌شود اضافه کرد. تعاریف DelegateCommand‌های مورد نیاز در ViewModel قرار می‌گیرند. مابقی عملیات تفاوتی نمی‌کند و یکسان است.

نظرات خوانندگان

نویسنده: hossein moradinia

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۱ ۱۲:۲۰:۱۳

کاملا واضح که الگوی MVVM برای جداسازی رابط کاربری نرم افزار (View) از مدل برنامه طراحی شده. همچنین میدونیم که الگویی به نام Repository وجود دارد که بر روی ORM برای مثال Entity Framework پیاده میشه و عملکرد این دو الگو متفاوت هست. مزایای استفاده از Repository هم که مشخصه...
حال سوال اینجاست که آیا میشه از این دو الگو در کنار هم استفاده کرد؟؟!!

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۱ ۱۲:۳۸:۰۲

بله. در همان ViewModel عنوان شده، الگوی مخزن را با توجه به وجود مثلاً شیء MainPageModelData فراخوانی و مقدار دهی کنید.

نویسنده: Ahmadxml

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۱ ۱۳:۲۸:۲۲

بسیار عالی و قابل فهم

نویسنده: alireza

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۱ ۱۹:۱۸:۴۷

سلام

تشکر از مطالب بسیار مفیدتون

من چندین ساله دارم برنامه نویسی میکنم و جدیدن با تکنولوژی WPF آشناشدم. متأسفانه هر مرجعی که برای یادگیری این اصول (MVVM, WPF, ...) که بکار بردم در اول کار مطالب خیلی پیش پا افتاده رو بیان میکنند و بدون گفتن پیش زمینه های لازم وارد مباحث بسیار سنگین میشن. که باعث میشه آموزنده از مطلب زده بشه. (یه جورایی هم احساس حقارت در مورد سواد کم خودش بهش دست بده) در هر صورت من علاقه بسیار زیادی به برنامه نویسی داشتم و دارم و خیلی دوست دارم با تکنولوژی های جدید بیشتر کار کنم و سبک کاریم رو بروز کنم. از شما که در این زمینه تجربه کافی دارین میخوام لطف کنین یک منبع و مرجع برای یادگیری این مباحث (مباحث جدید که یادگیریش واسه برنامه نویسی الان از نون شب واجب تره) چه فارسی چه انگلیسی معرفی کنین. لازم به ذکره که مطالب آموزشی که خود شما میذارید تقریباً از سواد الان من فراتر و خیلی از قسمت هاشو درک نمیکنم(که قطعاً به خاطر سواد کم من در این زمینه است).
پیشاپیش از لطفتون ممنونم.

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۱ ۱۹:۳۰:۱۳

پیشنیاز MVVM مباحث Binding در Silverlight و WPF است. یک کتاب فارسی رو در این زمینه در اینجا می‌تونید دریافت کنید:

(^)

مرتبط با سیلورلایت است اما ... مباحث کلی آن با WPF تفاوتی ندارد و اصول یکی است.

نویسنده: Alimomen54

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۶ ۱۳:۵۹:۳۵

سلام

از مطالب خوبتون تشکر می‌کنم. دیگه تقریباً مشتری ثابت و ساعتی سایتتون شدم.
wpf & mvvm هنوز تبدیل به یه ابزار کامل برای تولید یه برنامه کاربردی حرفه ای نشده. من پوستم کنده شد تا تونستم یه برنامه

کامل باهاش بنویسم. واسه ارتباطش با ssrs چه مشقاتی که نکشیدم.
ناچار شدم به فرم ویندوزی به برنامه اضافه کنم و گزارش را توی اون نمایش بدم.
راهم درسته فعلا؟ در نسخه 2011 فکری به حال این مشکل نشده؟
راستی چطور میشه توسط یه کلید و بدون نوشتن کد یه ویو جدید را نمایش داد. راهی برای بایند کردن کلید به ویو وجود داره.
بدون نوشتن Command ?

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۷:۱۴:۲۴ ۱۳۹۰/۰۹/۲۶

احتمالا این مطلب [راهبری](#) برای شما مفید باشد.

نویسنده: saman
تاریخ: ۲۳:۵۵ ۱۳۹۱/۰۴/۰۴

سلام. با تشکر از مطالب مفیدتون. راستش رو بخواین من نمیدونم باید اینجا سوالم رو مطرح کنم یا نه؟ چون تاپیک مرتبطتری پیدا نکردم.
من با الگوی MVVM کار میکنم. برای نمایش خطاهای اعتبارسنجی هم از IDataErrorInfo استفاده کردم.
مشکل من اینجاست که وقتی یک پروپرتی از نوع int رو به یکی از تکست باکسها بایند میکنم و میخوام که کاربر مقدار اون فیلد رو همیشه پر کنه یعنی nullable not هستش. وقتی متن داخل تکست باکس رو پاک میکنم بجای خطای در نظر گرفته شده براش عبارت زیر داخل tooltip نمایش داده میشه:
value "" could not be converted
ممنون میشم اگه راهنماییم کنین.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۰:۱۳ ۱۳۹۱/۰۴/۰۵

باید از ValidationRules استفاده کنید. مثلا: (^)

عنوان: MVVM و رویدادگردانی

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۳ ۱۹:۰۷:۰۰

آدرس: www.dotnettips.info

برچسب‌ها: MVVM

در دو [قسمت قبل](#) به اینجا رسیدیم که بجای شروع به کدنویسی مستقیم در code behind یک View (یک پنجره، یک user control ...)، کلاس مجزای دیگری را به نام ViewModel به برنامه اضافه خواهیم کرد و این کلاس از وجود هیچ فرمی در برنامه مطلع نیست.

بنابراین جهت انتقال رخدادها به ViewModel، بجای روش متداول تعریف روال‌های رخدادگردان در Code behind:

```
<Button Click="btnClick_Event">Last</Button>
```

آن‌ها را با Commands به ViewModel ارسال خواهیم کرد:

```
<Button Command="{Binding GoLast}">Last</Button>
```

همچنین بجای اینکه مستقیماً بخواهیم از طریق نام یک شیء به مثلاً خاصیت متنی آن دسترسی پیدا کنیم:

```
<TextBox Name="txtName" />
```

از طریق Binding، اطلاعات مثلاً متنی آن‌را به ViewModel منتقل خواهیم کرد:

```
<TextBox Text="{Binding Name}" />
```

و همینجا است که 99 درصد آموزش‌های MVVM موجود در وب به پایان می‌رسند؛ البته پس از مشاهده 10 تا 20 ویدیو و خواندن بیشتر از 30 تا مقاله! و اینجا است که خواهید گفت: فقط همین؟! با این‌ها میشه یک برنامه رو مدیریت کرد؟! البته همین‌ها برای مدیریت قسمت عمده‌ای از اکثر برنامه‌ها کفایت می‌کنند؛ اما خیلی از ریزه کاری‌ها وجود دارند که به این سادگی‌ها قابل حل نیستند و در طی چند مقاله به آن‌ها خواهیم پرداخت.

سؤال: در همین مثال فوق، اگر متن ورودی در TextBox تغییر کرد، چگونه می‌توان بلافاصله از تغییرات آن در ViewModel مطلع شد؟ قدیم‌ترها می‌شد نوشت:

```
<TextBox TextChanged="TextBox_TextChanged" />
```

اما الان که قرار نیست در code behind کد بنویسیم (تا حد امکان البته)، باید چکار کرد؟ پاسخ: امکان Binding به TextChanged وجود ندارد، پس آن‌را فراموش می‌کنیم. اما همان Binding معمولی را به این صورت هم می‌شود نوشت (همان مثال [قسمت قبل](#)):

```
<TextBox Text="{Binding
    MainPageModelData.Name,
    Mode=TwoWay,
    UpdateSourceTrigger=PropertyChanged}" />
```

و نکته مهم آن UpdateSourceTrigger است. اگر روی حالت پیش فرض باشد، ViewModel پس از تغییر focus از این TextBox به کنترلی دیگر، از تغییرات آگاه خواهد شد. اگر آنرا صریحا ذکر کرده و مساوی PropertyChanged قرار دهیم (این مورد در سیلورلایت 5 جدید است؛ هر چند از روز نخست WPF وجود داشته است)، با هر تغییری در محتوای TextBox، خاصیت MainPageModelData.Name به روز رسانی خواهد شد. اگر هم بخواهیم این تغییرات آنرا در ViewModel تحت نظر قرار دهیم، می‌توان نوشت:

```
using System.ComponentModel;

namespace SL5Tests
{
    public class MainPageViewModel
    {
        public MainPageModel MainPageModelData { set; get; }
        public MainPageViewModel()
        {
            MainPageModelData = new MainPageModel();
            MainPageModelData.Name = "Test1";
            MainPageModelData.PropertyChanged += MainPageModelDataPropertyChanged;
        }

        void MainPageModelDataPropertyChanged(object sender, PropertyChangedEventArgs e)
        {
            switch (e.PropertyName)
            {
                case "Name":
                    //do something
                    break;
            }
        }
    }
}
```

تعریف MainPageModel را در قسمت قبل مشاهده کرده‌اید و این کلاس اینترفیس INotifyPropertyChanged را پیاده سازی می‌کند. بنابراین می‌توان از رویدادگردان PropertyChanged آن در ViewModel هم استفاده کرد. به این ترتیب همان کار رویدادگردان TextChanged را اینطرف هم می‌توان شبیه سازی کرد و تفاوتی نمی‌کند. البته با این تفاوت که در ViewModel فقط به اطلاعات به روز موجود در MainPageModelData.Name دسترسی داریم، اما نمی‌دانیم و نمی‌خواهیم هم بدانیم که منبع آن دقیقا کدام شیء رابط کاربری برنامه است.

سؤال: ما قبلا مثلا می‌توانستیم بررسی کنیم که اگر کاربر حین تایپ در یک TextBox بر روی دکمه‌ی Enter کلیک کرد، آنگاه برای نمونه، جستجویی بر اساس اطلاعات وارد شده صورت گیرد. الان این فشرده شدن دکمه‌ی Enter را چگونه دریافت و چگونه به ViewModel ارسال کنیم؟

این مورد کمی پیشرفته‌تر از حالت‌های قبلی است. برای حل این مساله ابتدا باید UpdateSourceTrigger یاد شده را مساوی Explicit قرار داد. یعنی اینبار می‌خواهیم نحوه‌ی به روز رسانی خاصیت MainPageModelData.Name را از طریق Binding خودمان مدیریت کنیم. این مدیریت کردن هم با استفاده از امکاناتی به نام Attached properties قابل انجام است که به آن‌ها Behaviors هم می‌گویند. مثلا:

```
using System.Windows;
using System.Windows.Controls;
using System.Windows.Input;
```

```

namespace SL5Tests
{
    public static class InputBindingsManager
    {
        public static readonly DependencyProperty UpdatePropertySourceWhenEnterPressedProperty
            = DependencyProperty.RegisterAttached(
                "UpdatePropertySourceWhenEnterPressed",
                typeof(bool),
                typeof(InputBindingsManager),
                new PropertyMetadata(false,
                    OnUpdatePropertySourceWhenEnterPressedPropertyChanged));

        static InputBindingsManager()
        { }

        public static void SetUpdatePropertySourceWhenEnterPressed(DependencyObject dp, bool value)
        {
            dp.SetValue(UpdatePropertySourceWhenEnterPressedProperty, value);
        }

        public static bool GetUpdatePropertySourceWhenEnterPressed(DependencyObject dp)
        {
            return (bool)dp.GetValue(UpdatePropertySourceWhenEnterPressedProperty);
        }

        private static void OnUpdatePropertySourceWhenEnterPressedPropertyChanged(DependencyObject dp,
            DependencyPropertyChangedEventArgs e)
        {
            var txt = dp as TextBox;
            if (txt == null)
                return;

            if ((bool)e.NewValue)
            {
                txt.KeyDown += HandlePreviewKeyDown;
            }
            else
            {
                txt.KeyDown -= HandlePreviewKeyDown;
            }
        }

        static void HandlePreviewKeyDown(object sender, KeyEventArgs e)
        {
            if (e.Key != Key.Enter) return;

            var txt = sender as TextBox;
            if (txt == null)
                return;

            var binding = txt.GetBindingExpression(TextBox.TextProperty);
            if (binding == null) return;
            binding.UpdateSource();
        }
    }
}

```

تعریف Attached properties یک قالب استاندارد دارد که آن را در کد فوق ملاحظه می‌کنید. یک تعریف به صورت static و سپس تعریف متدهای Get و Set آن. با تغییر مقدار آن که اینجا از نوع bool تعریف شده، متد OnUpdatePropertySourceWhenEnterPressedPropertyChanged به صورت خودکار فراخوانی می‌شود. اینجا است که ما از طریق آرگومان dp به textBox جاری دسترسی کاملی پیدا می‌کنیم. مثلاً در اینجا بررسی شده که آیا کلید فشرده شده enter است یا خیر. اگر بله، یک سری فرامین را انجام بده. به عبارتی ما توانستیم، قطعه کدی را به درون شیءایی موجود تزریق کنیم. Txt تعریف شده در اینجا، واقعا همان کنترل TextBox ایی است که به آن متصل شده‌ایم.

و برای استفاده از آن خواهیم داشت:

```

<UserControl x:Class="SL5Tests.MainPage"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"

```

```

xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
xmlns:VM="clr-namespace:SL5Tests"
mc:Ignorable="d" Language="fa"
d:DesignHeight="300" d:DesignWidth="400">
<UserControl.Resources>
    <VM:MainPageViewModel x:Name="vmMainPageViewModel" />
</UserControl.Resources>
<Grid DataContext="{Binding Source={StaticResource vmMainPageViewModel}}">
    <x:Name="LayoutRoot"
        Background="White">
        <TextBox Text="{Binding
                                MainPageModelData.Name,
                                Mode=TwoWay,
                                UpdateSourceTrigger=Explicit}"
                                VerticalAlignment="Top"
                                VM:InputBindingsManager.UpdatePropertySourceWhenEnterPressed="True" />
    </Grid>
</UserControl>

```

همانطور که مشاهده می‌کنید، UpdateSourceTrigger به Explicit تنظیم شده و سپس InputBindingsManager.UpdatePropertySourceWhenEnterPressed به این کنترل متصل گردیده است. یعنی تنها زمانیکه در متد HandlePreviewKeyDown ذکر شده، متد UpdateSource فراخوانی گردد، خاصیت MainPageModelData.Name به روز رسانی خواهد شد (کنترل آنرا خودمان در دست گرفته‌ایم نه حالت‌های از پیش تعریف شده).

این روش، روش متداولی است برای تبدیل اکثر حالاتی که Binding و Commanding متداول در مورد آن‌ها وجود ندارد. مثلاً نیاز است focus را به آخرین سطر یک ListView از داخل ViewModel انتقال داد. در حالت متداول چنین امری میسر نیست، اما با تعریف یک Attached properties می‌توان به امکانات شیء ListView مورد نظر دسترسی یافت (به آن متصل شد، یا نوعی تزریق)، آخرین عنصر آنرا یافته و سپس focus را به آن منتقل کرد یا به هر اندیسی مشخص که بعداً در ViewModel به این Behavior از طریق Binding ارسال خواهد شد.

عنوان: استفاده از MVVM زمانیکه امکان Binding وجود ندارد

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۶ ۱۸:۴۱:۰۰

آدرس: www.dotnettips.info

برچسب‌ها: MVVM

ساده‌ترین تعریف MVVM، نهایت استفاده از امکانات Binding موجود در WPF و Silverlight است. اما خوب، همیشه همه چیز بر وفق مراد نیست. مثلاً کنترل WebBrowser را در WPF در نظر بگیرید. فرض کنید که می‌خواهیم خاصیت Source آن را در ViewModel مقدار دهی کنیم تا صفحه‌ای را نمایش دهد. بلافاصله با خطای زیر متوقف خواهیم شد:

```
A 'Binding' cannot be set on the 'Source' property of type 'WebBrowser'.  
A 'Binding' can only be set on a DependencyProperty of a DependencyObject.
```

بله! این خاصیت از نوع DependencyProperty نیست و نمی‌توان چیزی را به آن Bind کرد. بنابراین این نکته مهم را توسعه دهنده‌های کنترل‌های WPF و Silverlight همیشه باید بخاطر داشته باشند که اگر قرار است کنترل‌های شما MVVM friendly باشند باید کمی بیشتر زحمت کشیده و بجای تعریف خواص ساده دات‌نتی، خواص مورد نظر را از نوع DependencyProperty تعریف کنید.

الان که تعریف نشده چه باید کرد؟

پاسخ متداول آن این است: مهم نیست! خودمان می‌توانیم این کار را انجام دهیم! یک Attached property یا به عبارتی یک Behavior را تعریف و سپس به کمک آن عملیات Binding را میسر خواهیم ساخت. برای مثال:
در این Attached property قصد داریم یک خاصیت جدید به نام BindableSource را جهت کنترل WebBrowser تعریف کنیم:

```
using System;  
using System.Windows;  
using System.Windows.Controls;  
  
namespace WebBrowserSample.Behaviors  
{  
    public static class WebBrowserBehaviors  
    {  
        public static readonly DependencyProperty BindableSourceProperty =  
            DependencyProperty.RegisterAttached("BindableSource",  
                typeof(object),  
                typeof(WebBrowserBehaviors),  
                new UIPropertyMetadata(null, BindableSourcePropertyChanged));  
  
        public static object GetBindableSource(DependencyObject obj)  
        {  
            return (string)obj.GetValue(BindableSourceProperty);  
        }  
  
        public static void SetBindableSource(DependencyObject obj, object value)  
        {  
            obj.SetValue(BindableSourceProperty, value);  
        }  
  
        public static void BindableSourcePropertyChanged(DependencyObject o,  
            DependencyPropertyChangedEventArgs e)  
        {  
            WebBrowser browser = o as WebBrowser;  
            if (browser == null) return;  
  
            Uri uri = null;  
  
            if (e.NewValue is string)  
            {  
                var uriString = e.NewValue as string;  
                uri = string.IsNullOrEmpty(uriString) ? null : new Uri(uriString);  
            }  
            else if (e.NewValue is Uri)  
            {  
                uri = e.NewValue as Uri;  
            }  
            browser.Navigate(uri);  
        }  
    }  
}
```

```

        {
            uri = e.NewValue as Uri;
        }

        if (uri != null) browser.Source = uri;
    }
}

```

یک مثال ساده از استفاده‌ی آن هم به صورت زیر می‌تواند باشد:

ابتدا ViewModel مرتبط با فرم برنامه را تهیه خواهیم کرد. اینجا چون یک خاصیت را قرار است Bind کنیم، همینجا داخل ViewModel آن را تعریف کرده‌ایم. اگر تعداد آن‌ها بیشتر بود بهتر است به یک کلاس مجزا مثلاً GuiModel منتقل شوند.

```

using System;
using System.ComponentModel;

namespace WebBrowserSample.ViewModels
{
    public class MainWindowViewModel : INotifyPropertyChanged
    {
        Uri _sourceUri;
        public Uri SourceUri
        {
            get { return _sourceUri; }
            set
            {
                _sourceUri = value;
                raisePropertyChanged("SourceUri");
            }
        }

        public MainWindowViewModel()
        {
            SourceUri = new Uri(@"C:\path\arrow.png");
        }

        #region INotifyPropertyChanged Members
        public event PropertyChangedEventHandler PropertyChanged;
        void raisePropertyChanged(string propertyName)
        {
            var handler = PropertyChanged;
            if (handler == null) return;
            handler(this, new PropertyChangedEventArgs(propertyName));
        }
        #endregion
    }
}

```

در ادامه بجای استفاده از خاصیت Source که قابلیت Binding ندارد، از Behavior سفارشی تعریف شده استفاده خواهیم کرد.

ابتدا باید فضای نام آن تعریف شود، سپس BindableSource مرتبط آن در دسترس خواهد بود:

```

<Window x:Class="WebBrowserSample.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        xmlns:VM="clr-namespace:WebBrowserSample.ViewModels"
        xmlns:B="clr-namespace:WebBrowserSample.Behaviors"
        Title="MainWindow" Height="350" Width="525">
    <Window.Resources>
        <VM:MainWindowViewModel x:Key="vmMainWindowViewModel" />
    </Window.Resources>
    <Grid DataContext="{Binding Source={StaticResource vmMainWindowViewModel}}">
        <WebBrowser B:WebBrowserBehaviors.BindableSource="{Binding SourceUri}" />
    </Grid>
</Window>

```

نمونه مشابه این مورد را در مثال « [استفاده از کنترل‌های Active-X در WPF](#) » پیشتر در این سایت دیده‌اید.

نظرات خوانندگان

نویسنده: ZB

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۷ ۱۳:۱۴:۲۳

سلام آقای نصیری
سوالی داشتم از حضورتون. این لایه بندی که شما انجام میدین در برنامه هاتون بر چه اساسی هست؟ من این برنامه قرار دادن پست از گوگل پلاس رو گرفتم و دیدم که پروژه های زیادی داخلشه ممنون میشم بفرمایید هر کدوم رو به چه دلیلی گذاشتین با تشکر

نویسنده: ZB

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۷ ۱۳:۱۵:۱۴

منظورم اینه که لایه بندی شما یک جور MVVM گسترش یافته است؟

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۷ ۱۳:۴۳:۳۵

خیر. همان [MVVM](#) متداول است. زمانیکه شما با [MVVM](#) کار می کنید خودبخود به View های می رسید که خبری از وجود Code behind که در اینجا به آن ViewModel گفته می شود ندارند. بنابراین راحت می شود این ها را جدا کرد. همچنین ViewModel ها رو هم می شود جدا کرد در یک پروژه Class library دیگر. این یکی از اهداف [MVVM](#) است. اینکه راحت بشود طراحی رابط کاربری را از کدنویسی جدا کرد. حداقل دو نفر به صورت جداگانه بتوانند روی رابط کاربری و کد نویسی مرتبط با آن کار کنند بدون اینکه نگران باشند چیزی را به هم می ریزند.

نویسنده: ZB

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۷ ۱۴:۴۳:۲۷

ممنونم آقای نصیری میشه یک توضیح یک خطی راجع به هر کدوم از پروژه های اون سیستم بفرمایید؟ تریس کد تو MVVM ساخته و برای رسیدن به جریان کد خیلی باید وقت صرف کرد با تشکر

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۷ ۱۶:۲۸:۴۰

روال متداول پروژه های MVVM این است که سه پوشه به نام های ViewModel ، Model و Views در آن ها درست می شود. چون این ها با کمک این الگو از هم جدا می شوند، امکان قرار دادن آن ها در پروژه های Class library مجزا هم فراهم خواهد شد. روال من به این صورت است که Model و ViewModel را در یک پروژه جدید Class library به نام infrastructure قرار می دم. تمام View ها رو بجای یک پوشه در پروژه اصلی به یک Class library دیگر به نام Shell منتقل می کنم. Common هم یک سری کد خیلی عمومی مشترک است که عموماً در infrastructure استفاده می شود. خلاصه بجای سه تا پوشه در یک پروژه می شود سه تا پروژه Class library مجزا از هم داشت. به این ترتیب هم زمان کامپایل کاهش پیدا می کند چون اگر تمام این ها داخل یک پروژه باشد هر بار باید کامپایل شوند. همچنین این جداسازی نگهداری برنامه رو هم ساده تر می کنه چون هر قسمت به صورت مجزا و خیلی مشخص نگهداری میشه.

نویسنده: Z_farzani

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۷ ۱۹:۵۵:۱۰

ممنون خیلی لطف کردین

نویسنده: hossein moradinia

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۳۰ ۱۷:۳۹:۳۲

در برنامه های تجاری لازم است بعد از واکنشی داده ها از بانک اطلاعات ، محاسباتی بر روی این داده ها انجام شده و در نهایت اطلاعات جدید حاصل شده به صورت یک گزارش ، لیست نمودار و یا مواردی از این قبیل نمایش داده شود. سوال اینجاست که در یک برنامه سیلورلایت که با مدل MVVM توسعه یافته ، عملیاتهای محاسباتی برنامه در کدام بخش انجام میگردد.

لازم به ذکر است که در بعضی برنامه ها نیاز است قبل از ثبت اطلاعات در بانک نیز محاسباتی بر روی آنها انجام شده و سپس نتیجه حاصل شده در بانک قرار گیرد. حال این محاسبات کجای پروژه و در کدام لایه قرار میگیرند؟!

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۳۰ ۱۸:۵۰:۴۷

خارج از ViewModel . در اینجا ViewModel فقط مصرف کنندهی نهایی منطقی است که در جای دیگری از برنامه در لایه ای دیگر تهیه می شود.

نویسنده: hossein moradinia
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۰۱ ۲۰:۳۰:۳۲

مرسی
ولی روش درست پیاده سازی این موضوع برای من قدری مشکل است. از این نظر که پیاده سازی که انجام می شود فاقد استاندارد و الگوهای برنامه نویسی نباشد. در اهداف MVVM و جداسازی لایه های برنامه خللی وارد نکند. آیا نمونه هایی از چنین پیاده سازی هایی وجود دارد؟!!

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۰۱ ۲۱:۲۵:۴۷

مثلا: [MVVM Sample for WCF RIA Services](#)

عموما هنگام طراحی یک View، خیلی زود به حجم انبوهی از کدهای XAML خواهیم رسید. در ادامه بررسی خواهیم کرد که چطور می‌توان یک View را به چندین View خرد کرد، بدون اینکه نیازی باشد تا از چندین ViewModel (یا همان code behind عاری از ارجاعات بصری سابق قرار گرفته در یک پروژه جدای دیگر) استفاده شود و تمام این View های خرد شده هم تنها از یک وهله از ViewModel ایی خاص استفاده کنند و با اطلاعاتی یکپارچه سروکار داشته باشند؛ یا در عمل یکپارچه کار کنند. این مشکل از جایی شروع می‌شود که مثلا خرد کردن یک user control به چند یوزر کنترل، یعنی کار کردن با چند وهله از اشیایی متفاوت. هر چند نهایتا تمام این‌ها قرار است در یک صفحه در کنار هم قرار گیرند اما در عمل از هم کاملا مجزا هستند و اگر به ازای هر کدام یکبار ViewModel را وهله سازی کنیم، به مشکل برخورد؛ چون هر وهله نسبت به وهله‌ای دیگر ایزوله است. اگر در یکی Name مثلا Test بود در دیگری ممکن است مقدار پیش فرض نال را داشته باشد؛ چون با چند وهله از یک کلاس، در یک فرم نهایی سروکار خواهیم داشت.

ابتدا Model و ViewModel ساده زیر را در نظر بگیرید:

```
using System.ComponentModel;

namespace SplittingViewsInMvvm.Models
{
    public class GuiModel : INotifyPropertyChanged
    {
        string _name;
        public string Name
        {
            get { return _name; }
            set
            {
                _name = value;
                raisePropertyChanged("Name");
            }
        }

        string _lastName;
        public string LastName
        {
            get { return _lastName; }
            set
            {
                _lastName = value;
                raisePropertyChanged("LastName");
            }
        }

        #region INotifyPropertyChanged Members
        public event PropertyChangedEventHandler PropertyChanged;
        void raisePropertyChanged(string propertyName)
        {
            var handler = PropertyChanged;
            if (handler == null) return;
            handler(this, new PropertyChangedEventArgs(propertyName));
        }
        #endregion
    }
}
```

```
using SplittingViewsInMvvm.Models;

namespace SplittingViewsInMvvm.ViewModels
{
    public class MainViewModel
    {

```

```
public GuiModel GuiModelData { set; get; }

public MainViewModel()
{
    GuiModelData = new GuiModel();
    GuiModelData.Name = "Name";
    GuiModelData.LastName = "LastName";
}
}
```

سپس View زیر هم از این اطلاعات استفاده خواهد کرد:

```
<UserControl x:Class="SplittingViewsInMvvm.Views.Main"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
    xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
    mc:Ignorable="d"
    xmlns:VM="clr-namespace:SplittingViewsInMvvm.ViewModels"
    d:DesignHeight="300" d:DesignWidth="300">
    <UserControl.Resources>
        <VM:MainViewModel x:Key="vmMainViewModel" />
    </UserControl.Resources>
    <StackPanel DataContext="{Binding Source={StaticResource vmMainViewModel}}">
        <GroupBox Margin="2" Header="Group 1">
            <TextBlock Text="{Binding GuiModelData.Name}" />
        </GroupBox>
        <GroupBox Margin="2" Header="Group 2">
            <TextBlock Text="{Binding GuiModelData.LastName}" />
        </GroupBox>
    </StackPanel>
</UserControl>
```

اکنون فرض کنید که می‌خواهیم Group 1 و Group 2 را جهت مدیریت ساده‌تر View اصلی در دو user control مجزا قرار دهیم؛ مثلاً:

```
<UserControl x:Class="SplittingViewsInMvvm.Views.Group1"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
    xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
    mc:Ignorable="d"
    d:DesignHeight="300" d:DesignWidth="300">
    <Grid>
        <GroupBox Margin="2" Header="Group 1">
            <TextBlock Text="{Binding GuiModelData.Name}" />
        </GroupBox>
    </Grid>
</UserControl>
```

9

```
<UserControl x:Class="SplittingViewsInMvvm.Views.Group2"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
    xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
    mc:Ignorable="d"
    d:DesignHeight="300" d:DesignWidth="300">
    <Grid>
        <GroupBox Margin="2" Header="Group 2">
            <TextBlock Text="{Binding GuiModelData.LastName}" />
        </GroupBox>
    </Grid>
```

```
</UserControl>
```

اکنون اگر این دو را مجدداً در همان View اصلی ساده شده قبلی قرار دهیم (بدون اینکه در هر user control به صورت جداگانه data context را تنظیم کنیم):

```
<UserControl x:Class="SplittingViewsInMvvm.Views.Main"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
    xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
    mc:Ignorable="d"
    xmlns:V="clr-namespace:SplittingViewsInMvvm.Views"
    xmlns:VM="clr-namespace:SplittingViewsInMvvm.ViewModels"
    d:DesignHeight="300" d:DesignWidth="300">
    <UserControl.Resources>
        <VM:MainViewModel x:Key="vmMainViewModel" />
    </UserControl.Resources>
    <StackPanel DataContext="{Binding Source={StaticResource vmMainViewModel}}">
        <V:Group1 />
        <V:Group2 />
    </StackPanel>
</UserControl>
```

باز هم برنامه همانند سابق کار خواهد کرد و ViewModel وهله سازی شده در user control فوق به صورت یکسانی در اختیار هر دو View اضافه شده قرار می‌گیرد و نهایتاً یک View یکپارچه را در زمان اجرا می‌توان مورد استفاده قرار داد. علت هم بر می‌گردد به مقدار دهی خودکار هر DataContext View اضافه شده به بالاترین DataContext موجود در Visual tree که ذکر آن الزامی نیست:

```
<UserControl x:Class="SplittingViewsInMvvm.Views.Main"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
    xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
    mc:Ignorable="d"
    xmlns:V="clr-namespace:SplittingViewsInMvvm.Views"
    xmlns:VM="clr-namespace:SplittingViewsInMvvm.ViewModels"
    d:DesignHeight="300" d:DesignWidth="300">
    <UserControl.Resources>
        <VM:MainViewModel x:Key="vmMainViewModel" />
    </UserControl.Resources>
    <StackPanel DataContext="{Binding Source={StaticResource vmMainViewModel}}">
        <V:Group1 DataContext="{Binding}" />
        <V:Group2 DataContext="{Binding}" />
    </StackPanel>
</UserControl>
```

بنابراین به صورت خلاصه زمانیکه از MVVM استفاده می‌کنید لازم نیست کار خاصی را جهت خرد کردن یک View به چند Sub View انجام دهید! فقط این‌ها را در چند User control جدا کنید و بعد مجدداً به کمک فضای نامی که تعریف خواهد (مثلاً در اینجا) در همان View اصلی تعریف کنید. بدون هیچ تغییر خاصی باز هم برنامه همانند سابق کار خواهد کرد.

اگر ViewModel را همان فایل code behind عاری از ارجاعاتی به اشیاء بصری بدانیم، یک تفاوت مهم را علاوه بر مورد ذکر شده نسبت به Code behind متداول خواهد داشت: وهله سازی آن باید دستی انجام شود و خودکار نیست. اگر به ابتدای کلاس‌های code behind دقت کنید همیشه واژه‌ی partial قابل رویت است، به این معنا که این کلاس در حقیقت جزئی از همان کلاس متناظر با XAML ایی است که مشاهده می‌کنید؛ یا به عبارتی با آن یکی است. فقط جهت زیبایی یا مدیریت بهتر، در دو کلاس قرار گرفته‌اند اما واژه کلیدی partial این‌ها را نهایتاً به صورت یکسان و یکپارچه‌ای به کامپایلر معرفی خواهد کرد. بنابراین وهله سازی code behind هم خودکار خواهد بود و به محض نمایش رابط کاربری، فایل code behind آن هم وهله سازی می‌شود؛ چون اساساً و در پشت صحنه، از دیدگاه کامپایلر تفاوتی بین این دو وجود ندارد.

اکنون سؤال اینجا است که آیا می‌توان با ViewModel ها هم همین وهله سازی خودکار را به محض نمایش یک View متناظر، پیاده سازی کرد؟

البته صحیح آن این است که عنوان شود ViewModel متناظر با یک View و نه برعکس. چون روابط در الگوی MVVM از View به ViewModel به View است و نه حالت عکس؛ مدل نمی‌داند که ViewModel ایی وجود دارد. ViewModel هم از وجود View ها در برنامه بی‌خبر است و این «بی‌خبری‌ها» اساس الگوهای مانند MVP ، MVVM ، MVC و غیره هستند. به همین جهت [شاعر](#) در وصف ViewModel فرموده‌اند که:

ای در درون برنامه‌ام و View از تو بی‌خبر_____وز تو برنامه‌ام پر است و برنامه از تو بی‌خبر (:

پاسخ:

بله. برای این منظور الگوی دیگری به نام [ViewModel Locator](#) طراحی شده است؛ روش‌های [زیادی](#) برای پیاده سازی این الگو وجود دارند که ساده‌ترین آن‌ها مورد زیر است:

فرض کنید ViewModel ساده زیر را قصد داریم به کمک الگوی ViewModel Locator به View ایی تزریق کنیم:

```
namespace WpfViewModelLocator.ViewModels
{
    public class MainWindowViewModel
    {
        public string SomeText { set; get; }
        public MainWindowViewModel()
        {
            SomeText = "Data ...";
        }
    }
}
```

برای این منظور ابتدا کلاس ViewModelLocatorBase زیر را تدارک خواهیم دید:

```
using WpfViewModelLocator.ViewModels;

namespace WpfViewModelLocator.ViewModelLocator
{
    public class ViewModelLocatorBase
    {
        public MainWindowViewModel MainWindowVm
        {
            get { return new MainWindowViewModel(); }
        }
    }
}
```

```

    }
}
}

```

در اینجا یک وهله از کلاس MainWindowViewModel توسط خاصیتی به نام MainWindowVm در دسترس قرار خواهد گرفت. برای اینکه بتوان این کلاس را در تمام Viewهای برنامه قابل دسترسی کنیم، آنرا در App.Xaml تعریف خواهیم کرد:

```

<Application x:Class="WpfViewModelLocator.App"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:vm1="clr-namespace:WpfViewModelLocator.ViewModelLocator"
    StartupUri="MainWindow.xaml">
    <Application.Resources>
        <vm1:ViewModelLocatorBase x:Key="ViewModelLocatorBase" />
    </Application.Resources>
</Application>

```

اکنون فقط کافی است در View خود DataContext را به نحو زیر مقدار دهی کنیم تا در زمان اجرا به صورت خودکار بتوان به خاصیت MainWindowVm یاد شده دسترسی یافت:

```

<Window x:Class="WpfViewModelLocator.MainWindow"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    Title="MainWindow" Height="350" Width="525">
    <Grid DataContext="{Binding Path=MainWindowVm, Source={StaticResource ViewModelLocatorBase}}">
        <TextBlock Text="{Binding SomeText}" VerticalAlignment="Top" Margin="5" />
    </Grid>
</Window>

```

در مورد ViewModel ها و Viewهای دیگر هم به همین ترتیب خواهد بود. یک وهله از آنها به کلاس ViewModelLocatorBase اضافه می‌شود. سپس Binding Path مرتبط به DataContext به نام خاصیتی که در کلاس ViewModelLocatorBase مشخص خواهیم کرد، Bind خواهد شد.

روش دوم:

اگر در اینجا بخواهیم Path را حذف کنیم و فقط دسترسی عمومی به ViewModelLocatorBase را ذکر کنیم، باید یک Converter نوشت (چون به این ترتیب می‌توان به اطلاعات Binding در متد Convert دسترسی یافت). سپس یک قرار داد را هم تعریف خواهیم کرد؛ به این صورت که ما در Converter به نام View دسترسی پیدا می‌کنیم (از طریق ریفلکشن). سپس نام viewModel ایی را که باید به دنبال آن گشت مثلا ViewName به علاوه کلمه ViewModel در نظر خواهیم گرفت. در حقیقت یک نوع Convection over configuration است:

```

using System;
using System.Globalization;
using System.Linq;
using System.Windows.Data;

namespace WpfViewModelLocator.ViewModelLocator
{
    public class ViewModelLocatorBaseConverter : IValueConverter
    {
        public object Convert(object value, Type targetType, object parameter, CultureInfo culture)
        {
            // مقدار در اینجا همان مشخصات ویوو است
            if (value == null) return null;
        }
    }
}

```

```

        string viewTypeName = value.GetType().Name;

        //قرار داد ما است
        //ViewModel Name = ViewName + "ViewModel"
        string viewModelName = string.Concat(viewTypeName, "ViewModel");

        //یافتن اسمبلی که حاوی ویوو مدل ما است
        var asms = AppDomain.CurrentDomain.GetAssemblies();
        var viewModelAsmName = "WpfViewModelLocator"; //نام پروژه مرتبط
        var viewModelAsm = asms.Where(x => x.FullName.Contains(viewModelAsmName)).First();

        //یافتن این کلاس ویوو مدل مرتبط
        var viewModelType = viewModelAsm.GetType().Where(x =>
x.FullName.Contains(viewModelName)).FirstOrDefault();
        if (viewModelType == null)
            throw new InvalidOperationException(string.Format("Could not find view model '{0}'",
viewModelName));

        //وهله سازی خودکار آن
        return Activator.CreateInstance(viewModelType);
    }

    public object ConvertBack(object value, Type targetType, object parameter, CultureInfo culture)
    {
        throw new NotImplementedException();
    }
}
}

```

کار این تبدیلگر بسیار ساده و واضح است. Value دریافتی، وهله‌ای از view است. پس به این ترتیب می‌توان نام آن‌را یافت. سپس قرارداد ویژه خودمان را اعمال می‌کنیم به این ترتیب که "ViewModel Name = ViewName + "ViewModel" و سپس به دنبال اسمبلی که حاوی این نام است خواهیم گشت. آن‌را یافته، کلاس مرتبط را در آن پیدا می‌کنیم و در آخر، به صورت خودکار آن‌را وهله سازی خواهیم کرد.

اینبار تعریف عمومی این Converter در فایل App.Xaml به صورت زیر خواهد بود:

```

<Application x:Class="WpfViewModelLocator.App"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:vm1="clr-namespace:WpfViewModelLocator.ViewModelLocator"
    StartupUri="MainWindow.xaml">
    <Application.Resources>
        <vm1:ViewModelLocatorBaseConverter x:Key="ViewModelLocatorBaseConverter" />
    </Application.Resources>
</Application>

```

و استفاده‌ی آن در تمام View های برنامه به شکل زیر می‌باشد (بدون نیاز به ذکر هیچ نام خاصی و بدون نیاز به کلاس ViewModelLocatorBase یاد شده در ابتدای مطلب):

```

<Window x:Class="WpfViewModelLocator.MainWindow"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    DataContext="{Binding RelativeSource={RelativeSource Self},
        Converter={StaticResource ViewModelLocatorBaseConverter}}"
    Title="MainWindow" Height="350" Width="525">
    <Grid>
        <TextBlock Text="{Binding SomeText}" VerticalAlignment="Top" Margin="5" />
    </Grid>
</Window>

```


نظرات خوانندگان

نویسنده: hossein moradinia
تاریخ: ۲۲:۵۷:۱۹ ۱۳۹۰/۱۰/۰۴

خب حالا مزيب و يا بهتر بگم کاربرد اين كجا ميتونه باشه؟؟!

نویسنده: rahmat rezaei
تاریخ: ۲۳:۴۳:۳۰ ۱۳۹۰/۱۰/۰۴

دارم يه چيزي شبیه mvc در asp.net webpages طراحی میکنم که فقط از یک httpHandler استفاده شده. می خواستم با توجه به یک پارامتر در queryString، به طور خودکار کلاس مربوطه ساخته و اجرا شود. فکر کنم راهش همین مطلب شماست.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۲:۴۵:۲۹ ۱۳۹۰/۱۰/۰۵

سورس [ASP.NET MVC](#) در سایت کدپلکس در دسترس هست. این مورد و نحوه طراحی باز آن، تابحال یک مزیت منحصر بفردی رو به همراه داشته که میشه گفته بی سابقه هست:
چندین فریم ورک MVC جدید توسط برنامه نویسهای مستقل برای ASP.NET طراحی شده.
مثلا:

[FubuMVC](#)

[Nancy](#)

[Bistro MVC](#)

[OpenRasta](#)

و ...

در کل اینها هم می تونه ایده ای باشه برای کسانی که نمی خواهند در چارچوب های بسته مایکروسافت کار کنند و علاقمند هستند کنترل بیشتری روی محصول نهایی داشته باشند.

نویسنده: A. Karimi
تاریخ: ۰۰:۴۹:۰۴ ۱۳۹۰/۱۰/۰۶

در خصوص MVC ظاهراً Razor بر خلاف ASP.NET MVC بسته است. Engine هایی شبیه به Razor اما Open Source (ترجیحاً با لایسنس هایی مثل MS-PL و نه GPL) می شناسید؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۰۱:۰۵:۱۵ ۱۳۹۰/۱۰/۰۶

ASP.NET MVC طراحی فوق العاده ای داره. تقریباً تمام قسمت های اون قابل تعویض است منجمله View Engine آن. لیستی از موارد پیاده سازی شده رو می تونید اینجا پیدا کنید: [\(^\)](#)

نویسنده: A. Karimi
تاریخ: ۱۴:۳۰:۳۱ ۱۳۹۰/۱۰/۰۶

جالب بود ولی هیچ کدام شبیه Razor نبودند شاید Razor دارای پتنت باشد.

نویسنده: amiry
تاریخ: ۱۲:۵۷:۲۱ ۱۳۹۰/۱۰/۰۷

سلام. قبل از ASP.NET MVC من کاری شبیه به این رو با الگوبرداری از RoR انجام داده بودم. دو تا موضوع مطرحه: 1- اگه برای

خودتون اینکارو انجام میدید، خیلی عالیه؛ چون تجربه ی به شدت غنی و ارزشمندی هست. 2- اگه برای پروژه انجام میدید، اگه کارتون پروژه های معمول توی بازار باشه اصلا ارزش نداره و به دردسرش نمی ارزه؛ مگه اینکه برای یه پروژه ی بزرگ کار کنید که در مجموع و کلیت براتون مقرون به صرفه باشه. پاینده و پیروز باشید.

نویسنده: rahmat rezaei

تاریخ: ۱۵:۴۳:۰۴ ۱۳۹۰/۱۰/۰۹

خوشبختانه کارم هر چند در مراحل ابتدایی است و چون تنها روی آن کار میکنم اشکالات بسیاری دارد اما مورد توجه و استقبال فراوان شرکتی قرار گرفته و در یکی از پروژه های بزرگش این امکان را به من داده که کارم را با آن تست کنم و برنامه نویس های پروژه از این فریمورک استفاده کنند. از لحاظ مالی هم بد نبوده.

اما در کل نمی دانم چرا قالب های موجود مثل mvc هم راضیم نمی کند و احساس می کنم در فریمورک های تولید صفحات وب باید یک انقلاب اساسی صورت بگیرد و چیزهایی مثل mvc قدمهای اول هستند.

قسمت اول این بحث و همچنین پیشنهاد آن را در [اینجا](#) و [اینجا](#) می‌توانید مطالعه نمائید.

همه‌ی این‌ها بسیار هم نیکو! اما ... آیا واقعا باید به ازای هر روال رویدادگردانی یک Attached property نوشت تا بتوان از آن در الگوی MVVM استفاده کرد؟ برای یکی دو مورد شاید اهمیتی نداشته باشد؛ اما کم کم با بزرگتر شدن برنامه نوشتن این Attached properties تبدیل به یک کار طاقت فرسا می‌شود و اشخاص را از الگوی MVVM فراری خواهد داد. برای حل این مساله، تیم Expression Blend راه حلی را ارائه داده‌اند به نام Interaction.Triggers که در ادامه به توضیح آن پرداخته خواهد شد.

ابتدا نیاز خواهید داشت تا SDK مرتبط با Expression Blend را دریافت کنید: (^)
سپس با فایل System.Windows.Interactivity.dll موجود در آن کار خواهیم داشت.

یک مثال عملی:

فرض کنید می‌خواهیم رویداد Loaded یک View را در ViewModel دریافت کنیم. زمان وهله سازی یک ViewModel با زمان وهله سازی View یکی است، اما بسته به تعداد عناصر رابط کاربری قرار گرفته در View، زمان بارگذاری نهایی آن ممکن است متفاوت باشد به همین جهت رویداد Loaded برای آن درنظر گرفته شده است. خوب، ما الان در ViewModel نیاز داریم بدانیم که چه زمانی کار بارگذاری یک View به پایان رسیده.

یک راه حل آن را در قسمت قبل مشاهده کردید؛ باید برای این کار یک Attached property جدید نوشت چون نمی‌توان Command ایی را به رویداد Loaded انتساب داد یا Bind کرد. اما به کمک امکانات تعریف شده در System.Windows.Interactivity.dll به سادگی می‌توان این رویداد را به یک Command استاندارد ترجمه کرد:

```
<Window x:Class="WpfEventTriggerSample.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        xmlns:i="http://schemas.microsoft.com/expression/2010/interactivity"
        xmlns:vm="clr-namespace:WpfEventTriggerSample.ViewModels"
        Title="MainWindow" Height="350" Width="525">
    <Window.Resources>
        <vm:MainWindowViewModel x:Key="vmMainWindowViewModel" />
    </Window.Resources>
    <Grid DataContext="{Binding Source={StaticResource vmMainWindowViewModel}}">
        <i:Interaction.Triggers>
            <i:EventTrigger EventName="Loaded">
                <i:InvokeCommandAction Command="{Binding DoLoadCommand}"
                                     CommandParameter="I am loaded!" />
            </i:EventTrigger>
        </i:Interaction.Triggers>

        <TextBlock Text="Testing InvokeCommandAction..."
                  Margin="5" VerticalAlignment="Top" />
    </Grid>
</Window>
```

ابتدا ارجاعی به اسمبلی System.Windows.Interactivity.dll باید به پروژه اضافه شود. سپس فضای نام xmlns:i باید به فایل XAML جاری مطابق کدهای فوق اضافه گردد. در نهایت به کمک Interaction.Triggers آن، ابتدا نام رویداد مورد نظر را مشخص می‌کنیم (EventName) و سپس به کمک InvokeCommandAction، این رویداد به یک Command استاندارد ترجمه می‌شود. ViewModel این View هم می‌تواند به شکل زیر باشد که با کلاس DelegateCommand آن در [پیشنیازهای](#) بحث جاری آشنا شده‌اید.

```
using WpfEventTriggerSample.Helper;
```

```
namespace WpfEventTriggerSample.ViewModels
{
    public class MainWindowViewModel
    {
        public DelegateCommand<string> DoLoadCommand { set; get; }
        public MainWindowViewModel()
        {
            DoLoadCommand = new DelegateCommand<string>(doLoadCommand, canDoLoadCommand);
        }

        private void doLoadCommand(string param)
        {
            //do something
        }

        private bool canDoLoadCommand(string param)
        {
            return true;
        }
    }
}
```

به این ترتیب حجم قابل ملاحظه‌ای از کد نویسی Attached properties مورد نیاز، به ساده‌ترین شکل ممکن، کاهش خواهد یافت. بدیهی است این Interaction.Triggers را جهت تمام عناصر UI ایی که حداقل یک رویداد منتسب تعریف شده داشته باشند، می‌توان بکار گرفت؛ مثلاً تبدیل رویداد Click یک دکمه به یک Command استاندارد:

```
<Button>
    <i:Interaction.Triggers>
        <i:EventTrigger EventName="Click">
            <i:InvokeCommandAction Command="{Binding DoClick}"
                                   CommandParameter="I am loaded!" />
        </i:EventTrigger>
    </i:Interaction.Triggers>
</Button>
```

نظرات خوانندگان

نویسنده: محمد صاحب
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۰۷ ۱۱:۱۱:۱۰

ممنون

سوال اول:

این قسمت رو من درست متوجه نشدم

<>

رویداد کلیک رو که میشه مستقیم بایند کرد؟

سوال دوم:

فکر میکنید مواردی که کار با این الگو رو راحت میکنن بصورت توکار برای WPF و SL اضافه بشه. دقیقاً چیزی که تو MVC داریم مثلاً ساختار پروژه و نحوه نامگذاری (اضافه کردن controller به نام و...)

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۰۷ ۱۱:۳۴:۰۶

- برای مثال نمی‌شود نوشت `Click = Binding DoLoadCommand`، به همین جهت نیاز هست تا این event handler را تبدیل به یک command استاندارد کرد تا در ViewModel قابل دسترسی شود.
در کل هدف من یک مثال کلی بود که بگم این همه جا کاربرد دارد، مثلاً اینطوری هم میشه با آن کار کرد.
- مایکروسافت همین الان یک فریم ورک MVVM تمام عیار به نام PRISM دارد: ([^](#))

ما در ViewModel دسترسی مستقیمی به هیچ یک از اشیاء موجود در View نداریم (و درستش هم همین است). الان فرض کنید که می‌خواهیم از طریق ViewModel یک View را ببندیم؛ مثلاً متد Close آن پنجره را فراخوانی کنیم. به عبارتی در حالت کلی می‌خواهیم یکی از متدهای تعریف شده یکی از عناصر بصری موجود در View را از طریق ViewModel فراخوانی نمائیم. برای حل این مساله از فایل‌های همان [SDK مرتبط با Expression blend](#) استفاده خواهیم کرد.

ابتدا ارجاعاتی را به اسمبلی‌های System.Windows.Interactivity.dll و Microsoft.Expression.Interactions.dll اضافه می‌کنیم. سپس دو فضای نام مرتبط هم باید اضافه شوند:

```
xmlns:i="http://schemas.microsoft.com/expression/2010/interactivity"
xmlns:ei="http://schemas.microsoft.com/expression/2010/interactions"
```

یک مثال عملی:

قصد داریم از طریق ViewModel، پنجره‌ای را ببندیم. کدهای XAML این مثال را در ادامه مشاهده خواهید کرد:

```
<Window x:Class="WpfCallMethodActionSample.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        xmlns:i="http://schemas.microsoft.com/expression/2010/interactivity"
        xmlns:ei="http://schemas.microsoft.com/expression/2010/interactions"
        xmlns:vm="clr-namespace:WpfCallMethodActionSample.ViewModels"
        Name="ThisWindow"
        Title="MainWindow" Height="350" Width="525">
    <Window.Resources>
        <vm:MainWindowViewModel x:Key="vmMainWindowViewModel" />
    </Window.Resources>
    <Grid DataContext="{Binding Source={StaticResource vmMainWindowViewModel}}">
        <Button Content="Save & Close" VerticalAlignment="Top" Margin="5">
            <i:Interaction.Triggers>
                <!--فراخوانی متدی در ویوو مدل-->
                <i:EventTrigger EventName="Click">
                    <ei:CallMethodAction
                        TargetObject="{Binding}"
                        MethodName="SaveButtonClicked" />
                </i:EventTrigger>
                <!--فراخوانی متدی در شیء جاری از طریق ویوو مدل-->
                <i:EventTrigger SourceObject="{Binding}" EventName="CloseMainWindow">
                    <ei:CallMethodAction
                        TargetObject="{Binding ElementName=ThisWindow}"
                        MethodName="Close"/>
                </i:EventTrigger>
            </i:Interaction.Triggers>
        </Button>
    </Grid>
</Window>
```

همچنین ViewModel تعریف شده نیز همین چند سطر زیر است:

```
using System;

namespace WpfCallMethodActionSample.ViewModels
{
    public class MainWindowViewModel
    {
        public void SaveButtonClicked()
        {
            close();
        }

        public event EventHandler CloseMainWindow;
        private void close()
        {
            if (CloseMainWindow != null) CloseMainWindow(this, EventArgs.Empty);
        }
    }
}
```

توضیحات:

اگر به ViewModel دقت کنید خبری از DelegateCommand در آن نیست. بله، به کمک ترکیبی از EventTrigger و CallMethodAction می‌توان جایگزینی را جهت DelegateCommand معرفی شده در قسمت‌های قبل این سری مباحث MVVM ارائه داد.

EventTrigger در اینجا به این معنا است که اگر EventName ذکر شده رخ داد، آنگاه این اعمال را انجام بده. مثلاً در اینجا CallMethodAction را فراخوانی کن.

CallMethodAction در اسمبلی Microsoft.Expression.Interactions.dll تعریف شده است و تنها متدی از نوع void و بدون پارامتر را می‌تواند به صورت خودکار فراخوانی کند (محدودیت مهم آن است). اینکه این متد کجا قرار دارد، توسط TargetObject آن مشخص می‌شود. اگر TargetObject را مساوی Binding قرار دادیم، یعنی به دنبال متدی که در DataContext گرید وجود دارد بگرد. به عبارتی به صورت خودکار به SaveButtonClicked تعریف شده در ViewModel ما متصل خواهد شد و آن‌را فراخوانی می‌کند.

تا اینجا رخداد Click دکمه تعریف شده را به متد SaveButtonClicked موجود در ViewModel سیم کشی کردیم.

در مرحله بعد می‌خواهیم از طریق ViewModel، متدی را در View فراخوانی کنیم. نکته آن هم پیشتر ذکر شد: TargetObject صحیحی را باید انتخاب کرد. در اینجا برای پنجره جاری نام ThisWindow تعریف شده است و از طریق تعریف:

```
TargetObject="{Binding ElementName=ThisWindow}"
```

به CallMethodAction خواهیم گفت که قرار است متد Close را در شیء ThisWindow فراخوانی کنی. همچنین نحوه تعریف EventTrigger ما هم در اینجا برعکس شده است:

```
<i:EventTrigger SourceObject="{Binding}" EventName="CloseMainWindow">
```

قبلاً به دنبال مثلاً رخداد Click یک دکمه بودیم، اکنون با توجه به SourceObject تعریف شده، در ViewModel به دنبال این رخداد که برای نمونه در اینجا CloseMainWindow نام گرفته خواهیم گشت.

بنابراین View اینبار به رخداد CloseMainWindow تعریف شده در ViewModel سیم کشی خواهد شد. اکنون اگر این رخداد در ViewModel فراخوانی شود، CallMethodAction متناظر فعال شده و متد Close پنجره را فراخوانی می‌کند.

نظرات خوانندگان

نویسنده: Milad

تاریخ: ۱۸:۳۴:۳۲ ۱۳۹۰/۱۰/۱۰

با سلام خدمت استاد نصیری
من مطالب شما رو در خصوص MVVM دنبال کردم و بسیار عالی بیان کردید که واقعاً از شما سپاسگذارم.
اما من بیشتر با ASP.Net برنامه می نویسم. سرچ کردم دیدم تو این آدرس <http://aspnetmvvm.codeplex.com> دیگه از سال 2009 به بعد ASP.net MVVM توسعه داده نشده. آیا دلیل خاصی داره؟
کلا برای ASP.net هم MVVM رو پیشنهاد میکنید یا خیر دنبال چیز دیگری باشم؟
ممنون از لطف شما.

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۹:۱۰:۵۳ ۱۳۹۰/۱۰/۱۰

علتش رو اینجا توضیح دادم: ([^](#)) .
ASP.NET Webforms از نظر مایکروسافت در رده Done قرار دارد. فقط این اواخر کمی «ماله کشی و صافکاری» روی آن انجام شده و خواهد شد.
ضمناً الگوی MVVM به درد ASP.NET نمی خوره. نیاز به سیستمی State full داره که سیستم های وب در این رده قرار نمی گیرند.
ASP.NET اساساً Stateless است. به همین جهت در پروژه های وب تمایل به MVC بیشتر است تا هر الگوی دیگری.
همچنین یکی از اعضای تیم ASP.NET MVC ، اخیراً فریم ورک JavaScript MVVM ای را به نام knockoutjs ارائه داده ([^](#)) . علت ارائه برای جاوا اسکریپت هم دقیقاً به State full آن بر می گردد، زمانیکه داخل مرورگر کاربر اجرا می شود. مانند Silverlight که آن هم State full است.

نویسنده: shahin kiassat

تاریخ: ۱۰:۱۰:۵۱ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱

سلام.
آقای نصیری می تونم بپرسم چرا دیگه خلاصه اشتراکات رو منتشر نمی کنید ؟
ممنونم.

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۰:۳۱:۰۲ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱

من هر از چندگاهی می ایستم و به کارهایی که کردم نگاه می کنم. بعد از 100 روز اینکار تقریباً هیچ بازخوردی نداشت. بنابراین حذف شد.
آخر امسال هم در مورد این وبلاگ تصمیم گیری می کنم. خصوصاً به غیرعمومی کردنش.
باز بودن، باز کار کردن، سورت باز بودن، به اشتراک گذاری، انتشار مطلب و همه این ها خوب. عالی. من پشتیبانش هستم. اما در فضایی متقابل هست که معنا پیدا می کنه که من متأسفانه این فضا رو نمی بینم. جمع کسانی که این دور و اطراف فنی نویس هستند به 5 نفر نمیرسه.

نویسنده: shahin kiassat

تاریخ: ۱۰:۵۰:۳۱ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱

آقای نصیری خلاصه اشتراک هایی که به اشتراک می گذاشتید مورد توجه خیلی ها قرار می گرفت این مسئله از 1+ ها و رای هایی که می گرفت مشخص بود.
تا حدی که برای من و خیلی ها عادت شده بود که شب ها قبل از خواب ابتدا اشتراک های شما رو بررسی کنیم.
جدا از خلاصه اشتراک ها بدون تملق این وبلاگ "مهمترین" دلیل اندک پیشرفت من و امثال من که در ابتدای راه هستیم بوده .
امیدوارم همچنان به تلاشتون جهت پیشرفت بار فنی و فکر برنامه نویسان ایرانی ادامه بدید. و فضایی که ذکر کردید بیشتر از الآن

متقابل شود.

ممنون.

نویسنده: Hossein Raziee
تاریخ: ۱۱:۰۴:۳۰ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱

با سلام.

وقتی که شاهین کیاست به من ایمیل زد و موضوع "خلاصه اشتراکهای روزانه" و پاسخی که جناب نصیری دادند رو به من اطلاع داد ابتدا گفتم نه! آخه چرا؟! ولی چند دقیقه بعد که کمی فکر کردم دیدم ایشون حق دارند. وقتی فقط به نفر باشه که بروز باشه ، اطلاعات رو به اشتراک بگذاره و بازخوردی نبینه خسته کننده هست. متاسفانه این چند وقت اخیر اکثر دوستان دیگه هم مثل "بهروز راد" دست از نوشتن برداشتن. وبلاگ "مهدی موسوی" رو نگاه کنید. آخرین به روز رسانی برای چه تاریخی هست. کسانی مثل مهدی موسوی ، وحید نصیری ، بهروز راد و دیگر دوستان که دانش زیادی برخوردار هستند ، رفتاری هاشون هم بیشتر اما با تمام این رفتاری ها به فکر ارتقاء سطح علمی دیگران هم هستند. اما همونطور که جناب نصیری گفتند تعداد فنی نویسان بسیار کم هست. وحید نصیری یکی از کسانی هست که من هر وقت میخوام به کسی یک فعال در زمینه ی IT رو معرفی کنم ایشون اولین نفر هست. من شخصا همیشه این بلاگ رو بررسی میکنم و از مطالب مفیدش استفاده میکنم. امیدوارم که این وضع عوض بشه و همه ی دوستان اطلاعاتشون رو در هر سطحی که هست به اشتراک بگذارند. منظورم با خودم و شاهین هم هست. باید شروع کرد. مرسی وحید نصیری.

نویسنده: rahmat rezaei
تاریخ: ۱۱:۱۳:۱۰ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱

از طریق همین اشتراکهای روزانه من با خیلی از وبلاگهای ایرانی و خارجی و سایتهای مفید آشنا شدم. یک راه میانبر بود برای تازه کارهایی مثل من.

نویسنده: hossein moradinia
تاریخ: ۱۲:۲۲:۵۶ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱

من هم هر روز و هر شب چک میکنم ...
ای کاش بشه ادامه بدید ...

نویسنده: Javad Darvish Amiry
تاریخ: ۱۲:۳۸:۴۹ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱

دروود بر شما جناب نصیری و همینطور شاهین کیاست که لطف کردن و موضوع رو مطرح کردن. من هم با جناب نصیری موافقم که ادامه چنین کاری نیاز به فضای متقابل و طبیعتا دلگرمی و انگیزه داره! اما صحبت اینجاست که «من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی، چه کسی برخیزد؟». فکر میکنم به گفته Hossein Raziee باید به حرکتی بهرحال انجام داد؛ اینطور که من برداشت کردم، فکر میکنم دو تا موضوع وبلاگ نویسی IT در ایران رو تحت الشعاع قرار داده: یکی گرایش به تالارهاست. و دومی گرایش به بلاگ های خارجی. اکثر برنامه نویسی قوی که دست به قلم هستن، توی تالارها فعالیت میکنن؛ ظاهرا اهمیت وبلاگ ها هنوز برای ما جا نیفتاده. دوستانی هم که به مقداری از مشق و تمرین بالاتر میرن، معمولا نه تنها خودشون شروع به انتقال نمیکنن، بلکه حتی برای ارتقای خودشون و پیگیری مطالب سراغ بلاگ های غیر فارسی میرن؛ فکر میکنم نیاز به به حرکت اصولی و درست و حساب شده داریم تا موضوع تولید محتوی IT به زبان فارسی رو تو به مسیر درست بندازیم. یکی از راههایی که به ذهن من میرسید، ایجاد به شبکه بین نویسندگان ایرانی بود؛ حدود به سال پیش این موضوع رو با چند تا از دوستان اینترنتیم مطرح کردم که استقبال نشد. حالا دوباره از دوستان میپرسم که نظرتون چیه؟

نمونه بسیار مفید (ولی تنها به شمه) خلاصه اشتراک هایی هست که جناب نصیری منتشر میکنن؛ وقتی به نفر مثل وحید نصیری لینکی رو منتشر میکنه من مطمئنم که مطلب مفیدی هست؛ پس حتما میرم و میخونم؛ و چه بسا جزو خوانندگان دائمی اون سایت

هم بشم؛ حالا عرض بنده اینه که این موضوع باید منسجم و شبکه ای باشه؛
 با جناب نصیری موافقم؛ با شاهین هم موافقم؛ اما موافق این نیستم که آقای نصیری بگن میخوام بکشم کنار و من و شاهین کیاست
 هم بگیریم نه اینکارو نکنید؛ چون وحید نصیری شاید امروز احساساتی بشه و بخاطر من و امثال من ادامه بده، اما فردا دوباره بی
 انگیزگی یا خستگی میاد سراغش و باز همین داستان؛
 من فکر میکنم باید راه چاره رو پیدا کرد؛ راهی که به نظر من میرسید رو عرض کردم؛ از دوستان که تا جاییکه من میشناسم و
 مطالب رو دنبال میکنم، میدونم همشون از افراد تاثیر گذار در IT ایران و با دانش و تجربه زیاد هستن هم خواهش میکنم که هر
 راهی به ذهنشون میرسه عنوان کنن که با همفکری هم بتونیم به یه راه حل درست برسیم؛
 به سهم خودم هم از جناب نصیری عمیقاً تشکر میکنم و از پرحرفی و زیاده گوویی پوزش میخوام. پاینده باشید؛

نویسنده: Mohammad Safdel
 تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۱ ۱۳:۱۴:۴۳

سلام. من مدتی بود که به دلیل گرفتاری و درگیری زیاد فرصت بررسی وبلاگها و سایتها رو برای بروز شدن نداشتم ولی با دیدن
 خلاصه اشتراکهای شما خودمو ملزم کرده بودم که اونها را هر شب و یا اگه شب فرصت نمی کردم به عنوان اولین کار در روز بعد،
 مطالعه و بررسی کنم.
 البته دلیل شما برای ادامه ندادن دقیقاً همون دلیلی بود که دو سال پیش باعث شد تا منم وبلاگ نویسی را کنار بذارم. چه قصد
 ادامه دادن داشته باشید چه نداشته باشید به خاطر همه اون مطالب از شما واقعا ممنونم.

نویسنده: محمد صاحب
 تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۱ ۱۴:۲۸:۴۰

خبر خیلی بدی بود ...
 امیدوارم به کسی بر نخوره ولی متاسفانه Leecher بودن داره تبدیل به یک فرهنگ میشه.

خوندن این مطلب هم خالی از لطف نیست
 چگونه وبلاگ بخوانیم

نویسنده: Shima
 تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۱ ۱۹:۱۴:۲۴

استاد عزیز آخه چرا این تصمیم کشنده رو گرفتید؟؟!!
 البته حق با شماست و کاملاً حرفاتون متین.
 اما اگر شده بلاگ رو اشتراکی کنید و مثلاً اشتراک سالانه رو عدد X اعلام بفرمائید، اما لطفاً کنار نکشید. یک محل واقعاً علمی که از
 بهترین دانشگاهامون قوی تر هستش رو لطفاً ازمون نگیرید.
 من ارشد IT میخونم تهران تربیت.م.د اما کل مطالبی که تو مدت تحصیل در مقطع کارشناسی و ارشد یاد گرفتن به مفت نمی ارزد
 و اساتیدش هم که ... اما از طریق وبلاگ و خلاصه اشتراکهای شما کلی مطالب به روز، به دردمخور، خلاصه و گل مطلب رو گرفتم.
 البته خیلی وقتاً چند بار باید یک پست شما را مطالعه کرد تا موضوع را فهمید که طبیعی است زیرا شما از بهترین اساتید ما که 2
 کارشناسی اشد و یک دکتری داشت هزار پله بالاترید.
 در کل لطفاً تجدید نظر فرموده و تنها دانشگاه به روز و بی منت کشور را از ما نگیرید.
 ممنون

نویسنده: Shima 6489578840
 تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۱ ۱۹:۱۶:۰۵

استاد عزیز آخه چرا این تصمیم کشنده رو گرفتید؟؟!! البته حق با شماست و کاملاً حرفاتون متین. اما اگر شده بلاگ رو اشتراکی
 کنید و مثلاً اشتراک سالانه رو عدد X اعلام بفرمائید، اما لطفاً کنار نکشید. یک محل واقعاً علمی که از بهترین دانشگاهامون قوی تر
 هستش رو لطفاً ازمون نگیرید. من ارشد IT میخونم تهران تربیت.م.د اما کل مطالبی که تو مدت تحصیل در مقطع کارشناسی و
 ارشد یاد گرفتن به مفت نمی ارزد و اساتیدش هم که ... اما از طریق وبلاگ و خلاصه اشتراکهای شما کلی مطالب به روز، به

دردبخور، خلاصه و گل مطلب رو گرفتم. البته خیلی وقتا چند بار باید یک پست شما را مطالعه کرد تا موضوع را فهمید که طبیعی است زیرا شما از بهترین اساتید ما که 2 کارشناسی اشد و یک دکتری داشت هزار پله بالاترید. در کل لطفاً تجدید نظر فرموده و تنها دانشگاه به روز و بی منت کشور را از ما نگیرید. ممنون

نویسنده: Ahmadxm1

تاریخ: ۲۰:۴۹:۵۵ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱

سلام استاد عزیز

من یک برنامه نویس آماتور بودم که طی سه سال آشنایی با وبلاگ شما سطح خود را بالا بردم. طی این سالها به ندرت اتفاق افتاده که روزی مطالب شما رو نخونده باشم. بعضی از مطالب رو هم چندین و چند بار خوندم. NH رو از شما یاد گرفتم و در کل بهترین استاد کامپیوتر زندگی من هستید. من حاضرم برای استفاده از مطالب شما هزینه پردازم. بسته شدن این وبلاگ یعنی مرگ برنامه نویسان نیمه حرفه ای و حرفه ای.

نویسنده: mohsen bahrzadeh

تاریخ: ۲۲:۴۶:۲۰ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱

استاد خواهش می کنم این کار رو نکنید، خدایی من SL رو با وحید نصیری شناختم هر موقعه می خوام اسم یه حرفه ای رو نام ببرم اولین اسمی که می یارم استاد وحید نصیری هست، استاد شما خودتون می بینید که من همیشه جزو طرفدارای پروپاقرص وبلاگتون هستم خدایی همیشه به عنوان یه اسطوره واسه ما بودید. پس خواهش می کنم اط این تصمیم منصرف بشید

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۰۹:۱۷:۵۱ ۱۳۹۰/۱۰/۱۲

من امیدی به این جماعت ندارم! همین الان حداقل 2 دو شبکه مخصوص برنامه نویسی ها در این دور و اطراف هست که ... دارند خاک می خورند. یک نمونه idevcenter.com است و نمونه دیگر pspcommunity.org. هر دو توسط تعدادی کمتر از 2 تا 3 نفر سرپا نگه داشته شدن. هر دو هم شاید هفته ای یک مطلب یا ماهی 4 تا 5 مطلب جدید داشته باشند. این جماعت خیر و برکت نداره! دست و باز و گشاده ای نداره.

اما ... تنها راهی رو که عده ای تجربه کردن و جواب داده فعالیت های محدود، بسته و غیرعمومی است. همین الان هم هست؛ شاید باور نکنید که لینک های referrer در کنترل پنل این وبلاگ به یک سری انجمن و سایت غیرعمومی برنامه نویسی ایرانی داره ختم میشه. حتی انجمن های عمومی که نمی خوام نام ببرم، قسمت های خصوصی دارند؛ و قسمت عمومی آن ها جهت بهره کشی از عموم کاربران است. مطالب به درد بخور، در قسمت های خصوصی و بسته مطرح می شود. آری! اینچنین است، بردار!

نویسنده: Javad Darvish Amiry

تاریخ: ۱۲:۲۸:۰۶ ۱۳۹۰/۱۰/۱۲

خوب نسبت به مسایلی که فرمودید، من هیچ ایده ای ندارم. یعنی راهی به ذهنم نمیرسه جز همونی که گفتم. هرچند منظور من از شبکه، شبکه ای از ارتباطات منسجم و هدفمند بود؛ مثلاً یه تیم بلاگ نویس تشکیل بشه، با یه سیستم یه پارچه که توسط سرویس هایی با هم در ارتباط باشن؛ بعنوان مثال بخشی تو بلاگ باشه، شامل خلاصه آخرین پست های بلاگ های دیگه؛ از طرفی با هماهنگی تیم، هر کدوم از نویسندگان ها تو بلاگشون فقط راجع به یه موضوع بصورت تخصصی بحث کنن؛ یکی منحصر ا WPF یکی دیگه ASP.NET و ... اینطوری بعد از یه مدت یه شبکه منسجم و غنی بدست میاد؛ از طرفی میشه با پیش بینی راهکارهایی که مهمترینش هم تبلیغات هست، هزینه های فنی رو تامین کرد؛ هرچند که کار سختیه؛ مخصوصاً جمع شدن چهار نفر ایرانی کنار همدیگه و کار گروهی!!! بگذریم؛ دقیقاً با شما موافقم که اینچنین است...

اگه تصمیم بگیرید که بلاگتون رو خصوصی کنید و هزینه ای هم براش در نظر بگیرید، من با کمال میل اعلان آمادگی میکنم برای ثبت نام. برای شخص بنده، پای درس وحید نصیری نشستن غنیمت ارزشمندی هست که حاضر نیستم از دست بدم. از جزوه های آموزش ASP.NET تا «الگوهای طراحی شیئی گرا» و «امنیت در ASP.NET» تا blogspot و حالا هم dotnettips با جناب نصیری بودم و کماکان خواهم بود؛

آرزوی پیروزی و بهروزی و شادکامی برای شما معلم گرامی و بزرگووار. دنیا به روح بزرگ و سخاوتمندی چون شما نیاز دارد؛ زنده باشید.

نویسنده: VB_ASP_NET
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ ۱۳:۴۹:۱۷

استاد یه خواهشی که ما از شما داریم(میگم ما چون فکر کنم نظر تمام بچه ها همین باشه) اینکه واقعا این کار رو نکنید چون خدایی شما الان تو اینترنت که بگردید توی هر تالاری یه اسمی از استاد نصیری هست حالا به خاطر چند نفری که واقعا دارن از مطالب شما استفاده می کنند(من به شخصه دارم یه پروژه بزرگ رو با توجه به مطالب این وبلاگ هدایت می کنم) واقعا من روزانه 3-4 بار از وبلاگتون میام و مطالبتون رو می خونم واقعا خیلی خیلی ناراحت شدم وقتی که این پست رو دیدم اینو واقعا از ته دل می گم.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ ۱۴:۱۸:۳۱

سلام؛ من نگفتم بسته میشه. من کارم همینه! فقط می‌تونه به اشتراک گذاشته بشه یا نشه. می‌تونه عمومی باشه یا نباشه. ولی زندگی من همینه.

چون باز هم تکرار می‌کنم، «به اشتراک می‌گذارم، به اشتراک می‌گذاری» خوبه.
الان جدا در طول ماه 4 تا 5 نفر فعال هستند که جمعا 5 تا مطلب «شاید» منتشر کنند. این خوب نیست.
فقط تصمیمی که گرفتم این است که برای سال بعد عمومی نباشه. رایگان هم نباشه.

نویسنده: rahmat rezaei
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ ۱۶:۲۵:۲۳

همون اوایل که اشتراکهای روزانه قطع شد می خواستم بپرسم که چرا قطع شد؟ دیدم شاید پررویی باشه نپرسیدم. ولی بزارید یه سوالی که برام پیش اومده بپرسم :
چرا شما و کسانی مثل شما که به علم روز برنامه نویسی و نرم افزار تسلط دارید، پروژه های اوپن سورس تولید نمی کنید که هم آموزش است و هم می تواند به خوبی درآمد زا باشد.
واقعا دلایل چیست که در ایران این کار اتفاق نمی افتد؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ ۱۷:۳۲:۴۱

البته من چند پروژه سورس باز دارم در کدپلکس : (^) و اینکه گفتم این نوع طرز فکر را پشتیبانی می‌کنم، در عمل هم رخ داده.
الان اتفاقا دو پروژه هم هست که مدتی است دارم روی آن‌ها کار می‌کنم: یک گزارش ساز جامع هست بر پایه iTextSharp و یک برنامه نوشته شده با ASP.NET به عنوان معادل دات نتی این رپیدلیج PHP کارها (بهتره بگم PHP باز ... چون این برنامه حتی تعریف یک «صف» هم ندارد) که خیلی خیلی از آن کاملتر است. من روی فروش این‌ها نمی‌تونم حساب باز کنم چون زمانیکه ارائه شد ... یعنی رفته، اما می‌شود روی پشتیبانی غیر رایگان این‌ها حساب کرد. شاید برای سال بعد این کار رو کردم. برای امسال برنامه‌ای ندارم.

نویسنده: shahin kiassat
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ ۲۱:۴۸:۰۳

آقای نصیری به عنوان کسب تجربه سوالی داشتم :
زمانی که در آموزش های iTextSharp خودتون به این مسئله که مشغول تهیه ی گزارش ساز هستید اشاره کردید من هم تصمیم گرفتم کمی با iTextSharp برای چاپ گزارش ها کار کنم.(با توجه به مشکلاتی که با ابزار های آماده داشتم) که انصافا خیلی راضی هستم و از شما متشکرم.
حالا می خوام بدونم آیا به نظر شما درست هست نتیجه ی زحمت رو به صورت سورس باز در اینترنت قرار داد ؟ و گروهی از اون منفعت مالی ببرن و فقط استفاده کننده باشند.

مثلا همین پروژه های کد باز شما چند نفر به غیر از خود شما روی توسعه آن وقت گذاشتن ؟

در شرکت ما (و احتمالا خیلی شرکت ها) بسیار پیش آمده که مدیر پروژه یا برنامه نویس نتیجه ی زحمت صاحب یک وبلاگ رو به اسم خودش تمام می کنه (نمونهش jQuery User control loader شما یا خیلی نمونه های دیگه) خیلی ممنون از شما.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ ۲۲:۵۷:۲۴

خوب، سخت بودن کار سورس باز هم همینجا است. در کارهای سورس باز در تمام آن‌ها، شما مجاز هستید کار مشتق شده رو بفروشید. تنها تفاوت در اینجا است که یکی می‌گه حتما باید سورس رو هم کنارش قرار بدی و یکی می‌گه مهم نیست و گرنه تمامشون با این مساله مالی مشکلی ندارند. در کل به درجه‌ی روانی به اشتراک گذاری اطلاعات رسیدن، کار سختی است. به همین جهت باز هم تکرار می‌کنم این دور و اطراف بگردید، ماهی 5 نفر رو شاید پیدا کنید که حاضر باشند مطلب فنی مهمی رو به رایگان منتشر کنند و قید همه چیز آن‌را بزنند. زمانیکه هم که روز به روز تعدادشون کمتر بشه، انگیزه رو از بقیه خواهند گرفت.

نویسنده: مهدی موسوی
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۳ ۱۵:۲۰:۳۲

سلام.

ما در تولید محتوای فنی (در زمینه کاری خودمون و به زبان فارسی) به شکلی صحیح، مولفین انگشت شماری داریم. به نظر من برخی از مهمترین دلائل این مساله عبارت است از:

1. برخی از افراد انگل هستن - تمام! (به کتاب Harley Hahn در این زمینه مراجعه کنید).

2. بعضی ها فکر میکنند که اگر فلان مطلب رو به اشتراک بذارم، ممکنه همکارم، دوستم و ... با خوندن اون مطلب، فاصله دانسته هاشو با من کم کنه، و به این ترتیب منو با زحمت مواجه کنه (متاسفانه این خصیصه در بسیاری از شرکت های خصوصی، و تقریبا تمامی سازمان های دولتی دیده میشه).

3. وقتی گوگل و بسیاری از شرکت های شناخته شده در صنعت آگهی های Online بر اساس ضوابط کاری کشورشون، اجازه سرویس دهی به سایت هایی با مطالب فارسی رو ندارن، من نوعی از چه طریقی می تونم از نوشتن، انتفاع حاصل کنم؟ چه کنم که به شرکتهای ایرانی فعال در زمینه Ads نیز اعتمادی ندارم؟ جدا از اینکه تبلیغات این شرکت ها، اکثرا Animation هستش و من دوست دارم خواننده مطالب من، هنگام مطالعه یه مطلب فنی، احساس آرامش کنه، نه اینکه چشم هاش مدام به خاطر وجود یه آگهی «>» [!], @, # پر پر بزنه.

4. نبود قانون Copyright از دیگر دلائل عمده ای هستش که باعث شده در این زمینه ما پیشرفتی نکنیم. وقتی یکی از مطالب فارسی ای که نوشته بودم (در سال 1996 یا 1994)، دقیق خاطر من نیست)، کپی و در یکی از جرائد کشور به اسم فرد دیگه ای منتشر شد، در همون ابتدای راه تصمیم گرفتم دیگه فارسی ننویسم. متاسفانه هنوز که هنوزه، کم و بیش شاهد این اتفاقات هستیم.

5. ...

اما در مورد مطلبی که در مورد بلاگ من فرمودید. حقیقتش بعد از اینکه فردی چند سال پیش، منو به دلیل مطالبی که به اشتراک میذاشتم به سخره گرفت و ازم پرسید که "تو اصلا میدونی معمار کیه؟"، به خودم اومدم و تصمیم گرفتم مثل وبلاگ های دیگه، به مطالب بزن و برو اکتفا نکنم. به همین دلیل، از 2010/1/2 به بعد، مطالب ارسالیم شکل مقاله به خودشون گرفتن که طبیعتا، نوشتنشون در مقایسه با نوشتن یکی دو وجب مطلب فنی، بسیار دشوارتر و زمان بر تر هست. من از March 2008 تا February 20110 در واقع برای Search Engine گوگل می نوشتم، نه برای خوانندگان. اما از اون تاریخ به بعد، مطالبی که در وبلاگم گذاشتم، توجه بسیاری از افراد رو بخودش جلب کرد و ... (بی ارتباط با موضوع گفتگو هستش، بنابراین بیش از این در این مورد توضیح نمیدم).

در هر حال، بنظر من، عدم ارائه مطالب فنی یه وبلاگ بصورت رایگان (در فرهنگ ما)، موفقیتی در پی نداره (امیدوارم برای آقای نصیری اینطور نباشه، البته اگر این وبلاگ رو از حالت رایگان در آوردن). من هنوز یادم نرفته افرادیکه برای شرکت در کنفرانس کذایی ای که بهروز راد، من و یکی دو نفر دیگه قرار بود در مورد JavaScript Performance، HTML5 و ... مطلب ارائه بدیم، ابراز خرسندی کردن، اما وقت پول دادن که شد، تعداد افراد ثبت نام کننده به حداقل تعداد مورد نیاز نرسید و اون جلسه Cancel شد. جای تاسف اگر بدونید برای یه جلسه 1 ساعته، هر نفر فقط باید 5-6 هزار تومان پرداخت می کرد...

نویسنده: امیرحسین جلوداری
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۵ ۲۲:۳۳:۴۸

سلام استاد ... خیلی نوکریم ... دی:

والا من نمیدونم شما رو چه دلیلی میفرمایین که خلاصه ی اشتراکات مورد استقبال قرار نگرفت!!! ... ولی من میدونم که این کار شما رو نمونشو تو هیچ بلاگ ایرانی به شخصه ندیده بودم و واقعا (واقعا!) کار قشنگی بود و واقعا(واقعا!!) مفید واقع شد و من و خیلی از دوستان صمیمانه انتظار داریم که به این کار ادامه بدین!

من با این کارتون با بسیاری از بلاگ های مفید ایرانی و اونور آبی دی آشنا شدم و خیلی هاشو الان دارم follow میکنم ...

در ضمن شک نداریم که وبلاگ شما بهترین وبلاگ فارسی موجود در برنامه نویسی حرفه ای و نیمه حرفه ای هست ... (خودتونم شک نکنید دی)

آره! قبول دارم که ما وبلاگ خونایه خوبی نیستیم!!! ... زورمون میاد یه لایک معمولی کنیم یا کامنت تشکر بذاریم! ... ولی این دلیل همیشه که از کار شما استقبال نمیشه ... من وقتی تو گودرم تایتلایه شما رو وقتی نوشته بود خلاصه اشتراکایه ... میدیدم بی درنگ expand میکردم لینک رو!

اصن شما یه پست بزنین در مورد این قضیه و کارایی که قصد دارین در آینده انجام بدینو مطرح کنین ... مطمئنم اونوقته که تازه متوجه میشین که چقدر طرفدار دارین!!! ... که خیلی ها شما رو اسطوره ی خودشون میدونن ... که خیلی ها شما رو دعا میکنن ... که خوش به حالتون تو اون دنیا دی ... که ...

موفق باشید ...
یا علی ...

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۶ ۱۷:۱۲:۲۴

@وحید نصیری

از تمام این Commentها فقط یک جمله رو پسندیدم... "خوش به حالت توی اون دنیا" (:

بسیاری از برنامه‌های دسکتاپ نیاز به نمایش پنجره‌های دیاالوگ استاندارد ویندوز مانند OpenFileDialog و SaveFileDialog را دارند و سؤال اینجا است که چگونه اینگونه موارد را باید از طریق پیاده سازی صحیح الگوی MVVM مدیریت کرد؛ از آنجائیکه خیلی راحت در فایل ViewModel می‌توان نوشت new OpenFileDialog و الی آخر. این مورد هم یکی از دلایل اصلی استفاده از الگوی MVVM را زیر سؤال می‌برد: این ViewModel دیگر قابل تست نخواهد بود. همیشه شرایط آزمون‌های واحد را به این صورت در نظر بگیرید:

سروری وجود دارد در جایی که به آن دسترسی نداریم. روی این سرور با اتوماسیونی که راه انداخته‌ایم، آخر هر روز آزمون‌های واحد موجود به صورت خودکار انجام شده و یک گزارش تهیه می‌شود (مثلا یک نوع [continuous integration](#) سرور). بنابراین کسی دسترسی به سرور نخواهد داشت تا این OpenFileDialog ظاهر شده را مدیریت کرده، فایلی را انتخاب و به برنامه آزمون واحد معرفی کند. به صورت خلاصه ظاهر شدن هر نوع دیاالوگی حین انجام آزمون‌های واحد «مسخره» است! یکی از روش‌های حل این نوع مسایل، استفاده از dependency injection یا تزریق وابستگی‌ها است و در ادامه خواهیم دید که چگونه WPF بدون نیاز به هیچ نوع فریم ورک تزریق وابستگی خارجی، از این مفهوم پشتیبانی می‌کند.

مروری مقدماتی بر تزریق وابستگی‌ها

امکان نوشتن آزمون واحد برای new OpenFileDialog وجود ندارد؟ اشکالی ندارد، یک Interface بر اساس نیاز نهایی برنامه درست کنید (نیاز نهایی برنامه از این ماجرا فقط یک رشته LoadPath است و بس) سپس در ViewModel با این اینترفیس کار کنید؛ چون به این ترتیب امکان «[تقلید](#)» آن فراهم می‌شود.

یک مثال عملی:

ViewModel نیاز دارد تا مسیر فایلی را از کاربر بپرسد. این مساله را با کمک [dependency injection](#) در ادامه حل خواهیم کرد. ابتدا سوری کامل این مثال:

ViewModel برنامه (تعریف شده در پوشه ViewModels برنامه):

```
namespace WpfFileDialogMvvm.ViewModels
{
    public interface IFilePathContract
    {
        string GetFilePath();
    }

    public class MainWindowViewModel
    {
        IFilePathContract _filePathContract;
        public MainWindowViewModel(IFilePathContract filePathContract)
        {
            _filePathContract = filePathContract;
        }

        //...

        private void load()
        {
            string loadFilePath = _filePathContract.GetFilePath();
            if (!string.IsNullOrEmpty(loadFilePath))
            {
                // Do something
            }
        }
    }
}
```


دو نمونه از پیاده سازی اینترفیس `IFilePathContract` تعریف شده (در پوشه `Dialogs` برنامه):

```
using Microsoft.Win32;
using WpfFileDialogMvvm.ViewModels;

namespace WpfFileDialogMvvm.Dialogs
{
    public class OpenFileDialogProvider : IFilePathContract
    {
        public string GetFilePath()
        {
            var ofd = new OpenFileDialog
            {
                Filter = "XML files (*.xml)|*.xml"
            };
            string filePath = null;
            bool? dialogResult = ofd.ShowDialog();
            if (dialogResult.HasValue && dialogResult.Value)
            {
                filePath = ofd.FileName;
            }
            return filePath;
        }
    }

    public class FakeOpenFileDialogProvider : IFilePathContract
    {
        public string GetFilePath()
        {
            return @"c:\path\data.xml";
        }
    }
}
```

و View برنامه:

```
<Window x:Class="WpfFileDialogMvvm.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        xmlns:vm="clr-namespace:WpfFileDialogMvvm.ViewModels"
        xmlns:dialogs="clr-namespace:WpfFileDialogMvvm.Dialogs"
        Title="MainWindow" Height="350" Width="525">
    <Window.Resources>
        <ObjectDataProvider x:Key="mainWindowViewModel"
                           ObjectType="{x:Type vm:MainWindowViewModel}">
            <ObjectDataProvider.ConstructorParameters>
                <dialogs:OpenFileDialogProvider/>
            </ObjectDataProvider.ConstructorParameters>
        </ObjectDataProvider>
    </Window.Resources>
    <Grid DataContext="{Binding Source={StaticResource mainWindowViewModel}}">

        </Grid>
    </Window>
```

توضیحات:

ما در `ViewModel` نیاز داریم تا مسیر نهایی فایل را دریافت کنیم و این عملیات نیاز به فراخوانی متد `ShowDialog` ایی را دارد که امکان نوشتن آزمون واحد خودکار را از `ViewModel` ما سلب خواهد کرد. بنابراین بر اساس نیاز برنامه یک اینترفیس عمومی به نام `IFilePathContract` را طراحی می‌کنیم. در حالت کلی کلاسی که این اینترفیس را پیاده سازی می‌کند، قرار است مسیری را برگرداند. اما به کمک استفاده از اینترفیس، به صورت ضمنی اعلام می‌کنیم که «برای ما مهم نیست که چگونه». می‌خواهد `OpenFileDialogProvider` ذکر شده باشد، یا نمونه تقلیدی مانند `FakeOpenFileDialogProvider`. از نمونه واقعی

OpenFileDialogProvider در برنامه اصلی استفاده خواهیم کرد، از نمونه تقلیدی FakeOpenFileDialogProvider در آزمون واحد و نکته مهم هم اینجا است که ViewModel ما چون بر اساس اینترفیس IFilePathContract پیاده سازی شده، با هر دو DialogProvider یاد شده می‌تواند کار کند. مرحله آخر نوبت به وهله سازی نمونه واقعی، در View برنامه است. یا می‌توان در Code behind مرتبط با View نوشت:

```
namespace WpfFileDialogMvvm
{
    public partial class MainWindow
    {
        public MainWindow()
        {
            InitializeComponent();
            this.DataContext = new MainWindowViewModel(new OpenFileDialogProvider());
        }
    }
}
```

و یا از روش ObjectDataProvider توکار WPF هم می‌شود استفاده کرد؛ که مثال آن‌را در کدهای XAML مرتبط با View ذکر شده می‌توانید مشاهده کنید. ابتدا دو فضای نام vm و dialog تعریف شده (با توجه به اینکه مثلا در این مثال، دو پوشه ViewModels و Dialogs وجود دارند). سپس کار تزریق وابستگی‌ها به سازنده کلاس MainWindowViewModel، از طریق ObjectDataProvider.ConstructorParameters انجام می‌شود:

```
<ObjectDataProvider x:Key="mainWindowViewModel"
    ObjectType="{x:Type vm:MainWindowViewModel}">
    <ObjectDataProvider.ConstructorParameters>
        <dialogs:OpenFileDialogProvider/>
    </ObjectDataProvider.ConstructorParameters>
</ObjectDataProvider>
```

نظرات خوانندگان

نویسنده: Salar

تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ ۱۹:۳۸:۵۰

خواستم تشکر کنم از شما که اندک ته مانده وب فارسی رو غنی می کنید. از سری MVVM هم تشکر می کنم. نظرتون در مورد کتابچه 54 صفحه ای Advanced MVVM چی هست؟ می خواستم در اولین فرصت مطالعه کنم.

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ ۱۹:۵۲:۰۱

سلام؛ ممنون. شما لطف دارید.

این کتابچه در حقیقت شرح نوشتن یک برنامه بازی به کمک الگوی MVVM است. بد نیست ولی انتظار نداشته باشید که به صورت قدم به قدم چیزی را توضیح داده باشد. فقط شرح برنامه است.

نویسنده: مومن

تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ ۰۰:۵۰:۴۷

سلام

از مطالب خوب مفیدتون تشکر می کنم.

سوال: راهی برای مدیریت دسترسی کاربران به Command ها وجود داره.

به این صورت که در فرم تعریف دسترسی ها لیست فرامین نمایش داده شود و سپس آنها را برای کاربران یا گروههای کاربری فعال و غیر فعال کنیم.

خلاصه کلام: راهی برای نمایش لیست کردن فرامین یک ویومدل وجود داره یا نه؟

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ ۰۱:۰۲:۰۹

- شما تمام خواص عمومی (و حتی غیرعمومی) رو می تونید به کمک Reflection لیست کنید. نوع آنها هم که مشخص است از جنس مثلا ICommand یا DelegateCommand هستند. بنابراین یافتن و لیست کردن خودکار Commands تعریف شده در یک ViewModel به این ترتیب امکان پذیر است.

- در حالت کلی برای مدیریت Commands فقط کافی است قسمت canExecute آنها را مدیریت کنید (مثلا در delegate command معرفی شده در همین سری). اگر برگرداند (مثلا بر اساس سطح دسترسی کاربر جاری)، خودبخود عنصر مرتبط با آن غیرفعال خواهد شد.

نویسنده: مومن

تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ ۰۷:۴۶:۵۱

سپاس

نویسنده: مهرانز توکلی

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۱۹ ۱۶:۰۶

خیلی خوب بود. ممنون

در نرم افزارهای تحت ویندوز روشها و سلیقه‌های متفاوتی برای چینش فرمها ، منوها و دیگر اجزای برنامه وجود دارد. در یک نرم افزار اتوماسیون اداری که فرمهای ورود اطلاعات زیادی دارد فضای کافی برای نمایش همه‌ی فرمها به کاربر نیست. یکی از روش هایی که می‌تواند به کار رود تقسیم قسمت‌های مختلف نرم افزار در Viewهای جداگانه است. این کار استفاده‌ی مجدد از قسمت‌های مختلف و نگهداری کد را سهولت می‌بخشد.

الگوی متداولی که در نرم افزارهای WPF و Silverlight استفاده می‌شود الگوی MVVM است. ([این الگو در جاوااسکریپت](#) هم به سبب Statefull بودن استفاده می‌شود.) قبلا [مطالب زیادی در این سایت](#) جهت آموزش و توضیح این الگوی منتشر شده است. فرض کنید نرم افزار از چند بخش تشکیل شده :

صفحه‌ی اصلی

منو

یک صفحه‌ی خوش آمدگویی

صفحه‌ی ورود و نمایش اطلاعات

می توان اجزا و تعریف هر یک از این قسمت‌ها را در یک UserControl قرار داد و در زمان مناسب آن را بارگذاری کرد. سوالی که مطرح است بارگذاری UserControlها به کمک الگوی MVVM چگونه است ؟
کدهای XAML صفحه‌ی اصلی :

```
<Window x:Class="TwoViews.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
        xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
        Title="MVVM Light View Switching"
        d:DesignHeight="300"
        d:DesignWidth="300"
        DataContext="{Binding Main,
                        Source={StaticResource Locator}}"
        ResizeMode="NoResize"
        SizeToContent="WidthAndHeight"
        mc:Ignorable="d">
    <Grid>
        <Grid.RowDefinitions>
            <RowDefinition Height="Auto" />
            <RowDefinition Height="Auto" />
        </Grid.RowDefinitions>

        <ContentControl Content="{Binding CurrentViewModel}" />

        <DockPanel Grid.Row="1" Margin="5">
            <Button Width="75"
                    Height="23"
                    Command="{Binding SecondViewCommand}"
                    Content="Second View"
                    DockPanel.Dock="Right" />
            <Button Width="75"
                    Height="23"
                    Command="{Binding FirstViewCommand}"
                    Content="First View"
                    DockPanel.Dock="Left" />
        </DockPanel>
    </Grid>
</Window>
```

2 دکمه در صفحه‌ی اصلی وجود دارد ، یکی از آنها وظیفه‌ی بارگذاری View اول و دیگری وظیفه‌ی بارگذاری View دوم را دارد ، این دکمه‌ها نقش منو را در یک نرم افزار واقعی به عهده دارند.

کدهای View-Model گره خورده (به کمک الگوی [ViewModolLocator](#)) به View اصلی :

```
/// This is our MainViewModel that is tied to the MainWindow via the
/// ViewModelLocator class.
/// </summary>
public class MainViewModel : ViewModelBase
{
    /// <summary>
    /// Static instance of one of the ViewModels.
    /// </summary>
    private static readonly SecondViewModel SecondViewModel = new SecondViewModel();
    /// <summary>
    /// Static instance of one of the ViewModels.
    /// </summary>
    private static readonly FirstViewModel FirstViewModel = new FirstViewModel();
    /// <summary>
    /// The current view.
    /// </summary>
    private ViewModelBase _currentViewModel;
    /// <summary>
    /// Default constructor. We set the initial view-model to 'FirstViewModel'.
    /// We also associate the commands with their execution actions.
    /// </summary>
    public MainViewModel()
    {
        CurrentViewModel = FirstViewModel;
        FirstViewCommand = new RelayCommand(ExecuteFirstViewCommand);
        SecondViewCommand = new RelayCommand(ExecuteSecondViewCommand);
    }
    /// <summary>
    /// The CurrentView property. The setter is private since only this
    /// class can change the view via a command. If the View is changed,
    /// we need to raise a property changed event (via INPC).
    /// </summary>
    public ViewModelBase CurrentViewModel
    {
        get { return _currentViewModel; }
        set
        {
            if (_currentViewModel == value)
                return;
            _currentViewModel = value;
            RaisePropertyChanged("CurrentViewModel");
        }
    }
    /// <summary>
    /// Simple property to hold the 'FirstViewCommand' - when executed
    /// it will change the current view to the 'FirstView'
    /// </summary>
    public ICommand FirstViewCommand { get; private set; }
    /// <summary>
    /// Simple property to hold the 'SecondViewCommand' - when executed
    /// it will change the current view to the 'SecondView'
    /// </summary>
    public ICommand SecondViewCommand { get; private set; }
    /// <summary>
    /// Set the CurrentViewModel to 'FirstViewModel'
    /// </summary>
    private void ExecuteFirstViewCommand()
    {
        CurrentViewModel = FirstViewModel;
    }
    /// <summary>
    /// Set the CurrentViewModel to 'SecondViewModel'
    /// </summary>
    private void ExecuteSecondViewCommand()
    {
        CurrentViewModel = SecondViewModel;
    }
}
```

این ViewModel از کلاس پایه‌ی چارچوب MVVM Light مشتق شده است. Command ها جهت Handle کردن کلیک دکمه‌ها هستند . نکته‌ی اصلی این ViewModel پراپرتی CurrentViewModel می‌باشد. این پراپرتی به ویژگی Content کنترل ContentControl مقید (Bind) شده است. با کلیک شدن روی دکمه‌ها View مورد نظر به کاربر نمایش داده می‌شود. WPF از کجا می‌داند کدام View را به ازای ViewModel خاص render کند ؟ در فایل App.xaml یک سری DataTemplate تعریف شده است :

```
<Application.Resources>
    <vm:ViewModelLocator x:Key="Locator" d:IsDataSource="True" />
    <!--
        We define the data templates here so we can apply them across the
        entire application.

        The data template just says that if our data type is of a particular
        view-model type, then render the appropriate view. The framework
        takes care of this dynamically. Note that the DataContext for
        the underlying view is already set at this point, so the
        view (UserControl), doesn't need to have it's DataContext set
        directly.
    -->
    <DataTemplate DataType="{x:Type vm:SecondViewModel}">
        <views:SecondView />
    </DataTemplate>
    <DataTemplate DataType="{x:Type vm:FirstViewModel}">
        <views:FirstView />
    </DataTemplate>
</Application.Resources>
```

به کمک این DataTemplate ها مشخص شده اگر نوع داده‌ی ما از یک نوع View-Model خاص می‌باشد View مناسب را به ازای آن Render کند. با تعریف DataTemplate ها در App.Xaml می‌توان از آنها در سطح نرم افزار استفاده کرد. می‌توان DataTemplate ها را جهت خلوت کردن App.xaml به Resource دیگری انتقال داد.

دریافت مثال : [TwoViews.zip](#)

[منبع مثال](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: افشار محبی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۲۷ ۱۹:۲۰

کاربرد DataTemplate را نمی‌دانستم. اینجا یاد گرفتم. ممنون.

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۲۸ ۱۴:۲۳

علت خاصی داره که viewmodel‌های دوم و اول رو به صورت static readonly تعریف کردید؟ اگر تعداد viewmodel‌ها زیاد شد برنامه به مشکلات مصرف زیاد حافظه بر نمی‌خوره؟ شاید استفاده از خواص lazy در اینجا مناسب‌تر باشه. یا اینکه این وهله سازی فقط در زمان نیاز انجام بشه.

عنوان: آزمون واحد در MVVM به کمک تزریق وابستگی

نویسنده: شاهین کیاست

تاریخ: ۱۷:۰ ۱۳۹۲/۰۱/۰۴

آدرس: www.dotnettips.info

برچسب‌ها: MVVM, Unit testing, Dependency Injection

یکی از خوبی‌های استفاده از Presentation Pattern ها بالا بردن تست پذیری برنامه و در نتیجه نگهداری کد می‌باشد. MVVM الگوی محبوب برنامه نویسان WPF و Silverlight می‌باشد. به صرف استفاده از الگوی MVVM نمی‌توان اطمینان داشت که ViewModel کاملاً تست پذیری داریم. به عنوان مثلاً اگر در ViewModel خود مستقیماً DialogBox کنیم یا ارجاعی از View دیگری داشته باشیم نوشتن آزمون‌های واحد تقریباً غیر ممکن می‌شود. قبلاً درباره‌ی این مشکلات و راه حل آن مطلب در سایت منتشر شده است :

- MVVM و نمایش دیالوگ‌ها

در این مطلب قصد داریم سناریویی را بررسی کنیم که ViewModel از Background Worker جهت انجام عملیات مانند دریافت داده‌ها استفاده می‌کند.

Background Worker کمک می‌کند تا اعمال طولانی در یک Thread دیگر اجرا شود در نتیجه رابط کاربری Freeze نمی‌شود.

به این مثال ساده توجه کنید :

```
public class BackgroundWorkerViewModel : BaseViewModel
{
    private List<string> _myData;

    public BackgroundWorkerViewModel()
    {
        LoadDataCommand = new RelayCommand(OnLoadData);
    }

    public RelayCommand LoadDataCommand { get; set; }

    public List<string> MyData
    {
        get { return _myData; }
        set
        {
            _myData = value;
            RaisePropertyChanged(() => MyData);
        }
    }

    public bool IsBusy { get; set; }

    private void OnLoadData()
    {
        var backgroundWorker = new BackgroundWorker();
        backgroundWorker.DoWork += (sender, e) =>
        {
            MyData = new List<string> {"Test"};
            Thread.Sleep(1000);
        };
        backgroundWorker.RunWorkerCompleted += (sender, e) => { IsBusy = false; };
        backgroundWorker.RunWorkerAsync();
    }
}
```

در این ViewModel با اجرای دستور LoadDataCommand داده‌ها از یک منبع داده دریافت می‌شود. این عمل می‌تواند چند ثانیه طول بکشد ، در نتیجه برای قفل نشدن رابط کاربر این عمل را به کمک Background Worker به صورت Async در پشت صحنه انجام شده است.

آزمون واحد این ViewModel اینگونه خواهد بود :

[TestFixture]


```
public class BackgroundWorkerViewModelTest
{
    #region Setup/Teardown

    [SetUp]
    public void Setup()
    {
        _backgroundWorkerViewModel = new BackgroundWorkerViewModel();
    }

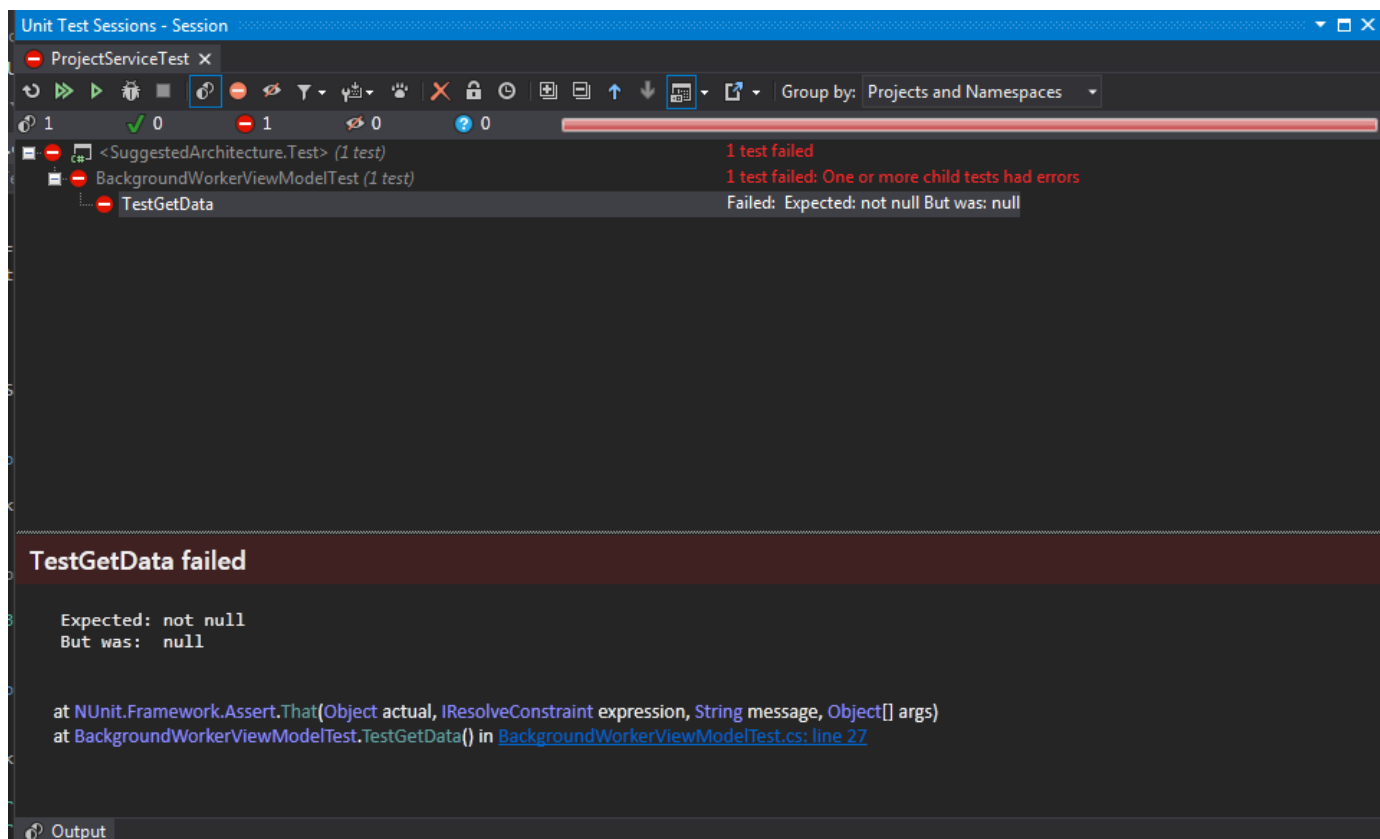
    #endregion

    private BackgroundWorkerViewModel _backgroundWorkerViewModel;

    [Test]
    public void TestGetData()
    {
        _backgroundWorkerViewModel.LoadDataCommand.Execute(_backgroundWorkerViewModel);

        Assert.NotNull(_backgroundWorkerViewModel.MyData);
        Assert.IsNotEmpty(_backgroundWorkerViewModel.MyData);
    }
}
```

با اجرای این آزمون واحد نتیجه با آن چیزی که در زمان اجرا رخ می‌دهد متفاوت است و با وجود صحیح بودن کدها آزمون واحد شکست می‌خورد. چون Unit Test به صورت همزمان اجرا می‌شود و برای عملیات‌های پشت صحنه صبر نمی‌کند در نتیجه این آزمون واحد شکست می‌خورد.



یک راه حل تزریق BackgroundWorker به صورت وابستگی به ViewModel می‌باشد. همانطور که قبلاً اشاره شده یکی از مزایای استفاده از تکنیک‌های [تزریق وابستگی](#) سهولت Unit testing می‌باشد.

در نتیجه یک Interface عمومی و 2 پیاده سازی همزمان و غیر همزمان جهت استفاده در برنامه‌ی واقعی و آزمون واحد تهیه می‌کنیم :

```
public interface IWorker
{
    void Run(DoWorkEventHandler doWork);
    void Run(DoWorkEventHandler doWork, RunWorkerCompletedEventHandler onComplete);
}
```

جهت استفاده در برنامه‌ی واقعی :

```
public class AsyncWorker : IWorker
{
    public void Run(DoWorkEventHandler doWork)
    {
        Run(doWork, null);
    }

    public void Run(DoWorkEventHandler doWork, RunWorkerCompletedEventHandler onComplete)
    {
        var backgroundWorker = new BackgroundWorker();
        backgroundWorker.DoWork += doWork;
        if (onComplete != null)
            backgroundWorker.RunWorkerCompleted += onComplete;
        backgroundWorker.RunWorkerAsync();
    }
}
```

جهت اجرا در آزمون واحد :

```
public class SyncWorker : IWorker
{
    #region IWorker Members

    public void Run(DoWorkEventHandler doWork)
    {
        Run(doWork, null);
    }

    public void Run(DoWorkEventHandler doWork, RunWorkerCompletedEventHandler onComplete)
    {
        Exception error = null;
        var doWorkEventArgs = new DoWorkEventArgs(null);
        try
        {
            doWork(this, doWorkEventArgs);
        }
        catch (Exception ex)
        {
            error = ex;
            throw;
        }
        finally
        {
            onComplete(this, new RunWorkerCompletedEventArgs(doWorkEventArgs.Result, error,
doWorkEventArgs.Cancel));
        }
    }

    #endregion
}
```

در نتیجه ViewModel اینگونه تغییر خواهد کرد :

```
public class BackgroundWorkerViewModel : BaseViewModel
{
    private readonly IWorker _worker;
    private List<string> _myData;
```

```

public BackgroundWorkerViewModel(IWorker worker)
{
    _worker = worker;
    LoadDataCommand = new RelayCommand(OnLoadData);
}

public RelayCommand LoadDataCommand { get; set; }

public List<string> MyData
{
    get { return _myData; }
    set
    {
        _myData = value;
        RaisePropertyChanged(() => MyData);
    }
}

public bool IsBusy { get; set; }

private void OnLoadData()
{
    IsBusy = true; // view is bound to IsBusy to show 'loading' message.

    _worker.Run(
        (sender, e) =>
        {
            MyData = new List<string> {"Test"};
            Thread.Sleep(1000);
        },
        (sender, e) => { IsBusy = false; });
}
}

```

کلاس مربوطه به آزمون واحد را مطابق با تغییرات ViewModel :

```

[TestFixture]
public class BackgroundWorkerViewModelTest
{
    #region Setup/Teardown

    [SetUp]
    public void Setup()
    {
        _backgroundWorkerViewModel = new BackgroundWorkerViewModel(new SyncWorker());
    }

    #endregion

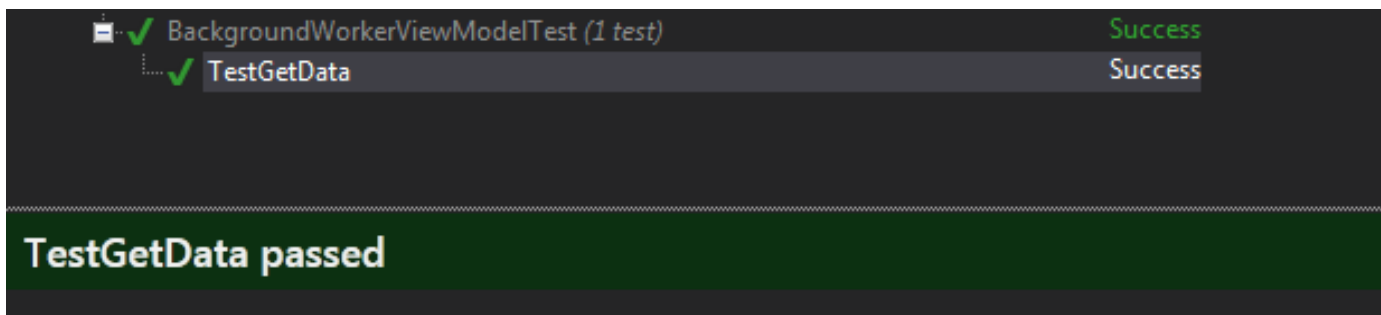
    private BackgroundWorkerViewModel _backgroundWorkerViewModel;

    [Test]
    public void TestGetData()
    {
        _backgroundWorkerViewModel.LoadDataCommand.Execute(_backgroundWorkerViewModel);

        Assert.NotNull(_backgroundWorkerViewModel.MyData);
        Assert.IsNotEmpty(_backgroundWorkerViewModel.MyData);
    }
}

```

اکنون اگر Unit Test را اجرا کنیم نتیجه اینگونه خواهد بود :



در WPF و Silverlight می‌توان با استفاده از مقیدسازی ([DataBinding](#)) کنترل‌ها را به منبع‌های داده متصل کرد. این منابع به چند شیوه مختلف مانند استفاده مستقیم از خصوصیت [Source](#) قابل دسترسی هستند. یکی از این روش‌ها، ارث بری از [DataContext](#) نزدیک‌ترین والد است.

همانطور که گفته شد DataContext هر کنترل، توسط تمامی فرزندان آن قابل دسترسی است. اما در بعضی مواقع، زمانی که کنترل فرزند، بخشی از [visual](#) یا [logical tree](#) نباشند، دسترسی به DataContext وجود ندارد.

برای مثال زمانی که نیاز است خصوصیت ItemsSource مربوط به یک به لیستی خارج از ItemsSource کنترل DataGridView DataGridTemplateColumn مثلاً به لیستی درون ViewModel مربوط به Window در مثال زیر مقید شود، به صورت معمول باید به این صورت عمل کرد:

: ViewModel

```
public List<People> ComboBoxDataSource{get; set;}
```

XAML :

```
<Window x:Class="WpfApplication1.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        Title="MainWindow"
        x:Name="this">
    <Grid>
        <DataGrid ItemsSource="{Binding DataCollection}">
            <DataGrid.Columns>
                <DataGridComboBoxColumn ItemsSource="{Binding DataContext.ComboBoxDataSource,
ElementName=this}"/>
            </DataGrid.Columns>
        </DataGrid>
    </Grid>
</Window>
```

با اینکه همه چیز درست به نظر می‌رسد اما در عمل هیچ اتصالی صورت نمی‌گیرد و در پنجره Output ویژوال استادیو خطای زیر مشاهده می‌شود:

```
System.Windows.Data Error: 2 : Cannot find governing FrameworkElement or FrameworkContentElement for
target element.
BindingExpression:Path=ComboBoxDataSource; DataItem=null;
target element is 'DataGridComboBoxColumn' (HashCode=17334644); target property is 'ItemsSource' (type
'IEnumerable')
```

این خطا مشخص می‌کند که WPF نمیتواند تشخیص بدهد که کدام FrameworkElement قرار است از DataContext استفاده کند؛ چرا که همانطور که قبلاً عنوان شد DataGridTemplateColumn بخشی از [visual](#) یا [logical tree](#) نیست.

برای مشکل فوق در صورتیکه خصوصیت مورد نظر، یک خصوصیت از فرزندان کنترل باشد، از طریق استایل‌ها می‌توان مشکل را حل کرد. برای مثال به جای DataSource مربوط به DataGridComboBoxColumn می‌توان خصوصیت DataSource کنترل ComboBox درون آن را تنظیم کرد.

```
<DataGridComboBoxColumn DisplayMemberPath="FirstName">
    <DataGridComboBoxColumn.EditingElementStyle>
        <Style TargetType="ComboBox">
            <Setter Property="ItemsSource" Value="{Binding DataContext.ComboBoxDataSource ,
ElementName=this}"/>
        </Style>
    </DataGridComboBoxColumn.EditingElementStyle>
</DataGridComboBoxColumn>
```

اما در صورتیکه نیاز باشد یک خصوصیت از خود DataGridComboBoxColumn مانند Visibility مقید سازی شود، روش بالا کارساز نخواهد بود. برای حل مشکل فوق می‌توان از کلاس‌های Freezable استفاده کرد؛ چرا که این کلاس‌ها می‌توانند از DataContext ارث بری کنند حتی زمانی که بخشی از [visual](#) یا [logical tree](#) نباشند. برای این کار می‌توان کلاس زیر را ایجاد کرد:

```
public class DataBindingHelper : Freezable
{
    protected override Freezable CreateInstanceCore()
    {
        return new DataBindingHelper();
    }
    public object Data
    {
        get { return (object)GetValue(DataProperty); }
        set { SetValue(DataProperty, value); }
    }

    public static readonly DependencyProperty DataProperty =
        DependencyProperty.Register("Data", typeof(object), typeof(DataBindingHelper), new
        UIPropertyMetadata(null));
}
```

و یک نمونه از آن را در Resource های DataGrid ساخت:

```
<DataGrid.Resources>
    <local:DataBindingHelper x:Key="bindingHelper"Data="{Binding}"/>
</DataGrid.Resources>
```

و هنگام مقید سازی خصوصیت Visibility مربوط به DataGridComboBoxColumn، از نمونه ساخته شده به عنوان Source استفاده نمود.

```
<DataGridComboBoxColumn Visibility="{Binding Data.IsVisible,Converter={StaticResource
visibilityConverter}},Source={StaticResource bindingHelper}"/>
```

SimpleIoc به صورت پیش فرض در پروژه های MVVM Light موجود می باشد. قطعه کد پایین به صورت پیش فرض در پروژه های MVVM Light ایجاد می شود.

در کلاس ViewModelLocator ما تمام میانجی (Interface) ها و اشیا (Objects) ی مورد نیازمان را ثبت (register) می کنیم. در ادامه اجزای مختلف آن را شرح می دهیم.

```
class ViewModelLocator
{
    static ViewModelLocator()
    {
        ServiceLocator.SetLocatorProvider(() => SimpleIoc.Default);
        if (ViewModelBase.IsInDesignModeStatic)
        {
            SimpleIoc.Default.Register<IDataService, Design.DesignDataService>();
        }
        else
        {
            SimpleIoc.Default.Register<IDataService, DataService>();
        }
        SimpleIoc.Default.Register<MainViewModel>();
        SimpleIoc.Default.Register<SecondViewModel>();
    }

    public MainViewModel Main
    {
        get
        {
            return ServiceLocator.Current.GetInstance<MainViewModel>();
        }
    }
}
```

1) هر شیء که به صورت پیش فرض ایجاد می شود با الگوی Singleton ایجاد می شود.

```
SimpleIoc.Default.GetInstance<MainViewModel>(Guid.NewGuid().ToString());
```

2) جهت ثبت یک کلاس مرتبط با میانجی آن از روش زیر استفاده می شود.

```
SimpleIoc.Default.Register<IDataService, Design.DesignDataService>();
```

3) جهت ثبت یک شیء مرتبط با میانجی از روش زیر استفاده می شود.

```
SimpleIoc.Default.Register<IDataService>(myObject);
```

4) جهت ثبت یک نوع (Type) به طریق زیر عمل می کنیم.

```
SimpleIoc.Default.Register<MainViewModel>();
```

5) جهت گرفتن وهله (Instance) از یک میانجی خاص، از روش زیر استفاده می کنیم.

```
SimpleIoc.Default.GetInstance<IDataService>();
```

6) جهت گرفتن وهله ای به صورت مستقیم، 'ایجاد و وضوح وابستگی (dependency resolution)' از روش زیر استفاده می کنیم.

```
SimpleIoc.Default.GetInstance();
```

7) برای ایجاد داده‌های زمان طراحی از روش زیر استفاده می‌کنیم.

```
if (ViewModelBase.IsInDesignModeStatic)
{
    SimpleIoc.Default.Register<IDataService, Design.DesignDataService>();
}
else
{
    SimpleIoc.Default.Register<IDataService, DataService>();
}
```

در حالت زمان طراحی، سرویس‌های زمان طراحی به صورت خودکار ثبت می‌شوند. و می‌توان این داده‌ها را در ViewModelها و Viewها حین طراحی مشاهده نمود.

[منبع](#)

در این مقاله به بررسی اولیه فریمورک [Cate1](#) و برخی ویژگی‌های آن خواهیم پرداخت.

همانطور که می‌دانید فریمورک‌های متعددی برای MVVM به وجود آمده اند، مانند MVVM Light یا Caliburn و Chinch و ... که هر کدام از آن‌ها دارای ویژگی‌هایی می‌باشند اما Cate1 تنها یک فریمورک برای MVVM نیست بلکه دارای قسمت‌های دیگری مانند کنترل‌های اختصاصی و سرویس‌های متعدد و پرکاربرد و Extension‌های مفید و ... نیز می‌باشد که کار توسعه یک برنامه MVVM را فوق العاده لذتبخش می‌کند.

برای شروع کار با این فریمورک ابتدا بایستی قالب پروژه را [از این آدرس دریافت نمایید](#). بعد از دریافت و نصب آن یک زیرگروه جدید به نام Cate1 به قسمت افزودن پروژه جدید اضافه خواهد شد که شامل قالب پروژه برای WPF و Silverlight و Windows Store و Phone می‌باشد. در این قسمت گزینه Cate1 Application with WPF را انتخاب نمایید و پروژه را ایجاد کنید. بعد از ایجاد پروژه نوبت به نصب بسته‌های nuget مورد نیاز Cate1 می‌رسد. تنها بسته مورد نیاز Cate1.Extensions.Controls می‌باشد که به صورت خودکار بسته‌های Cate1.MVVM و Cate1.Core را نیز نصب خواهد کرد. البته بسته‌های دیگری مانند Cate1.Extensions.Prism, Cate1.Extensions.FluentValidation, Cate1.Extensions.Data و Cate1.Fody و ... نیز برای این فریمورک وجود دارد که در این مطلب به آن‌ها نیازی نداریم.

اکنون ساختار اصلی پروژه ما ایجاد شده است. در این ساختار پوشه‌های Views, Models و ViewModels به صورت پیش فرض وجود دارند. Cate1 برای برقراری ارتباط بین View و ViewModel از [IViewLocator](#)، [IViewModelLocator](#) و [یکسری قواعد نام گذاری](#) پیروی میکند تا نیاز به رجیستر کردن تک تک ویوها و ویومدل‌ها به صورت دستی نباشد که البته این قواعد قابل تغییر و شخصی سازی هستند. قرارداد پیش فرض برای پروژه‌های کوچک ممکن است مناسب باشد ولی در پروژه‌های بزرگ نیاز به سفارشی سازی دارد که در قسمت‌های بعد به آن خواهیم پرداخت.

View و ViewModel:

برای ایجاد یک ViewModel جدید، باید از منوی Add New Item قسمت Cate1 گزینه ViewModel (Cate1) را انتخاب نمایید. با توجه به code snippet های تهیه شده برای این فریمورک، کار تهیه ViewModel ها فوق العاده سریع انجام می‌شود. به عنوان مثال برای اضافه کردن یک Command در ویومدل، از vmcommand و یا vmcommandwithcanexecute و برای ایجاد پروپرتی هم از vmprop و vmpropchanged میتوان استفاده نمود. همانطور که ملاحظه می‌کنید نام این snippet ها کاملاً واضح می‌باشد و نیاز به توضیح اضافی ندارند.

همینطور برای ایجاد یک View گزینه DataWindow (WPF with Cate1) را انتخاب نمایید. ViewModel ها در Cate1 از کلاس پایه ViewModelBase و View ها نیز از کلاس DataWindow مشتق می‌شوند.

DataWindow یک Window پیشرفته با قابلیت‌هایی مانند افزودن خودکار دکمه‌های Ok / Cancel یا Apply / Cancel یا Close می‌باشد که می‌تواند باعث تسریع روند ایجاد Window های تکراری شود. اما اگر به هیچ کدام از این دکمه‌های ذکر شده نیاز نداشتید DataWindowMode.Custom را انتخاب می‌کنید. نشان دادن Validation در بالای پنجره به صورت popup نیز یکی دیگر از قابلیت‌های این Window پیشرفته است. البته DataWindow دارای overload های مختلفی است که می‌توانید به کمک آن ویژگی‌های ذکر شده را فعال یا غیر فعال کنید.

حال برای درک بهتر command ها و نحوه تعریف و بکارگیری آن‌ها یک command جدید در MainWindowViewModel با استفاده از vmcommand ایجاد کنید. مانند قطعه کد زیر:

```
public class MainWindowViewModel : ViewModelBase
{
    public MainWindowViewModel()
        : base()
    {
        ShowPleaseWait = new Command(OnShowPleaseWaitExecute);
    }

    public override string Title { get { return "View model title"; } }

    public Command ShowPleaseWait { get; private set; }
    private void OnShowPleaseWaitExecute()
    {
        var pleaseWaitService = GetService<IPleaseWaitService>();
```

```

        pleaseWaitService.Show(() =>
        {
            Thread.Sleep(3000);
        });
    }
}

```

در داخل بدنه این command از PleaseWaitService استفاده کردیم که در ادامه توضیح داده خواهد شد. در MainView نیز یک button اضافه کنید و پروپرتی Command آن را به صورت زیر تنظیم کنید:

```

<Button Margin="6"
        Command="{Binding ShowPleaseWait}"
        Content="Show PleaseWait!" />

```

اکنون با فشردن button کد داخل بدنه command اجرا خواهد شد.

سرویس ها:

کتابخانه Catel.MVVM دارای سرویس‌های مختلف و پرکاربردی می‌باشد که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت:
PleaseWaitService: از این سرویس برای نشان دادن یک loading به کاربر در حین انجام یک کار سنگین استفاده می‌شود و نحوه استفاده از آن به صورت زیر است:

```

var pleaseWaitService = GetService<IPleaseWaitService>();
pleaseWaitService.Show(() =>
{
    Thread.Sleep(3000);
});

```

UIVisualizerService: از این سرویس برای باز کردن پنجره‌های برنامه استفاده می‌شود. هر View در برنامه دارای یک ViewModel می‌باشد. برای باز کردن View ابتدا یک نمونه از ViewModel مربوطه را ایجاد میکنیم و با دادن viewmodel به متد Show یا ShowDialog پنجره مورد نظر را باز میکنیم.

```

var uiService = GetService<UIVisualizerService>();
var viewModel = new AnotherWindowViewModel();
uiService.Show(viewModel);

```

OpenFileService: برای نشان دادن OpenFileDialog جهت باز کردن یک فایل در برنامه.

```

var openFileService = GetService<IOpenFileService>();
openFileService.Filter = "ZIP files (*.zip)|*.zip";
openFileService.IsMultiSelect = false;
openFileService.Title = "Open file";
if (openFileService.DetermineFile())
{
    // ?
}

```

SaveFileService: برای نشان دادن SaveFileDialog جهت ذخیره سازی.

```

var saveFileService = GetService<ISaveFileService>();
saveFileService.Filter = "ZIP files (*.zip)|*.zip";
saveFileService.FileName = "test";
saveFileService.Title = "Save file";
if (saveFileService.DetermineFile())
{
    // ?
}

```

```
}
```

ProcessService: برای اجرا کردن یک process. به عنوان مثال برای باز کردن ماشین حساب ویندوز به صورت زیر عمل می‌کنیم:

```
var processService = GetService<IProcessService>();  
processService.StartProcess(@"C:\Windows\System32\calc.exe");
```

SplashScreenService: برای نشان دادن SplashScreen در ابتدای برنامه‌هایی که سرعت بالا آمدن پایینی دارند.

```
var splashScreenService = GetService<ISplashScreenService>();  
splashScreenService.Enqueue(new ActionTask("Creating the shell", OnCreateShell));  
splashScreenService.Enqueue(new ActionTask("Initializing modules", OnInitializeModules));  
splashScreenService.Enqueue(new ActionTask("Starting application", OnStartApplication));
```

MessageService: برای نشان دادن MessageBox به کاربر.

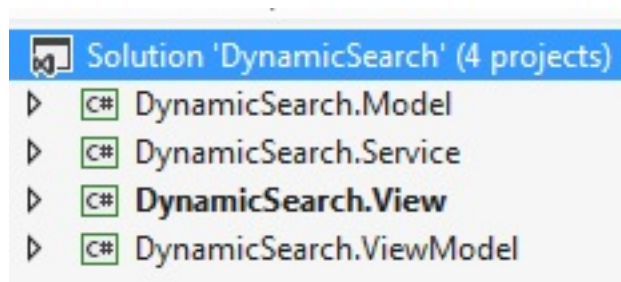
```
var messageService = GetService<IMessageService>();  
if (messageService.Show("Are you sure?", "?", MessageBoxButton.YesNo, MessageImage.Warning) ==  
    MessageBoxResult.Yes)  
{  
    // ?  
}
```

همانطور که ملاحظه کردید اکثر کارهای مورد نیاز یک پروژه با کمک سرویس‌های ارائه شده در این فریمورک به آسانی انجام می‌شود.

دریافت مثال و پروژه کامل این قسمت: [TestApp.zip](#)

در مواردی نیاز است کاربر را جهت انتخاب فیلدهای مورد جستجو آزاد نگه داریم. برای نمونه جستجویی را در نظر بگیرید که کاربر قصد دارد: "دانش آموزانی که نام آنها برابر علی است و شماره دانش آموزی آنها از 100 کمتر است" را پیدا کند در شرایطی که فیلدهای نام و شماره دانش آموزی و عمل گر کوچکتر را خود کاربر به دلخواه برگزیده. روش‌های زیادی برای پیاده سازی این نوع جستجوها وجود دارد. در این مقاله سعی شده گام‌های ایجاد یک ساختار پایه برای این نوع فرم‌ها و یک ایجاد فرم نمونه بر پایه ساختار ایجاد شده را با استفاده از یکی از همین روش‌ها شرح دهیم. اساس این روش تولید عبارت Linq بصورت پویا با توجه به انتخاب‌های کاربر می‌باشد.

1- برای شروع یک سلوشن خالی با نام DynamicSearch ایجاد می‌کنیم. سپس ساختار این سلوشن را بصورت زیر شکل می‌دهیم.



در این مثال پیاده سازی در قالب ساختار MVVM در نظر گرفته شده. ولی محدودتی از این نظر برای این روش قائل نیستیم.

2- کار را از پروژه مدل آغاز می‌کنیم. جایی که ما برای سادگی کار، 3 کلاس بسیار ساده را به ترتیب زیر ایجاد می‌کنیم:

```
namespace DynamicSearch.Model
{
    public class Person
    {
        public Person(string name, string family, string fatherName)
        {
            Name = name;
            Family = family;
            FatherName = fatherName;
        }

        public string Name { get; set; }
        public string Family { get; set; }
        public string FatherName { get; set; }
    }
}

using System;
using System.Collections.Generic;
using System.Linq;
using System.Text;
using System.Threading.Tasks;

namespace DynamicSearch.Model
{
    public class Teacher : Person
    {
        public Teacher(int id, string name, string family, string fatherName)
            : base(name, family, fatherName)
        {
            ID = id;
        }

        public int ID { get; set; }

        public override string ToString()
        {

```

```

        {
            return string.Format("Name: {0}, Family: {1}", Name, Family);
        }
    }
}

namespace DynamicSearch.Model
{
    public class Student : Person
    {
        public Student(int stdId, Teacher teacher, string name, string family, string fatherName)
            : base(name, family, fatherName)
        {
            StdID = stdId;
            Teacher = teacher;
        }

        public int StdID { get; set; }
        public Teacher Teacher { get; set; }
    }
}

```

3- در پروژه سرویس یک کلاس بصورت زیر ایجاد می‌کنیم:

```

using System;
using System.Collections.Generic;
using System.Linq;
using System.Text;
using System.Threading.Tasks;
using DynamicSearch.Model;

namespace DynamicSearch.Service
{
    public class StudentService
    {
        public IList<Student> GetStudents()
        {
            return new List<Student>
            {
                new Student(1, new Teacher(1, "Ali", "Rajabi", "Reza"), "Mohammad", "Hoeyni", "Sadegh"),
                new Student(2, new Teacher(2, "Hasan", "Noori", "Mohsen"), "Omid", "Razavi", "Ahmad"),
            };
        }
    }
}

```

4- تا اینجا تمامی داده‌ها صرفاً برای نمونه بود. در این مرحله ساخت اساس جستجو گر پویا را شرح می‌دهیم.

جهت ساخت عبارت، نیاز به سه نوع جزء داریم:

-اتصال دهنده عبارات ("و" ، "یا")

-عملوند (در اینجا فیلدی که قصد مقایسه با عبارت مورد جستجوی کاربر را داریم)

-عملگر (">" , "<" , "=" ,)

برای ذخیره المان‌های انتخاب شده توسط کاربر، سه کلاس زیر را ایجاد می‌کنیم (همان سه جزء بالا):

```

using System;
using System.Linq.Expressions;

namespace DynamicSearch.ViewModel.Base
{
    public class AndOr
    {
        public AndOr(string name, string title, Func<Expression, Expression, Expression> func)
        {
            Title = title;
            Func = func;
            Name = name;
        }

        public string Title { get; set; }
        public Func<Expression, Expression, Expression> Func { get; set; }
        public string Name { get; set; }
    }
}

```

```

    }
}

using System;

namespace DynamicSearch.ViewModel.Base
{
    public class Feild : IEquatable<Feild>
    {
        public Feild(string title, Type type, string name)
        {
            Title = title;
            Type = type;
            Name = name;
        }

        public Type Type { get; set; }
        public string Name { get; set; }
        public string Title { get; set; }
        public bool Equals(Feild other)
        {
            return other.Title == Title;
        }
    }
}

using System;
using System.Linq.Expressions;

namespace DynamicSearch.ViewModel.Base
{
    public class Operator
    {
        public enum TypesToApply
        {
            String,
            Numeric,
            Both
        }

        public Operator(string title, Func<Expression, Expression, Expression> func, TypesToApply typeToApply)
        {
            Title = title;
            Func = func;
            TypeToApply = typeToApply;
        }

        public string Title { get; set; }
        public Func<Expression, Expression, Expression> Func { get; set; }
        public TypesToApply TypeToApply { get; set; }
    }
}

```

توسط کلاس زیر یک سری اعمال متداول را پیاده سازی کرده ایم و پیاده سازی اضافات را بهعهده کلاس‌های ارث برنده از این کلاس گذاشته ایم:

```

using System.Collections.ObjectModel;
using System.Linq;
using System.Linq.Expressions;

namespace DynamicSearch.ViewModel.Base
{
    public abstract class SearchFilterBase<T> : BaseViewModel
    {
        protected SearchFilterBase()
        {
            var containOp = new Operator("شامل باشد", (expression, expression1) =>
                Expression.Call(expression, typeof(string).GetMethod("Contains"), expression1),
                Operator.TypesToApply.String);
            var notContainOp = new Operator("شامل نباشد", (expression, expression1) =>
                {
                    var contain = Expression.Call(expression, typeof(string).GetMethod("Contains"),
                        expression1);
                    return Expression.Not(contain);
                }, Operator.TypesToApply.String);
        }
    }
}

```

```

var equalOp = new Operator("=", Expression.Equal, Operator.TypesToApply.Both);
var notEqualOp = new Operator("<>", Expression.NotEqual, Operator.TypesToApply.Both);
var lessThanOp = new Operator("<", Expression.LessThan, Operator.TypesToApply.Numeric);
var greaterThanOp = new Operator(">", Expression.GreaterThan,
Operator.TypesToApply.Numeric);
var lessThanOrEqual = new Operator("<=", Expression.LessThanOrEqual,
Operator.TypesToApply.Numeric);
var greaterThanOrEqual = new Operator(">=", Expression.GreaterThanOrEqual,
Operator.TypesToApply.Numeric);

Operators = new ObservableCollection<Operator>
{
    equalOp,
    notEqualOp,
    containOp,
    notContainOp,
    lessThanOp,
    greaterThanOp,
    lessThanOrEqual,
    greaterThanOrEqual,
};

SelectedAndOr = AndOrs.FirstOrDefault(a => a.Name == "Suppress");
SelectedFeild = Feilds.FirstOrDefault();
SelectedOperator = Operators.FirstOrDefault(a => a.Title == "=");
}

public abstract IQueryable<T> GetQuarable();

public virtual ObservableCollection<AndOr> AndOrs
{
    get
    {
        return new ObservableCollection<AndOr>
        {
            new AndOr("And", "و", Expression.AndAlso),
            new AndOr("Or", "یا", Expression.OrElse),
            new AndOr("Suppress", "نادیده", (expression, expression1) => expression),
        };
    }
}

public virtual ObservableCollection<Operator> Operators
{
    get { return _operators; }
    set { _operators = value; NotifyPropertyChanged("Operators"); }
}

public abstract ObservableCollection<Feild> Feilds { get; }

public bool IsOtherFilters
{
    get { return _isOtherFilters; }
    set { _isOtherFilters = value; }
}

public string SearchValue
{
    get { return _searchValue; }
    set { _searchValue = value; NotifyPropertyChanged("SearchValue"); }
}

public AndOr SelectedAndOr
{
    get { return _selectedAndOr; }
    set { _selectedAndOr = value; NotifyPropertyChanged("SelectedAndOr");
NotifyPropertyChanged("SelectedFeildHasSetted"); }
}

public Operator SelectedOperator
{
    get { return _selectedOperator; }
    set { _selectedOperator = value; NotifyPropertyChanged("SelectedOperator"); }
}

public Feild SelectedFeild
{
    get { return _selectedFeild; }
    set
    {
        Operators = value.Type == typeof(string) ? new
ObservableCollection<Operator>(Operators.Where(a => a.TypeToApply == Operator.TypesToApply.Both ||
a.TypeToApply == Operator.TypesToApply.String)) : new ObservableCollection<Operator>(Operators.Where(a
=> a.TypeToApply == Operator.TypesToApply.Both || a.TypeToApply == Operator.TypesToApply.Numeric));
        if (SelectedOperator == null)
        {

```

```

        SelectedOperator = Operators.FirstOrDefault(a => a.Title == "");
    }

    NotifyPropertyChanged("SelectedOperator");
    NotifyPropertyChanged("SelectedFeild");
    _selectedFeild = value;
    NotifyPropertyChanged("SelectedFeildHasSetted");
}
}
public bool SelectedFeildHasSetted
{
    get
    {
        return SelectedFeild != null &&
            (SelectedAndOr.Name != "Suppress" || !IsOtherFilters);
    }
}

private ObservableCollection<Operator> _operators;
private Feild _selectedFeild;
private Operator _selectedOperator;
private AndOr _selectedAndOr;
private string _searchValue;
private bool _isOtherFilters = true;
}
}

```

توضیحات: در این ویو مدل پایه سه لیست تعریف شده که برای دو تای آنها پیاده سازی پیش فرضی در همین کلاس دیده شده ولی برای لیست فیلدها پیاده سازی به کلاس ارث برنده واگذار شده است.

در گام بعد، یک کلاس کمکی برای سهولت ساخت عبارات ایجاد می‌کنیم:

```

using System;
using System.Collections.Generic;
using System.Linq;
using System.Linq.Expressions;
using System.Reflection;
using AutoMapper;

namespace DynamicSearch.ViewModel.Base
{
    public static class ExpressionExtensions
    {
        public static List<T> CreateQuery<T>(Expression whereCallExpression, IQueryable entities)
        {
            return entities.Provider.CreateQuery<T>(whereCallExpression).ToList();
        }

        public static MethodCallExpression CreateWhereCall<T>(Expression condition, ParameterExpression pe, IQueryable entities)
        {
            var whereCallExpression = Expression.Call(
                typeof(Queryable),
                "Where",
                new[] { entities.ElementType },
                entities.Expression,
                Expression.Lambda<Func<T, bool>>(condition, new[] { pe }));
            return whereCallExpression;
        }

        public static void CreateLeftAndRightExpression<T>(string propertyName, Type type, string searchValue, ParameterExpression pe, out Expression left, out Expression right)
        {
            var typeOfNullable = type;
            typeOfNullable = typeOfNullable.IsNullableType() ? typeOfNullable.GetNullableType() : typeOfNullable;
            left = null;

            var typeMethodInfos = typeOfNullable.GetMethods();
            var parseMethodInfo = typeMethodInfos.FirstOrDefault(a => a.Name == "Parse" && a.GetParameters().Count() == 1);

            var propertyInfos = typeof(T).GetProperties();
            if (propertyName.Contains("."))

```



```

        {
            left = CreateComplexTypeExpression(propertyName, propertyInfos, pe);
        }
        else
        {
            var propertyInfo = propertyInfos.FirstOrDefault(a => a.Name == propertyName);
            if (propertyInfo != null) left = Expression.Property(pe, propertyInfo);
        }

        if (left != null) left = Expression.Convert(left, typeOfNullable);

        if (parseMethodInfo != null)
        {
            var invoke = parseMethodInfo.Invoke(searchValue, new object[] { searchValue });
            right = Expression.Constant(invoke, typeOfNullable);
        }
        else
        {
            //type is string
            right = Expression.Constant(searchValue.ToLower());
            var methods = typeof(string).GetMethods();
            var firstOrDefault = methods.FirstOrDefault(a => a.Name == "ToLower" &&
!a.GetParameters().Any());
            if (firstOrDefault != null) left = Expression.Call(left, firstOrDefault);
        }
    }

    public static Expression CreateComplexTypeExpression(string searchFilter,
IEnumerable<PropertyInfo> propertyInfos, Expression pe)
    {
        Expression ex = null;
        var infos = searchFilter.Split('.');
        var enumerable = propertyInfos.ToList();
        for (var index = 0; index < infos.Length - 1; index++)
        {
            var propertyInfo = infos[index];
            var nextPropertyInfo = infos[index + 1];
            if (propertyInfos == null) continue;
            var propertyInfo2 = enumerable.FirstOrDefault(a => a.Name == propertyInfo);
            if (propertyInfo2 == null) continue;
            var val = Expression.Property(pe, propertyInfo2);
            var propertyInfos3 = propertyInfo2.PropertyType.GetProperties();
            var propertyInfo3 = propertyInfos3.FirstOrDefault(a => a.Name == nextPropertyInfo);
            if (propertyInfo3 != null) ex = Expression.Property(val, propertyInfo3);
        }

        return ex;
    }

    public static Expression AddOperatorExpression(Func<Expression, Expression, Expression> func,
Expression left, Expression right)
    {
        return func.Invoke(left, right);
    }

    public static Expression JoinExpressions(bool isFirst, Func<Expression, Expression, Expression>
func, Expression expression, Expression ex)
    {
        if (!isFirst)
        {
            return func.Invoke(expression, ex);
        }

        expression = ex;
        return expression;
    }
}

```

5- ایجاد کلاس فیلتر جهت معرفی فیلدها و معرفی منبع داده و ویو مدلی ارث برنده از کلاس‌های پایه ساختار، جهت ایجاد فرم نمونه:

```

using System.Collections.ObjectModel;
using System.Linq;
using DynamicSearch.Model;
using DynamicSearch.Service;

```

```

using DynamicSearch.ViewModel.Base;
namespace DynamicSearch.ViewModel
{
    public class StudentSearchFilter : SearchFilterBase<Student>
    {
        public override ObservableCollection<Feild> Feilds
        {
            get
            {
                return new ObservableCollection<Feild>
                {
                    new Feild("نام دانش آموز",typeof(string),"Name"),
                    new Feild("نام خانوادگی دانش آموز",typeof(string),"Family"),
                    new Feild("نام خانوادگی معلم",typeof(string),"Teacher.Name"),
                    new Feild("شماره دانش آموزی",typeof(int),"StdID"),
                };
            }
        }

        public override IQueryable<Student> GetQuarable()
        {
            return new StudentService().GetStudents().AsQueryable();
        }
    }
}

```

6- ایجاد ویو نمونه:

در نهایت زمل فایل موجود در پروژه ویو:

```

<Window x:Class="DynamicSearch.View.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        xmlns:mc="http://schemas.openxmlformats.org/markup-compatibility/2006"
        xmlns:d="http://schemas.microsoft.com/expression/blend/2008"
        xmlns:viewModel="clr-namespace:DynamicSearch.ViewModel;assembly=DynamicSearch.ViewModel"
        xmlns:view="clr-namespace:DynamicSearch.View"
        mc:Ignorable="d"
        d:DesignHeight="300" d:DesignWidth="300">
    <Window.Resources>
        <viewModel:StudentSearchViewModel x:Key="StudentSearchViewModel" />
        <view:VisibilityConverter x:Key="VisibilityConverter" />
    </Window.Resources>
    <Grid DataContext="{StaticResource StudentSearchViewModel}">
        <WrapPanel Orientation="Vertical">
            <DataGrid AutoGenerateColumns="False" Name="asd" CanUserAddRows="False"
                ItemsSource="{Binding BindFilter}">
                <DataGrid.Columns>
                    <DataGridTemplateColumn>
                        <DataGridTemplateColumn.CellTemplate>
                            <DataTemplate DataType="{x:Type viewModel:StudentSearchFilter}">
                                <ComboBox MinWidth="100" DisplayMemberPath="Title"
                                    ItemsSource="{Binding AndOrs}" Visibility="{Binding IsOtherFilters,Converter={StaticResource
                                    VisibilityConverter}}">
                                    <Binding SelectedItem="{Binding
                                    SelectedAndOr,Mode=TwoWay,UpdateSourceTrigger=PropertyChanged}" />
                                </DataTemplate>
                            </DataGridTemplateColumn.CellTemplate>
                        </DataGridTemplateColumn>
                    </DataGridTemplateColumn>
                    <DataGridTemplateColumn>
                        <DataGridTemplateColumn.CellTemplate>
                            <DataTemplate DataType="{x:Type viewModel:StudentSearchFilter}">
                                <ComboBox IsEnabled="{Binding SelectedFeildHasSetted}" MinWidth="100"
                                    DisplayMemberPath="Title" ItemsSource="{Binding Feilds}" SelectedItem="{Binding
                                    SelectedFeild,Mode=TwoWay,UpdateSourceTrigger=PropertyChanged }"/>
                            </DataTemplate>
                        </DataGridTemplateColumn.CellTemplate>
                    </DataGridTemplateColumn>
                    <DataGridTemplateColumn>
                        <DataGridTemplateColumn.CellTemplate>
                            <DataTemplate DataType="{x:Type viewModel:StudentSearchFilter}">
                                <ComboBox MinWidth="100" DisplayMemberPath="Title"
                                    ItemsSource="{Binding Operators}" IsEnabled="{Binding SelectedFeildHasSetted}"
                                    SelectedItem="{Binding

```

```
SelectedOperator,Mode=TwoWay,UpdateSourceTrigger=PropertyChanged}" />
    </DataTemplate>
</DataGridTemplateColumn.CellTemplate>
</DataGridTemplateColumn>
<DataGridTemplateColumn Width="*">
    <DataGridTemplateColumn.CellTemplate>
        <DataTemplate DataType="{x:Type viewModel:StudentSearchFilter}">
            <TextBox IsEnabled="{Binding SelectedFeildHasSetted}" MinWidth="200"
Text="{Binding SearchValue,Mode=TwoWay,UpdateSourceTrigger=PropertyChanged}" />
            <!--<TextBox Text="{Binding
SearchValue,Mode=TwoWay,UpdateSourceTrigger=PropertyChanged}" />-->
        </DataTemplate>
    </DataGridTemplateColumn.CellTemplate>
</DataGridTemplateColumn>
</DataGrid.Columns>
</DataGrid>

<Button Content="+" HorizontalAlignment="Left" Command="{Binding AddFilter}" />
<Button Content="Result" Command="{Binding ExecuteSearchFilter}" />
<DataGrid ItemsSource="{Binding Results}">

</DataGrid>
</WrapPanel>
</Grid>
</Window>
```

در این مقاله، هدف معرفی روند ایجاد یک جستجو گر پویا با قابلیت استفاده مجدد بالا بود و عمدا از توضیح جزء به جزء کدها صرف نظر شده. علت این امر وجود منابع بسیار راجب ابزارهای بکار رفته در این مقاله و سادگی کدهای نوشته شده توسط اینجانب می باشد.

برخی منابع جهت آشنایی با Expression ها:

<http://msdn.microsoft.com/en-us/library/bb882637.aspx>

[انتخاب پویای فیلدها در LINQ](#)

<http://www.persiadevelopers.com/articles/dynamiclinquery.aspx>

نکته: کدهای نوشته شده در این مقاله، نسخه های نخستین هستند و طبیعتا جا برای بهبود بسیار دارند. دوستان می توانند در این امر به بنده کمک کنند.

پیشنهادهای جهت بهبود:

- جداسازی کدهای پیاده کننده منطق از ویو مدل ها جهت افزایش قابلیت نگهداری کد و سهولت استفاده در سایر ساختارها
- افزودن توضیحات به کد
- انتخاب نامگذاری های مناسب تر

[DynamicSearch.zip](#)

عنوان:	آموزش #1 Prism
نویسنده:	مسعود پاکدل
تاریخ:	۸:۱۵ ۱۳۹۲/۰۴/۰۱
آدرس:	www.dotnettips.info
گروه‌ها:	MVVM, Silverlight, WPF, prism

امروزه تقریباً تمام کسانی که پروژه‌های WPF یا Silverlight رو توسعه می‌دهند با مدل برنامه نویسی MVVM آشنایی دارند. فریم ورک‌های مختلفی برای توسعه پروژه‌ها به صورت MVVM وجود دارد. نظیر:

MVVM Light
Prism
Caliburn
Cinch
WAF
Catel
Onyx
MVVM helpers

...و

هر کدام از فریم ورک‌های بالا مزایا، معایب و طرفداران خاص خودشون رو دارند (^) ولی به جرات می‌تونیم Prism رو به عنوان قوی‌ترین فریم ورک برای پیاده سازی پروژه‌های بزرگ و قوی و ماژولار با تکنولوژی WPF یا Silverlight بنامیم. در این پست به معرفی و بررسی مفاهیم اولیه Prism خواهیم پرداخت و در پست‌های دیگر به پیاده سازی عملی همراه با مثال می‌پردازیم.

*اگر به هر دلیلی مایل به یادگیری و استفاده از Prism نیستید، بهتون پیشنهاد می‌کنم از WAF استفاده کنید.

پیش نیازها:

برای یادگیری PRISM ابتدا باید با مفاهیم زیر در WPF یا Silverlight آشنایی داشته باشید. (فرض بر این است که به UserControl و Xaml و Dependency Properties، تسلط کامل دارید)

Data binding

Resources

Commands

Behaviors

چرا Prism ؟

Prism به صورت کامل از Modular Programming برای پروژه‌های WPF و Silverlight پشتیبانی می‌کند*

از Prism هم می‌توانیم در پروژه‌های WPF استفاده کنیم و هم Silverlight.

Prism به صورت کامل از الگوی MVVM برای پیاده سازی پروژه‌ها پشتیبانی می‌کند.

پیاده سازی مفاهیمی نظیر Composite Command و Command Behavior و Asynchronous Interacion به راحتی در Prism امکان پذیر است.

مفاهیم تزریق وابستگی به صورت توکار در Prism فراهم است که برای پیاده سازی این مفاهیم به طور پیش فرض امکان استفاده از UnityContainer و MEF در Prism تدارک دیده شده است.

پیاده سازی Region navigation در Prism به راحتی امکان پذیر است.

به وسیله امکان Event Aggregation به راحتی می توانیم بین ماژول های مختلف ارتباط برقرار کنیم.

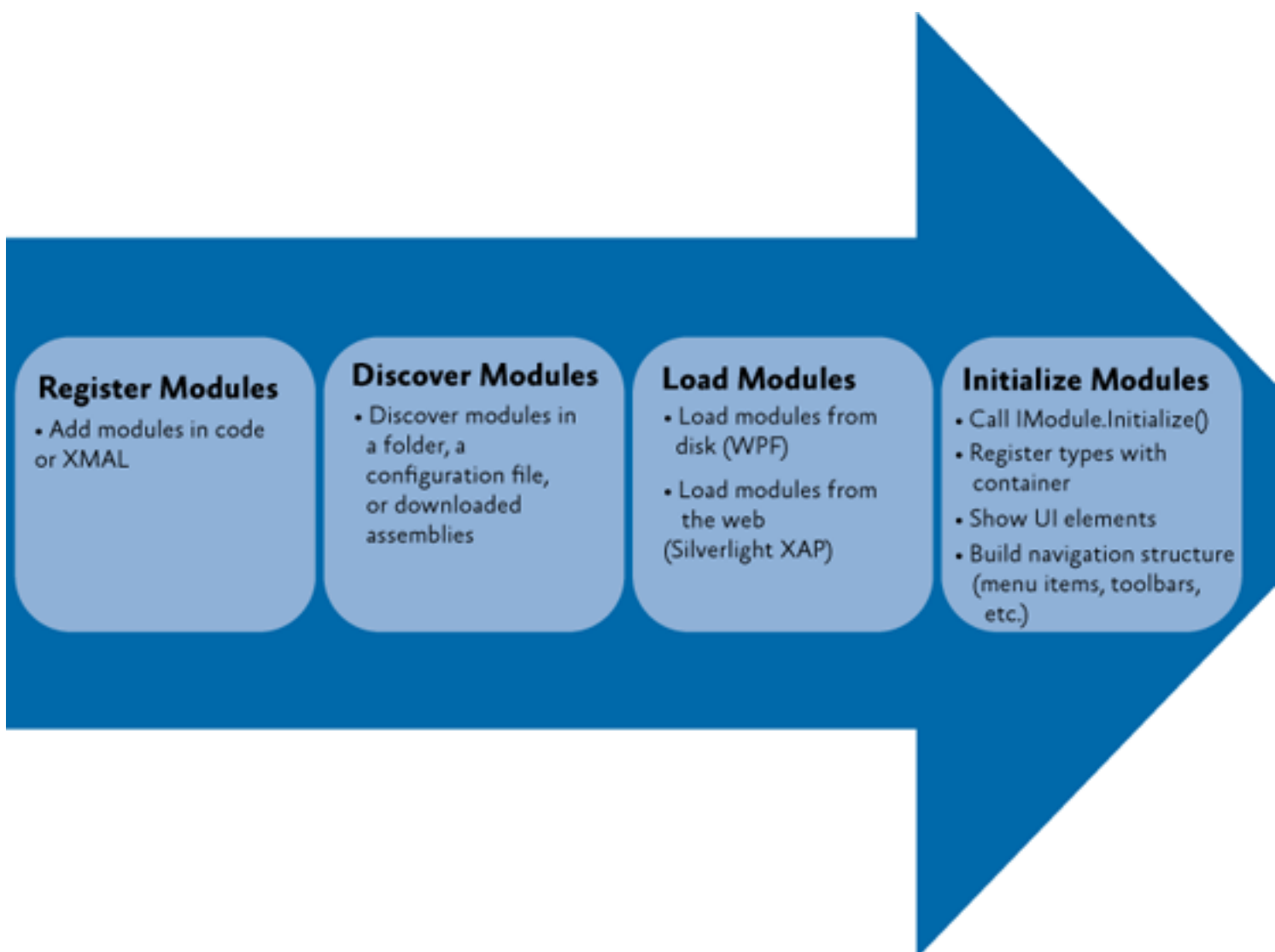
*توضیح درباره برنامه های ماژولار

در تولید پروژه های نرم افزاری بزرگ هر چه قدر هم اگر در تهیه فایل های اسمبلی، کلاس ها، اینترفیس ها و کلا طراحی پروژه به صورت شی گرا دقت به خرج دهیم باز هم ممکن است پروژه به صورت یک پارچه طراحی نشود. یعنی بعد از اتمام پروژه، توسعه، تست پذیری و نگهداری آن سخت و در بعضی مواقع غیر ممکن خواهد شد. برنامه نویسی ماژولار این امکان را فراهم می کند که یک پروژه با مقیاس بزرگ به چند پروژه کوچک تقسیم شده و همه مراحل طراحی و توسعه و تست برای هر کدام از این ماژول ها به صورت جدا انجام شود.

Prism امکاناتی رو برای طراحی و توسعه این گونه پروژه ها به صورت ماژولار فراهم کرده است:

ابتدا باید نام و مکان هر ماژول رو به Prism معرفی کنیم که می توانیم اون ها رو در کد یا Xaml یا Configuration File تعریف کنیم. با استفاده از Metadata باید وابستگی ها و مقادیر اولیه برای هر ماژول مشخص شود. با کمک تزریق وابستگی ها ارتباطات بین ماژول ها میسر می شود. ماژول مورد نظر به دو صورت OnDemand و Available لود خواهد شد.

در شکل زیر مراحل بالا قابل مشاهده است:



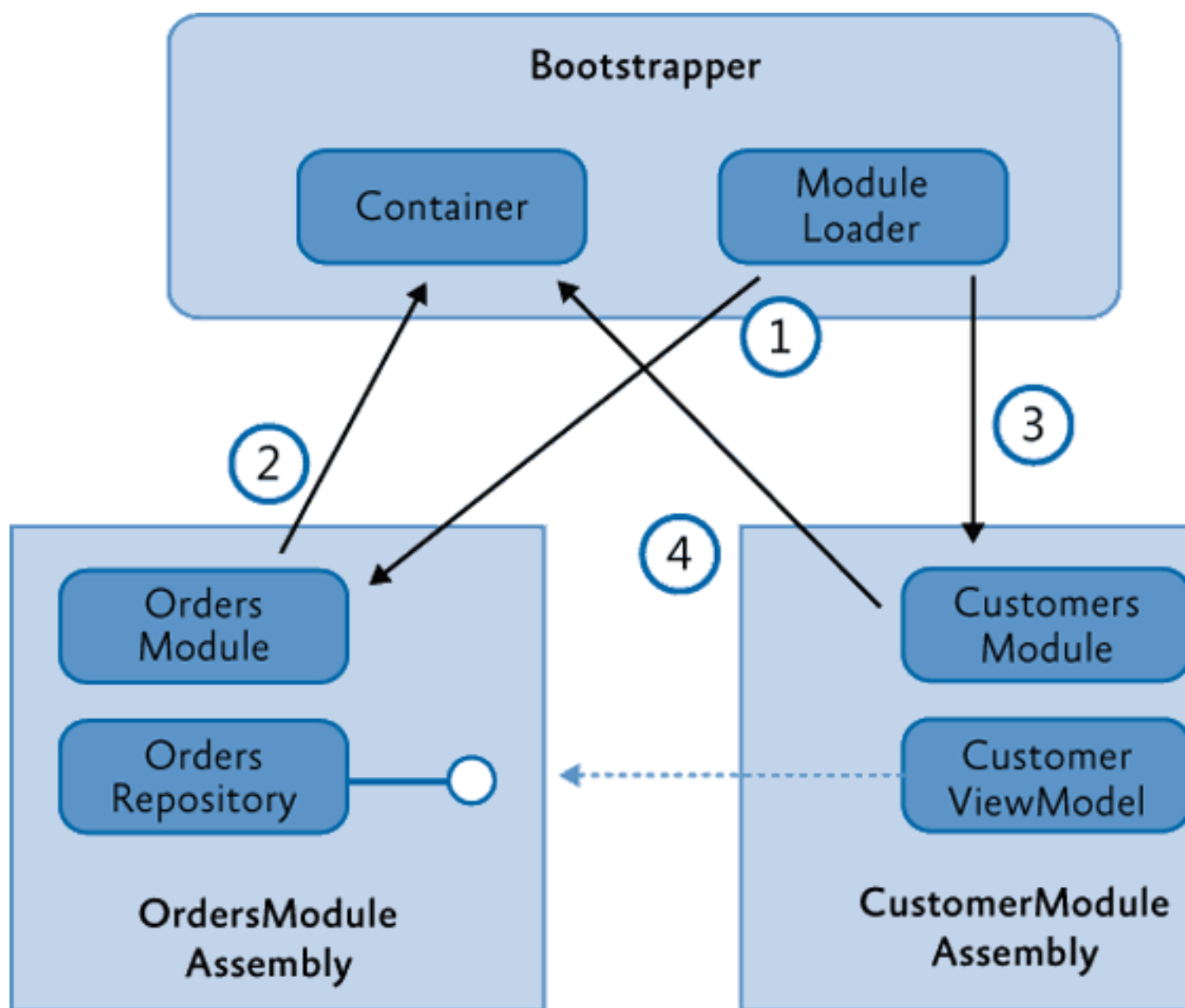
Bootstrapper چیست؟

در هر پروژه ماژولار (مختص Prism نیست) برای اینکه ماژول‌های مختلف یک پروژه، قابلیت استفاده به صورت یک پارچه رو در یک Application داشته باشند باید مفهومی به نام Bootstapper رو پیاده سازی کنیم که وظیفه اون شناسایی و پیکربندی و لود ماژول هاست. در Prism دو نوع Bootstrapper پیش فرض وجود دارد.

MefBootstrapper : کلاس پایه Bootstrapper که مبنای آن MEF است. اگر قصد استفاده از MEF رو در پروژه‌های خود دارید ([^](#)) Bootstrapper شما باید از این کلاس ارث ببرد.

UnityBootstrapper : کلاس پایه Bootstrapper که مبنای آن UnityContainer است. اگر قصد استفاده از UnityContainer یا Service Locator ([^](#)) رو در پروژه‌های خود دارید Bootstrapper شما باید از این کلاس ارث ببرد.

تصویری از ارتباط Bootstrapper با ماژول‌های سیستم



مفهوم Shell

در پروژه‌های WPF، در فایل App.xaml توسط یک Uri نقطه شروع پروژه را تعیین می‌کنیم. در پروژه‌های Silverlight به وسیله خاصیت RootVisual نقطه شروع سیستم تعیین می‌شود. در Prism نقطه شروع پروژه توسط bootstrapper تعیین می‌شود. دلیل این امر این است که Shell در پروژه‌های مبتنی بر Prism متکی بر Region Manager است. از Region برای لود و نمایش ماژول‌ها استفاده خواهیم کرد.

ادامه دارد...

نظرات خوانندگان

نویسنده: محمد احمدی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۰۱ ۱۰:۰۶

با سلام و تشکر از مطلب مفیدتون
همانطور که می‌دانید مدل‌های مختلف توسعه MVVM برای مقاصد مختلف بهتر است و به طور کلی نمی‌توان گفت که کدام بهتر است
لطفا در ادامه مطلب این فریم ورک را با MVVM Light هم مقایسه بفرمائید تا موارد استفاده هر کدام بهتر مشخص شود

نویسنده: مسعود م. پاکدل
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۰۱ ۱۱:۵۶

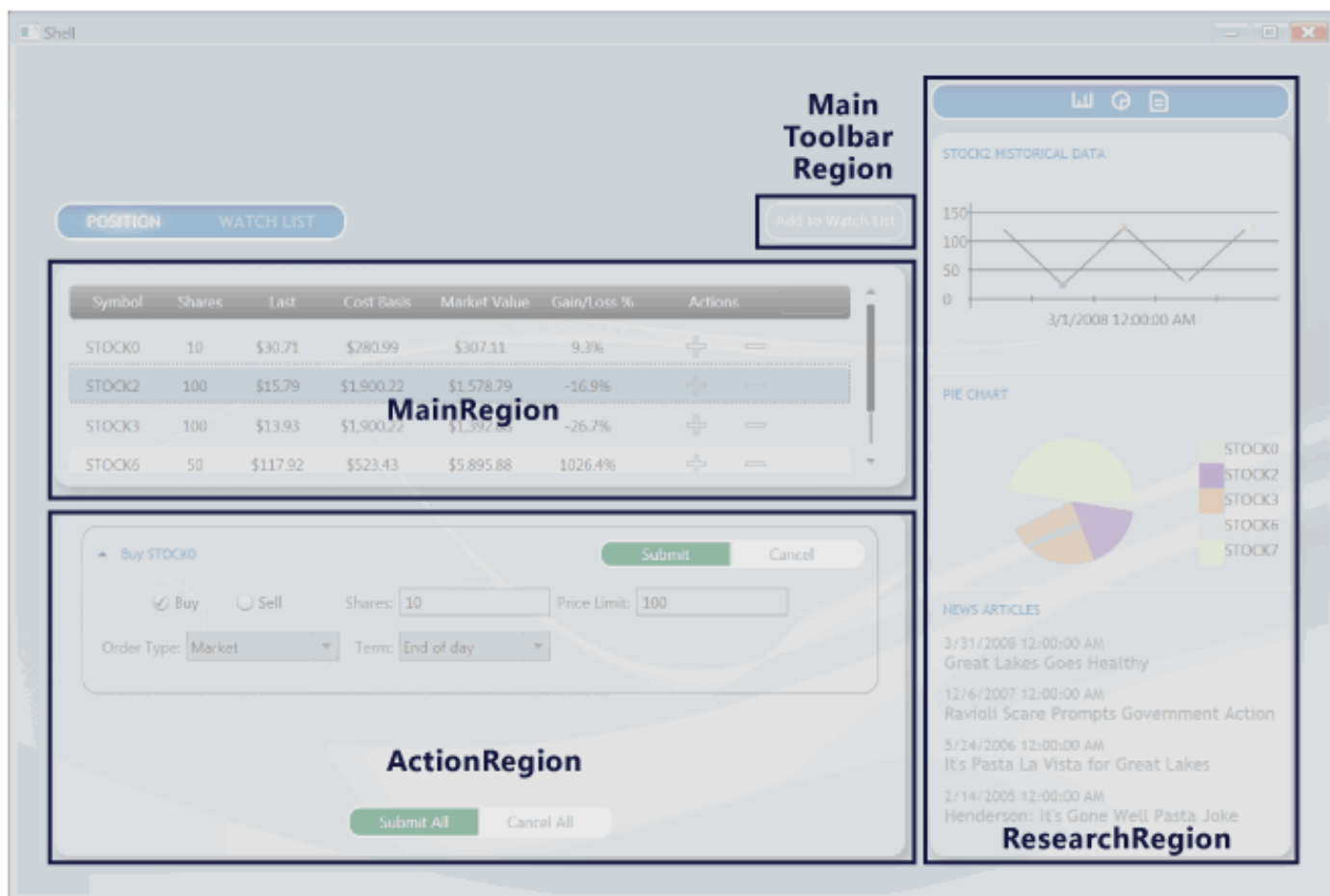
ممنون.

من از Prism به عنوان بهترین فریم ورک نام نبردم بلکه از عنوان قوی‌ترین فریم ورک استفاده کردم
"می‌تونیم Prism رو به عنوان قوی‌ترین فریم ورک برای پیاده سازی پروژه‌های بزرگ و قوی و ماژولار با تکنولوژی WPF یا Silverlight بنامیم." که لزوماً به معنی بهترین نیست.

MVVM Light در حال حاضر به عنوان محبوب‌ترین فریم ورک برای MVVM است که این محبوبیت بیشتر به خاطر راحتی کار با اون هست.

MVVM Light نظیر Prism هم قابلیت استفاده در WPF را دارد و هم Silverlight (مزیت). MVVM Light راهکار مشخصی برای پیاده سازی پروژه‌های ماژولار ندارد (منظور Modular Composite Application است) در حالی که Prism برای تولید Modular Composite Application طراحی شده است. برای اینکه بتوانید، بعضی از قابلیت‌ها موجود در Prism را برای پروژه‌های ماژولار شبیه سازی کنید باید از ترکیب MEF و MVVM Light استفاده کنید.

Prism به شما این امکان رو می‌ده که حتی برای Popup Window ها هم Region طراحی کنید (مزیت). با Prism می‌تونید به راحتی برای یک Command رفتار تعریف کنید (به صورت توکار از Interaction ها استفاده می‌کنه (مزیت)) برای این کار در MVVM Light شما باید از EventToCommand ها استفاده کنید که اصلاً قابل مقایسه به مباحث Composite Command و Command Behavior نیست.
معادل Messaging در MVVM Light در Prism شما EventAggregator ها رو در اختیار دارید.
Prism به صورت توکار از dependency Injection استفاده میکنه و دو فریم ورک هم به شما پیشنهاد میده یکی MEF و دیگری UnityContainer (مزیت).
Prism به صورت توکار از Composite UI هم پشتیبانی می‌کند. به تصویر زیر دقت کنید:



به راحتی می‌تونید با استفاده از RegionManager موجود در Prism نواحی هر صفحه رو تقسیم بندی کنید و هر ناحیه هم می‌تونه توسط یک ماژول لود شود. برای طراحی و مدیریت صفحات در MVVM Light باید خودتون دست به کار بشید. یادگیری و استفاده از قابلیت‌های MVVM Light در حد دو یا سه روز زمان می‌برد در حالی که برای یادگیری قابلیت‌های Prism یک کتاب نوشته شده است ([^](#))

*در پایان دوباره تاکید می‌کنم که اگر نیازی به تولید و توسعه پروژه به صورت ماژولار رو ندارید بهتره که اصلا به Prism فکر نکنید.

نویسنده: Petek

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۰۲ ۰:۳۶

با سلام

دوست عزیز ممنون میشم این مطلب جالب و مفید رو هر چه بیشتر و سریعتر ادامه بدید . با تشکر

نویسنده: محمد احمدی

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۰۲ ۱۳:۱۴

دوست عزیز

ممنونم از راهنمایی جامع و مفیدتون . امیدوارم هر چه زودتر مطالب بیشتری در این زمینه از شما یاد بگیریم

در پست قبلی توضیح کلی درباره فریم ورک Prism داده شد. در این بخش قصد داریم آموزش‌های داده شده در پست قبلی را با هم در یک مثال مشاهده کنیم. در پروژه‌های ماژولار طراحی و ایجاد زیر ساخت قوی برای مدیریت ماژول‌ها بسیار مهم است. Prism فریم ورکی است که فقط چارچوب و قواعد اصول طراحی این گونه پروژه‌ها را در اختیار ما قرار می‌دهد. در پروژه‌های ماژولار هر ماژول باید در یک اسمبلی جدا قرار داشته باشد که ساختار پیاده سازی آن می‌تواند کاملاً متفاوت با پیاده سازی سایر ماژول‌ها باشد.

برای شروع باید فایل‌های اسمبلی Prism رو دانلود کنید ([لینک دانلود](#)).

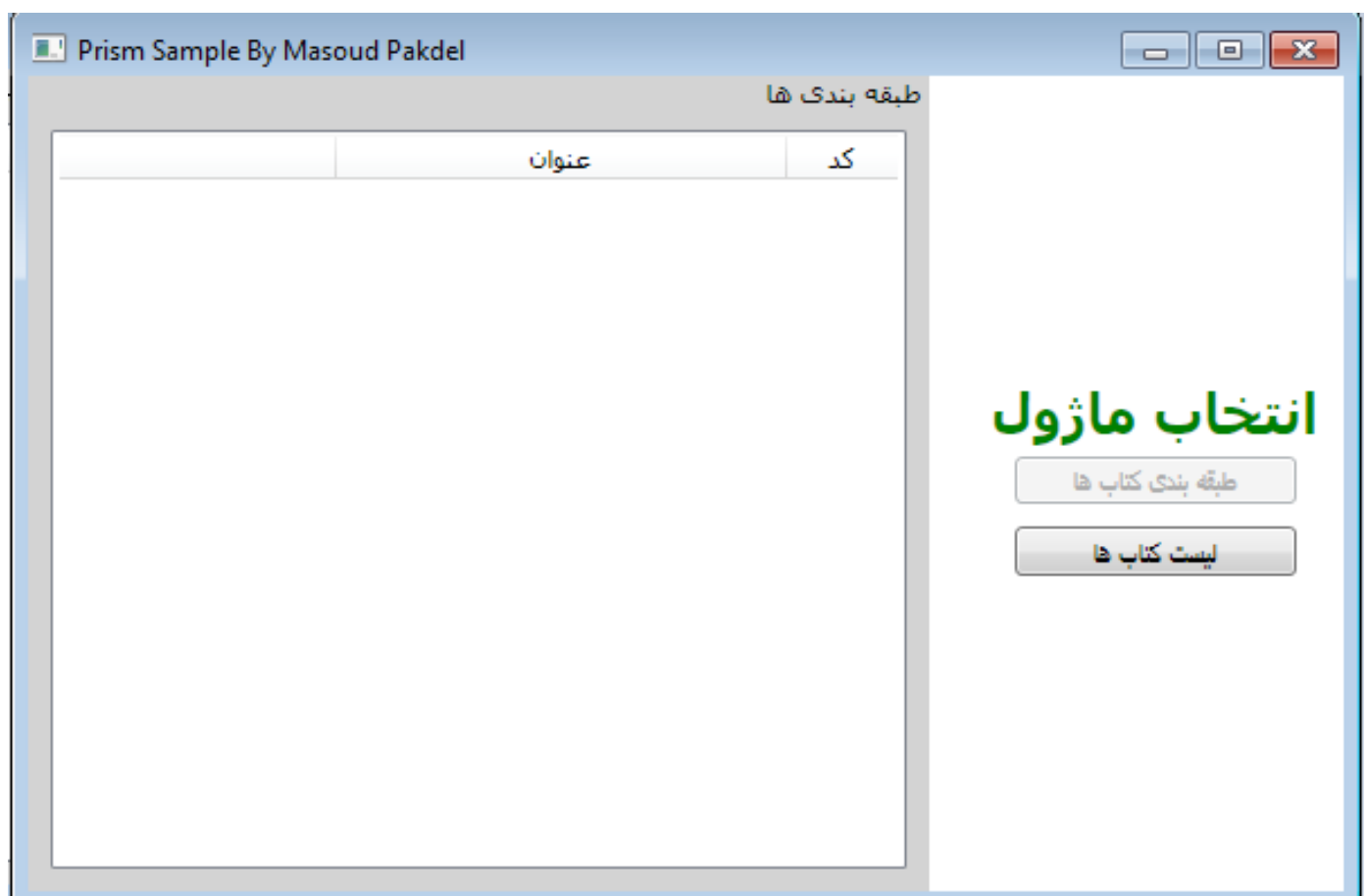
تشریح پروژه:

می‌خواهیم برنامه ای بنویسیم که دارای سه ماژول زیر است.:

ماژول Navigator : برای انتخاب و Switch کردن بین ماژول‌ها استفاده می‌شود؛

ماژول طبقه بندی کتاب‌ها : لیست طبقه بندی کتاب‌ها را به ما نمایش می‌دهد؛

ماژول لیست کتاب‌ها : عناوین کتاب‌ها به همراه نویسنده و کد کتاب را به ما نمایش می‌دهد.



*در این پروژه از UnityContainer برای مباحث Dependency Injection استفاده شده است. ابتدا یک پروژه WPF در Vs.Net ایجاد کنید(در اینجا من نام آن را FirstPrismSample گذاشتم). قصد داریم یک صفحه طراحی کنیم که دو ماژول مختلف در آن لود شود. ابتدا باید Shell پروژه رو طراحی کنیم. یک Window جدید به نام Shell بسازید و کد زیر را

در آن کپی کنید.

```
<Window x:Class="FirstPrismSample.Shell"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        xmlns:com="http://www.codeplex.com/CompositeWPF"
        Title="Prism Sample By Masoud Pakdel" Height="400" Width="600"
        WindowStartupLocation="CenterScreen">
    <DockPanel>
        <ContentControl com:RegionManager.RegionName="WorkspaceRegion" Width="400"/>
        <ContentControl com:RegionManager.RegionName="NavigatorRegion" DockPanel.Dock="Left" Width="200"
    />
    </DockPanel>
</Window>
```

در این صفحه دو ContentControl تعریف کردم یکی به نام Navigator و دیگری به نام Workspace. به وسیله RegionName که یک AttachedProperty است هر کدام از این نواحی را برای Prism تعریف کردیم. حال باید یک ماژول برای Navigator و دو ماژول دیگر یکی برای طبقه بندی کتابها و دیگری برای لیست کتابها بسازیم.

پروژه Common

قبل از هر چیز یک پروژه Common می‌سازیم و مشترکات بین ماژول‌ها رو در آن قرار می‌دهیم (این پروژه باید به تمام ماژول‌ها رفرنس داده شود). این مشترکات شامل :

کلاس پایه ViewModel

کلاس ViewRequestEvent

کلاس ModuleService

کد کلاس ViewModelBase که فقط اینترفیس INotifyPropertyChanged رو پیاده سازی کرده است:

```
using System.ComponentModel;
namespace FirstPrismSample.Common
{
    public abstract class ViewModelBase : INotifyPropertyChanged
    {
        public event PropertyChangedEventHandler PropertyChanged;
        protected void RaisePropertyChangedEvent( string propertyName )
        {
            if ( PropertyChanged != null )
            {
                PropertyChangedEventArgs e = new PropertyChangedEventArgs( propertyName );
                PropertyChanged( this, e );
            }
        }
    }
}
```

کلاس ViewRequestEvent که به صورت زیر است:

```
using Microsoft.Practices.Composite.Presentation.Events;
namespace FirstPrismSample.Common.Events
{
    public class ViewRequestedEvent : CompositePresentationEvent<string>
    {
    }
}
```

توضیح درباره CompositePresentationEvent :

در طراحی و توسعه پروژه‌های ماژولار نکته ای که باید به آن دقت کنید این است که ماژول‌های پروژه نباید به هم وابستگی مستقیم داشته باشند در عین حال ماژول‌ها باید بتوانند با هم در ارتباط باشند. CPE یا Composite Presentation Event دقیقاً برای این

منظور به وجود آمده است. CPE که در این جا طراحی کردم فقط کلاسی است که از CompositePresentationEvent ارث برده است و دلیل آن که به صورت string generic استفاده شده است این است که می‌خواهیم در هر درخواست نام ماژول درخواستی را داشته باشیم و به همین دلیل نام آن را ViewRequestedEvent گذاشتم.

توضیح درباره EventAggregator

EventAggregator یا به اختصار EA مکانیزمی است در پروژهای ماژولار برای اینکه در Composite UI ها بتوانیم بین کامپوننت‌ها ارتباط برقرار کنیم. استفاده از EA وابستگی بین ماژول‌ها را از بین خواهد برد. برنامه نویسانی که با MVVM Light آشنایی دارند از قابلیت Messaging موجود در این فریم ورک برای ارتباط بین View و ViewModel استفاده می‌کنند. در Prism این عملیات توسط EA انجام می‌شود. یعنی برای ارتباط با View ها باید از EA تعبیه شده در Prism استفاده کنیم. در ادامه مطلب، چگونگی استفاده از EA را خواهید آموخت.

اینترفیس IModuleService که فقط شامل یک متد است:

```
namespace FirstPrismSample.Common
{
    public interface IModuleServices
    {
        void ActivateView(string viewName);
    }
}
```

کلاس ModuleService که اینترفیس بالا را پیاده سازی کرده است:

```
using Microsoft.Practices.Composite.Regions;
using Microsoft.Practices.Unity;

namespace FirstPrismSample.Common
{
    public class ModuleServices : IModuleServices
    {
        private readonly IUnityContainer m_Container;

        public ModuleServices(IUnityContainer container)
        {
            m_Container = container;
        }

        public void ActivateView(string viewName)
        {
            var regionManager = m_Container.Resolve<IRegionManager>();

            // غیر فعال کردن ویو
            IRegion workspaceRegion = regionManager.Regions["WorkspaceRegion"];
            var views = workspaceRegion.Views;
            foreach (var view in views)
            {
                workspaceRegion.Deactivate(view);
            }

            // فعال کردن ویو انتخاب شده
            var viewToActivate = regionManager.Regions["WorkspaceRegion"].GetView(viewName);
            regionManager.Regions["WorkspaceRegion"].Activate(viewToActivate);
        }
    }
}
```

متد ActivateView نام view مورد نظر برای فعال سازی را دریافت می‌کند. برای فعال کردن View ابتدا باید سایر view های فعال در RegionManager را غیر فعال کنیم. سپس فقط view مورد نظر در RegionManager انتخاب و فعال می‌شود.

*نکته: در هر ماژول ارجاع به اسمبلی‌های Prism مورد نیاز است.

#ماژول طبقه بندی کتاب ها:

برای شروع یک Class Library جدید به نام ModuleCategory به پروژه اضافه کنید. یک UserControl به نام CategoryView

بسازید و کدهای زیر را در آن کپی کنید.

```
<UserControl x:Class="FirstPrismSample.ModuleCategory.CategoryView"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    Background="LightGray" FlowDirection="RightToLeft" FontFamily="Tahoma">
    <Grid>
        <Grid.RowDefinitions>
            <RowDefinition Height="Auto"/>
            <RowDefinition Height="*/>
        </Grid.RowDefinitions>
        <TextBlock Text="طبقه بندی ها"/>
        <ListView Grid.Row="1" Margin="10" Name="lvCategory">
            <ListView.View>
                <GridView>
                    <GridViewColumn Header="کد" Width="50" />
                    <GridViewColumn Header="عنوان" Width="200" />
                </GridView>
            </ListView.View>
        </ListView>
    </Grid>
</UserControl>
```

یک کلاس به نام CategoryModule بسازید که اینترفیس IModule رو پیاده سازی کند.

```
using Microsoft.Practices.Composite.Events;
using Microsoft.Practices.Composite.Modularity;
using Microsoft.Practices.Composite.Regions;
using Microsoft.Practices.Unity;
using FirstPrismSample.Common;
using FirstPrismSample.Common.Events;
using Microsoft.Practices.Composite.Presentation.Events;

namespace FirstPrismSample.ModuleCategory
{
    [Module(ModuleName = "ModuleCategory")]
    public class CategoryModule : IModule
    {
        private readonly IUnityContainer m_Container;
        private readonly string moduleName = "ModuleCategory";

        public CategoryModule(IUnityContainer container)
        {
            m_Container = container;
        }

        ~CategoryModule()
        {
            var eventAggregator = m_Container.Resolve<IEventAggregator>();
            var viewRequestedEvent = eventAggregator.GetEvent<ViewRequestedEvent>();
            viewRequestedEvent.Unsubscribe(ViewRequestedEventHandler);
        }

        public void Initialize()
        {
            var regionManager = m_Container.Resolve<IRegionManager>();
            regionManager.Regions["WorkspaceRegion"].Add(new CategoryView(), moduleName);

            var eventAggregator = m_Container.Resolve<IEventAggregator>();
            var viewRequestedEvent = eventAggregator.GetEvent<ViewRequestedEvent>();
            viewRequestedEvent.Subscribe(this.ViewRequestedEventHandler, true);
        }

        public void ViewRequestedEventHandler(string moduleName)
        {
            if (this.moduleName != moduleName) return;

            var moduleServices = m_Container.Resolve<IModuleServices>();
            moduleServices.ActivateView(moduleName);
        }
    }
}
```

چند نکته :

*ModuleAttribute استفاده شده در بالای کلاس برای تعیین نام ماژول استفاده می‌شود. این Attribute دارای دو خاصیت دیگر

هم است :

OnDemand : برای تعیین اینکه ماژول باید به صورت OnDemand (بنا به درخواست) لود شود.
 StartupLoaded : برای تعیین اینکه ماژول به عنوان ماژول اول پروژه لود شود. (البته این گزینه Obsolete شده است)

*برای تعریف ماژول کلاس مورد نظر حتما باید اینترفیس IModule را پیاده سازی کند. این اینترفیس فقط شامل یک متد است به نام Initialize.

*در این پروژه چون Viewهای برنامه صرفاً جهت نمایش هستند در نتیجه نیاز به ایجاد ViewModel برای آنها نیست. در پروژه‌های اجرایی حتماً برای هر View باید ViewModel متناظر با آن تهیه شود.

توضیح درباره متد Initialize

در این متد ابتدا با استفاده از Container موجود RegionManager را به دست می‌آوریم. با استفاده از RegionManager می‌تونیم یک CompositeUI طراحی کنیم. در فایل Shell مشاهده کردید که یک صفحه به دو ناحیه تقسیم شد و به هر ناحیه هم یک نام اختصاص دادیم. دستور زیر به یک ناحیه اشاره خواهد داشت:

```
regionManager.Regions["WorkspaceRegion"]
```

در خط بعد با استفاده از EA یا Event Aggregator توانستیم CPE را بدست بیاوریم. متد Subscribe در کلاس CPE یک ارجاع قوی به delegate مورد نظر ایجاد می‌کند (پارامتر دوم این متد که از نوع boolean است) که به این معنی است که این delegate هیچ‌گاه توسط GC جمع‌آوری نخواهد شد. در نتیجه، قبل از اینکه ماژول بسته شود باید به صورت دستی این کار را انجام دهیم که مخرب را برای همین ایجاد کردیم. اگر به کدهای مخرب دقت کنید می‌بینید که با استفاده از EA توانستیم ViewRequestEventHandler را Unsubscribe کنیم به دلیل اینکه از ارجاع قوی با strong Reference در متد Subscribe استفاده شده است. دستور moduleService.ActiveateView ماژول مورد نظر را در region مورد نظر هاست خواهد کرد.

#ماژول لیست کتاب‌ها:

ابتدا یک Class Library به نام ModuleBook بسازید و همانند ماژول قبلی نیاز به یک Window و یک کلاس داریم: BookWindow که کاملاً مشابه به CategoryView است.

```
<UserControl x:Class="FirstPrismSample.ModuleBook.BookView"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    Background="LightGray" FontFamily="Tahoma" FlowDirection="RightToLeft">
    <Grid>
        <Grid.RowDefinitions>
            <RowDefinition Height="Auto"/>
            <RowDefinition Height="*/>
        </Grid.RowDefinitions>
        <TextBlock Text="لیست کتاب‌ها"/>
        <ListView Grid.Row="1" Margin="10" Name="lvBook">
            <ListView.View>
                <GridView>
                    <GridViewColumn Header="کد" Width="50" />
                    <GridViewColumn Header="عنوان" Width="200" />
                    <GridViewColumn Header="نویسنده" Width="150" />
                </GridView>
            </ListView.View>
        </ListView>
    </Grid>
</UserControl>
```

کلاس BookModule که پیاده‌سازی و توضیحات آن کاملاً مشابه به CategoryModule می‌باشد.

```

using Microsoft.Practices.Composite.Events;
using Microsoft.Practices.Composite.Modularity;
using Microsoft.Practices.Composite.Presentation.Events;
using Microsoft.Practices.Composite.Regions;
using Microsoft.Practices.Unity;
using FirstPrismSample.Common;
using FirstPrismSample.Common.Events;

namespace FirstPrismSample.ModuleBook
{
    [Module(ModuleName = "moduleBook")]
    public class BookModule : IModule
    {
        private readonly IUnityContainer m_Container;
        private readonly string moduleName = "ModuleBook";

        public BookModule(IUnityContainer container)
        {
            m_Container = container;
        }

        ~BookModule()
        {
            var eventAggregator = m_Container.Resolve<IEventAggregator>();
            var viewRequestedEvent = eventAggregator.GetEvent<ViewRequestedEvent>();

            viewRequestedEvent.Unsubscribe(ViewRequestedEventHandler);
        }

        public void Initialize()
        {
            var regionManager = m_Container.Resolve<IRegionManager>();
            var view = new BookView();
            regionManager.Regions["WorkspaceRegion"].Add(view, moduleName);
            regionManager.Regions["WorkspaceRegion"].Deactivate(view);

            var eventAggregator = m_Container.Resolve<IEventAggregator>();
            var viewRequestedEvent = eventAggregator.GetEvent<ViewRequestedEvent>();
            viewRequestedEvent.Subscribe(this.ViewRequestedEventHandler, true);
        }

        public void ViewRequestedEventHandler(string moduleName)
        {
            if (this.moduleName != moduleName) return;

            var moduleServices = m_Container.Resolve<IModuleServices>();
            moduleServices.ActivateView(m_WorkspaceBName);
        }
    }
}

```

#ماژول Navigator

برای این ماژول هم ابتدا View مورد نظر را ایجاد می‌کنیم:

```

<UserControl x:Class="FirstPrismSample.ModuleNavigator.NavigatorView"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml" >
    <Grid>
        <StackPanel VerticalAlignment="Center">
            <TextBlock Text="انتخاب ماژول" Foreground="Green" HorizontalAlignment="Center"
                VerticalAlignment="Center" FontFamily="Tahoma" FontSize="24" FontWeight="Bold" />
            <Button Command="{Binding ShowModuleCategory}" Margin="5" Width="125">طبقه بندی کتاب</Button>
            <Button Command="{Binding ShowModuleBook}" Margin="5" Width="125">لیست کتاب ها</Button>
        </StackPanel>
    </Grid>
</UserControl>

```

حال قصد داریم برای این View یک ViewModel بسازیم. نام آن را INavigatorViewModel خواهیم گذاشت:

```

public interface INavigatorViewModel
{
    ICommand ShowModuleCategory { get; set; }
    ICommand ShowModuleBook { get; set; }
}

```

```

string ActiveWorkspace { get; set; }
IUnityContainer Container { get; set; }
event PropertyChangedEventHandler PropertyChanged;
}

```

*در اینترفیس بالا دو Command داریم که هر کدام وظیفه لود یک ماژول را بر عهده دارند.
*خاصیت ActiveWorkspace برای تعیین workspace فعال تعریف شده است.

حال به پیاده سازی مثال بالا می پردازیم:

```

public class NavigatorViewModel : ViewModelBase, INavigatorViewModel
{
    public NavigatorViewModel(IUnityContainer container)
    {
        this.Initialize(container);
    }

    public ICommand ShowModuleCategory { get; set; }
    public ICommand ShowModuleBook { get; set; }
    public string ActiveWorkspace { get; set; }
    public IUnityContainer Container { get; set; }

    private void Initialize(IUnityContainer container)
    {
        this.Container = container;
        this.ShowModuleCategory = new ShowModuleCategoryCommand(this);
        this.ShowModuleBook = new ShowModuleBookCommand(this);
        this.ActiveWorkspace = "ModuleCategory";
    }
}

```

تنها نکته مهم در کلاس بالا متد Initialize است که دو Command مورد نظر را پیاده سازی کرده است. ماژول پیش فرض هم ماژول طبقه بندی کتابها یا ModuleCategory در نظر گرفته شده است. همان طور که می بینید پیاده سازی Commandها بالا توسط دو کلاس ShowModuleCategoryCommand و ShowModuleBookCommand انجام شده که در زیر کدهای آنها را می بینید.
#کد کلاس ShowModuleCategoryCommand

```

public class ShowModuleCategoryCommand : ICommand
{
    private readonly NavigatorViewModel viewModel;
    private const string workspaceName = "ModuleCategory";

    public ShowModuleCategoryCommand(NavigatorViewModel viewModel)
    {
        this.viewModel = viewModel;
    }

    public bool CanExecute(object parameter)
    {
        return viewModel.ActiveWorkspace != workspaceName;
    }

    public event EventHandler CanExecuteChanged
    {
        add { CommandManager.RequerySuggested += value; }
        remove { CommandManager.RequerySuggested -= value; }
    }

    public void Execute(object parameter)
    {
        CommandServices.ShowWorkspace(workspaceName, viewModel);
    }
}

```



```
public class ShowModuleBookCommand : ICommand
{
    private readonly NavigatorViewModel viewModel;
    private readonly string workspaceName = "ModuleBook";

    public ShowModuleBookCommand( NavigatorViewModel viewModel )
    {
        this.viewModel = viewModel;
    }

    public bool CanExecute( object parameter )
    {
        return viewModel.ActiveWorkspace != workspaceName;
    }

    public event EventHandler CanExecuteChanged
    {
        add { CommandManager.RequerySuggested += value; }
        remove { CommandManager.RequerySuggested -= value; }
    }

    public void Execute( object parameter )
    {
        CommandServices.ShowWorkspace( workspaceName , viewModel );
    }
}
```

با توجه به این که فرض است با متدهای Execute و CanExecute و CanExecuteChanged آشنایی دارید از توضیح این مطالب خودداری خواهیم کرد. فقط کلاس CommandServices در متد Execute دارای متدی به نام ShowWorkspace است که کدهای زیر را شامل می‌شود:

```
public static void ShowWorkspace(string workspaceName, INavigatorViewModel viewModel)
{
    var eventAggregator = viewModel.Container.Resolve<IEventAggregator>();
    var viewRequestedEvent = eventAggregator.GetEvent<ViewRequestedEvent>();
    viewRequestedEvent.Publish(workspaceName);

    viewModel.ActiveWorkspace = workspaceName;
}
```

در این متد با استفاده از CPE که در پروژه Common ایجاد کردیم ماژول مورد نظر را لود خواهیم کرد. و بعد از آن مقدار ActiveWorkspace جاری در ViewModel به نام ماژول تغییر پیدا می‌کند. متد Publish در CPE این کار را انجام خواهد داد.

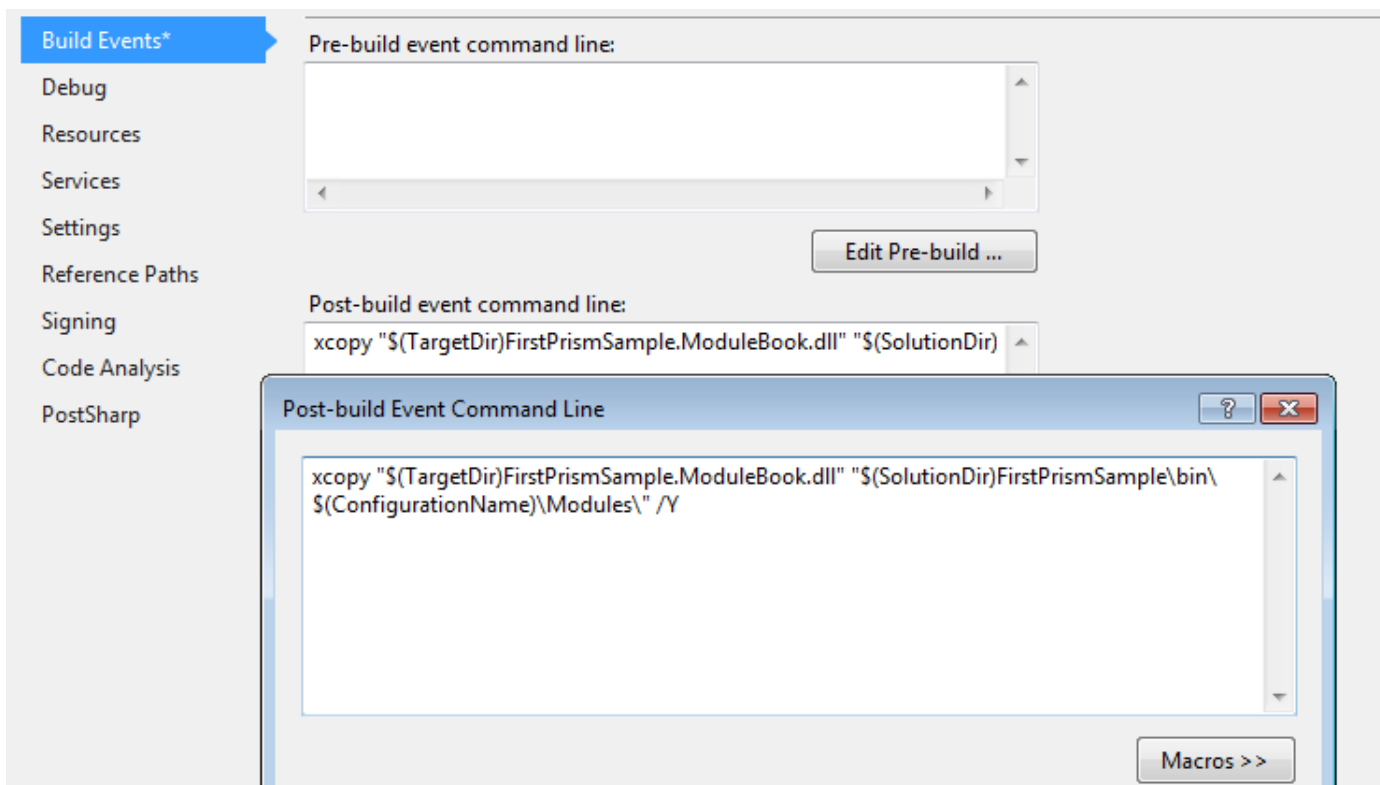
عدم وابستگی ماژول‌ها

همان طور که می‌بینید ماژول‌های پروژه به هم Reference داده نشده اند حتی هیچ Reference هم به پروژه اصلی یعنی جایی که فایل App.xaml قرار دارد، داده نشده است ولی در عین حال باید با هم در ارتباط باشند. برای حل این مسئله این ماژول‌ها باید در فولدر bin پروژه اصلی خود را کپی کنند. بهترین روش استفاده از Pre-Post Build Event خود VS.Net است. برای این کار از پنجره Project Properties وارد برگه Build Events شوید و از قسمت Post Build Event Command Line استفاده کنید و کد زیر را در آن کپی نمایید:

```
xcopy "$(TargetDir)FirstPrismSample.ModuleBook.dll"
"$(SolutionDir)FirstPrismSample\bin\$(ConfigurationName)\Modules\" /Y
```

قطعا باید به جای FirstPrismSample نام Solution خود و به جای ModuleBook نام ماژول را وارد نمایید.

مانند:



مراحل بالا برای هر ماژول باید تکرار شود (ModuleNavigation, ModuleBook, ModuleCategory). بعد از Rebuild پروژه در فولدر bin پروژه اصلی یک فولدر به نام Module ایجاد می‌شود که اسمبلی هر ماژول در آن کپی خواهد شد.

ایجاد Bootstrapper

حال نوبت به Bootstrapper می‌رسد (در پست قبلی در باره مفهوم Bootstrapper شرح داده شد). در پروژه اصلی یعنی جایی که فایل App.xaml قرار دارد کلاس زیر را ایجاد کنید.

```
public class Bootstrapper : UnityBootstrapper
{
    protected override void ConfigureContainer()
    {
        base.ConfigureContainer();
        Container.RegisterType<IModuleServices, ModuleServices>();
    }

    protected override DependencyObject CreateShell()
    {
        var shell = new Shell();
        shell.Show();
        return shell;
    }

    protected override IModuleCatalog GetModuleCatalog()
    {
        var catalog = new DirectoryModuleCatalog();
        catalog.ModulePath = @"..\Modules";
        return catalog;
    }
}
```

متد ConfigureContainer برای تزریق وابستگی به وسیله UnityContainer استفاده می‌شود. در این متد باید تمامی Registrationهای مورد نیاز برای DI را انجام دهید. نکته مهم این است که عملیات و هله سازی و Initialization برای Container در متد base کلاس UnityBootstrapper انجام خواهد شد پس همیشه باید متد base این کلاس در ابتدای این متد فراخوانی شود در غیر این صورت با خطا متوقف خواهید شد.

متد CreateShell برای ایجاد و وهله سازی از Shell پروژه استفاده می‌شود. در این جا یک وهله از Shell Window برگشت داده می‌شود.

متد GetModuleCatalog برای تعیین مسیر ماژول‌ها در پروژه کاربرد دارد. در این متد با استفاده از خاصیت ModulePath کلاس DirectoryModuleCatalog تعیین کرده ایم که ماژول‌های پروژه در فولدر Modules موجود در bin اصلی پروژه قرار دارد. اگر به دستورات کپی در Post Build Event قسمت قبل توجه کنید می‌بینید که دستور ساخت فولدر وجود دارد.

```
"$(SolutionDir)FirstPrismSample\bin\$(ConfigurationName)\Modules\" /Y
```

***نکته:** اگر استفاده از این روش برای شناسایی ماژول‌ها توسط Bootstrapper را چندان جالب نمی‌دانید می‌تونید از MEF استفاده کنید که اسمبلی ماژول‌های پروژه را به راحتی شناسایی می‌کند و در اختیار Bootstrapper قرار می‌دهد(از آن جا در مستندات مربوط به Prism، بیشتر به استفاده از MEF تاکید شده است من هم در پست‌های بعدی، مثال‌ها را با MEF پیاده سازی خواهم کرد)

در پایان باید فایل App.xaml را تغییر دهید به گونه ای که متد Run در کلاس Bootstrapper ابتدا اجرا شود.

```
public partial class App : Application
{
    protected override void OnStartup(StartupEventArgs e)
    {
        base.OnStartup(e);
        var bootstrapper = new Bootstrapper();
        bootstrapper.Run();
    }
}
```

اجرای پروژه:

بعد از اجرا، با انتخاب ماژول مورد نظر اطلاعات ماژول در Workspace Content Control لود خواهد شد.



ادامه دارد...

نظرات خوانندگان

نویسنده: Petek

تاریخ: ۱۰:۲۷ ۱۳۹۲/۰۴/۰۳

با سلام مهندس
خیلی عالی به امیدوارم ادامه بدید . با تشکر

نویسنده: مهدی

تاریخ: ۱۹:۵۶ ۱۳۹۲/۰۴/۰۳

ممنون از آموزش خوبتون ، نظرتون در مورد استفاده از Prism به همراه StructerMap چیه ؟

نویسنده: مسعود م. پاکدل

تاریخ: ۲۲:۲۳ ۱۳۹۲/۰۴/۰۳

شدنی است. فقط همانند UnityBootstrapper نیاز به یک StructureMapBootstrapper دارید. این کار قبلا توسط Richard Cerirol انجام شده. می‌تونید از nuget استفاده کنید:

```
PM> Install-Package Prism.StructureMapExtensions
```

نویسنده: بهنام

تاریخ: ۱:۲۶ ۱۳۹۲/۰۴/۰۵

با سلام و با تشکر مطلب مفیدتان
چند اصلاح کوچک در مطلب هست که اینجا بیان می‌کنم
بخش اول (مبدا) دستور xcopy باید به دستور زیر تبدیل شود:

```
xcopy "$(SolutionDir)\PrismProject.ModuleBook\bin\$(ConfigurationName)\PrismProject.ModuleBook.dll"  
"$(SolutionDir)PrismProject\bin\$(ConfigurationName)\Modules\" /Y
```

همچنین متد GetModuleCatalog به CreateModuleCatalog تبدیل شده است.
با تشکر مجدد

نویسنده: مسعود م. پاکدل

تاریخ: ۹:۳۰ ۱۳۹۲/۰۴/۰۵

ممنونم دوست عزیز.
در مورد دستور اول روش ذکر شده کاملا صحیح است و نیازی به اصلاح نیست.

\$TargetDir دقیقا به مسیر فایل‌های اجرایی اشاره می‌کند و \$ConfigurationName را در خودش پشتیبانی می‌کند. یعنی اگر پروژه در حال Release باشد با استفاده از \$TargetDir دقیقا به فایل‌های موجود در فولدر Release در bin پروژه اشاره می‌کند و در حالت Debug به فایل‌های موجود در فولدر Debug در bin پروژه. با استفاده از گزینه Macros در قسمت Edit Post-Build مشاهده می‌کنید که مقدار \$TargetDir دقیقا صحیح است. اما دلیل اینکه چرا در بخش دوم دستور از \$SolutionDir استفاده شده است به این دلیل است که می‌خواهیم به فولدر bin پروژه اصلی اشاره داشته باشیم و چون این پروژه حتما در مسیر Solution جاری خواهد بود در نتیجه از این آدرس استفاده شده است. (در این جا TargetDir و TargetPath نمی‌تواند کمکی به ما بکند). به تصویر زیر دقت کنید: (چون پروژه در حالت release است در نتیجه مقادیر TargetDir و TargetPath به release ختم می‌شود)

Macro	Value
OutDir	bin\Release\
ConfigurationName	Release
ProjectName	XLIFFProject
TargetName	WpfApplication\
TargetPath	E:\Workspace\Projects\XLIFFProject\XLIFFProject\bin\Release\WpfApplication\exe
ProjectPath	E:\Workspace\Projects\XLIFFProject\XLIFFProject\XLIFFProject.csproj
ProjectFileName	XLIFFProject.csproj
TargetExt	.exe
TargetFileName	WpfApplication\exe
DevEnvDir	C:\Program Files (x86)\Microsoft Visual Studio 10.0\Common\IDE\
TargetDir	E:\Workspace\Projects\XLIFFProject\XLIFFProject\bin\Release\
ProjectDir	E:\Workspace\Projects\XLIFFProject\XLIFFProject\
SolutionFileName	XLIFFProject.sln
SolutionPath	E:\Workspace\Projects\XLIFFProject\XLIFFProject.sln
SolutionDir	E:\Workspace\Projects\XLIFFProject\
SolutionName	XLIFFProject
PlatformName	x86
ProjectExt	.csproj
SolutionExt	.sln

به تفاوت مقادیر بین \$TargetDir و \$TargetPath و \$SolutionDir و ... دقت کنید.

در مورد متد GetModuleCatalog هم باید عنوان کنم که این متد در اسمبلی Microsoft.Practices.Composite.UnityExtensions ورژن 2.0.1.0 وجود دارد. در ورژن 4 نسخه Prism این متد به این نام تغییر کرده است. در [این جا](#) می‌تونید تغییرات بین Prism Library 4 و Prism Library 2 رو ببینید

نویسنده: یوسف
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۲۲ ۱۹:۴۹

درود!

لطفاً سوره‌ی پروژه مثال را هم جهت دانلود اینجا بذارین، چون توی مقاله اشاره‌ای به اینکه پروژه‌ها از چه نوعی باشند و کدوم رفرنس‌ها را لازم دارند نشده و برای یکی مثل من که کلاً آشناییش با مقالات شما آغاز شده پیشرفت کار خیلی کند میشه. سپاسگزارم.

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۲۲ ۲۰:۱۶

در قسمت سوم ، سوره‌ی پیوست شده

در پست‌های قبلی با Prism و روش استفاده از آن آشنا شدیم ([قسمت اول](#)) و ([قسمت دوم](#)). در این پست با استفاده از Mef قصد ایجاد یک پروژه Silverlight رو به صورت ماژولار داریم. مثال پیاده سازی شده در پست قبلی را در این پست به صورت دیگر پیاده سازی خواهیم کرد.

تفاوت‌های پیاده سازی مثال پست قبلی با این پست:

در مثال قبل پروژه به صورت Desktop و با WPF پیاده سازی شده بود ولی در این مثال با Silverlight می‌باشد؛

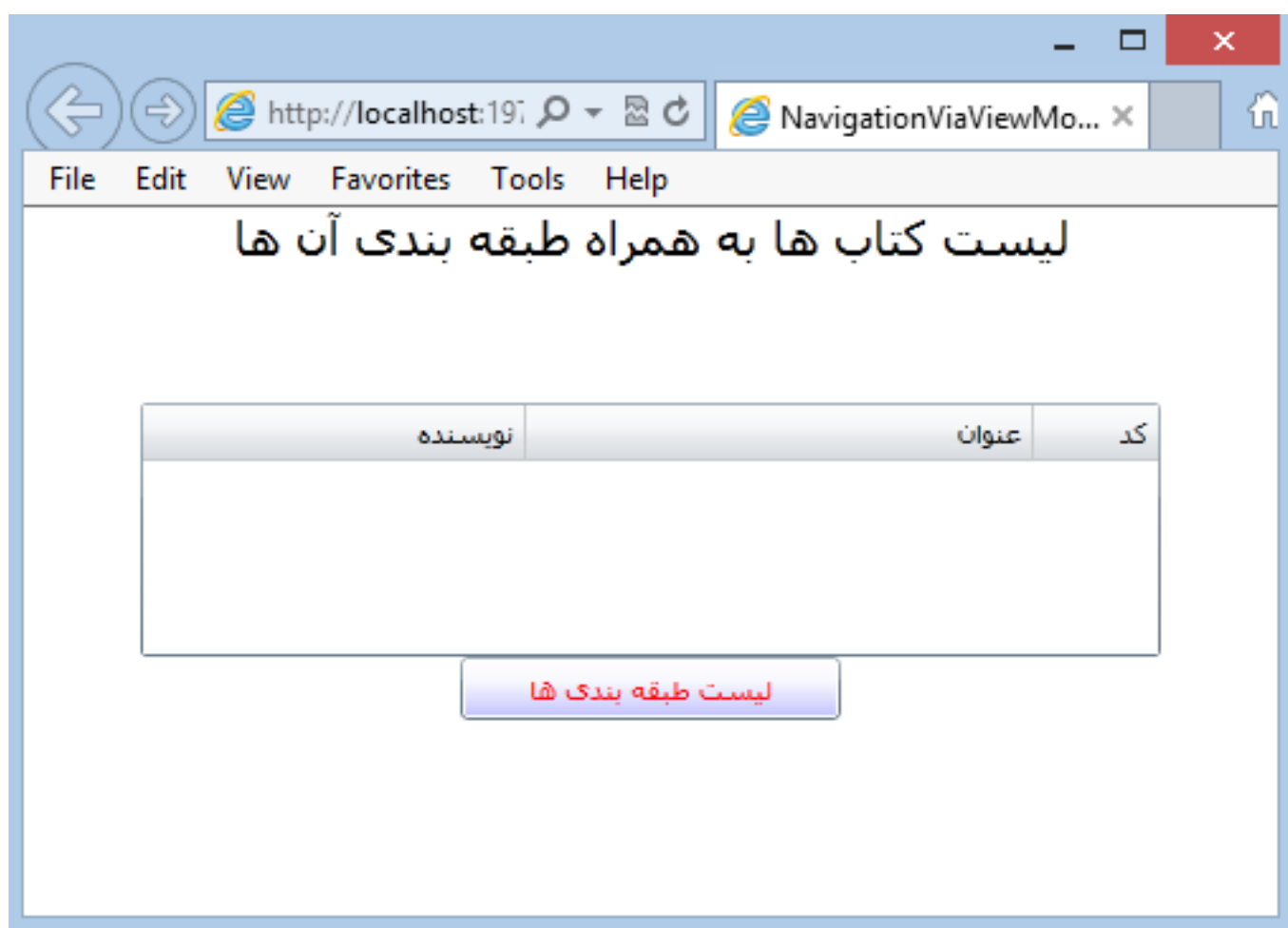
در مثال قبل از MefBootstrapper استفاده شده بود ولی در این مثال از MefBootstrapper؛

در مثال قبل هر View در یک ماژول قرار داشت ولی در این مثال هر دو View را در یک ماژول قرار دادم؛

در مثال قبل از Prism Library 2.x استفاده شده بود ولی در این مثال از PrismLibrary 4.x؛

و...

نکته : برای فهم بهتر مفاهیم، آشنایی اولیه با MEF و مفاهیمی نظیر Export و Import و AggregateCatalog و AssemblyCatalog نیاز است. در صورتی که با این مطالب آشنایی ندارید می‌توانید از ([^](#)) شروع کنید.



برای شروع یک پروژه Silverlight ایجاد کنید. بعد از اضافه شدن دو پروژه Silverlight و Web، یک Silverlight Class

ابتدا یک Page ایجاد کنید و کدهای زیر را در آن کپی کنید.

```
<UserControl
    x:Class="Module1.Module1View1"
    xmlns:sdk="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation/sdk"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml" FlowDirection="RightToLeft"
    FontFamily="Tahoma">
    <StackPanel>
        <sdk:DataGrid Height="100">
            <sdk:DataGrid.Columns>
                <sdk:DataGridTextColumn Header="کد" Width="50" />
                <sdk:DataGridTextColumn Header="عنوان" Width="200" />
                <sdk:DataGridTextColumn Header="نویسنده" Width="150" />
            </sdk:DataGrid.Columns>
        </sdk:DataGrid>
        <Button x:Name="NextViewButton"
            Width="150"
            Height="25"
            Foreground="Red"
            Background="Blue"
            Content="لیست طبقه بندی ها" />
    </StackPanel>
</UserControl>
```

بر روی Page مربوطه راست کلیک کنید و گزینه ViewCode را انتخاب کنید و کدهای زیر را در آن کپی کنید.

```
[Export(typeof(Module1View1))]
public partial class Module1View1 : UserControl
{
    [Import]
    public IRegionManager TheRegionManager { private get; set; }

    public Module1View1()
    {
        InitializeComponent();

        NextViewButton.Click += NextViewButton_Click;
    }

    void NextViewButton_Click(object sender, RoutedEventArgs e)
    {
        TheRegionManager.RequestNavigate
        (
            "MyRegion1",
            new Uri("Module1View2", UriKind.Relative),
            a => { }
        );
    }
}
```

ابتدا خود این View باید حتما Export شود. در رویداد کلیک با استفاده از متد RequestNavigate می‌توانیم به View مورد نظر برای نمایش در Shell اشاره کنیم و این View در Region نمایش داده می‌شود. به دلیل اینکه در این کلاس به RegionManager نیاز داریم از ImportAttribute استفاده کردیم. این بدین معنی است که کلاس Module1View1 وابستگی مستقیم به IRegionManager دارد.

حال یک Page دیگر برای طبقه بندی کتاب‌ها ایجاد کنید و کدهای زیر را در آن کپی کنید.

```
<UserControl
    xmlns:sdk="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation/sdk"
    x:Class="Module1.Module1View2"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml" FlowDirection="RightToLeft"
    FontFamily="Tahoma">
    <StackPanel>
        <sdk:DataGrid Height="100">
            <sdk:DataGrid.Columns>
                <sdk:DataGridTextColumn Header="کد" Width="150"/>
                <sdk:DataGridTextColumn Header="عنوان" Width="150"/>
            </sdk:DataGrid.Columns>
        </sdk:DataGrid>
    </StackPanel>
</UserControl>
```



```

        </sdk:DataGrid.Columns>
    </sdk:DataGrid>
    <Button x:Name="NextViewButton"
        Width="150"
        Height="25"
        Foreground="Green"
        Background="Yellow"
        Content="لیست کتاب ها" />
</StackPanel>
</UserControl>

```

در Code Behind این Page نیز کدهای زیر را قرار دهید.

```

using Microsoft.Practices.Prism.Regions;
using System;
using System.ComponentModel.Composition;
using System.Windows;
using System.Windows.Controls;

namespace Module1
{
    [Export]
    public partial class Module1View2 : UserControl
    {
        IRegion _region1;

        [ImportingConstructor]
        public Module1View2( [Import] IRegionManager regionManager )
        {
            InitializeComponent();

            ViewModel viewModel = new ViewModel();
            DataContext = viewModel;

            viewModel.ShouldNavigateFromCurrentViewEvent += () => { return true; };

            _region1 = regionManager.Regions["MyRegion1"];
            NextViewButton.Click += NextViewButton_Click;
        }

        void NextViewButton_Click( object sender, RoutedEventArgs e )
        {
            _region1.RequestNavigate
            (
                new Uri( "Module1View1", UriKind.Relative ),
                a => { }
            );
        }
    }
}

```

در این ماژول برای اینکه بتوانیم حالت گردشی در فراخوانی ماژول‌ها را داشته باشیم ابتدا DataContext این کلاس را برابر با ViewModel ساخته شده قرار دادیم. با استفاده از رویداد ShouldNavigateFromCurrentViewEvent که در کلاس ViewModel وجود دارد تعیین می‌کنیم که آیا باید از این View به View قبلی برگشت داشته باشیم یا نه. در صورتی که مقدار false برگشت داده شود خواهید دید که امکان فراخوانی View1 از View2 امکان پذیر نیست. در رویداد کلیک نیز همانند Page قبلی با استفاده از RegionManager و متد RequestNavigate به View مورد نظر راهبری کرده ایم.

نکته: اگر یک کلاس، سازنده با پارامتر داشته باشد باید با استفاده از ImportingConstructor حتما سازنده مورد نظر را هنگام و هله سازی مشخص کنیم در غیر این صورت با Exception مواجه خواهید شد.

حال قصد ایجاد کلاس ViewModel بالا را داریم:

```

using System;
using System.Net;
using System.Windows;
using System.Windows.Controls;
using System.Windows.Documents;
using System.Windows.Ink;
using System.Windows.Input;
using System.Windows.Media;
using System.Windows.Media.Animation;

```

```

using System.Windows.Shapes;
using System.ComponentModel.Composition;
using Microsoft.Practices.Prism.Regions;

namespace Module1
{
    public class ViewModel : IConfirmNavigationRequest
    {
        public event Func<bool> ShouldNavigateFromCurrentViewEvent;

        public bool IsNavigationTarget( NavigationContext navigationContext )
        {
            return true;
        }

        public void OnNavigatedTo( NavigationContext navigationContext )
        {
        }

        public void OnNavigatedFrom( NavigationContext navigationContext )
        {
        }

        public void ConfirmNavigationRequest( NavigationContext navigationContext, Action<bool>
continuationCallback )
        {
            bool shouldNavigateFromCurrentViewFlag = false;

            if ( ShouldNavigateFromCurrentViewEvent != null )
                shouldNavigateFromCurrentViewFlag = ShouldNavigateFromCurrentViewEvent();

            continuationCallback( shouldNavigateFromCurrentViewFlag );
        }
    }
}

```

توضیح متدهای بالا:

IsNavigateTarget : برای تعیین اینکه آیا کلاس پیاده سازی کننده اینترفیس، می تواند عملیات راهبری را مدیریت کند یا نه.
OnNavigateTo : زمانی عملیات راهبری وارد View شود (بهتره بگم View مورد نظر در Region صفحه لود شود) این متد فراخوانی می شود.

OnNavigateFrom : زمانی که راهبری از این View خارج می شود (View از حالت لود خارج می شود) این متد فراخوانی خواهد شد.

ConfirmNavigationRequest : برای تایید عملیات راهبری توسط کلاس پیاده سازی کننده اینترفیس استفاده می شود.
 حال یک کلاس برای پیاده سازی و مدیریت ماژول می سازیم.

```

using Microsoft.Practices.Prism.MefExtensions.Modularity;
using Microsoft.Practices.Prism.Modularity;
using Microsoft.Practices.Prism.Regions;
using System.ComponentModel.Composition;

namespace Module1
{
    [ModuleExport(typeof(Module1Impl))]
    public class Module1Impl : IModule
    {
        [Import]
        public IRegionManager TheRegionManager { private get; set; }

        public void Initialize()
        {
            TheRegionManager.RegisterViewWithRegion("MyRegion1", typeof(Module1View1));
            TheRegionManager.RegisterViewWithRegion("MyRegion1", typeof(Module1View2));
        }
    }
}

```

همان طور که مشاهده می‌کنید از ModuleExportAttribute برای شناسایی ماژول توسط MefBootstrapper استفاده کردیم و نوع آن را ModuleImpl قرار دادیم. ImportAttribute استفاده شده در این کلاس و خاصیت TheRegionManager برای این است که در هنگام ساخت Instance از این کلاس IRegionManager موجود در Container باید در اختیار این کلاس قرار گیرد (نشان دهنده وابستگی مستقیم این کلاس با IRegionManager است). روش دیگر این است که در سازنده این کلاس هم این اینترفیس را تزریق کنیم.

در متد Initialize برای RegionManager دو View ساخته شده را رجیستر کردیم. این کار باید به تعداد View‌های موجود در ماژول انجام شود.

Shell

در پروژه اصلی بک Page به نام Shell ایجاد کنید و کدهای زیر را در آن کپی کنید.

```
<UserControl x:Class="NavigationViaViewModel.Shell"
    xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
    xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
    xmlns:prism="http://www.codeplex.com/prism" FlowDirection="RightToLeft"
    FontFamily="Tahoma">

    <Grid x:Name="LayoutRoot"
        Background="White">
        <TextBlock Text="لیست کتاب‌ها به همراه طبقه بندی آن‌ها"
            FontSize="19"
            Foreground="Black"
            HorizontalAlignment="Center"
            VerticalAlignment="Top" />
        <ContentControl HorizontalAlignment="Center"
            VerticalAlignment="Center"
            prism:RegionManager.RegionName="MyRegion1" />
    </Grid>
</UserControl>
```

همانند مثال قبلی یک ContentControl داریم و به وسیله RegionName که یک AttachedProperty است یک Region به نام MyRegion1 ایجاد کردیم. تمام ماژول‌های این مثال در این محدوده نمایش داده خواهند شد.

Bootstrapper

حال نیاز به یک Bootstrapper داریم. برای این کار یک کلاس به نام TheBootstrapper بسازید:

```
using Microsoft.Practices.Prism.MefExtensions;
using Microsoft.Practices.Prism.Modularity;
using System.ComponentModel.Composition.Hosting;
using System.Windows;

namespace NavigationViaViewModel
{
    public class TheBootstrapper : MefBootstrapper
    {
        protected override void InitializeShell()
        {
            base.InitializeShell();

            Application.Current.RootVisual = (UIElement)Shell;
        }

        protected override DependencyObject CreateShell()
        {
            return Container.GetExportedValue<Shell>();
        }

        protected override void ConfigureAggregateCatalog()
        {
            base.ConfigureAggregateCatalog();
            AggregateCatalog.Catalogs.Add(new AssemblyCatalog(this.GetType().Assembly));
        }

        protected override IModuleCatalog CreateModuleCatalog()
        {
            ModuleCatalog moduleCatalog = new ModuleCatalog();

            moduleCatalog.AddModule
            (
                new ModuleInfo
                {

```

```

        InitializationMode = InitializationMode.WhenAvailable,
        Ref = "Module1.xap",
        ModuleName = "Module1Impl",
        ModuleType = "Module1.Module1Impl, Module1, Version=1.0.0.0, Culture=neutral,
        PublicKeyToken=null"
    };
    return moduleCatalog;
}
}
}

```

متد `CreateShell` اولین متد در این کلاس است که اجرا خواهد شد. بعد از متد `CreateShell`، متد `InitializeShell` اجرا خواهد شد. خاصیت `Shell` دقیقا به مقدار برگشتی متد `CreateShell` اشاره خواهد کرد. در متد `InitializeShell` مقدار خاصیت `Shell` به `RootVisual` این پروژه اشاره می‌کند (مانند `MainWindow` در کلاس `Application` پروژه‌های WPF).
 متد `ConfigureAggregateCatalog` برای مدیریت کاتالوگ‌ها و ماژول‌ها که هر کدام در یک اسمبلی جدا وجود خواهند شد استفاده می‌شود. در این متد من از `AssemblyCatalog` استفاده کردم. `AssemblyCatalog` تمام کلاس‌هایی که `ExportAttribute` را به همراه دارند شناسایی می‌کند و آن‌ها را در `Container` نگهداری خواهد کرد ([^](#)). مانند یک `ServiceLocator` در `Microsoft` `unity Service Locator` ([^](#)).
 متد آخر به نام `CreateModuleCatalog` است و باید در آن تمام ماژول‌های برنامه را به کلاس `ModuleCatalog` اضافه کنیم. در مثال پست قبلی به دلیل استفاده از `UnityBootstrapper` باید این کار را از طریق `BuildEvent`‌ها مدیریت می‌کردیم ولی در این جا `Mef` به راحتی این کار را انجام خواهد داد.
 تغییرات زیر را در فایل `App.Xaml` قرار دهید و پروژه را اجرا کنید.

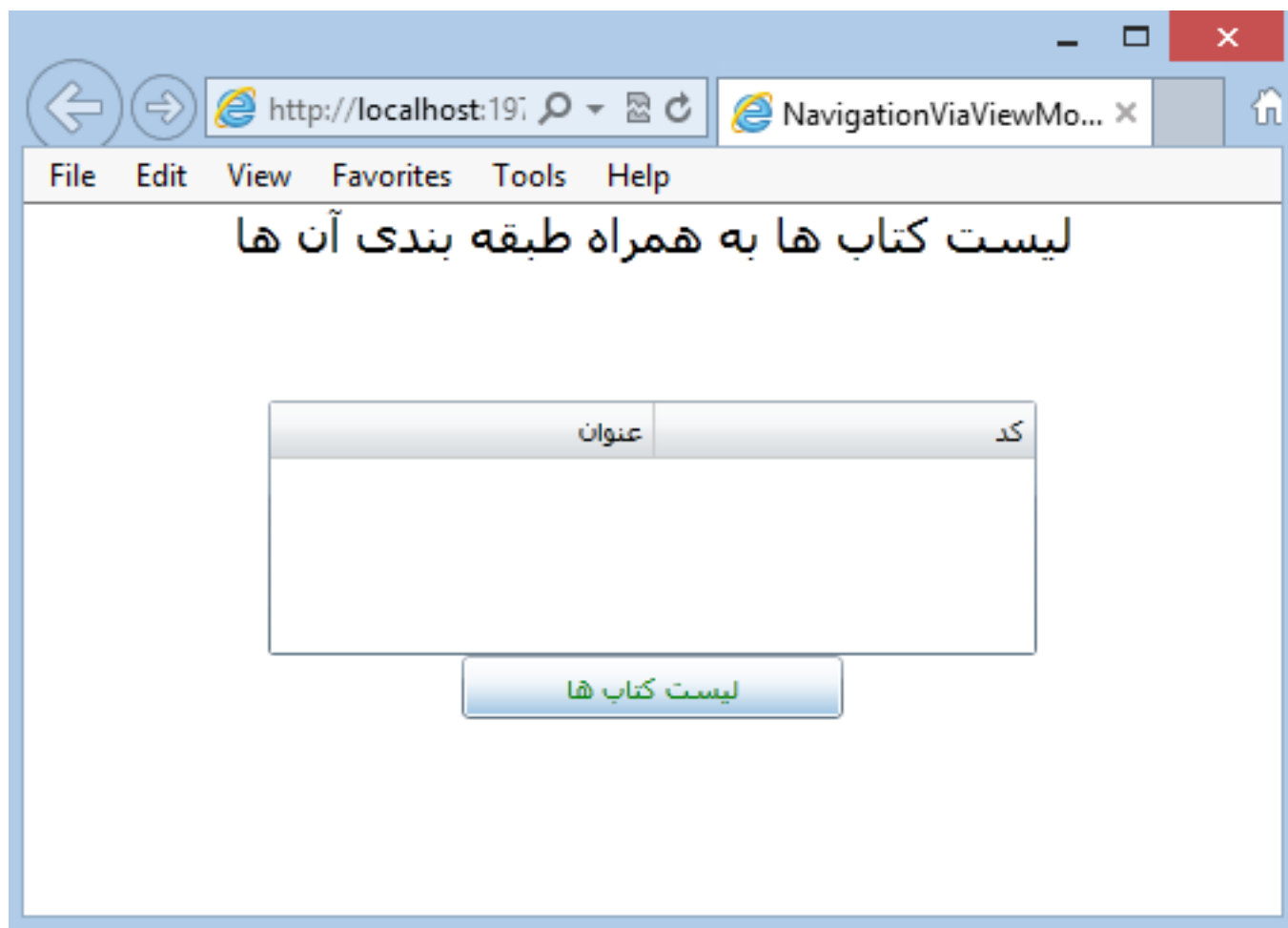
```

public partial class App : Application
{
    public App()
    {
        this.Startup += this.Application_Startup;
        InitializeComponent();
    }

    private void Application_Startup(object sender, StartupEventArgs e)
    {
        var bootstrapper = new TheBootstrapper();
        bootstrapper.Run();
    }
}

```

با کلیک بر روی ماژول عملیات راهبری برای ماژول انجام خواهد شد.



[دریافت سورس پروژه](#)

ادامه دارد..

نظرات خوانندگان

نویسنده: javad

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۵/۰۵ ۱۲:۱

سلام

اگه می‌شه آموزش استفاده از Entity Framework در prism را نیز قرار دهید . می‌خوام ماژول‌های مختلف از یک دیتا بیس استفاده کنند و یک مشترک داشته باشند ؟

نویسنده: مسعود م. پاکدل

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۵/۰۵ ۱۳:۱۰

بسیار ساده است. شما نیاز به طراحی یک UnitOfWork بر اساس EF دارید ([^](#)). بعد از آن کفایست کدهای مورد نظر برای عملیات CRUD رو در ViewModel های هر ماژول بنویسید. در پروژه‌های Silverlight هم می‌تونید از RIA Service و EF استفاده کنید. سعی می‌کنم در صورت داشتن زمان کافی یک پست را به این مطلب اختصاص بدم.

نویسنده: imo0

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۲۰ ۱۶:۳۴

سلام . دستتون درد نکهه آقای پاکدل . فقط یه چیزی!

یکی اینکه این آموزشتونو اگه میشه یکم سریعتر بدید . اون روش قبلیه که گفتید رو من خوندم خیلی واضح‌تر توضیح داده بودین . اما از این یکی زیاد نمیتونم درکش کنم.

اگه میشه لطفاً رو یه ساختار کنین . یعنی مثلاً همین Prism رو با همون الگویی MVVM ای که داره تویه WPF بگین که ما هم بتونیم استفاده کنیم . شما یکی شو با یه روش، یکی دیگشو با یه روشه دیگه و باز اینارو هر کدوم یکی تو Silver و اون یکی تو WPF . این نظر منه . اگه شما یه دونشونو انتخاب کنید و همینطوری ادامه بدین بهتره که ما هم بتونیم برای خودمون یه جمع بندی و یه راه مشخص پیدا کنیم . سایت واقعا عالی دارین . خیلی چیزها من از این سایت یاد گرفتم . این ماژولار بودن تو این سبک و تا این سطح خیلی برام کاربردی و مهمه . می‌خوام پایه پروژه‌های شرکتو بر همین روال قرار بدم . اگه میشد شما از همین Prism و این MEF یه پروژه WPF بسازین فقط یکی دوتا ماژول ساده براش پیاده سازه کنین و یه فیلم بگیرین خیلی ممنون میشم . می‌خوام این روش استفاده کنم اما روال کار برام مبهمه . اگه کتاب یا سری آموزشی در این باره هم دارین بزارین ما استفاده کنیم . آموزش هاتونم من هر روز میام میخونم و چک میکنم اما خیلی دیر دیر مطلب میزارین . حتما این آموزشو ادامه بدین . مخصوصاً Prism With MEF In WPF . خیلییی باحالین....

نویسنده: imo0

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۵ ۱۷:۱۵

سلام . خسته نباشید . من اگه بخوام تمام ماژول‌ها به صورت دینامیک از تو یک فولدر بخونه باید چیکار کرد. داخل WPF از کلاس DirectoryCatalog استفاده میشه کرد . اما برای سیلورلایت این کلاس وجود نداره . اگه میشه راهنمایی بفرمایین .

نویسنده: مسعود پاکدل

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۵ ۱۷:۲۸

ابتدا اسمبلی System.ComponentModel.Composition را به پروژه خود اضافه نمایید. در فضای نام System.ComponentModel.Composition.Hosting کلاس DirectoryCatalog موجود است.

نویسنده: imo0

تاریخ: ۱۷:۴۲ ۱۳۹۲/۰۹/۲۵

با تشکر ولی به نظر سیلورلایت نداره . لطفا [اینجا](#) رو یه چک بکنید . نوشته که
".Note: DirectoryCatalog is not supported in Silverlight "

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۲۲:۴۴ ۱۳۹۲/۰۹/۲۵

در همون لینکی که دادید یک پیاده سازی کمکی ذکر شده: [A DirectoryCatalog class for Silverlight](#)

[DeploymentCatalog](#) هم هست

فرض کنید قصد دارید برای انتخاب بین چند گزینه‌ی محدود، از RadioButton ها بجای سایر کنترل‌های موجود استفاده کنید. این گزینه‌ها نیز توسط یک Enum تعریف شده‌اند. اکنون نیاز است گزینه‌های مختلف این Enum را به RadioButton های تعریف شده Bind کنیم.

تعریف Enum برنامه به صورت زیر است:

```
namespace WpfBindRadioButtonToEnum.Models
{
    public enum Gender
    {
        Female,
        Male
    }
}
```

در ادامه با توجه به اینکه RadioButton ها با خاصیت IsChecked از نوع bool کار می‌کنند، نیاز است بتوانیم گزینه‌های Enum را به bool و یا برعکس [تبدیل کنیم](#) . برای این منظور از تبدیگر EnumBooleanConverter ذیل می‌توان استفاده کرد:

```
using System;
using System.Globalization;
using System.Windows;
using System.Windows.Data;

namespace WpfBindRadioButtonToEnum.Converters
{
    public class EnumBooleanConverter : IValueConverter
    {
        public object Convert(object value, Type targetType, object parameter, CultureInfo culture)
        {
            if (Enum.IsDefined(value.GetType(), value) == false)
                return DependencyProperty.UnsetValue;

            return Enum.Parse(value.GetType(), parameter.ToString()).Equals(value);
        }

        public object ConvertBack(object value, Type targetType, object parameter, CultureInfo culture)
        {
            return Enum.Parse(targetType, parameter.ToString());
        }
    }
}
```

پیش‌فرض تبدیگر تهیه شده بر این است که مقدار ثابت Enum را از طریق سومین پارامتر، یعنی ConverterParameter تنظیم شده در حین عملیات Binding، دریافت می‌کند. پارامتر value مقداری است که از طریق Binding خاصیت IsChecked دریافت خواهد شد.

اکنون اگر ViewModel برنامه به شکل زیر باشد که GenderValue را در اختیار View قرار می‌دهد:

```
using System.ComponentModel;
using WpfBindRadioButtonToEnum.Models;

namespace WpfBindRadioButtonToEnum.ViewModels
{
    public class MainWindowViewModel : INotifyPropertyChanged
    {
        Gender _genderValue;
        public Gender GenderValue
        {
            get { return _genderValue; }
            set
            {
                _genderValue = value;
            }
        }
    }
}
```



```

        notifyPropertyChanged("GenderValue");
    }
}

#region INotifyPropertyChanged Members
public event PropertyChangedEventHandler PropertyChanged;
private void notifyPropertyChanged(string propertyName)
{
    if (PropertyChanged != null)
    {
        PropertyChanged(this, new PropertyChangedEventArgs(propertyName));
    }
}
#endregion
}
}

```

View متناظری که از آن و همچنین Enum و تبدیگر تهیه شده استفاده می‌کند، به شرح ذیل خواهد بود:

```

<Window x:Class="WpfBindRadioButtonToEnum.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        xmlns:VM="clr-namespace:WpfBindRadioButtonToEnum.ViewModels"
        xmlns:C="clr-namespace:WpfBindRadioButtonToEnum.Converters"
        xmlns:Models="clr-namespace:WpfBindRadioButtonToEnum.Models"
        Title="MainWindow" Height="350" Width="525">
    <Window.Resources>
        <VM:MainWindowViewModel x:Key="VMainWindowViewModel" />
        <C:EnumBooleanConverter x:Key="CEnumBooleanConverter" />
    </Window.Resources>
    <StackPanel DataContext="{Binding Source={StaticResource VMainWindowViewModel}}">
        <TextBlock Text="Gender" Margin="3" />
        <RadioButton Content="{x:Static Models:Gender.Male}"
                    IsChecked="{Binding GenderValue, Mode=TwoWay, UpdateSourceTrigger=PropertyChanged,
                    Converter={StaticResource CEnumBooleanConverter},
                    ConverterParameter={x:Static Models:Gender.Male}}"
                    Margin="3" GroupName="G1" />
        <RadioButton Content="{x:Static Models:Gender.Female}"
                    IsChecked="{Binding GenderValue, Mode=TwoWay, UpdateSourceTrigger=PropertyChanged,
                    Converter={StaticResource CEnumBooleanConverter},
                    ConverterParameter={x:Static Models:Gender.Female}}"
                    Margin="3" GroupName="G1" />
    </StackPanel>
</Window>

```

در این View از یک markup extension به نام [x:Static](#) برای دسترسی به فیلدهای ثابت برنامه کمک گرفته شده است. از [x:Static](#) در ConverterParameter و همچنین Content می‌توان استفاده کرد. برای دسترسی به Enum تعریف شده در برنامه، فضای نام آن توسط [xmlns:Models](#) در ابتدای کار تعریف گردیده است. در اینجا EnumBooleanConverter تهیه شده، کار تبدیل مقدار true و false دریافتی از IsChecked را به معادل Enum آن و برعکس، انجام می‌دهد.

به صورت خلاصه: ابتدا تبدیگر EnumBooleanConverter باید اضافه شود. سپس به ازای هر گزینه‌ی Enum، یک RadioButton در صفحه قرار می‌گیرد که ConverterParameter خاصیت IsChecked آن مساوی است با یکی از گزینه‌های Enum متناظر.

در نظر بگیرید که یک پروژه WPF را با الگوی MVVM پیاده سازی کرده اید و نیاز پیدا می کنید تا یک پنجره را از طریق کد ببندید. از آنجایی که به کنترل Window درون ViewModel دسترسی ندارید، نمی توانید از متد Close آن برای اینکار استفاده کنید. راه های مختلفی برای اینکار وجود دارند، مثلاً اگر از MVVM Light Toolkit استفاده می کنید با ارسال یک Message و نوشتن یک تکه کد در CodeBehind پنجره می توانید اینکار را انجام بدهید.

اما برای اینکار یک راه حل ساده تری بدون نیاز به نوشتن کد در CodeBehind و استفاده از Toolkit خاصی وجود دارد و آن استفاده از خاصیت های پیوست شده یا *Attached Properties* است. برای اینکار یک خاصیت از نوع Boolean مانند زیر تعریف می کنیم و آن را به پنجره ای که می خواهیم Close شود پیوست می کنیم.

```
namespace TestProject.XamlServices
{
    public class CloseBehavior
    {
        public static readonly DependencyProperty CloseProperty =
        DependencyProperty.RegisterAttached("Close", typeof(bool), typeof(CloseBehavior), new
        UIPropertyMetadata(false, OnClose));

        private static void OnClose(DependencyObject sender, DependencyPropertyChangedEventArgs e)
        {
            if (!(e.NewValue is bool) || !((bool) e.NewValue)) return;
            var win = GetWindow(sender);
            if (win != null)
                win.Close();
        }

        private static Window GetWindow(DependencyObject sender)
        {
            Window w = null;
            if (sender is Window)
                w = (Window) sender;
            return w ?? (w = Window.GetWindow(sender));
        }

        public static bool GetClose(Window target)
        {
            return (bool) target.GetValue(CloseProperty);
        }

        public static void SetClose(DependencyObject target, bool value)
        {
            target.SetValue(CloseProperty, value);
        }
    }
}
```

در تکه کد بالا یک خصوصیت از نوع Boolean ایجاد کردیم که می تواند به هر پنجره ای که قرار است از طریق کد بسته شود، پیوست شود. خصوصیت های پیوست شده یک Callback مربوط به تغییر مقدار دارند که یک متد استاتیک است و مقدار جدید، از طریق EventArgs و شیءایی که این خاصیت به آن پیوست شده نیز بعنوان Source به آن ارسال می شود. هر وقت مقدار خصوصیت، تغییر کند این متد فراخوانی می گردد. در کد بالا متد OnClose ایجاد شده است و زمانی که مقدار این خصوصیت برابر true می شود پنجره close خواهد شد. برای استفاده از این خصوصیت و اتصال آن باید یک خصوصیت از نوع Boolean نیز در ViewModel مربوط به Window ایجاد کنید:

```
private bool _isClose;
public bool IsClose
{
    get { return _isClose; }
    set
    {
        _isClose = value;
        OnClosed();
    }
}
```

```
        RaisePropertyChanged("IsClose");  
    }  
}
```

و آن را به صورت زیر Bind کنید:

```
<Window x:Class="TestProject.TestView"  
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"  
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"  
        xmlns:xamlServices="clr-namespace:TestProject.XamlServices;assembly=TestProject.XamlServices"  
        xamlServices:CloseBehavior.Close="{Binding IsClose}">  
    ...  
</Window>
```

پس از انجام اتصالات فوق، کافیهست هر جایی از ViewModel که نیاز است پنجره بسته شود، مقدار این خصوصیت برابر False بشود.

نظرات خوانندگان

نویسنده: نفیسه الف

تاریخ: ۱۳۹۳/۰۳/۳۱ ۲:۷

سلام

وقتی مقدار تغییر میکنه propertychangedcallback اجرا نمیشه

onclosed() که تو set پراپرتی isclose هست از کجا اومده؟

ممنون از مطلب مفیدتون

کاربران بیشتر برنامه های فارسی تمایل دارند که توسط کلید Enter درون فرم ها حرکت کنند. در برنامه های WPF و مخصوصا زمانی که شما از الگوی MVVM استفاده می کنید، انجام این کار اگر از روش های مناسب استفاده نکنید تا حدودی سخت می شود. برای حرکت روی TextBox ها و کنترل های مشابه می توانید این کار را به راحتی با Register کردن رویداد مربوط به آن نوع کنترل ها توسط [EventManager](#) یک بار در ابتدای برنامه انجام دهید.

```
public partial class App : Application
{
    EventManager.RegisterClassHandler(typeof(TextBox), TextBox.KeyDownEvent, new
    KeyEventHandler(TextBox_KeyDown));
    ...
}
private void TextBox_KeyDown(object sender, KeyEventArgs e)
{
    if (e.Key != Key.Enter)
        return;
    var focusedElement = Keyboard.FocusedElement as TextBox;
    focusedElement.MoveFocus(new TraversalRequest(FocusNavigationDirection .Next));
}
```

اما همانطور که در عنوان مطلب آورده شده است در این مطلب تصمیم دارم حرکت روی سلول های دیتا گرید توسط کلید Enter را شرح بدهم.

برای این کار نیز یک راه حل ساده وجود دارد و آن شبیه سازی فراخوانی کلید Tab هنگام فشردن کلید Enter است. چون همانطور که می دانید کلید Tab به صورت پیش فرض حرکت روی سلول ها را انجام می دهد. برای انجام آن کافی ست دیتا گرید خود را سفارشی کرده و در متد OnPreviewKeyDown عملیات زیر را انجام دهید:

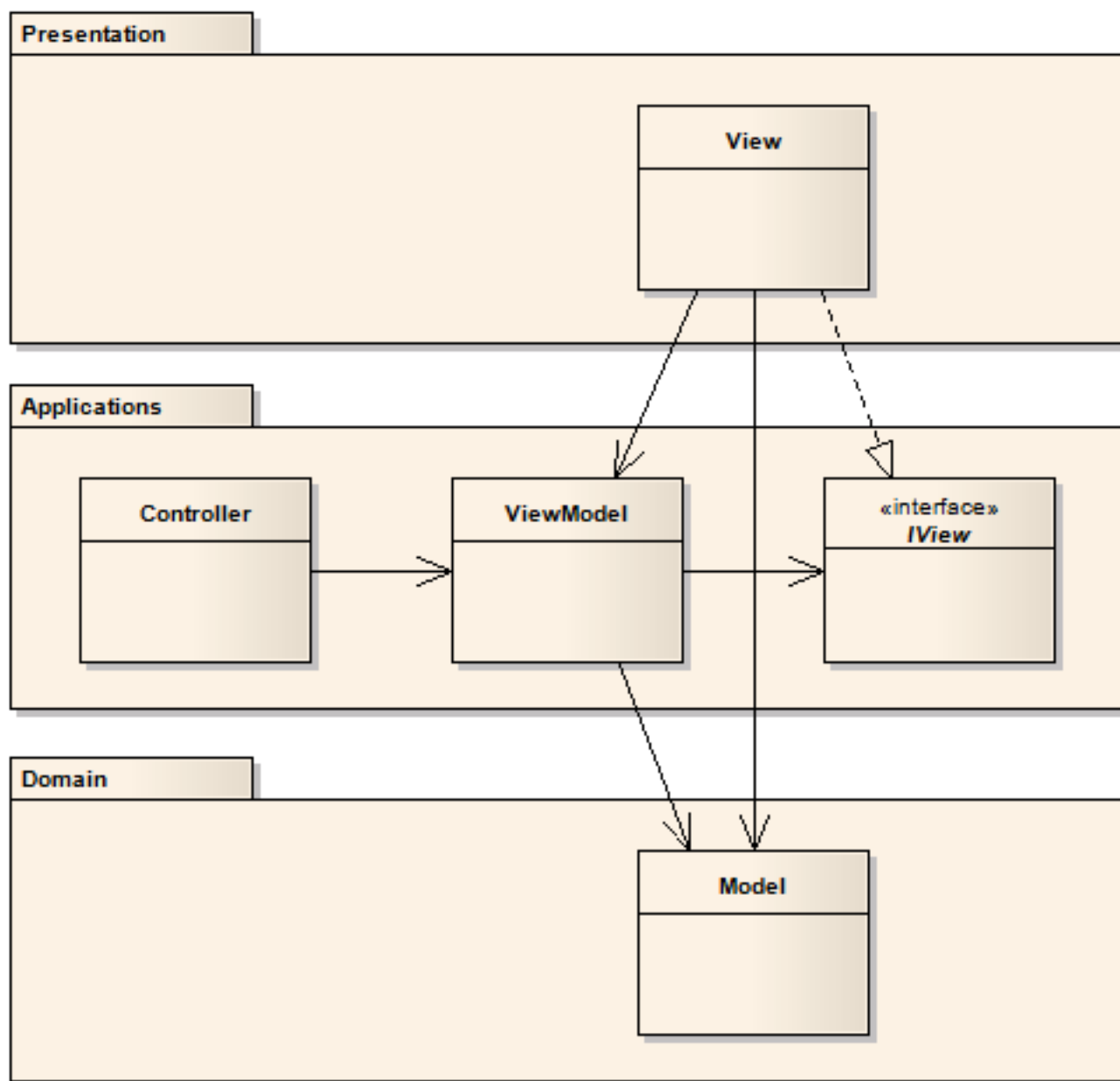
```
public class CommonDataGrid : DataGrid
{
    protected override void OnPreviewKeyDown(KeyEventArgs e)
    {
        base.OnPreviewKeyDown(e);
        if (e.Key != Key.Enter || Keyboard.PrimaryDevice.ActiveSource == null) return;
        this.CommitEdit();
        var args = new KeyEventArgs
            (Keyboard.PrimaryDevice,
            Keyboard.PrimaryDevice.ActiveSource, 0, Key.Tab) { RoutedEvent = Keyboard.KeyDownEvent };
        InputManager.Current.ProcessInput(args);
    }
}
```

دز طراحی پروژه‌های مقیاس بزرگ و البته به صورت ماژولار همیشه ساختار پروژه اهمیت به سزایی دارد. متأسفانه این مورد خیلی در طراحی پروژه‌ها در نظر گرفته نمی‌شود و اغلب اوقات شاهد آن هستیم که یک پروژه بسیار بزرگ دقیقاً به همان صورت پروژه‌های کوچک و کم اهمیت‌تر مدیریت و پیاده سازی می‌شود که این مورد هم مربوط به پروژه‌های تحت وب و هم پروژه‌های تحت ویندوز و WPF است. برای مدیریت پروژه‌های WPF و Silverlight در این [پست](#) به اختصار درباره PRISM بحث شد. مزایا و معایب آن بررسی و در طی این پست‌ها ([^](#) و [^](#)) مثال هایی را پیاده سازی کردیم. اما در این پست مفتخرم شما را با یکی دیگر از کتابخانه‌های مربوط به پیاده سازی مدل MVVM آشنا کنم. کتابخانه ای متن باز، بسیار سبک با کارایی بالا. اما نکته ای که ذکر آن خالی از لطف نیست این است که قبلاً از این کتابخانه در یک پروژه بزرگ و ماژولار WPF استفاده کردم و نتیجه مطلوب نیز حاصل شد.

معرفی:

WPF Application Framework یا به اختصار WAF کتابخانه کم حجم سبک و البته با کارایی عالی برای طراحی پروژه‌های ماژولار WPF در مقیاس بزرگ طراحی شده است که مدل پیاده سازی آن بر مبنای مدل MVVM و MVC است. شاید برایتان جالب باشد که این کتابخانه دقیقاً مدل MVC را با مدل MVVM ترکیب کرده در نتیجه مفاهیم آن بسیار شبیه به پروژه‌های تحت وب MVC است. همانطور که از نام آن پیداست این کتابخانه صرفاً برای پروژه‌های WPF طراحی شده، در نتیجه در پروژه‌های Silverlight نمی‌توان از آن استفاده کرد.

ساختار کلی آن به شکل زیر می‌باشد:



همانطور که مشاهده می‌کنید پروژه‌های مبتنی بر این کتابخانه همانند سایر کتابخانه‌های MVVM از سه بخش تشکیل شده اند. بخش اول با عنوان Shell یا Presentation معرف فایل‌های Xaml پروژه است، بخش دوم یا Application معرف ViewModel و Controller و البته IView می‌باشد. بخش Domain نیز در برگیرنده مدل‌های برنامه است.

معرفی برخی مفاهیم:

«Shell»: این کلاس معادل یک فایل Xaml است که حتما باید یک اینترفیس IView را پیاده سازی نماید.

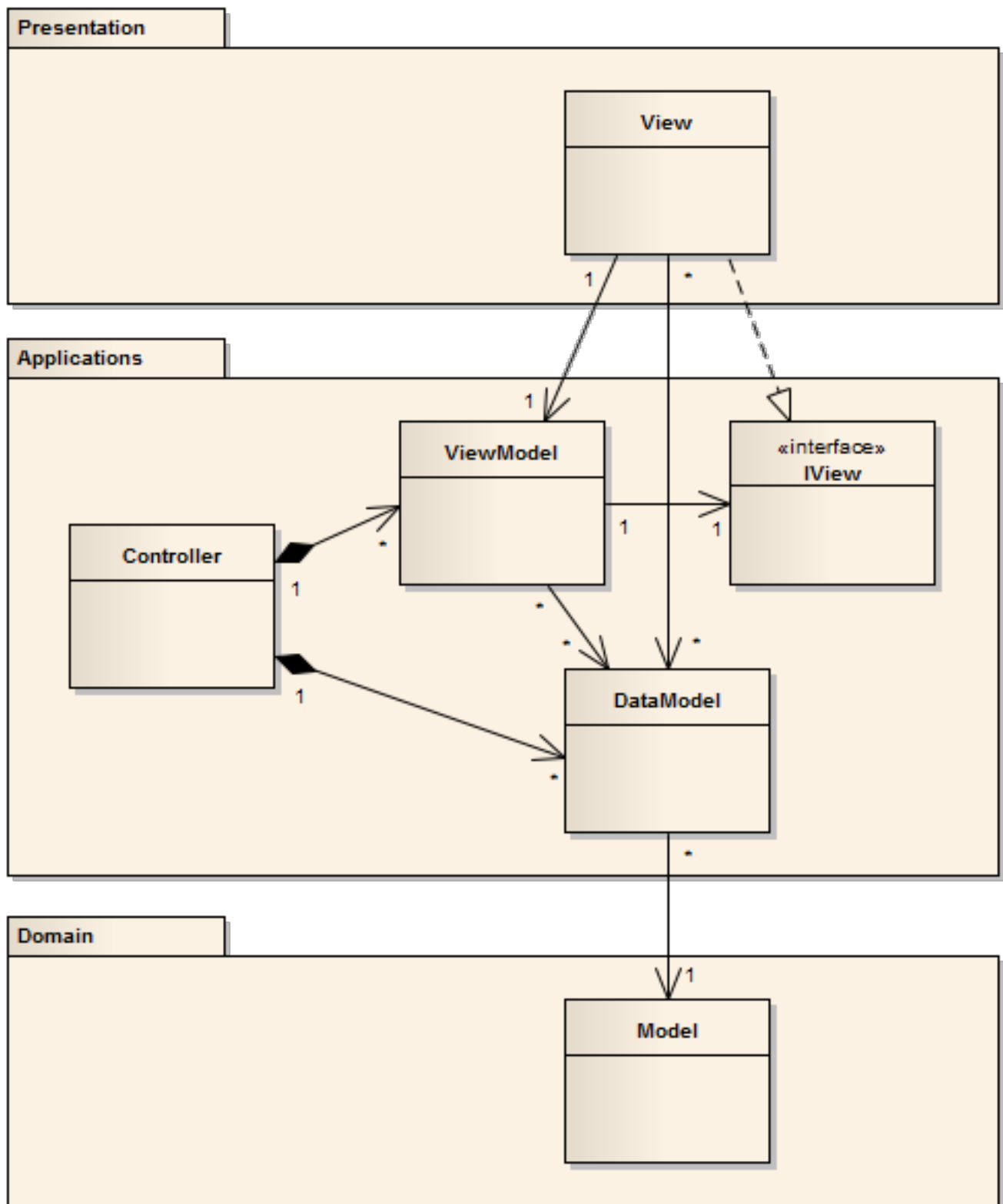
«IView»: معرف یک اینترفیس جهت برقراری ارتباط بین ViewModel و Shell

«ViewModel»: در این جا ViewModel با مفهوم ViewModel در سایر کتابخانه‌های MVVM کمی متفاوت است. در این کتابخانه ViewModel فقط شامل تعاریف است و هیچ گونه پیاده سازی در اینجا صورت نمی‌گیرد. دقیقا معادل مفهوم ViewModel در پروژه‌های MVC تحت وب.

«Controller»: پیاده سازی ViewModel و تعریف رفتارها در این قسمت انجام می‌گیرد.

اما در بسیاری از پروژه‌ها نیاز به پیاده سازی الگوی DataModel-View-ViewModel است که این کتابخانه با در اختیار داشتن برخی

کلاس‌های پایه این مهم را برایمان میسر کرده است.



همانطور که می‌بینید در این حالت بر خلاف حالت قبلی **ViewModel** و کنترلرهای پروژه به جای ارتباط با مدل با مفهوم **DataModel** تغذیه می‌شوند که یک پیاده سازی سفارشی از مدل‌های پروژه است. هم چنین این کتابخانه یک سری **Converter**های سفارشی

جهت تبدیل Model به DataModel و برعکس را ارائه می‌دهد. سرویس‌های پیش فرض: که شامل DialogBox جهت نمایش پیام‌ها و Save|Open File Dialog سفارشی نیز می‌باشد. «برای پیاده سازی Modularity از کتابخانه MEF استفاده شده است. Command های سفارشی: پیاده سازی خاص از اینترفیس ICommand «مفاهیم مربوط به [Weak Event Pattern](#) به صورت توکار در این کتابخانه تعبیه شده است. «به صورت پیش فرض مباحث مربوط به اعتبارسنجی با استفاده از [DataAnnotation](#) و [IDataErrorInfo](#) در این کتابخانه تعبیه شده است. «ارائه Extension های مربوط به UnitTest نظیر Exceptions و CanExecuteChangedEvent و PopertyChanged جهت سهولت در تهیه unit test

دانلود و نصب

با استفاده از nuget و دستور زیر می‌توانید این کتابخانه را نصب نمایید:

```
Install-Package waf
```

هم چنین می‌توانید سورس آن به همراه فایل‌های باینری را از [اینجا](#) دریافت کنید. در پست بعدی یک نمونه از پیاده سازی مثال با این کتابخانه را بررسی خواهیم کرد.

در این [پست](#) با مفاهیم اولیه این کتابخانه آشنا شدید. برای بررسی و پیاده سازی مثال، ابتدا یک Blank Solution را ایجاد نمایید. فرض کنید قصد پیاده سازی یک پروژه بزرگ ماژولار را داریم. برای این کار لازم است مراحل زیر را برای طراحی ساختار مناسب پروژه دنبال نمایید.

نکته: آشنایی اولیه با مفاهیم [MEF](#) از ملزومات این بخش است.

«ابتدا یک Class Library به نام Views ایجاد نمایید و اینترفیس زیر را به صورت زیر در آن تعریف نمایید. این اینترفیس رابط بین کنترلر و View از طریق ViewModel خواهد بود.

```
public interface IBookView : IView
{
    void Show();
    void Close();
}
```

اینترفیس IView در مسیر System.Waf.Applications قرار دارد. در نتیجه از طریق nuget اقدام به نصب Package زیر نمایید:

Install-Package WAF

«حال در Solution ساخته شده یک پروژه از نوع WPF Application به نام Shell ایجاد کنید. با استفاده از نیوگت، Waf Package را نصب نمایید؛ سپس ارجاعی از اسمبلی Views را به آن ایجاد کنید. output type اسمبلی Shell را به نوع ClassLibrary تغییر داده، همچنین فایل‌های موجود در آن را حذف نمایید. یک فایل Xaml جدید را به نام BookShell ایجاد نمایید و کدهای زیر را در آن کپی نمایید:

```
<Window x:Class="Shell.BookShell"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        Title="Book View" Height="350" Width="525">
    <Grid>
        <DataGrid ItemsSource="{Binding Books}" HorizontalAlignment="Left" Margin="10,10,0,0"
        VerticalAlignment="Top" Width="400" Height="200">
            <DataGrid.Columns>
                <DataGridTextColumn Header="Code" Binding="{Binding Code}"
                Width="100"></DataGridTextColumn>
                <DataGridTextColumn Header="Title" Binding="{Binding Title}"
                Width="300"></DataGridTextColumn>
            </DataGrid.Columns>
        </DataGrid>
    </Grid>
</Window>
```

این فرم فقط شامل یک دیتاگرید برای نمایش اطلاعات کتاب‌هاست. دیتای آن از طریق ViewModel تامین خواهد شد، در نتیجه ItemsSource آن به خاصیتی به نام Books بایند شده است. حال ارجاعی به اسمبلی System.ComponentModel.Composition دهید. سپس در Code behind این فرم کدهای زیر را کپی کنید:

```
[Export(typeof(IBookView))]
[PartCreationPolicy(CreationPolicy.NonShared)]
public partial class BookShell : Window, IBookView
{
    public BookShell()
    {
        InitializeComponent();
    }
}
```

کاملاً واضح است که این فرم اینترفیس IBookView را پیاده سازی کرده است. از آنجاکه کلاس Window به صورت پیش فرض دارای متدهای Show و Close است در نتیجه نیازی به پیاده سازی مجدد متدهای IBookView نیست. دستور Export باعث می‌شود که این کلاس به عنوان وابستگی به Composition Container اضافه شود تا در جای مناسب بتوان از آن وهله سازی کرد. نکته‌ی مهم این است که به دلیل آنکه این کلاس، اینترفیس IBookView را پیاده سازی کرده است در نتیجه نوع Export این کلاس حتماً باید به صورت صریح از نوع IBookView باشد.

«یک Class Library به نام Models بسازید و بعد از ایجاد آن، کلاس زیر را به عنوان مدل Book در آن کپی کنید:

```
public class Book
{
    public int Code { get; set; }

    public string Title { get; set; }
}
```

«یک Class Library دیگر به نام ViewModels ایجاد کنید و همانند مراحل قبلی، Package مربوط به WAF را نصب کنید. سپس کلاسی به نام BookViewModel ایجاد نمایید و کدهای زیر را در آن کپی کنید (ارجاع به اسمبلی‌های Views و Models را فراموش نکنید):

```
[Export]
[Export(typeof(ViewModel<IBookView>))]
public class BookViewModel : ViewModel<IBookView>
{
    [ImportingConstructor]
    public BookViewModel(IBookView view)
        : base(view)
    {
    }

    public ObservableCollection<Book> Books { get; set; }
}
```

ViewModel مورد نظر از کلاس ViewModel of T ارث برده است. نوع این کلاس معادل نوع View مورد نظر ماست که در اینجا مقصود IBookView است. این کلاس شامل خاصیتی به نام ViewCore است که امکان فراخوانی متدها و خاصیت‌های View را فراهم می‌نماید. وظیفه اصلی کلاس پایه ViewModel، وهله سازی از View سپس ست کردن خاصیت DataContext در View مورد نظر به نمونه وهله سازی شده از ViewModel است. در نتیجه عملیات مقید سازی در Shell به درستی انجام خواهد شد. به دلیل اینکه سازنده پیش فرض در این کلاس وجود ندارد حتماً باید از ImportingConstructor استفاده نماییم تا CompositionContainer در هنگام عملیات وهله سازی Exception صادر نکند.

«بخش بعدی ساخت یک Class Library دیگر به نام Controllers است. در این Library نیز بعد از ارجاع به اسمبلی‌های زیر کتابخانه WAF را نصب نمایید.

Views

Models

ViewModels

System.ComponentModel.Composition

کلاسی به نام BookController بسازید و کدهای زیر را در آن کپی نمایید:

```
[Export]
public class BookController
{
    [ImportingConstructor]
    public BookController(BookViewModel viewModel)
    {
        ViewModelCore = viewModel;
    }

    public BookViewModel ViewModelCore
    {
    }
```

```

        get;
        private set;
    }

    public void Run()
    {
        var result = new List<Book>();
        result.Add(new Book { Code = 1, Title = "Book1" });
        result.Add(new Book { Code = 2, Title = "Book2" });
        result.Add(new Book { Code = 3, Title = "Book3" });

        ViewModelCore.Books = new ObservableCollection<Models.Book>(result);

        (ViewModelCore.View as IBookView).Show();
    }
}

```

نکته مهم این کلاس این است که BookViewModel به عنوان وابستگی این کنترلر تعریف شده است. در نتیجه در هنگام و هله سازی از این کنترلر Container مورد نظر یک و هله از BookViewModel را در اختیار آن قرار خواهد داد. در متد Run نیز ابتدا مقدار Book که به ItemsSource دیتا گرید در BookShell مقید شده است مقدار خواهد گرفت. سپس با فراخوانی متد Show از اینترفیس IBookView، متد Show در BookShell فراخوانی خواهد شد که نتیجه آن نمایش فرم مورد نظر است.

طراحی Bootstrapper

در پروژه های ماژولار Bootstrapper از ملزومات جدانشدنی این گونه پروژه هاست. برای این کار ابتدا یک WPF Application دیگر به نام Bootstrapper ایجاد نماید. سپس ارجاعی به اسمبلی های زیر را در آن قرار دهید:

«Controllers»

«Views»

«ViewModels»

«Shell»

«System.ComponentModel.Composition»

«نصب بسته WAF با استفاده از nuget»

حال یک کلاس به نام AppBootstrapper ایجاد نمایید و کدهای زیر را در آن کپی نمایید:

```

public class AppBootstrapper
{
    public CompositionContainer Container
    {
        get;
        private set;
    }

    public AggregateCatalog Catalog
    {
        get;
        private set;
    }

    public void Run()
    {
        Catalog = new AggregateCatalog();
        Catalog.Catalogs.Add(new AssemblyCatalog(Assembly.GetExecutingAssembly()));

        Catalog.Catalogs.Add(new AssemblyCatalog(String.Format("{0}\\{1}",
Environment.CurrentDirectory, "Shell.dll")));
        Catalog.Catalogs.Add(new AssemblyCatalog(String.Format("{0}\\{1}",
Environment.CurrentDirectory, "ViewModels.dll")));
        Catalog.Catalogs.Add(new AssemblyCatalog(String.Format("{0}\\{1}",
Environment.CurrentDirectory, "Controllers.dll")));

        Container = new CompositionContainer(Catalog);

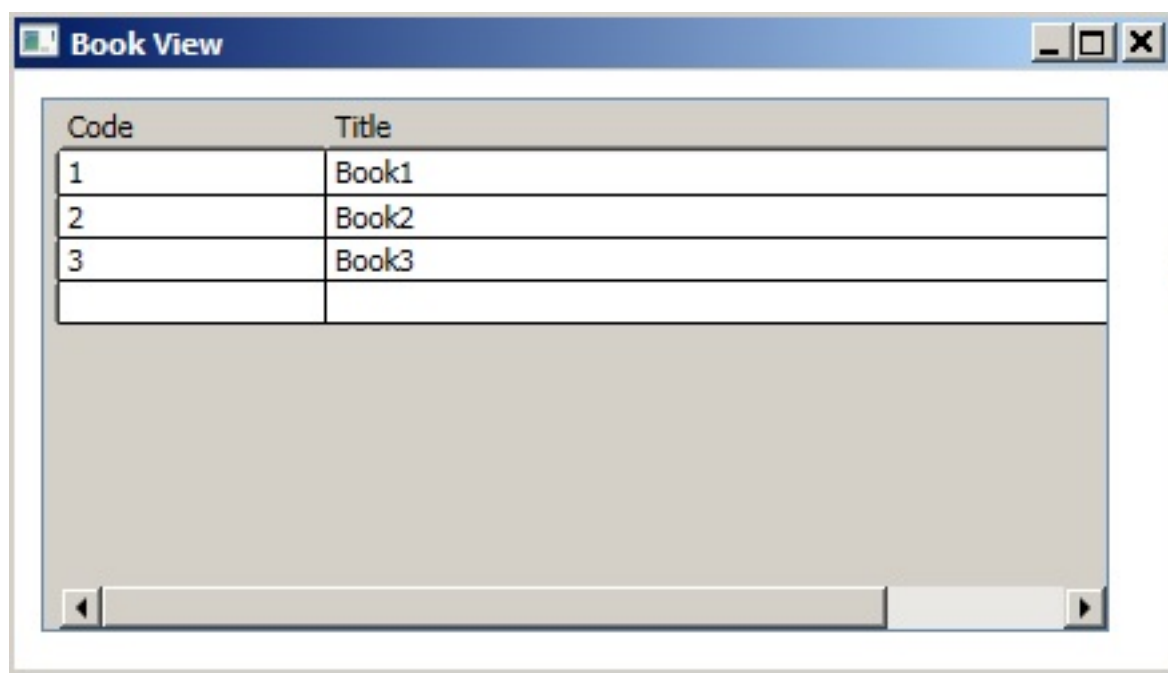
        var batch = new CompositionBatch();
        batch.AddExportedValue(Container);
        Container.Compose(batch);

        var bookController = Container.GetExportedValue<BookController>();
    }
}

```

```
bookController.Run();  
}  
}
```

اگر با MEF آشنا باشید کدهای بالا نیز برای شما مفهوم مشخصی دارند. در متد Run این کلاس ابتدا Catalog ساخته می‌شود. سپس با اسکن اسمبلی‌های مورد نظر تمام Exportها و Importهای لازم واکنشی شده و به Conrtainer مورد نظر رجیستر می‌شوند. در انتها نیز با وهله سازی از BookController و فراخوانی متد Run آن خروجی زیر نمایان خواهد شد.

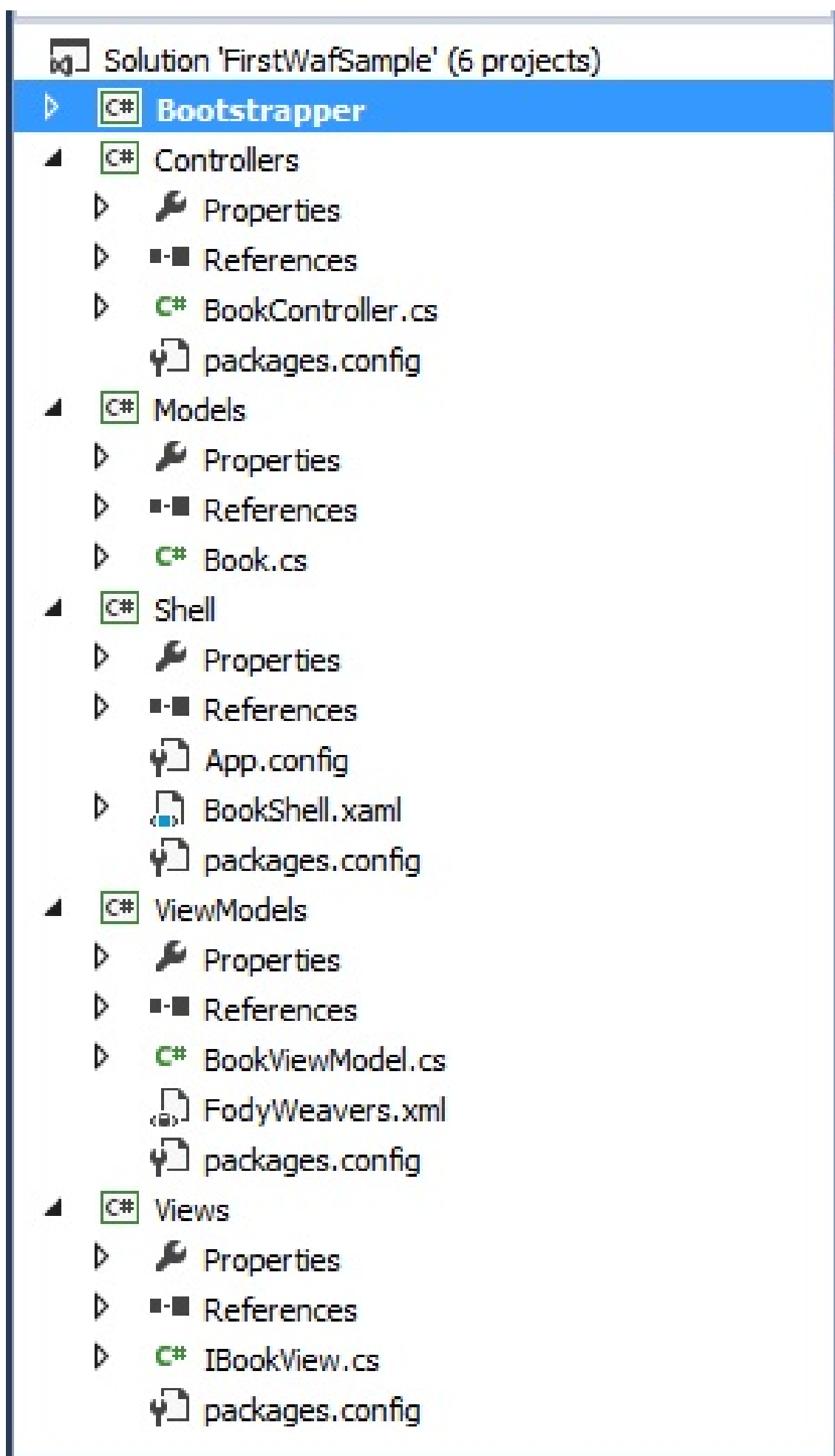


Code	Title
1	Book1
2	Book2
3	Book3

نکته بخش Startup را از فایل App.Xaml حذف نمایید و در متد Startup این فایل کد زیر را کپی کنید:

```
public partial class App : Application  
{  
    protected override void OnStartup(StartupEventArgs e)  
    {  
        new Bootstrapper.AppBootstrapper().Run();  
    }  
}
```

در پایان، ساختار پروژه به صورت زیر خواهد شد:



نکته: می‌توان بخش اسکن اسمبلی‌ها را توسط یک DirectoryCatalog به صورت زیر خلاصه کرد:

```
Catalog.Catalogs.Add(new DirectoryCatalog(Environment.CurrentDirectory));
```

در این صورت تمام اسمبلی‌های موجود در این مسیر اسکن خواهند شد.

نکته: می‌توان به جای جداسازی فیزیکی لایه‌ها آن‌ها را از طریق Directoryها به صورت منطقی در قالب یک اسمبلی نیز مدیریت کرد.

نکته: بهتر است به جای رفرنس مستقیم اسمبلی‌ها به Bootstrapper با استفاده از Pre post build در قسمت Build Event، اسمبلی‌های مورد نظر را در یک مسیر Build کپی نمایید که روش آن به تفصیل در این [پست](#) و این [پست](#) شرح داده شده است.

[دانلود سورس پروژه](#)

در این پست قصد داریم مثال [قسمت](#) قبل را توسعه داده و پیاده سازی Commandها را در آن در طی یک مثال بررسی کنیم. از این جهت دکمه‌ای، جهت حذف آیتم انتخاب شده در دیتا گرید، به فرم BookShell اضافه می‌نماییم. به صورت زیر:

```
<Button Content="RemoveItem" Command="{Binding RemoveItemCommand}" HorizontalAlignment="Left"
VerticalAlignment="Top" Width="75"/>
```

Command تعریف شده در Button مورد نظر به خاصیتی به نام RemoveItemCommand در BookViewModel که نوع آن ICommand است اشاره می‌کند. پس باید تغییرات زیر را در ViewModel اعمال کنیم:

```
public ICommand RemoveItemCommand { get; set; }
```

از طرفی نیاز به خاصیتی داریم که به آیتم جاری در دیتاگرید اشاره کند.

```
public Book CurrentItem
{
    get
    {
        return currentItem;
    }
    set
    {
        if(currentItem != value)
        {
            currentItem = value;
            RaisePropertyChanged("CurrentItem");
        }
    }
}
private Book currentItem;
```

همان طور که در پست قبلی توضیح داده شد پیاده سازی‌ها تعاریف در ViewModel در Controller انجام می‌گیرد برای همین منظور باید تعریف DelegateCommand که یک پیاده سازی خاص از ICommand است در کنترلر انجام شود. :

```
[Export]
public class BookController
{
    [ImportingConstructor]
    public BookController(BookViewModel viewModel)
    {
        ViewModelCore = viewModel;
    }

    public BookViewModel ViewModelCore
    {
        get;
        private set;
    }

    public DelegateCommand RemoveItemCommand
    {
        get;
        private set;
    }

    private void ExecuteRemoveItemCommand()
    {
        ViewModelCore.Books.Remove(ViewModelCore.CurrentItem);
    }

    private void Initialize()
    {
        RemoveItemCommand = new DelegateCommand(ExecuteRemoveItemCommand);
        ViewModelCore.RemoveItemCommand = RemoveItemCommand;
    }
}
```



```

    }

    public void Run()
    {
        var result = new List<Book>();
        result.Add(new Book { Code = 1, Title = "Book1" });
        result.Add(new Book { Code = 2, Title = "Book2" });
        result.Add(new Book { Code = 3, Title = "Book3" });

        Initialize();

        ViewModelCore.Books = new ObservableCollection<Models.Book>(result);

        (ViewModelCore.View as IBookView).Show();
    }
}

```

تغییرات:

«خاصیتی به نام RemoveItemCommand که از نوع DelegateCommand است تعریف شده است؛
 «متدی به نام Initialize اضافه شد که متدهای Execute و CanExecute برای Command ها را در این قسمت رجیستر می‌کنیم.
 «در نهایت Command تعریف شده در کنترلر به Command مربوطه در ViewModel انتساب داده شد.

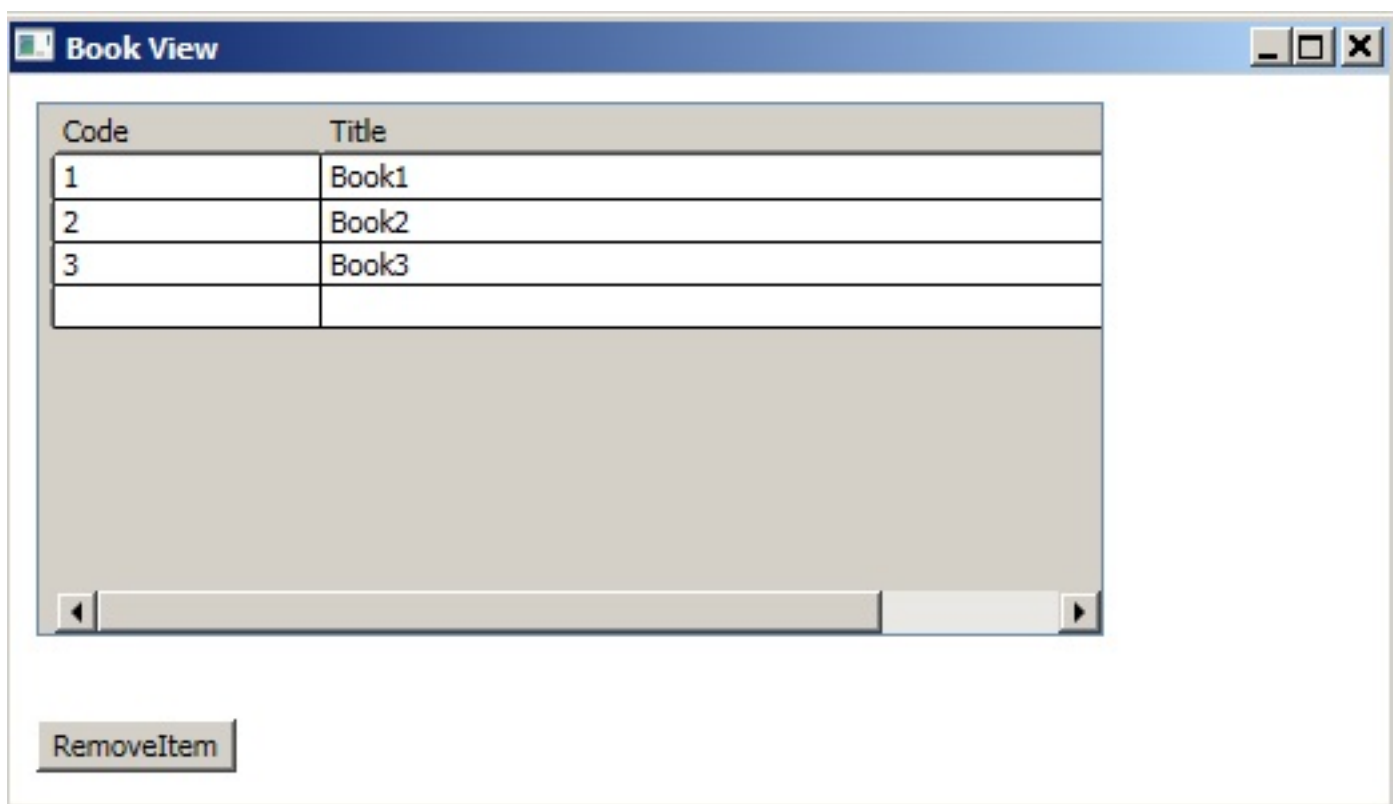
حال کافیت خاصیت SelectedItem دیتاگرید BookShell به خاصیت CurrentItem موجود در ViewModel مقید شود:

```

<DataGrid ItemsSource="{Binding Books}" SelectedItem="{Binding CurrentItem
,Mode=TwoWay,UpdateSourceTrigger=PropertyChanged}" HorizontalAlignment="Left" Margin="10,10,0,0"
VerticalAlignment="Top" Width="400" Height="200">
    <DataGrid.Columns>
        <DataGridTextColumn Header="Code" Binding="{Binding Code}"
Width="100"></DataGridTextColumn>
        <DataGridTextColumn Header="Title" Binding="{Binding Title}"
Width="300"></DataGridTextColumn>
    </DataGrid.Columns>
</DataGrid>

```

اگر پروژه را اجرا نمایید، بعد از انتخاب سطر مورد نظر و کلیک بر روی دکمه RemoveItem مورد زیر قابل مشاهده است:



1 reference

```
private void ExecuteRemoveItemCommand()  
{  
    ViewModelCore.Books.Remove(ViewModelCore.CurrentItem);  
}
```

قصد داریم در مثال [پست قبلی](#) برای Command مورد نظر، عملیات اعتبارسنجی را فعال کنیم. اگر با الگوی MVVM آشنایی داشته باشید می‌دانید که می‌توان برای Command ها اکشنی به عنوان CanExecute تعریف کرد و در آن عملیات اعتبارسنجی را انجام داد. اما از آن جا که پیاده سازی این روش زمانی مسیر است که تغییرات خواص ViewModel در دسترس باشد در نتیجه در WAF مکانیزمی جهت ردیابی تغییرات خواص ViewModel در کنترلر فراهم شده است. در نسخه‌های قبلی WAF (قبل از نسخه 3) هر کنترلر از کلاس پایه ای به نام Controller ارث می‌برد که متد هایی جهت ردیابی تغییرات در آن در نظر گرفته شده بود به صورت زیر:

```
public class MyController : Controller
{
    [ImportingConstructor]
    public MyController(MyViewModel viewModel)
    {
        ViewModelCore = viewModel;
    }

    public MyViewModel ViewModelCore
    {
        get;
        private set;
    }

    public void Run()
    {
        AddWeakEventListener(ViewModelCore , ViewModelCoreChanged)
    }

    private void ViewModelCoreChanged(object sender , PropertyChangedEventArgs e)
    {
        if(e.PropertyName=="CurrentItem")
        {
        }
    }
}
```

همان طور که مشاهده می‌کنید با استفاده از متد AddWeakEventListener توانستیم تمامی تغییرات خواص ViewModel مورد نظر را از طریق متد ViewModelCoreChanged ردیابی کنیم. این متد بر مبنای الگوی [WeakEvent](#) پیاده سازی شده است. البته این تغییرات فقط زمانی قابل ردیابی هستند که در ViewModel متد RaisePropertyChanged برای متد set خاصیت فراخوانی شده باشد.

از آنجا که در دات نت 4.5 یک پیاده سازی خاص از الگوی [WeakEvent](#) در کلاس PropertyChangedEventManager موجود در اسمبلی WindowsBase و فضای نام System.ComponentModel انجام شده است در نتیجه توسعه دهندگان این کتابخانه نیز تصمیم به استفاده از این روش گرفتند که نتیجه آن Obsolete شدن کلاس پایه کنترلر در نسخه‌های 3 به بعد آن است. در روش جدید کفایت به صورت زیر عمل نماید:

```
[Export]
public class BookController
{
    [ImportingConstructor]
    public BookController(BookViewModel viewModel)
    {
        ViewModelCore = viewModel;
    }

    public BookViewModel ViewModelCore
    {
        get;
        private set;
    }

    public DelegateCommand RemoveItemCommand
```

```

    {
        get;
        private set;
    }

    private void ExecuteRemoveItemCommand()
    {
        ViewModelCore.Books.Remove(ViewModelCore.CurrentItem);
    }

    private bool CanExecuteRemoveItemCommand()
    {
        return ViewModelCore.CurrentItem != null;
    }
    private void Initialize()
    {
        RemoveItemCommand = new DelegateCommand(ExecuteRemoveItemCommand ,
CanExecuteRemoveItemCommand);
        ViewModelCore.RemoveItemCommand = RemoveItemCommand;
    }

    public void Run()
    {
        var result = new List<Book>();
        result.Add(new Book { Code = 1, Title = "Book1" });
        result.Add(new Book { Code = 2, Title = "Book2" });
        result.Add(new Book { Code = 3, Title = "Book3" });

        Initialize();
        ViewModelCore.Books = new ObservableCollection<Models.Book>(result);

        PropertyChangedEventManager.AddHandler(ViewModelCore, ViewModelChanged, "CurrentItem");
        (ViewModelCore.View as IBookView).Show();
    }

    private void ViewModelChanged(object sender,PropertyChangedEventArgs e)
    {
        if(e.PropertyName == "CurrentItem")
        {
            RemoveItemCommand.RaiseCanExecuteChanged();
        }
    }
}

```

تغییرات:

«ابتدا متدی به نام CanExecuteRemoveItemCommand ایجاد کردیم و کدهای اعتبارسنجی را در آن قرار دادیم؛
«هنگام تعریف Command مربوطه متد بالا را به DelegateCommand رجیستر کردیم:

```
RemoveItemCommand = new DelegateCommand(ExecuteRemoveItemCommand , CanExecuteRemoveItemCommand);
```

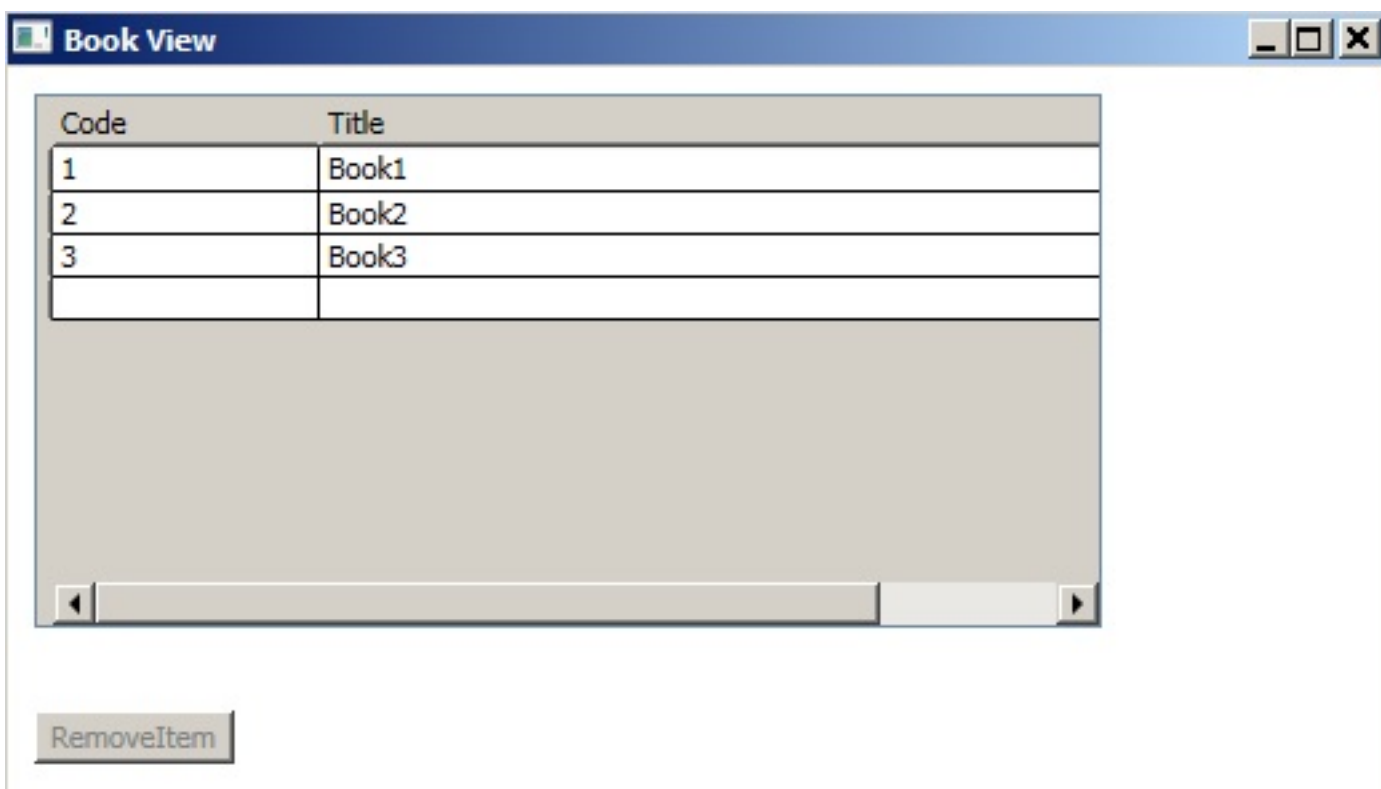
در این حالت بعد از اجرای برنامه همواره دکمه RemoveItem غیر فعال خواهد بود. دلیل آن این است که بعد از انتخاب آیتم مورد نظر از لیست باید کنترلر را متوجه تغییر در مقدار خاصیت CurrentItem نماییم. بدین منظور کد زیر را به متد Run اضافه کردم:

```
PropertyChangedEventManager.AddHandler(ViewModelCore, ViewModelChanged, "CurrentItem");
```

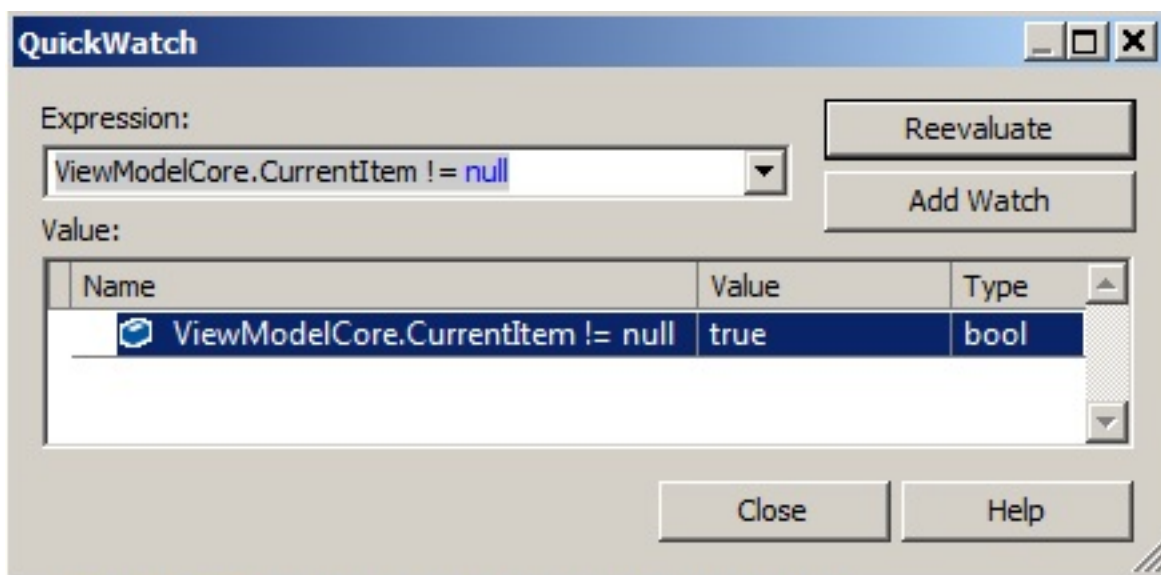
دستور بالا دقیقاً معادل دستور AddWeakEventListener موجود در نسخه‌های قدیمی WAF است. سپس در صورتی که نام خاصیت مورد نظر CurrentItem بود با استفاده از دستور RaiseCanExecuteChanged در کلاس DelegateCommand کنترلر را ملزم به اجرای دوباره متد CanExecuteRemoveItemCommand می‌کنیم.

اجرای برنامه:

ابتدا دکمه RemoveItem غیر فعال است:

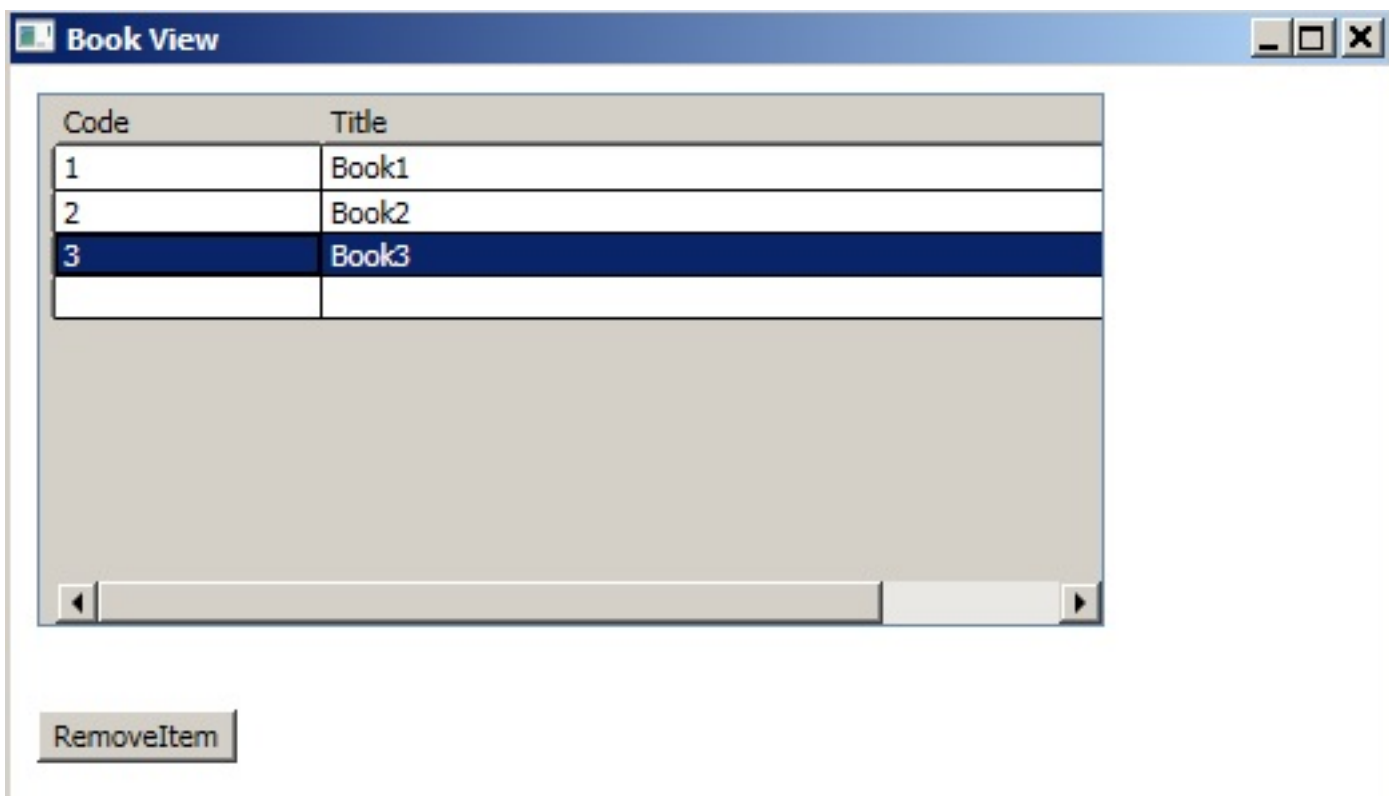


بعد از انتخاب یکی از گزینه و فراخوانی مجدد متد `CanExecuteRemoveItemCommand` دکمه مورد نظر فعال می‌شود:



```
private bool CanExecuteRemoveItemCommand()
{
    return ViewModelCore.CurrentItem != null;
}
```

و در نهایت دکمه RemoveItem فعال خواهد شد:



[دانلود سورس پروژه](#)

پیشنیازها

- « [استفاده از Kendo UI templates](#) »

- « [اعتبار سنجی ورودی‌های کاربر در Kendo UI](#) »

- « [فعال سازی عملیات CRUD در Kendo UI Grid](#) » جهت آشنایی با نحوه‌ی تعریف DataSource ایی که می‌تواند اطلاعات را ثبت، حذف و یا ویرایش کند.

در این مطلب قصد داریم به یک چنین صفحه‌ای برسیم که در آن در ابتدای نمایش، لیست ثبت نام‌های موجود، از سرور دریافت و توسط یک Kendo UI template نمایش داده می‌شود. سپس امکان ویرایش و حذف هر ردیف، وجود خواهد داشت، به همراه امکان افزودن ردیف‌های جدید. در این بین مدیریت نمایش لیست ثبت نام‌ها توسط امکانات binding توکار فریم ورک MVVM مخصوص Kendo UI صورت خواهد گرفت. همچنین کلیه اعمال مرتبط با هر ردیف نیز توسط data binding دو طرفه مدیریت خواهد شد.

The screenshot shows a web browser window at <http://localhost:1829/> displaying a Kendo UI application. The application features a table with columns: id, نام (Name), دوره (Period), هزینه (Cost), ایمیل (Email), and تلفن (Phone). The table contains three rows of data. To the right of the table is a form for adding or editing records, with fields for Name, Period, Cost, Email, and Phone. Below the form is a checkbox for 'شرایط دوره را قبول دارم' (I accept the terms of the period) and buttons for 'ارسال' (Send) and 'از نو' (Reset). At the bottom of the browser window, the Network panel is open, showing a list of requests. The 'Method' column is highlighted, showing POST, PUT, PUT, and DELETE methods. The 'Result' column shows status codes 201, 200, 200, and 200. The 'Type' column shows application/json. The 'Received' and 'Taken' columns show the size and time of the requests. The 'Initiator' column shows XMLHttpRequest. The 'Timings' column is empty.

id	نام	دوره	هزینه	ایمیل	تلفن
1	userx	c++	ریال 1,000	tst1@site.com	12345678
2	usery	css3	ریال 2,000	tst2@site.com	12345678
3	userz	java	ریال 1,000	tst3@site.com	12345678

جمع کل: 4,000 ریال

نام:

دوره:

مبلغ پرداختی:

پست الکترونیک:

تلفن:

☒ شرایط دوره را قبول دارم

URL	Protocol	Method	Result	Type	Received	Taken	Initiator	Timings
/api/registrations	HTTP	POST	201	application/json	496 B	218 ms	XMLHttpRequest	
/api/registrations/2	HTTP	PUT	200		331 B	93 ms	XMLHttpRequest	
/api/registrations/4	HTTP	PUT	200		331 B	47 ms	XMLHttpRequest	
/api/registrations/4	HTTP	DELETE	200	application/json	485 B	31 ms	XMLHttpRequest	

Items: 4 Sent: 1.96 KB (2,004 bytes) Received: 1.60 KB (1,643 bytes)

الگوی MVVM یا Model-View-ViewModel که برای اولین بار جهت کاربردهای WPF و Silverlight معرفی شد، برای ساده سازی اتصال تغییرات کنترل‌های برنامه به خواص ViewModel یک View کاربرد دارد. برای مثال با تغییر عنصر انتخابی یک DropDownList در یک View، بلافاصله خاصیت متصل به آن که در ViewModel برنامه تعریف شده است، مقدار دهی و به روز خواهد شد. هدف نهایی آن نیز جدا سازی منطق کدهای UI، از کدهای جاوا اسکریپتی سمت کاربر است. برای این منظور کتابخانه‌هایی مانند [Knockout.js](#) به صورت اختصاصی برای این کار تهیه شده‌اند؛ اما Kendo UI نیز جهت یکپارچگی هرچه تمامتر اجزای آن، دارای یک فریم ورک MVVM توکار نیز می‌باشد. طراحی آن نیز بسیار شبیه به Knockout.js است؛ اما با سازگاری 100 درصد با کل مجموعه. پیاده سازی الگوی MVVM از 4 قسمت تشکیل می‌شود:

- Model که بیانگر خواص متناظر با اشیاء رابط کاربری است.
- View همان رابط کاربری است که به کاربر نمایش داده می‌شود.
- ViewModel واسطی است بین Model و View. کار آن انتقال داده‌ها و رویدادها از View به مدل است و در حالت binding دوطرفه، عکس آن نیز صحیح می‌باشد.
- Declarative data binding جهت رهایی برنامه نویسی‌ها از نوشتن کدهای هماهنگ سازی اطلاعات المان‌های View و خواص ViewModel کاربرد دارد.

در ادامه این اجزا را با پیاده سازی مثالی که در ابتدای بحث مطرح شد، دنبال می‌کنیم.

تعریف Model و ViewModel

در سمت سرور، مدل ثبت نام برنامه چنین شکلی را دارد:

```
namespace KendoUI07.Models
{
    public class Registration
    {
        public int Id { set; get; }
        public string UserName { set; get; }
        public string CourseName { set; get; }
        public int Credit { set; get; }
        public string Email { set; get; }
        public string Tel { set; get; }
    }
}
```

در سمت کاربر، این مدل را به نحو ذیل می‌توان تعریف کرد:

```
<script type="text/javascript">
    $(function () {
        var model = kendo.data.Model.define({
            id: "Id",
            fields: {
                Id: { type: 'number' }, // leave this set to 0 or undefined, so Kendo knows it is
                UserName: { type: 'string' },
                CourseName: { type: 'string' },
                Credit: { type: 'number' },
                Email: { type: 'string' },
                Tel: { type: 'string' }
            }
        });
    });
</script>
```

و ViewModel برنامه در ساده‌ترین شکل آن اکنون چنین تعریفی را خواهد یافت:

```
<script type="text/javascript">
    $(function () {
        var viewModel = kendo.observable({
```



```

        accepted: false,
        course: new model()
    });
});
</script>

```

یک `viewModel` در Kendo UI به صورت یک `observable object` تعریف می‌شود که می‌تواند دارای تعدادی خاصیت و متد دلخواه باشد. هر خاصیت آن به یک عنصر HTML متصل خواهد شد. در اینجا این اتصال دو طرفه است؛ به این معنا که تغییرات UI به خواص `viewModel` و برعکس منتقل و منعکس می‌شوند.

اتصال ViewModel به View برنامه

تعریف فرم ثبت نام را در اینجا ملاحظه می‌کنید. فیلدهای مختلف آن بر اساس نکات اعتبارسنجی HTML 5 با ویژگی‌های خاص آن، مزین شده‌اند. جزئیات آن را در مطلب « [اعتبارسنجی ورودی‌های کاربر در Kendo UI](#) » بیشتر بررسی کرده‌ایم. اگر به تعریف هر فیلد دقت کنید، ویژگی `data-bind` جدیدی را هم ملاحظه خواهید کرد:

```

<div id="coursesSection" class="k-rtl k-header">
    <div class="box-col">
        <form id="myForm" data-role="validator" novalidate="novalidate">
            <h3>ثبت نام</h3>
            <ul>
                <li>
                    <label for="Id">Id</label>
                    <span id="Id" data-bind="text:course.Id"></span>
                </li>
                <li>
                    <label for="UserName">نام</label>
                    <input type="text" id="UserName" name="UserName" class="k-textbox"
                        data-bind="value:course.UserName"
                        required />
                </li>
                <li>
                    <label for="CourseName">دوره</label>
                    <input type="text" dir="ltr" id="CourseName" name="CourseName" required
                        data-bind="value:course.CourseName" />
                    <span class="k-invalid-msg" data-for="CourseName"></span>
                </li>
                <li>
                    <label for="Credit">مبلغ پرداختی</label>
                    <input id="Credit" name="Credit" type="number" min="1000" max="6000"
                        required data-max-msg="6000 و 1000 عددی بین" dir="ltr"
                        data-bind="value:course.Credit"
                        class="k-textbox k-input" />
                    <span class="k-invalid-msg" data-for="Credit"></span>
                </li>
                <li>
                    <label for="Email">پست الکترونیک</label>
                    <input type="email" id="Email" dir="ltr" name="Email"
                        data-bind="value:course.Email"
                        required class="k-textbox" />
                </li>
                <li>
                    <label for="Tel">تلفن</label>
                    <input type="tel" id="Tel" name="Tel" dir="ltr" pattern="\d{8}"
                        required class="k-textbox"
                        data-bind="value:course.Tel"
                        data-pattern-msg="8 رقم" />
                </li>
                <li>
                    <input type="checkbox" name="Accept"
                        data-bind="checked:accepted"
                        required />
                    شرایط دوره را قبول دارم.
                    <span class="k-invalid-msg" data-for="Accept"></span>
                </li>
                <li>
                    <button class="k-button"
                        data-bind="enabled: accepted, click: doSave"
                        type="submit">
                        ارسال
                    </button>
                    <button class="k-button" data-bind="click: resetModel">از نو</button>
                </li>
            </ul>
        </form>
    </div>
</div>

```

```

        </li>
      </ul>
      <span id="doneMsg"></span>
    </form>
  </div>

```

برای اتصال ViewModel تعریف شده به ناحیه‌ی مشخص شده با DIV ایی با Id مساوی coursesSection، می‌توان از متد kendo.bind استفاده کرد.

```

<script type="text/javascript">
$(function () {
    var model = kendo.data.Model.define({
        // ...
    });

    var viewModel = kendo.observable({
        // ...
    });

    kendo.bind($("#coursesSection"), viewModel);
});
</script>

```

به این ترتیب Kendo UI به بر اساس تعریف data-bind یک فیلد، برای مثال تغییرات خواص course.UserName را به text box نام کاربر منتقل می‌کند و همچنین اگر کاربر اطلاعاتی را در این text box وارد کند، بلافاصله این تغییرات در خاصیت course.UserName منعکس خواهند شد.

```

<input type="text" id="UserName" name="UserName" class="k-textbox"
    data-bind="value:course.UserName"
    required />

```

بنابراین تا اینجا به صورت خلاصه، مدلی را توسط متد kendo.data.Model.define، معادل مدل سمت سرور خود ایجاد کردیم. سپس وهله‌ای از این مدل را به صورت یک خاصیت جدید دلخواهی در ViewModel تعریف شده توسط متد kendo.observable در معرض دید View برنامه قرار دادیم. در ادامه اتصال View و ViewModel، با فراخوانی متد kendo.bind انجام شد. اکنون برای دریافت تغییرات کنترل‌های برنامه، تنها کافی است ویژگی‌های data-bind ایی را به آن‌ها اضافه کنیم. در ناحیه‌ی تعریف شده توسط متد kendo.bind، کلیه خواص ViewModel در دسترس هستند. برای مثال اگر به تعریف ViewModel دقت کنید، یک خاصیت دیگر به نام accepted با مقدار false نیز در آن تعریف شده‌است (این خاصیت چون صرفاً کاربرد UI داشت، در model برنامه قرار نگرفت). از آن برای اتصال checkbox تعریف شده، به button ارسال اطلاعات، استفاده کرده‌ایم:

```

<input type="checkbox" name="Accept"
    data-bind="checked:accepted"
    required />

<button class="k-button"
    data-bind="enabled: accepted, click: doSave"
    type="submit">
    ارسال
</button>

```

برای مثال اگر کاربر این checkbox را انتخاب کند، مقدار خاصیت accepted، مساوی true خواهد شد. تغییر مقدار این خاصیت، توسط ViewModel بلافاصله در کل ناحیه coursesSection منتشر می‌شود. به همین جهت ویژگی enabled: accepted که به معنای مقید بودن فعال یا غیرفعال بودن دکمه بر اساس مقدار خاصیت accepted است، دکمه را فعال می‌کند، یا برعکس و برای انجام این عملیات نیازی نیست کدنویسی خاصی را انجام داد. در اینجا بین checkbox و button یک سیم کشی برقرار است.

ارسال داده‌های تغییر کرده‌ی ViewModel به سرور

تا اینجا 4 جزء اصلی الگوی MVVM که در ابتدای بحث عنوان شد، تکمیل شده‌اند. مدل اطلاعات فرم تعریف گردید. ViewModel ایی

که این خواص را به المان‌های فرم متصل می‌کند نیز در ادامه اضافه شده‌است. توسط ویژگی‌های data-bind Declarative کار data binding انجام می‌شود. در ادامه نیاز است تغییرات ViewModel را به سرور، جهت ثبت، به روز رسانی و حذف نهایی منتقل کرد.

```
<script type="text/javascript">
    $(function () {
        var model = kendo.data.Model.define({
            //...
        });

        var dataSource = new kendo.data.DataSource({
            type: 'json',
            transport: {
                read: {
                    url: "api/registrations",
                    dataType: "json",
                    contentType: 'application/json; charset=utf-8',
                    type: 'GET'
                },
                create: {
                    url: "api/registrations",
                    contentType: 'application/json; charset=utf-8',
                    type: "POST"
                },
                update: {
                    url: function (course) {
                        return "api/registrations/" + course.Id;
                    },
                    contentType: 'application/json; charset=utf-8',
                    type: "PUT"
                },
                destroy: {
                    url: function (course) {
                        return "api/registrations/" + course.Id;
                    },
                    contentType: 'application/json; charset=utf-8',
                    type: "DELETE"
                },
                parameterMap: function (data, type) {
                    // Convert to a JSON string. Without this step your content will be form
                    encoded.
                    return JSON.stringify(data);
                }
            },
            schema: {
                model: model
            },
            error: function (e) {
                alert(e.errorThrown);
            },
            change: function (e) {
                // فراخوانی در زمان دریافت اطلاعات از سرور و یا تغییرات محلی
                viewModel.set("coursesDataSourceRows", new
                kendo.data.ObservableArray(this.view()));
            }
        });

        var viewModel = kendo.observable({
            //...
        });

        kendo.bind($("#coursesSection"), viewModel);
        dataSource.read(); // دریافت لیست موجود از سرور در آغاز کار
    });
</script>
```

در اینجا تعریف DataSource کار با منبع داده راه دور ASP.NET Web API را مشاهده می‌کنید. تعاریف اصلی آن با تعاریف مطرح شده در مطلب « [فعال سازی عملیات CRUD در Kendo UI Grid](#) » یکی هستند. هر قسمت آن مانند read, create, update و destroy به یکی از متدهای کنترلر ASP.NET Web API اشاره می‌کنند. حالت‌های update و destroy بر اساس Id ردیف انتخابی کار می‌کنند. این Id را باید در قسمت model مربوط به اسکیمای تعریف شده، دقیقاً مشخص کرد. عدم تعریف فیلد id، سبب خواهد شد تا عملیات update نیز در حالت create تفسیر شود.

متصل کردن DataSource به ViewModel

تا اینجا DataSource ایی جهت کار با سرور تعریف شده است؛ اما مشخص نیست که اگر رکوردی اضافه شد، چگونه باید اطلاعات خودش را به روز کند. برای این منظور خواهیم داشت:

```
<script type="text/javascript">
$(function () {
    $("#coursesSection").kendoValidator({
        // ...
    });

    var model = kendo.data.Model.define({
        // ...
    });

    var dataSource = new kendo.data.DataSource({
        // ...
    });

    var viewModel = kendo.observable({
        accepted: false,
        course: new model(),
        doSave: function (e) {
            e.preventDefault();
            console.log("this", this.course);
            var validator = $("#coursesSection").data("kendoValidator");
            if (validator.validate()) {
                if (this.course.Id == 0) {
                    dataSource.add(this.course);
                }
                dataSource.sync(); // push to the server
                this.set("course", new model()); // reset controls
            }
        },
        resetModel: function (e) {
            e.preventDefault();
            this.set("course", new model());
        }
    });

    kendo.bind($("#coursesSection"), viewModel);
    dataSource.read(); // دریافت موجود از سرور در آغاز کار
});
</script>
```

همانطور که در تعاریف تکمیلی viewModel مشاهده می‌کنید، اینبار دو متد جدید دلخواه doSave و resetModel را اضافه کرده‌ایم. در متد doSave، ابتدا بررسی می‌کنیم آیا اعتبارسنجی فرم با موفقیت انجام شده است یا خیر. اگر بله، توسط متد add منبع داده، اطلاعات فرم جاری را توسط شیء course که هم اکنون به تمامی فیلدهای آن متصل است، اضافه می‌کنیم. در اینجا بررسی شده است که آیا Id این اطلاعات صفر است یا خیر. از آنجائیکه از همین متد برای به روز رسانی نیز در ادامه استفاده خواهد شد، در حالت به روز رسانی، Id شیء ثبت شده، از طرف سرور دریافت می‌گردد. بنابراین غیر صفر بودن این Id به معنای عملیات به روز رسانی است و در این حالت نیازی نیست کار بیشتری را انجام داد؛ زیرا شیء متناظر با آن پیشتر به منبع داده اضافه شده است.

استفاده از متد add صرفاً به معنای مطلع کردن منبع داده محلی از وجود رکوردی جدید است. برای ارسال این تغییرات به سرور، از متد sync آن می‌توان استفاده کرد. متد sync بر اساس متد add یک درخواست POST، بر اساس شیء ایی که Id غیر صفر دارد، یک درخواست PUT و با فراخوانی متد remove بر روی منبع داده، یک درخواست DELETE را به سمت سرور ارسال می‌کند. متد دلخواه resetModel سبب مقدار دهی مجدد شیء course با یک وهله‌ی جدید از شیء model می‌شود. همینقدر برای پاک کردن تمامی کنترل‌های صفحه کافی است.

تا اینجا دو متد جدید را در ViewModel برنامه تعریف کرده‌ایم. در مورد نحوه‌ی اتصال آن‌ها به View، به کدهای دو دکمه‌ی موجود در فرم دقت کنید:

```
<button class="k-button"
    data-bind="enabled: accepted, click: doSave"
    type="submit">
```

```
ارسال
</button>
<button class="k-button" data-bind="click: resetModel">از نو</button>
```

این متدها نیز توسط ویژگی‌های data-bind به هر دکمه نسبت داده شده‌اند. به این ترتیب برای مثال با کلیک کاربر بر روی دکمه‌ی submit، متد doSave موجود در ViewModel فراخوانی می‌شود.

مدیریت سمت سرور ثبت، ویرایش و حذف اطلاعات

در حالت ثبت، متد Post توسط آدرس مشخص شده در قسمت create منبع داده، فراخوانی می‌گردد. نکته‌ی مهمی که در اینجا باید به آن دقت داشت، نحوه‌ی بازگشت Id رکورد جدید ثبت شده‌است. اگر این تنظیم صورت نگیرد، Id رکورد جدید را در لیست، مساوی صفر مشاهده خواهید کرد و منبع داده این رکورد را همواره به عنوان یک رکورد جدید، مجدداً به سرور ارسال می‌کند.

```
using System.Collections.Generic;
using System.Linq;
using System.Net;
using System.Net.Http;
using System.Web.Http;
using KendoUI07.Models;

namespace KendoUI07.Controllers
{
    public class RegistrationsController : ApiController
    {
        public HttpResponseMessage Delete(int id)
        {
            var item = RegistrationsDataSource.LatestRegistrations.FirstOrDefault(x => x.Id == id);
            if (item == null)
                return Request.CreateResponse(HttpStatusCode.NotFound);

            RegistrationsDataSource.LatestRegistrations.Remove(item);
            return Request.CreateResponse(HttpStatusCode.OK, item);
        }

        public IEnumerable<Registration> Get()
        {
            return RegistrationsDataSource.LatestRegistrations;
        }

        public HttpResponseMessage Post(Registration registration)
        {
            if (!ModelState.IsValid)
                return Request.CreateResponse(HttpStatusCode.BadRequest);

            var id = 1;
            var lastItem = RegistrationsDataSource.LatestRegistrations.LastOrDefault();
            if (lastItem != null)
            {
                id = lastItem.Id + 1;
            }
            registration.Id = id;
            RegistrationsDataSource.LatestRegistrations.Add(registration);

            // ارسال آی دی مهم است تا از ارسال رکوردهای تکراری جلوگیری شود
            return Request.CreateResponse(HttpStatusCode.Created, registration);
        }

        [HttpPut] // Add it to fix this error: The requested resource does not support http method
        'PUT'
        public HttpResponseMessage Update(int id, Registration registration)
        {
            var item = RegistrationsDataSource.LatestRegistrations
                .Select(
                    (prod, index) =>
                        new
                        {
                            Item = prod,
                            Index = index
                        })
                .FirstOrDefault(x => x.Item.Id == id);

            if (item == null)
```

```

        return Request.CreateResponse(HttpStatusCode.NotFound);

        if (!ModelState.IsValid || id != registration.Id)
            return Request.CreateResponse(HttpStatusCode.BadRequest);

        RegistrationsDataSource.LatestRegistrations[item.Index] = registration;
        return Request.CreateResponse(HttpStatusCode.OK);
    }
}

```

در اینجا بیشتر امضای این متدها مهم هستند، تا منطق پیاده سازی شده در آنها. همچنین بازگشت Id رکورد جدید، توسط متد Post نیز بسیار مهم است و سبب می‌شود تا DataSource بداند با فراخوانی متد sync آن، باید عملیات Post یا create انجام شود یا Put و update.

نمایش آنی اطلاعات ثبت شده در یک لیست

ردیف‌های اضافه شده به منبع داده را می‌توان بلافاصله در همان سمت کلاینت توسط Kendo UI Template که قابلیت کار با ViewModelها را دارد، نمایش داد:

```

<div id="coursesSection" class="k-rtl k-header">
    <div class="box-col">
        <form id="myForm" data-role="validator" novalidate="novalidate">
            <!-- فرم بحث شده در ابتدای مطلب -->
        </form>
    </div>
    <div id="results">
        <table class="metrotable">
            <thead>
                <tr>
                    <th>Id</th>
                    <th>نام</th>
                    <th>دوره</th>
                    <th>هزینه</th>
                    <th>ایمیل</th>
                    <th>تلفن</th>
                </tr>
            </thead>
            <tbody data-template="row-template" data-bind="source: coursesDataSourceRows"></tbody>
            <tfoot data-template="footer-template" data-bind="source: this"></tfoot>
        </table>
        <script id="row-template" type="text/x-kendo-template">
            <tr>
                <td data-bind="text: Id"></td>
                <td data-bind="text: UserName"></td>
                <td dir="ltr" data-bind="text: CourseName"></td>
                <td>
                    #: kendo.toString(get("Credit"), "c0") #
                </td>
                <td data-bind="text: Email"></td>
                <td data-bind="text: Tel"></td>
                <td><button class="k-button" data-bind="click: deleteCourse">حذف</button></td>
                <td><button class="k-button" data-bind="click: editCourse">ویرایش</button></td>
            </tr>
        </script>
        <script id="footer-template" type="text/x-kendo-template">
            <tr>
                <td colspan="3"></td>
                <td>
                    جمع کل #: kendo.toString(totalPrice(), "c0") #
                </td>
                <td colspan="2"></td>
                <td></td>
                <td></td>
            </tr>
        </script>
    </div>
</div>

```

در ناحیه‌ی coursesSection که توسط متد kendo.bind به viewModel برنامه متصل شده‌است، یک جدول را برای نمایش ردیف‌های ثبت شده توسط کاربر اضافه کرده‌ایم. thead آن بیانگر سر ستون جدول است. قسمت tbody وtfoot این جدول توسط دو Kendo UI Template مقدار دهی شده‌اند. هر کدام نیز منبع داده‌اشان را از view model دریافت می‌کنند. در row-template معادل خواص شیء course را مشاهده می‌کنید. در footer-template متد totalPrice برای نمایش جمع ستون هزینه اضافه شده‌است. بنابراین مطابق این قسمت از View، به یک خاصیت جدید coursesDataSourceRows و سه متد deleteCourse، editCourse و totalPrice نیاز است:

```
<script type="text/javascript">
    $(function () {
        // ...
        var viewModel = kendo.observable({
            accepted: false,
            course: new model(),
            coursesDataSourceRows: new kendo.data.ObservableArray([]),
            doSave: function (e) {
                // ...
            },
            resetModel: function (e) {
                // ...
            },
            totalPrice: function () {
                var sum = 0;
                $.each(this.get("coursesDataSourceRows"), function (index, item) {
                    sum += item.Credit;
                });
                return sum;
            },
            deleteCourse: function (e) {
                // the current data item is passed as the "data" field of the event argument
                var course = e.data;
                dataSource.remove(course);
                dataSource.sync(); // push to the server
            },
            editCourse: function (e) {
                // the current data item is passed as the "data" field of the event argument
                var course = e.data;
                this.set("course", course);
            }
        });

        kendo.bind($("#coursesSection"), viewModel);
        dataSource.read(); // دریافت لیست موجود از سرور در آغاز کار
    });
</script>
```

نحوه‌ی اتصال خاصیت جدید coursesDataSourceRows که به عنوان منبع داده ردیف‌های row-template عمل می‌کند، به این صورت است:

- ابتدا خاصیت دلخواه coursesDataSourceRows به viewModel اضافه می‌شود تا در ناحیه‌ی coursesSection در دسترس قرار گیرد.

- سپس اگر به انتهای تعریف DataSource دقت کنید، داریم:

```
<script type="text/javascript">
    $(function () {
        var dataSource = new kendo.data.DataSource({
            //...
            change: function (e) {
                // فراخوانی در زمان دریافت اطلاعات از سرور و یا تغییرات محلی
                viewModel.set("coursesDataSourceRows", new
                kendo.data.ObservableArray(this.view()));
            }
        });
    });
</script>
```

متد change آن، هر زمانیکه اطلاعاتی در منبع داده تغییر کنند یا اطلاعاتی به سمت سرور ارسال یا دریافت گردد، فراخوانی می‌شود. در همینجا فرصت خواهیم داشت تا خاصیت coursesDataSourceRows را جهت نمایش اطلاعات موجود در منبع داده،

مقدار دهی کنیم. همین مقدار دهی ساده سبب اجرای row-template برای تولید ردیف‌های جدول می‌شود. استفاده از new kendo.data.ObservableArray سبب خواهد شد تا اگر اطلاعاتی در فرم برنامه تغییر کند، این اطلاعات بلافاصله در لیست گزارش برنامه نیز منعکس گردد.

کدهای کامل این مثال را از اینجا می‌توانید دریافت کنید:

[KendoUI07.zip](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: جوادنب

تاریخ: ۱۱:۲۳ ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

سلام؛ من می‌خوام بعد از این که یک رکورد را درج کردم یک پیغام به کاربر نشون بدم چطوری باید بکنم؟ منظورم اینه چطوری می‌تونم بفهمم فرایند درج success بوده و یا نه؟

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۱:۴۵ ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

از رخداد [change](#) باید استفاده کنید و یا رخداد [requestEnd](#) :

```
var dsReviewList = new kendo.data.DataSource({
  // ....
  change: function (e) {
    // change event is wired to success of the request.
    // `e.action` with possible values: "itemchange", "add", "remove" and "sync".
  },
  error: function (xhr, error) {
    // error event will be triggered if any error occurred for the request.
    console.debug(xhr);
    console.debug(error);
  },
  requestEnd: function(e) {
    // Fired when a remote service request is finished.
    var response = e.response;
    var type = e.type;
    console.log(type);
    if (type == "undefined") {
      showError();
    }
    else {
      showSuccess(type);
    }
  }
});
```

عنوان: معرفی DNTProfiler

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۶:۵۰ ۱۳۹۳/۱۲/۲۹

آدرس: www.dotnettips.info

گروه‌ها: Entity framework, MVVM, NHibernate, WPF, ASP.NET Web API, DNTProfiler

پیشاپیش فرا رسیدن سال نو را به تمام همراهان گرامی سایت net tips. تبریک عرض می‌کنم. به امید سالی پر از سلامتی و رونق، به همراه اشتیاق روز افزون جستجوگری و کشف زوایای پنهان دنیای برنامه نویسی! هدیه‌ی نوروزی سایت net tips. [پروژه‌ی پروفایلر سورس بازی است](#) که با EF 6.x و همچنین NHibernate 4.x سازگار است. این پروژه از دو قسمت کلاینت و سرور تشکیل می‌شود.

نصب کلاینت EF برنامه‌ی DNTProfiler

تفاوتی نمی‌کند که برنامه‌ی شما وبی است یا ویندوزی؛ برای هر دو حالت ابتدا دستور ذیل را در کنسول پاورشل نیوگت اجرا کنید:

```
PM> Install-Package DNTProfiler.EntityFramework.Core
```

با اینکار interceptorهای پروفایلر نصب می‌شوند. برای فعال سازی آن نیاز است چند سطر ذیل را به فایل app.config/web.config خود اضافه کنید:

```
<configuration>
  <entityFramework>
    <interceptors>
      <interceptor type="DNTProfiler.EntityFramework.Core.DatabaseLogger,
DNTProfiler.EntityFramework.Core">
        <parameters>
          <parameter value="http://localhost:8080" />
          <parameter value="|DataDirectory|\ErrorsLog.Log" />
        </parameters>
      </interceptor>
    </interceptors>
  </entityFramework>
</configuration>
```

دریافت و راه اندازی برنامه‌ی DNTProfiler

آخرین نگارش برنامه‌ی DNTProfiler را از برگه‌ی releases مخزن کد آن می‌توانید دریافت کنید:

<https://github.com/VahidN/DNTProfiler/releases>

این برنامه برای دات نت 4 نوشته شده است. بنابراین اگر هنوز از ویندوز XP استفاده می‌کنید، امکان کار کردن با آن را خواهید داشت.

البته بسته‌ی نیوگت DNTProfiler.EntityFramework.Core آن برای دات نت 4 و 4.5 تهیه شده است و به صورت خودکار بر اساس ساختار پروژه‌ی شما، یکی از آن‌ها نصب خواهد شد.

تا اینجا کار راه اندازی این برنامه به پایان می‌رسد. برای استفاده‌ی از آن باید ابتدا برنامه‌ی DNTProfiler را اجرا کنید. این برنامه به پیام‌های رسیده‌ی از برنامه‌ی اصلی شما (ارسال شده توسط DNTProfiler.EntityFramework.Core) گوش فرا می‌دهد و سپس شروع به آنالیز آن‌ها خواهد کرد. ساختار این تبادل اطلاعات هم بر اساس تپیه‌ی یک ASP.NET Self host Web API است.

The screenshot displays the DNT Profiler v1.0.805.0 interface. The top bar shows the server URL as http://localhost:8080 and a checkbox for 'Allow Remote Connections'. The left sidebar contains several sections: 'Plugins' (32), 'Alerts' (13), and 'Visualizers' (4). The 'Plugins' section is expanded, showing 'Application' (2) and 'Loggers' (3). The 'Alerts' section lists various error types like 'Arithmetic Overflow' (40), 'Context In Multiple Threads' (47), etc. The 'Visualizers' section is also expanded. The main area shows the 'Connections' tab (382) selected, with sub-tabs for 'By Context' (49), 'By Methods' (207), 'By Transactions' (39), 'By Urls' (11), and 'Raw Logger' (1684). Below these, there are two tables. The first table lists connections with columns: Process Id, Process Name, AppDomain Id, AppDomain Name, Context Id, Name, Start, Disposed At, Url, Commands, and Duplicate Comm. The second table shows a SQL query being executed: 'SELECT TOP (1) [c].[CreatedOn] AS [CreatedOn] FROM [__MigrationHistory] AS [c]'. Below the SQL query, there is a 'Calling Methods Hierarchy' table showing the sequence of method calls: 'Global.asax.cs' (Line 87, Method Application_Start) and 'WebStructureMapInit.cs' (Line 119, Method startDb). The bottom of the interface includes a footer with the text: 'By Context Plugin, sorts all of the EF interactions with the database by context. By VahidN, http://www.dotnettips.info'.

این برنامه به صورت مازولار تهیه شده است و تمام آنالیز کننده های آن در حقیقت یک پلاگین هستند (در حال حاضر دارای 32 پلاگین است). این پلاگین ها در گروه های Alerts (برای مثال یافتن جوین های تکراری و یک سری موارد بهینه سازی سرعت), Loggers (طبقه بندی خام اطلاعات رسیده), Visualizers (نمایش بصری اطلاعات رسیده) قرار می گیرند.

نظرات، پیشنهادات و همکاری

لطفا برای طرح سؤالات و ارائه پیشنهادات خود در زمینه ای این پروژه، به قسمت اختصاصی آن در سایت مراجعه نمایید:

<http://www.dotnettips.info/projects/details/21>

نظرات خوانندگان

نویسنده: سیروان عقیفی
تاریخ: ۱۷:۲۸ ۱۳۹۳/۱۲/۲۹

بنده هم پیشاپیش سال نو رو خدمت شما و اعضای محترم سایت تبریک عرض میکنم، امیدوارم سال خوب و پر از موفقیت‌های روزافزون داشته باشید. بابت پروژه هم خیلی خیلی ممنون واقعاً عالیه!

نویسنده: امین کاشانی
تاریخ: ۲:۵۱ ۱۳۹۴/۰۱/۰۱

باسلام و تبریک عید نوروز
به نظر میرسه در ویندوز 8.1 فایل اجرایی اجرا نمیشه و فرم را نشان نمی‌دهد.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۰:۱ ۱۳۹۴/۰۱/۰۱

- تصویر انتهای بحث در ویندوز 8.1 تهیه شده‌است.
- این برنامه برای اجرا نیاز به [دات نت فریم ورک 4](#) دارد. بنابراین بر روی ویندوزهای XP SP3 به بعد قابل اجرا است.
- ضمناً خطاهای برنامه در فایل متنی به نام **ErrorsLog.Log** در کنار فایل اجرایی برنامه ثبت می‌شوند.

نویسنده: میثم ثوامری
تاریخ: ۳:۲۲ ۱۳۹۴/۰۱/۰۲

با سلام و تبریک سال نو
نرمافزار تو ویندوز 8.1 کارنمیده
فایل **ErrorsLog** ظاهراً ایجاد نشد
windows 8.1 64bit,vs2013sp4

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳:۷ ۱۳۹۴/۰۱/۰۲

- لطفا نگارش جدید را دریافت کنید ([^](#)). فایل System.Net.Http.Formatting.dll فراموش شده بود.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳:۷ ۱۳۹۴/۰۱/۰۲

- لطفا نگارش جدید را دریافت کنید ([^](#)). فایل System.Net.Http.Formatting.dll فراموش شده بود.

نویسنده: امین کاشانی
تاریخ: ۲۲:۱۵ ۱۳۹۴/۰۱/۰۲

البته در ورژن قبلی با اضافه کردن خط زیر فایل کانفیگ و اجرای برنامه به صورت Run As Administrator مشکل حل شد.

```
<runtime>
<loadFromRemoteSources enabled="true"/>
<assemblyBinding xmlns="urn:schemas-microsoft-com:asm.v1">
  <dependentAssembly>
    <assemblyIdentity name="System.Net.Http" publicKeyToken="b03f5f7f11d50a3a" culture="neutral" />
    <bindingRedirect oldVersion="0.0.0.0-2.2.29.0" newVersion="2.2.29.0" />
  </dependentAssembly>
  <dependentAssembly>
    <assemblyIdentity name="Newtonsoft.Json" publicKeyToken="30ad4fe6b2a6aeed" culture="neutral" />
    <bindingRedirect oldVersion="0.0.0.0-6.0.0.0" newVersion="6.0.0.0" />
  </dependentAssembly>
</assemblyBinding>
```

```
</assemblyBinding>
</runtime>
```

نویسنده: امین کاشانی
تاریخ: ۲۲:۲۶ ۱۳۹۴/۰۱/۰۲

در نسخه جدید نیز در حالت please wait loading فرم قرار میگیرد.
که با اضافه کردن خط زیر در فایل کانفیگ مشکل حل میشود

```
<loadFromRemoteSources enabled="true"/>
```

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۲۳:۵۱ ۱۳۹۴/۰۱/۰۲

البته [loadFromRemoteSources](#) مربوط است به بارگذاری اسمبلی‌ها برای مثال از یک درایو به اشتراک گذاشته شده‌ی در شبکه. فایل‌های کپی شده‌ی از اینترنت هم چنین نیازی را دارند. به این معنا که [attribute فایل‌ها](#) احتمالا توسط مرورگر (اگر از download manager استفاده نکرده‌اید)، تغییر کرده‌اند.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۰:۲۷ ۱۳۹۴/۰۱/۰۳

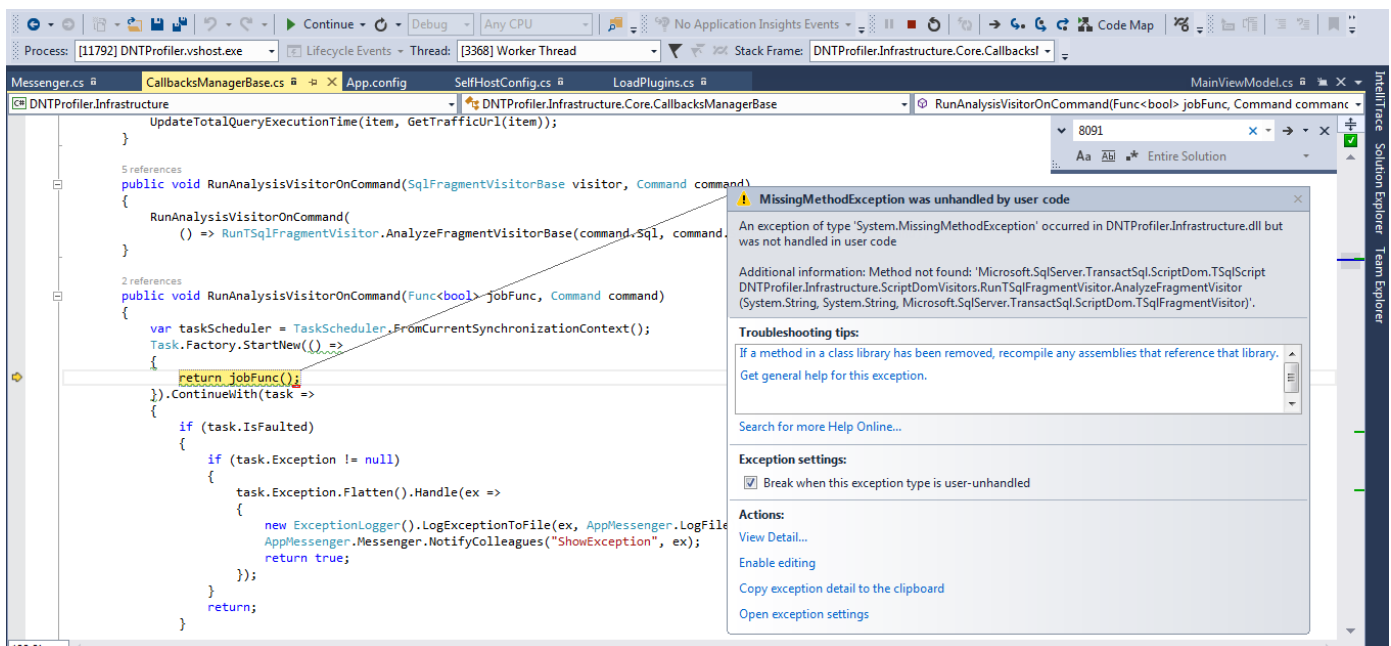
- برنامه نیازی به run as admin ندارد. فقط در حالت فعال سازی allow remote connections آن (قرار دادن برنامه در یک سیستم دیگر و اتصال از راه دور به آن) نیاز به run as admin هست.
- اگر نیاز به run as admin بوده یعنی [attribute فایل‌ها](#) احتمالا توسط مرورگر (اگر از download manager استفاده نکرده‌اید)، تغییر کرده‌اند.

نویسنده: ژوپیتز
تاریخ: ۱۱:۴۲ ۱۳۹۴/۰۱/۰۷

با سلام و عرض تبریک به مناسبت سال جدید و همچنین تشکر ویژه برای ارائه این Profiler عالی که برای استفاده از نوع غیربومی همیشه دچار مشکل بودیم. واقعا عیدی خوبی بود. با آرزوی موفقیت برای همه‌ی دوستان در سال جدید.

نویسنده: محمد عیدی مراد
تاریخ: ۱۳:۱۰ ۱۳۹۴/۰۱/۰۸

سلام و عرض تبریک سال نو
بعد از راه اندازی کلاینت زمانی که اپلیکیشن رو اجرا میکنم با ارور زیر مواجه میشم:



نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳:۱۷ ۱۳۹۴/۰۱/۰۸

- لطفاً برای طرح سؤالات و ارائه‌ی پیشنهادات خود در زمینه‌ی این پروژه، به قسمت اختصاصی آن در سایت مراجعه نمایید:

<http://www.dotnettips.info/projects/details/21>

- استثنائها را با تصویر ارائه ندهید. اصل متنی استثناء، بهتر قابلیت پیگیری دارد.

خطاهای برنامه در فایل متنی به نام **ErrorsLog.Log** در کنار فایل اجرایی برنامه ثبت می‌شوند.

- سورس را اجرا کردید یا [اصل برنامه‌ی توزیع شده](#) را؟ به نظر سورس را اجرا کرده‌اید. آیا بسته‌های نیوگت آن را [به درستی](#) [بازپای کرده‌اید](#)؟ آیا از فایل [Microsoft.SqlServer.TransactSql.ScriptDom](#) با شماره نگارش صحیحی استفاده می‌کنید که پیام داده‌است متدهای آن یافت نشدند؟

```
<package id="Microsoft.SqlServer.TransactSql.ScriptDom" version="12.0.1" targetFramework="net40" />
```

این فایل‌ها به همراه [بسته‌ی توزیع شده](#) وجود دارند.

نویسنده: محمدعلی ک
تاریخ: ۸:۵۹ ۱۳۹۴/۰۱/۲۹

سلام؛ در لایه وب این پروژه، با استفاده از کنسول نیوگت، بسته زیر رو نصب کردم: DNTProfiler.EntityFramework.Core
سپس تنظیمات مورد نظر در فایل web.config رو اعمال کردم که البته مشکلی در اجرای پروژه به وجود نمیاد ولی با نکه داشتن ماوس روی تگ <interceptors>، با پیغام زیر مواجه میشم:

the element entityframework has invalid child element interceptors

وقتی برنامه DNT Profiler رو اجرا میکنم متأسفانه هیچ اطلاعاتی در مورد پروژه ام بهم نشون نمیده. حتی با تعویض پورت هم مسئله حل نشد.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۹:۵۳ ۱۳۹۴/۰۱/۲۹

- برنامه‌ی DNT Profiler باید پیش از اجرای برنامه‌ی وب شما اجرا شود و نه پس از آن.
+ خطاهای DNTProfiler.EntityFramework.Core داخل فایل **App_Data \ErrorsLog.Log** ثبت می‌شوند. این فایل را بررسی کنید.

نویسنده: م ابوعلی
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۲/۰۸ ۰:۵

با سلام و تشکر به خاطر این نرم افزار مفید.
نرم افزار و پکت‌های اون برای EntityFramework در دو حالت وب و ویندوز درست عمل می‌کند ولی برای NHibernate فقط در حالت ویندوزی درست عمل میکند و در حالت وبی، موقع فراخوانی BuildSessionFactory به اکسپشن زیر برخورد میکنم:
Could not create the driver from
DNTProfiler.NHibernate.Core.Drivers.ProfiledSql2008ClientDriver,DNTProfiler.NHibernate.Core
و بعد از لود صفحه‌ی وب اکسپشن زیر نمایش داده می‌شود:
exePath must be specified when not running inside a stand alone exe
با سرچی که انجام دادم به نظر می‌رسد به پکت نیوگت NHibernate این نرم افزار و نحوه‌ی کار با Configuration manager در کانتکست وبی و ویندوزی مربوط باشد.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۲/۰۸ ۱:۳۳

ممنون. این مشکل [برطرف شد](#) و با نگارش بعدی ارائه می‌شود.

نویسنده: م ابوعلی
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۲/۰۸ ۲۲:۶

کد برنامه را دریافت کردم و به روز رسانی‌های لازم را انجام دادم. این خطا برطرف شده است. خیلی ممنون.
آیا این پروفایلر امکان دریافت درخواست‌هایی که از طریق سرویس‌های wcf به پایگاه داده ارسال میشوند را هم دارد؟ یا می‌تواند داشته باشد؟ (البته این سوال صرفاً جنبه‌ی تئوریک دارد.)

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۲/۰۸ ۲۳:۹

در اینجا فناوری مورد استفاده مهم نیست. همینقدر که از EF یا NH استفاده شده باشد، کار می‌کند.

نویسنده: احمد نواصری
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۵/۰۵ ۲۱:۲۳

سلام. من آخرین نگارش این پروفایلر رو دانلود کردم. وقتی برنامه رو اجرا میکنم و کار Intercept رو انجام میدم در قسمت Alert بخشی هست به نام Non-Disposed Connections که عدد 9 رو نشون میده اما وقتی روی جزئیات یک Connection میرم به همچین کوئری داده :

```
IF db_id(N'test') IS NOT NULL
    SELECT 0;
ELSE
    SELECT Count(*)
    FROM sys.databases
    WHERE [name] = N'test'
```

که اصلاً به دیتابیس من مربوط نمیشه و ظاهراً مربوط به EF هست و در بعضی از کوئری‌ها مربوط به جدول MigrationHistory. و یا در تب Context in multiple Threads عدد 14 رو نشون میده که باز مربوط به EF یا Migrations هست. می‌خواستم ببینم که این موارد تاثیری روی برنامه داره یا کلاً عادی هستش؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۵/۰۵ ۲۲:۱۱

عادی هستند و مهم نیستند؛ چون EF در ابتدای کار خودش، تمام رویدادهای باز و بسته شدن اتصالات را به interceptorها ارسال نمی‌کند.

یکی از مهمترین قسمت‌های برنامه، کار با داده‌های بانک اطلاعاتی (یا در کل منابع اطلاعاتی) است. اینکه چگونه با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم و آن‌ها را در یک قالب کاربر پسند به کاربران برنامه نشان دهیم. افزودن شیء DataContext و مفاهیمی چون DataBinding باعث ارتباط سریع‌تر و راحت‌تری با منبع داده‌ها شده است. همچنین این قابلیت وجود دارد که هر گونه به روز آوری در اطلاعات دریافت شده، شما را با خبر سازد تا بتوانید طبق آن چه که می‌خواهید اطلاعات نمایشی را به روز کنید. در این مقاله به نحوه‌ی ارتباط بین منبع داده با DataContext و سپس کنترل‌هایی را چون Grid و ListBox و ... در رابطه با این منابع داده بررسی می‌کنیم.

در مورد بررسی ارتباط با داده‌ها در WPF باید سه مورد را بشناسیم:

DataContext: این شیء اتصالش را به منبع داده‌ها برقرار کرده و هر موقع داده‌ای را نیاز داریم، از طریق این شیء تامین می‌شود. **DataBinding:** یک واسطه بین DataContext و هر آن چیزی است که قرار است از داده‌ها تغذیه کند. در تعریفی رسمی‌تر می‌گوییم: روشی ساده و قدرتمند بوده و واسطی است بین مدل تجاری و رابط کاربری. هر زمانی که داده‌ای تغییر کند، ما را آگاه می‌سازد که می‌تواند یک ارتباط یک طرفه یا دو طرفه باشد.

DataTemplate: نحوه‌ی فرمت بندی و نمایش داده‌ها را تعیین می‌کند.

ابتدا کار را با یک مثال ساده آغاز می‌کنیم. قصد داریم فرمی را که در [قسمت قبلی](#) ساختیم، با استفاده از یک منبع داده پر کنیم: ابتدا قبل از هر چیزی کلاس فرم قبلی را پیاده سازی می‌کنیم. در این پیاده سازی از یک enum برای انتخاب زمینه‌های کاری هم کمک گرفته ایم و همچنین با یک متد ایستا، منبع داده‌ی تک رکوردی را جهت تست برنامه آماده کرده‌ایم:

```
public enum FieldOfWork
{
    Actor=0,
    Director=1,
    Producer=2
}
public class Person
{
    public string Name { get; set; }
    public bool Gender { get; set; }
    public string ImageName { get; set; }
    public string Country { get; set; }
    public DateTime Date { get; set; }
    public IList<FieldOfWork> FieldOfWork { get; set; }
    public static Person GetPerson()
    {
        return new Person()
        {
            Name = "Leo",
            Gender = true,
            ImageName = "man.jpg",
            Country = "Italy",
            Date = DateTime.Now
        };
    }
}
```

حالا لازم است که این منبع داده را در اختیار DataContext بگذاریم. وارد بخش کد نویسی شده و در سازنده‌ی پنجره کد زیر را می‌نویسیم:

```
DataContext = Person.GetPerson();
```

```
public partial class MainWindow : Window
{
    public MainWindow()
    {
        InitializeComponent();
        DataContext = Person.GetPerson();
    }
}
```

با این کار، ارتباط شما با منبع داده آغاز می‌شود و طبق درخواست‌هایی که از DataBinding به آن می‌رسد، اطلاعات را تحویل DataBinding می‌دهد. برای نمایش داده‌ها در کنترل‌ها و استفاده از DataBinding، به سراغ خصوصیات وابسته می‌رویم. در حال حاضر فعلاً برنامه را با دو کنترل عکس و نام که رشته‌ای هستند آغاز می‌کنیم؛ چون بقیه‌ی کنترل‌ها کمی متفاوت هستند. همانطور که می‌دانید متن کنترل TextBox توسط خصوصیت Text پر می‌شود و برای همین در این خصوصیت می‌نویسیم:

```
Text="{Binding Name}"
```

علامت {} را باز کرده و در ابتدا نام Binding را می‌آوریم. سپس بعد از یک فاصله، نام پراپرتی کلاسی را که حاوی اطلاعات مدنظر است، می‌نویسیم و بدین صورت اتصال برقرار می‌شود. برای کنترل عکس هم وضعیت به همین صورت است:

```
Source="{Binding ImageName}"
```

حال برنامه را اجرا کرده و دو کنترل textbox و Image را بررسی می‌کنیم:

Name

Gender

☐ Male
☐ Female

Field Of Work

☐ Actor/Actress ☐ Director ☐ Producer



کلمه‌ی Leo داخل کادر متنی قرار گرفته و عکس اینبار به صورت ایستا خوانده نشده، بلکه نام عکس از طریق یک منبع داده برای آن فراهم شده است.

اطلاع از به روزرسانی در منبع داده‌ها:

حال این نکته پیش می‌آید که اگر همین اطلاعات دریافت شده در مدل منبع داده تغییر کند، چگونه می‌توانیم از این موضوع مطلع شده و همین اطلاعات به روز شده را که نمایش داده‌ایم، تغییر دهیم. بنابراین جهت اطلاع از این مورد، کد را به شکل زیر تغییر می‌دهیم.

کار را از یک کلاس آغاز می‌کنیم. از اینترفیس INotifyPropertyChanged ارث بری کرده و در آن یک رویداد و یک متد را تعریف

می‌کنیم و کمی در هم در تعریف Property ها دست می‌بریم. فعلا اینکار را فقط برای پراپرتی Name انجام می‌دهیم:

```
private string _name;
public string Name
{
    get { return _name; }
    set
    {
        _name = value;
        OnPropertyChanged("Name");
    }
}
public event PropertyChangedEventHandler PropertyChanged;

private void OnPropertyChanged(string property)
{
    if (PropertyChanged != null)
    {
        PropertyChanged(this, new PropertyChangedEventArgs(property));
    }
}
```

در کد بالا یک رویداد از نوع PropertyChangedEventHandler تعریف می‌کنیم که وظیفه‌ی به روزآوری را به عهده دارد؛ ولی صدا زدن این رویداد بر عهده‌ی ماست و خود به خود صدا زده نمی‌شود. پس نیاز است متدی را فراهم کرده تا بدانیم که چه خصوصیتی تغییر یافته‌است و از آن طریق رویداد را فراخوانی کنیم و به رویداد بگوییم که کدام پراپرتی تغییر کرده است. این متد را OnpropertyChanged می‌نامیم که آرگومان ورودی آن نام خصوصیتی است که تغییر یافته است و پس از ارزیابی از صحت آن، رویداد را Invoke می‌کنیم.

در بخش Setter آن خصوصیت هم باید این متد را صدا زده و نام خصوصیت را به آن پاس بدهیم تا موقعی که مدل تغییر پیدا کرد، بگوید که خصوصیت Name بوده است که تغییر کرده است.

برای اینکه بدانیم کد واقعا کار می‌کند و تستی بر آن زده باشیم، فعلا دکمه‌ی Save را به Change تغییر می‌دهیم و کد داخل پنجره را بدین صورت تغییر می‌دهیم:

```
public partial class MainWindow : Window
{
    private Person person;
    public MainWindow()
    {
        InitializeComponent();
        person = Person.GetPerson();
        DataContext = person;
    }

    private void Button_Click(object sender, RoutedEventArgs e)
    {
        person.Name = "Leonardo Decaprio";
    }
}
```

متغیر کلاسی را از حالت محلی Local به عمومی Global تغییر دادم که از طریق دکمه‌ی منبع داده در دسترس باشد. حال در رویداد دکمه نام بازیگر را تغییر می‌دهم. برنامه را اجرا کنید و بر روی دکمه کلیک کنید. باید بعد از یک لحظه‌ی کوتاه، نام بازیگر از Leo به Leonardo Decaprio تغییر کند.

این کد واقعا کدی مفید جهت به روزرسانی است ولی مشکلی دارد که نام پراپرتی باید به صورت String به آن پاس شود که در یک برنامه بزرگ این مورد یک مشکل خواهد شد و اگر نام خصوصیت تغییر کند باید نام داخل آن هم تغییر کند؛ پس کد را به شکل دیگری بازنویسی می‌کنیم:

```
private string _name;
public string Name
{
    get { return _name; }
    set
    {
        _name = value;
```

```

        OnPropertyChanged();
    }
}

private void OnPropertyChanged([CallerMemberName] string property="")
{
    if (PropertyChanged != null)
    {
        PropertyChanged(this, new PropertyChangedEventArgs(property));
    }
}

```

در متد OnPropertyChanged در کنار پارامتر اول، ویژگی attribute به نام CallerMemberName را که در فضای نام system.runtime.compilerservice قرار دارد استفاده می‌کنیم (دات نت 4.5). این ویژگی، نام پراپرتی یا متدی که متد OnPropertyChanged را صدا زده است، به دست می‌آورد. پارامتر اول را هم اختیاری می‌کنیم که سیستم بر ورود پارامتر اجباری نداشته باشد و نهایتاً در هر پراپرتی تنها لازم است همانند بالا، خط زیر ذکر شود:

```
OnPropertyChanged();
```

اگر الان یک تست از آن بگیرید، می‌بینید که بدون مشکل کار می‌کند. حالا همین متد را در setter تمام پراپرتی‌هایی که دوست دارید از تغییر آن‌ها آگاه شوید قرار دهید.

[کد این قسمت](#)

در قسمت‌های آینده به بررسی تبدیل مقادیر و framework element و کنترل‌ها می‌پردازیم.

نظرات خوانندگان

نویسنده: مرتضی ریسی
تاریخ: ۲۳:۱۸ ۱۳۹۴/۰۲/۲۲

ممنون بابت تمام زحماتون.
سوال: رخداد PropertyChanged کی و کجا مقدار دهی میشه؟ طبق برنامه شما هیچ وقت این رخداد مقداری نمیگیره و همیشه نال خواهد بود. لطفاً راهنمایی بفرمایید.
در ضمن اگه میشه مثالها و کلاسها رو بصورت کامل (using و namespace و بدنه کامل کلاس) بذارین و به تکه کد کوتاهی بسنده نکنید تا کمتر دچار سردرگمی بشیم.

نویسنده: علی یگانه مقدم
تاریخ: ۰:۱۹ ۱۳۹۴/۰۲/۲۳

اگه درست منظورتون رو متوجه شدم باشم پاسخ شما در متن بالا قرار داره:
"در متد OnPropertyChanged در کنار پارامتر اول، ویژگی attribute به نام CallerMemberName را که در فضای نام system.runtime.compilerservice قرار دارد استفاده می‌کنیم (دات نت 4.5). این ویژگی، نام پراپرتی یا متدی که متد OnPropertyChanged را صدا زده است، به دست می‌آورد."
تعریف ویژگی CallerMemberName قبل از پارامتر باعث می‌شود به طور خودکار نام پراپرتی Name به سمت متد ارسال شود. یعنی با کد زیر برابری خواهد کرد:

```
OnPropertyChanged("Name");
```

<test-1da6cfb8dbdf48e1bd8b88c0c24a2c7b.zip>

نویسنده: مرتضی ریسی
تاریخ: ۱۸:۴۱ ۱۳۹۴/۰۲/۲۳

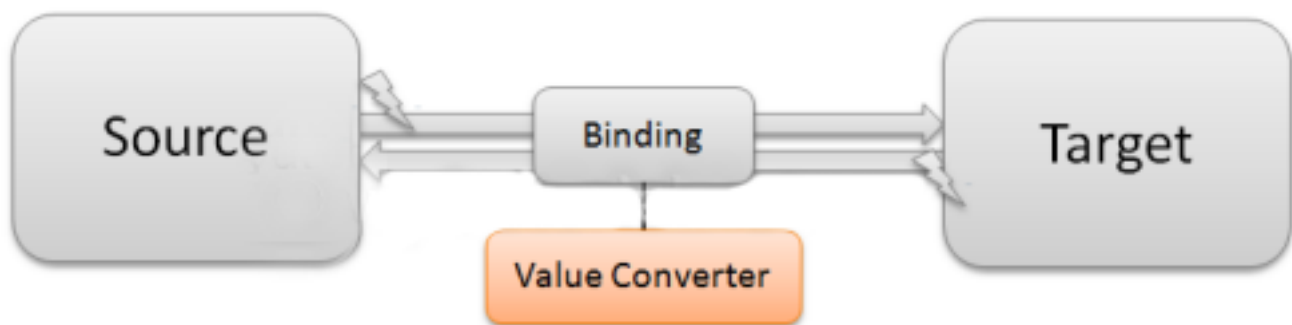
مشکل پیدا شد.

```
public class Person:INotifyPropertyChanged
```

اینترفیس رو پیاده سازی نکرده بودم. ممنون

در ادامه قسمت قبلی قصد داریم دو کنترل دیگر را نیز باید کنیم؛ ولی از آنجا که مقادیر آن‌ها رشته‌ای یا عددی نیست و مقداری متفاوت هست، از مبحثی به نام ValueConverter استفاده خواهیم کرد.

Value Converter چیست؟



موقعی که شما قصد بایند کردن دو نوع داده متفاوت را به هم دارید، نیاز به یک کد واسط پیدا می‌کنید تا این کد واسط مقادیر شما را از مبدا دریافت کرده و تبدیل به نوعی کند که مقصد بتواند از آن استفاده کند یا بلعکس. **ValueConverter** نام کلاسی است که از یک اینترفیس به نام **IValueConverter** ارث بری کرده است و شامل دو متد تبدیل نوع از مبدا به مقصد **Convert** و دیگری از مقصد به مبدا **ConvertBack** می‌شود که خیلی کمتر پیاده سازی می‌شود.

پیاده سازی یک کلاس مبدل سه مرحله دارد:

مرحله اول: ساخت کلاس **ValueConverter**

مرحله دوم: تعریف آن به عنوان یک منبع یا ریسورس

مرحله سوم: استفاده از آن در عملیات بایند کردن **Binding**

در مرحله اول، نحوه پیاده سازی کلاس **ValueConverter** به شکل زیر است:

```

public class BoolToVisibilityConverter : IValueConverter
{
    public object Convert(object value, Type targetType,
        object parameter, CultureInfo culture)
    {
        // Do the conversion from bool to visibility
    }

    public object ConvertBack(object value, Type targetType,
        object parameter, CultureInfo culture)
    {
        // Do the conversion from visibility to bool
    }
}
    
```

در متد تبدیل باید مقداری را که کنترل نیاز دارد، بر اساس مقادیر کلاس، ایجاد و بازگشت دهید.

در مرحله‌ی دوم نحوه تعریف مبدل ما در پنجره XAML به صورت زیر می‌باشد:

```
<Window x:Class="test.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        xmlns:دلخواه="clr-namespace: نامی که کلاس مبدل در آن قرار دارد:دلخواه"
        >

    <Window.Resources>
        <"/>
    </Window.Resources>
```

کلمه‌های کلیدی xmlns که مخفف XML Namespace هستند جهت تعریف دسترسی به فضاهای نام طراحی شده‌اند و [طبق تعریف](#) [مایکروسافت](#) همان مفهوم تگ‌های تعریف فضای نام در XML را دارند که توسط مایکروسافت توسعه یافته‌اند. این تعریف‌ها در تگ ریشه (در اینجا window) تعریف می‌شوند. دو فضای نام اولی که به طور پیش فرض در همه جای پروژه قرار دارند، اشاره به فریم ورک WPF دارند. کلمه‌ی کلیدی x در خط شماره سه، نام دلخواهی است که دسترسی ما را به خصوصیات یا تعاریف XAML موجود در sdk باز می‌کند؛ مثلاً استفاده از خصوصیات x:key یا x:class را به همراه دارد.

پس الان باید خط چهارم برای ما روشن باشد؛ فضای نام جدیدی را در برنامه خودمان ایجاد کرده‌ایم که این تگ به آن اشاره می‌کند و نام دلخواهی هم برای اشاره به این فضای نام برایش در نظر گرفته‌ایم. هر موقع در برنامه این نام دلخواه تعیین شده قرار گیرد، یعنی اشاره به این فضای نام که در قسمت Window.resource خط هشتم تعریف شده است. در خط هشتم، یک ریسورس (منبع) را به برنامه معرفی کرده‌ایم:

ریسورس‌ها برای ذخیره سازی داده‌ها در سطح یک کنترل، سطح محلی در یک پنجره، یا سطح عمومی در کل پروژه به کار می‌روند. محدودیتی در ذخیره داده‌ها وجود ندارد و هر چقدر که دوست دارید می‌توانید داده به آن پاس کنید. این داده‌ها می‌توانند یک سری اطلاعات ذخیره شده در یک ساختار ساده تا یک ساختار سلسه مراتبی از کنترل‌ها باشند. ریسورس‌ها به شما این اجازه را می‌دهند تا داده‌ها را در یک مکان ذخیره کرده و آن‌ها را در یک یا چندجا مورد استفاده قرار دهید.

از آن جا که مباحث ریسورس‌ها را در یک مقاله‌ی جداگانه بررسی می‌کنیم، فقط به ذکر نکات بالا جهت کد فعلی بسنده خواهیم کرد و ادامه‌ی آن را در یک مقاله دیگر مورد بررسی قرار می‌دهیم. هر ریسورس دارای یک نام یا یک کلید است که با خصوصیت x:key تعریف می‌شود. ریسورس بالا یک کلاس را که در فضای نام دلخواهی قرار دارد، تعریف می‌کند و یک کلید هم به آن انتساب می‌دهد. مرحله‌ی سوم معرفی ریسورس به عملیات Binding است:

```
{کلید آیتم مربوطه در ریسورس Converter={StaticResource نام پراپرتی کلاس Binding,
ConverterParameter=پارامتری که به کلاس مبدل پاس می‌شود}}
```

بخش اول دقیقاً همان چیزی است که در [قسمت قبلی](#) یاد گرفتیم. معرفی پراپرتی که باید عمل بایند به آن صورت گیرد. قسمت بعدی معرفی مبدل است و از آن جا که تابع مبدل ما در یک منبع است، اینگونه می‌نویسیم: { } را باز کرده و ابتدا کلمه StaticResource فاصله و سپس کلید ریسورس که تابع را از ریسورس فراخوانی کند و قسمت بعدی هم پاس کردن یک پارامتر به تابع مبدل است.

حال که با اصول نوشتار آشنا شدیم کار را آغاز می‌کنیم.

قصد داریم یک مبدل برای فیلد جنیست درست کنیم. از آنجا که این فیلد Boolean است و خصوصیت IsChecked یک RadioButton هم Boolean است، می‌توان یک ارتباط مستقیم را ایجاد کرد. ولی مشکل در اینجا هست که True برای مذكر است و false برای مؤنث. در نتیجه تنها Radiobutton مربوطه به جنس مذكر به این حالت پاسخ می‌دهد و از آنجا که برای جنس مؤنث false در نظر گرفته شده است، انتخاب آن هم false خواهد بود. پس باید در مبدل، مقداری که کنترل می‌خواهد را شناسایی کرده و اگر مقدار با آن برابر بود، True را بازگردانیم. مقداری که هر کنترل درخواست می‌کند را از طریق پارامتر به تابع مبدل ارسال می‌کنیم. radiobutton مذكر، مقدار True را به عنوان پارامتر ارسال می‌کند و radiobutton مؤنث هم مقدار false را به عنوان پارامتر ارسال می‌کند. اگر تابع مبدل را ببینید، این مقادارها با پارامترها همخوانی دارند، True در غیر این صورت false بر

مرحله اول تعریف کلاس ValueConveter:

```
using System;
using System.Globalization;
using System.Windows;
using System.Windows.Data;

namespace test.ValueConverters
{
    public class GenderConverter: IValueConverter
    {
        public object Convert(object value, Type targetType, object parameter, CultureInfo culture)
        {
            var ParameterString = parameter as string;
            if (ParameterString == null)
                return DependencyProperty.UnsetValue;

            bool bparam;

            bool test = bool.TryParse(parameter.ToString(), out bparam);
            if (test)
            {
                return ((bool)value).Equals(bparam);
            }
            return DependencyProperty.UnsetValue;
        }

        public object ConvertBack(object value, Type targetType, object parameter, CultureInfo culture)
        {
            throw new NotImplementedException();
        }
    }
}
```

در کد بالا پارامتر ارسالی را دریافت می‌کنیم و اگر برابر با Null باشد، مقداری برگشتی را عدم ذکر شدن خصوصیت وابسته اعلام می‌کنیم. در نتیجه انگار این خصوصیت مقداردهی نشده است. اگر مخالف Null باشد، کار ادامه پیدا می‌کند. در نهایت مقایسه‌ای بین پارامتر و مقدار پراپرتی (value) صورت گرفته و نتیجه‌ی مقایسه را برگشت می‌دهیم.

برای تعریف این مبدل در محیط XAML به صورت زیر اقدام می‌کنیم:

```
<Window x:Class="test.MainWindow"
        xmlns="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml/presentation"
        xmlns:x="http://schemas.microsoft.com/winfx/2006/xaml"
        xmlns:valueConverters="clr-namespace:test.ValueConverters"
        Title="MainWindow" Height="511.851" Width="525">

    <Window.Resources>
        <valueConverters:GenderConverter x:Key="GenderConverter"/>
    </Window.Resources>
</window>
```

کلمه valueConveter به فضای نام test.valueConverters اشاره می‌کند که در قسمت ریسورس، از کلاس GenderConverter آن استفاده می‌کنیم و کلیدی که برای این ریسورس در نظر گرفتیم را GenderConverter تعریف کردیم (هم نامی کلید ریسورس و نام کلاس مبدل اتفاقی است و ارتباطی با یکدیگر ندارند).

نکته: در صورتی که بعد از تعریف ریسورس با خطای زیر روبرو شدید و محیط طراحی Design را از دست دادید یکبار پروژه را بیلد کنید تا مشکل حل شود.

The name "GenderConverter" does not exist in the namespace "clr-namespace:test.ValueConverters".

اکنون در عملیات بایندینگ دو کنترل اینگونه می‌نویسیم:

```
<RadioButton GroupName="Gender" IsChecked="{Binding Gender, Converter={StaticResource GenderConverter}, ConverterParameter=True}" Name="RdoMale" >Male</RadioButton>
<RadioButton GroupName="Gender" IsChecked="{Binding Gender, Converter={StaticResource GenderConverter}, ConverterParameter=False}" Name="RdoFemale" Margin="0 5 0 0" >Female</RadioButton>
```

حال برنامه را اجرا کرده و نتیجه را ببینید. برای تست بهتر می‌توانید جنسیت فرد را در منبع داده تغییر دهید. همچنین از آنجا که این مقدار برای جنس مذکر نیازی به بررسی و تبدیل ندارد می‌توانید عملیات بایند را عادی بنویسید:

```
<RadioButton GroupName="Gender" IsChecked="{Binding Gender}" Name="RdoMale" >Male</RadioButton>
```

این کد می‌تواند برای تمامی وضعیت‌های دو مقداری چون جنسیت و وضعیت تاهل و ... هم به کار برود. ولی حالا سناریویی را تصور کنید که که مقادیر از دو تا بیشتر شود؛ مثل وضعیت تحصیلی، دسترسی‌ها و غیره که این‌ها نیاز به داده‌های شمارشی چون Enumها دارند. روند کار دقیقا مانند بالاست:

هر کنترل مقداری از یک enum را می‌پذیرد که می‌تواند آن مقدار را با استفاده از پارامتر، به تابع مبدل ارسال کند و سپس تابع چک می‌کند که آیا چنین مقداری در enum مدنظر یافت می‌شود یا خیر؛ این کد الان کار می‌کند و واقعا هم کد درستی است و هیچ مشکلی هم ندارد. ولی برای یک لحظه تصور کنید پنجره شما شامل چهار خصوصیت enum دار است. یعنی الان باید 4 تابع مبدل بنویسید. پس باید کد را بازنویسی کنیم تا به هر enum که مدنظر است پاسخ دهد؛ به این ترتیب تنها یک تابع مبدل می‌نویسیم.

جهت یادآوری نگاهی به کلاس برنامه می‌اندازیم:

```
public enum FieldOfWork
{
    Actor=0,
    Director=1,
    Producer=2
}
public class Person : INotifyPropertyChanged
{
    public bool Gender { get; set; }
    public string ImageName { get; set; }
    public string Country { get; set; }
    public DateTime Date { get; set; }
    public FieldOfWork FieldOfWork { get; set; }
    private string _name;
    public string Name
    {
        get { return _name; }
        set
        {
            _name = value;
            OnPropertyChanged();
        }
    }
}
```

فعلا IList را از پراپرتی FieldOfWork بر میداریم تا این سناریو باشد که تنها یک Enum قابل انتخاب است:

```
public FieldOfWork FieldOfWork { get; set; }
```

بعدا حالت قبلی را بررسی میکنیم.

کد کلاس مبدل را به صورت زیر می‌نویسیم:

```

using System;
using System.Collections.Generic;
using System.Globalization;
using System.Linq;
using System.Text;
using System.Threading.Tasks;
using System.Windows;
using System.Windows.Data;

namespace test.ValueConverters
{
    public class EnumConverter : IValueConverter
    {
        public object Convert(object value, Type targetType, object parameter, CultureInfo culture)
        {
            var ParameterString = parameter as string;
            if (ParameterString == null)
                return DependencyProperty.UnsetValue;

            if (Enum.IsDefined(value.GetType(), value) == false)
                return DependencyProperty.UnsetValue;

            object paramvalue = Enum.Parse(value.GetType(), ParameterString);
            return paramvalue.Equals(value);
        }

        public object ConvertBack(object value, Type targetType, object parameter, CultureInfo culture)
        {
            throw new NotImplementedException();
        }
    }
}

```

در مرحله اول مثل کد قبلی بررسی می‌شود که آیا پارامتری ارسال شده است یا خیر. در مرحله دوم بررسی می‌شود که نوع داده مقدار پراپرتی چیست یعنی چه Enum ایی مورد استفاده قرار گرفته است. اگر در Enum مقداری که در پارامتر به آن ذکر شده است وجود نداشته باشد، بهتر هست که کار در همین جا به پایان برسد؛ زیرا که یک پارامتر اشتباهی ارسال شده است و چنین مقداری در Enum وجود ندارد. در غیر اینصورت کار ادامه می‌یابد و پارامتر را به enum تبدیل کرده و با مقدار مقایسه می‌کنیم. اگر برابر باشند نتیجه true را باز می‌گردانیم.

کد قسمت ریسورس را با کلاس جدید به روز می‌کنیم:

```

<Window.Resources>
    <valueConverters:GenderConverter x:Key="GenderConverter"/>
    <valueConverters:EnumConverter x:Key="EnumConverter"/></valueConverters:EnumConverter>
</Window.Resources>

```

کد چک باکس‌ها هم به شکل زیر تغییر می‌یابد:

```

<CheckBox Name="ChkActor" IsChecked="{Binding FieldOfWork, Converter={StaticResource EnumConverter},
ConverterParameter=Actor}" >Actor/Actress</CheckBox>
    <CheckBox Name="ChkDirector" IsChecked="{Binding FieldOfWork, Converter={StaticResource
EnumConverter}, ConverterParameter=Director}" >Director</CheckBox>
    <CheckBox Name="ChkProducer" IsChecked="{Binding FieldOfWork, Converter={StaticResource
EnumConverter}, ConverterParameter=Producer}" >Producer</CheckBox>

```

کلاس GetPerson که منبع داده ما را فراهم می‌کند هم به شکل زیر است:

```

public static Person GetPerson()
{
    return new Person()
    {
        Name = "Leo",
        Gender = true,
        ImageName = "man.jpg",
        Country = "Italy",
        FieldOfWork = test.FieldOfWork.Actor,
        Date = DateTime.Now.AddDays(-3)
    }
}

```

```
    };
}
```

برنامه را اجرا کنید تا نتیجه کار را ببینید. باید چک بکس Actor تیک خورده باشد. میتوانید منبع داده را تغییر داده تا نتیجه کار را ببینید.

بگذارید فیلد FieldOfWork را به حالت قبلی یعنی IList برگردانیم. در بسیاری از اوقات ما چند گزینه از یک Enum را انتخاب می‌کنیم، مثل داشتن چند سطح دسترسی یا چند سمت کاری و ...

کلاس را به همراه کد GetPerson به شکل زیر تغییر می‌دهیم:

```
public enum FieldOfWork
{
    Actor=0,
    Director=1,
    Producer=2
}
public class Person : INotifyPropertyChanged
{
    public bool Gender { get; set; }
    public string ImageName { get; set; }
    public string Country { get; set; }
    public DateTime Date { get; set; }
    public IList<FieldOfWork> FieldOfWork { get; set; }

    private string _name;
    public string Name
    {
        get { return _name; }
        set
        {
            _name = value;
            OnPropertyChanged();
        }
    }

    public static Person GetPerson()
    {
        return new Person
        {
            Name = "Leo",
            Gender = true,
            ImageName = "man.jpg",
            Country = "Italy",
            FieldOfWork = new FieldOfWork[] { test.FieldOfWork.Actor, test.FieldOfWork.Producer },
            Date = DateTime.Now.AddDays(-3)
        };
    }
}
```

دو Enum بازیگر و تهیه کننده را انتخاب کرده‌ایم، پس در زمان اجرا باید این دو گزینه انتخاب شوند. کد مبدل را به صورت زیر می‌نویسیم:

```
using System;
using System.Collections;
using System.Collections.Generic;
using System.Globalization;
using System.Linq;
using System.Text;
using System.Threading.Tasks;
using System.Windows;
using System.Windows.Data;

namespace test.ValueConverters
{
    public class EnumList : IValueConverter
```

```

{
    public object Convert(object value, Type targetType, object parameter, CultureInfo culture)
    {
        var ParameterString = parameter as string;
        if (ParameterString == null)
            return DependencyProperty.UnsetValue;

        var enumlist= (IList) value;

        if(enumlist==null && enumlist.Count<1)
            return DependencyProperty.UnsetValue;

        if (Enum.IsDefined(enumlist[0].GetType(), ParameterString) == false)
            return DependencyProperty.UnsetValue;

        /*
        foreach (var item in enumlist)
        {
            object paramvalue = Enum.Parse(item.GetType(), ParameterString);
            bool result = item.Equals(paramvalue);
            if (result)
                return true;
        }
        return false;
        */
        return (from object item in enumlist let paramvalue = Enum.Parse(item.GetType(),
ParameterString) select item.Equals(paramvalue)).Any(result => result);
    }

    public object ConvertBack(object value, Type targetType, object parameter, CultureInfo culture)
    {
        throw new NotImplementedException();
    }
}

```

مقدار پراپرتی را به نوع IList تبدیل می‌کنید و اگر لیست معتبر بود، برنامه را ادامه می‌دهیم؛ در غیر اینصورت تابع خاتمه می‌یابد. بعد از اینکه صحت وجود لیست اعلام شد، بررسی می‌کنیم آیا Enum چنین مقداری که پارامتر ذکر کرده است را دارد یا یک پارامتر اشتباهی است.

در حلقه‌ای که به شکل توضیح درآمده، همه آیتم‌های مربوطه در لیست را بررسی کرده و اگر آیتی برابر پارامتر باشد، True بر میگرداند و در صورتی که حلقه به اتمام برسد و آیت پیدا نشود، مقدار False را برمی‌گرداند. این حلقه از آن جهت به شکل توضیح درآمده است که کد Linq آن در زیر نوشته شده است.

تعریف کلاس بالا در ریسورس:

```

<Window.Resources>
    <valueConverters:GenderConverter x:Key="GenderConverter"/>
    <valueConverters:EnumConverter x:Key="EnumConverter"></valueConverters:EnumConverter>
    <valueConverters:EnumList x:Key="EnumList"></valueConverters:EnumList>
</Window.Resources>

```

و تغییر کلید ریسورس در خطوط چک باکس ها، باقی موارد همانند قبل ثابت هستند:

```

<CheckBox Name="ChkActor" IsChecked="{Binding FieldOfWork, Converter={StaticResource EnumList},
ConverterParameter=Actor}" >Actor/Actress</CheckBox>
    <CheckBox Name="ChkDirector" IsChecked="{Binding FieldOfWork, Converter={StaticResource
EnumList}, ConverterParameter=Director}" >Director</CheckBox>
    <CheckBox Name="ChkProducer" IsChecked="{Binding FieldOfWork, Converter={StaticResource
EnumList}, ConverterParameter=Producer}" >Producer</CheckBox>

```

نتیجه‌ی کار باید به شکل زیر باشد:

فیلد جنسیت و زمینه کاری از تابع مبدل به دست آمده است.

Name

Gender ☒ Male ☐ Female

Field Of Work ☒ Actor/Actress ☐ Director ☒ Producer



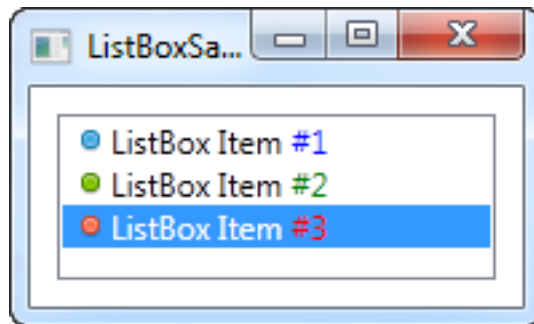
بدیهی است خروجی‌های بالا برای کنترل هایی است که مقدار Boolean را می‌پذیرند و برای سایر کنترل‌ها باید با کمی تغییر در کد و نوع برگشتی که تحویل خروجی متد مبدل می‌شود، دهید.

[دانلود فایل‌های این قسمت](#)

در [قسمت قبلی](#) با مبدل‌ها آشنا شدیم و با استفاده از این ویژگی، دو کنترل CheckBox و Radio Button را باید کردیم. الان تنها دو کنترل مانده تا آن‌ها را متصل کنیم؛ کنترل ListBox و تقویم، که در این قسمت لیست را بررسی می‌کنیم.

ListBox

در مورد لیست، ما قبلاً نام کشورها را با استفاده از تگ ListBoxItem به طور دستی اضافه می‌کردیم و هر گونه ویرایش و اضافه کردن عکس و دیگر اشیاء را داخل این تگ برای هر آیتم جداگانه انجام می‌دادیم؛ مثل تصویر زیر که هر آیتم شامل یک تگ تصویر و دو تگ TextBlock است که یکی از آن‌ها رنگی شده است. کد هر آیتم به طور جداگانه و دستی اضافه شده است.



ولی در روش بایندینگ چنین چیزی ممکن نیست و تنها با استفاده از یک Template موارد بالا را ایجاد می‌کنیم. پس محتویات سابق ListBox را حذف کرده و تگهای زیر را جهت افزودن یک قالب داده Data Template به شیء لیست اضافه می‌کنیم. حال اگر داده‌های لیست شده خود را روانه DataContext کنید باید این اطلاعات نمایش داده شوند.

```
<ListBox Grid.Row="3" Name="MyListBox" Grid.Column="1" Margin="10" Height="80" >
    <ListBox.ItemTemplate>
        <DataTemplate>
            <WrapPanel>
                <Image Width="24" Height="24" Source="{Binding Flag}"></Image>
                <TextBlock Padding="5 5 0 0" Text="{Binding Name}"></TextBlock>
            </WrapPanel>
        </DataTemplate>
    </ListBox.ItemTemplate>
</ListBox>
```

در برنامه ما مشکلی که هست، کد بالا جهت اتصال به DataContext ای است که قبلاً پر شده است (DataContext کل View اصلی یا والد تمامی اشیاء مشتق از آن). حتماً به یاد دارید که ما این شیء را با مدل یک رکورد ذخیره شده (مدل Person) در منبع داده‌ها پر کرده بودیم. پس استفاده از این روش در حال حاضر منتفی است. ممکن است شما در طول ساخت یک پنجره چندین و چند جا نیاز به منابع داده مختلفی داشته باشید ولی عموماً DataContext با یک مدل جهت نمایش یا ذخیره یک رکورد باید شده است. پس چکار کنیم؟

ارائه این نکته ضروری است که همه اشیاء خصوصیت DataContext را دارند و ما در مثال قبلی DataContext ریشه یا والد اشیاء را پر کردیم. اگر مقاله "[ساختار سلسله مراتبی](#)" را به یاد بیاورید، گفتیم که هر شیء در صورتیکه خصوصیت وابسته‌ای برایش تعریف نشده باشد، به سمت اشیاء والد حرکت می‌کند، به این جهت بود که همه‌ی کنترل‌ها به منبع داده‌ها دسترسی داشتند. پس

ما اگر DataContext لیست را پر کنیم، لیست دلیلی برای دسترسی به DataContext اشیاء والد ندارد و خصوصیت پر شده‌ی خودش را در نظر می‌گیرد. پس بیایید این مورد را امتحان کنیم:

من کلاس زیر را جهت ارسال لیستی از کشورها به همراه آدرس پرچمشان، بر می‌گردانم:

دلیل استفاده از کلاس ObservableCollection در کد زیر به جای استفاده از اشیا‌یی چون IList و ... این بود که این کلاس به اینترفیس‌هایی چون INotifyPropertyChanged مزین گشته و هر گونه تغییری در این مجموعه، از قبیل حذف و اضافه را اطلاع رسانی کرده و مدل تغییر یافته را به سمت ویو هدایت می‌کند.

```
using System.Collections.ObjectModel;

namespace test
{
    public class Country
    {
        public string Flag {
            get { return "Images/flags/" + Name + ".png"; }
        }
        public string Name { get; set; }

        public int Id { get; set; }

        public ObservableCollection<Country> GetCountries()
        {
            var countries = new ObservableCollection<Country>();
            countries.Add(new Country(){Id =1,Name = "Afghanistan"});
            countries.Add(new Country() { Id = 2, Name = "Albania" });
            countries.Add(new Country() { Id = 3, Name = "Angola" });

            countries.Add(new Country() { Id = 4, Name = "Bahrain" });
            countries.Add(new Country() { Id = 5, Name = "Bermuda" });
            countries.Add(new Country() { Id =6, Name = "Iran" });

            return countries;
        }
    }
}
```

برنامه را اجرا کرده و انتظار داریم که بتوانیم لیست پر شده‌ای از داده‌ها را ببینیم؛ ولی در کمال تعجب لیست خالی است. خطایی هم برگردانده نمی‌شود.

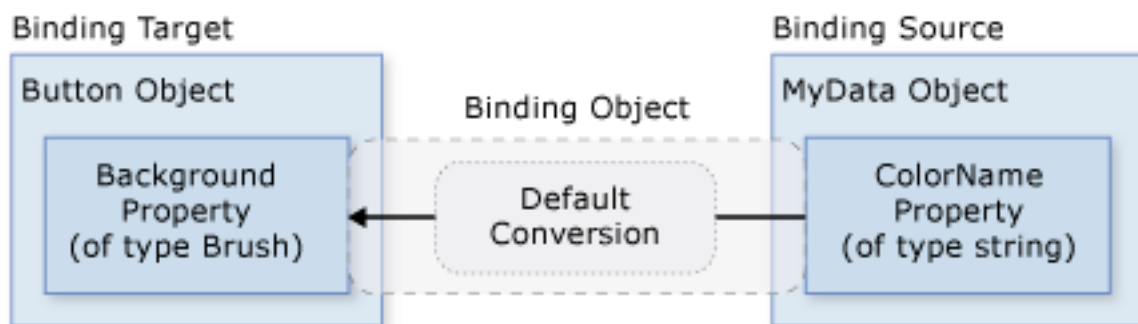
دلیل این مشکل این است که DataContext برای نمایش یک Object تهیه شده است و در مورد داده‌های لیستی باید از خصوصیتی به نام ItemsSource استفاده کرد که برای داده‌های لیستی IEnumerable، بهینه شده است. پس به این ترتیب می‌نویسیم :

```
public MainWindow()
{
    InitializeComponent();
    person = Person.GetPerson();
    DataContext = person;

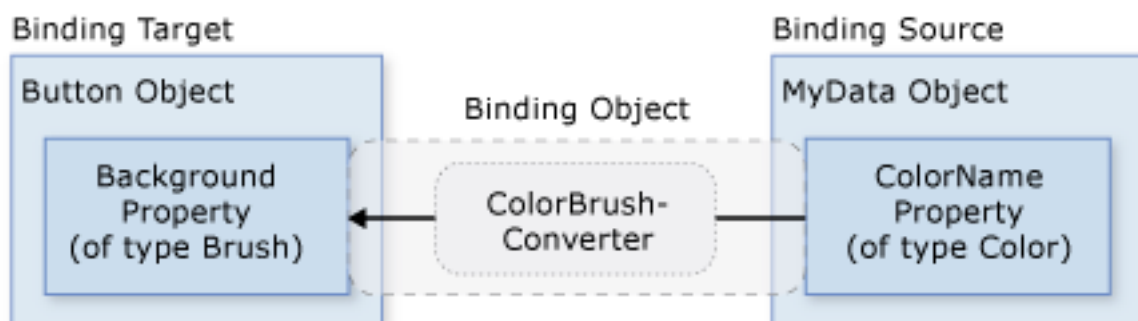
    //خط جدید
    MyListBox.ItemsSource = new Country().GetCountries();
}
```

حال برنامه را اجرا کرده تا نتیجه را مشاهده کنید.

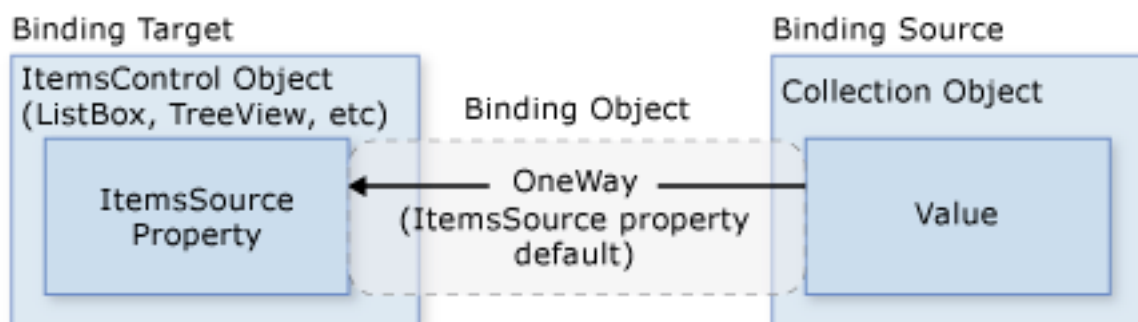
شکل‌های زیر یک نمودار از ارتباط با Object برای واکنشی داده هاست:



شکل زیر همان نمودار بالا را ترسیم میکند ولی دیگر از مبدل پیش فرض WPF خبری نیست و مبدل اختصاصی به اسم `ColorBrush` جایگزین آن شده است:



نمودار زیر هم دسترسی به مجموعه ای از داده‌های لیستی است که از طریق `ItemsSource` خوانده می‌شوند:



کد زیر همچنین برای اتصال به کار می‌رود:

```
public MainWindow()
{
    InitializeComponent();
    person = Person.GetPerson();
    DataContext = person;

    // خط جدید
    MyListBox.DataContext = new Country().GetCountries();
    MyListBox.SetBinding(ItemsControl.ItemsSourceProperty, new Binding());
}
```


روش بالا اتصال را برقرار می‌کند ولی من توصیه‌چندانی در استفاده از آن نمی‌کنم. آزاد گذاشتن DataContext یک لیست، یک مزیت هم دارد و آن این است که خارج از تگ Itemها یعنی همان تگ لیست، موقعی که از بایندینگ استفاده می‌کنید، در واقع از DataContext کمک گرفته می‌شود؛ چون خود ListBox یک آیتم نیست که بخواهد با آیتمی در یک لیست سر و کله بزند. بلکه می‌تواند به راحتی به یک شیء، خود را بایند کند؛ مثال زیر نمونه‌ای از آن است.

پی نوشت : روش‌های دیگر بایند کردن همچون استفاده از منابع یا ریسورس‌ها یا استفاده از ViewModelها هم هستند که در آینده در مورد آنها بیشتر صحبت خواهیم کرد.

حال که توانستیم لیست را پر کنیم باید کشوری را که در رکورد واکنشی شده آمده است، در لیست انتخاب کنیم. توجه داشته باشید که باید لیست را از طریق خصوصیت ItemsSource پر کرده باشید و DataContext را دستکاری نکرده باشید. خصوصیت Country در کلاس Person می‌تواند به دو صورت زیر باشد:

```
public int Country { get; set; }
public Country Country { get; set; }
```

که در هر دو حال از خصوصیت SelectedValue شیء ListBox استفاده می‌شود. هر دو خط زیر به ترتیب برای استفاده از مقادیر بالا به کار می‌روند:

```
<ListBox Grid.Row="3" Name="MyListBox" Grid.Column="1" Margin="10" Height="80" SelectedValuePath="Id"
SelectedValue="{Binding Country}" >
<ListBox Grid.Row="3" Name="MyListBox" Grid.Column="1" Margin="10" Height="80" SelectedValuePath="Id"
SelectedValue="{Binding Country.Id}" >
```

خصوصیت SelectedValuePath برای مشخص کردن اینکه کدام فیلد را باید در آیتم‌های لیست، جست و جو کند به کار می‌رود که ما در اینجا فیلد Id را که در کلاس Country قرار دارد، معرفی کرده‌ایم.

خصوصیت‌های دیگر یک شیء لیستی چون ListBox و ComboBox و ... SelectedIndex است که اندیس یک آیتم انتخابی را بازگردانده یا جهت انتخاب یک آیتم، اندیس آن را دریافت می‌کند. SelectedItem و SelectedItems هم شیء یا شیء‌هایی از مدل را (در اینجا Country) که در لیست انتخاب شده‌اند، بر می‌گرداند (فقط خواندنی).

نتیجه اینکه اگر روش بالا با دستکاری DataContext انجام می‌گرفت دیگر استفاده از فیلد Country در مدل Peron ممکن نبود.